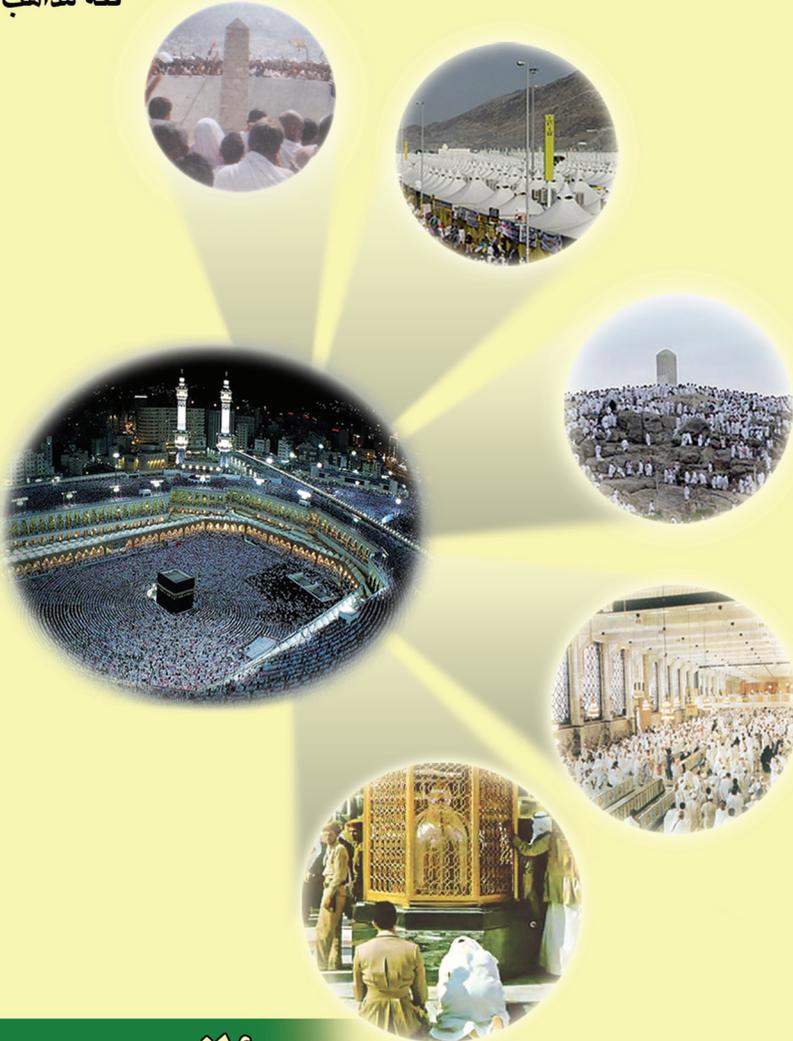


# فلسفه و احکام حج و عمره

فقه مذاهب اسلامی



مؤلف: محمد برفی



مؤلف: محمد برفی

فلسفه و احکام حج و عمره



مهمترین فلسفه حج همان دگرگونی اخلاقی در روابط اجتماعی است که در انسان ها به وجود می آورد، مراسم احرام انسان را به کلی از تمنیات مادی و امتیازات ظاهری دور داشته و با تحریم لذایذ و پرداختن به خودسازی که ازوظایف محرم است او را از جهان ماده جدا کرده و در عالمی از نور و صفا فرو می برد و رابطه او را با همنوئانش و طبیعت سازنده تر و روح برادری و برابری را بر انسان حاکم می گرداند.

بر خلاف سایر عبادات که برای لحظه یا ساعاتی از روز انسان خدا را در زندگی احساس می کند و با انجام آن عمل عبادی شخصیت آشنا پیدا می کند و با زبان بی زبانی اعلام می دارد که خدایا فراموشت نکردم و در زندگیم حضور داری و درکنار شما شخصیت آشنائی دارم لذا کار دست خود نخواهم داد و پا از حدود و قوانین و هنجارهای انسانی فراتر نخواهم گذاشت، در مراسم حج دامنه حضور گسترده تر شده و تجلی حضور الهی در انسان کامل می گردد و نه تنها چند ساعت بلکه چند روز آن هم در ابعاد وسیع تر تسلیم پروردگار شده و در سایه چنین حضور و اتصالی است که رابطه انسان باخودش، همنوئان و طبیعتی که در آن زیست می کند سازنده تر می گردد.

ISBN: 978-964-2520-86-2



9 789642 520862

تهران: ۰۹۱۲۶۲۲۰۶۶۲



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فلسفه و احکام حج و عمره

محمد برفی

سرشناسه : برفی، محمد، ۱۳۴۷ -  
عنوان و نام پدیدآور : فلسفه و احکام حج و عمره / محمد برفی.  
وضعیت ویراست : ویراست ۴.  
مشخصات نشر : تهران: محراب فکر، ۱۳۹۷  
مشخصات ظاهری : ۳۸۴ ص. : مصور (بخشی رنگی)  
شابک : ۳۰۰۰۰ ریال ۲-۸۶-۲۵۲۰-۹۶۴-۹۷۸  
وضعیت فهرست نویسی : فیبا  
یادداشت : کتابنامه  
موضوع : حج.  
موضوع : Hajj\*  
موضوع : حج عمره  
موضوع : Hajj omra\*  
رده بندی کنگره : ۱۳۹۷ف۸۳۶۵ب/۸/۱۸۸BP  
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۷  
شماره کتابشناسی ملی : ۵۱۴۶۴۳۴



## فلسفه و احکام حج و عمره

---

مؤلف: محمد برفی  
ناشر: انتشارات محراب فکر  
تلفن: ۰۹۱۲۶۲۲۰۶۶۲  
نوبت چاپ: چهارم - ۱۴۰۲  
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد  
چاپ: گلرو  
شابک: ۲-۸۶-۲۵۲۰-۹۶۴-۹۷۸  
قیمت: ۱۸۵.۰۰۰ تومان  
حق چاپ محفوظ است.

## فهرست مطالب

صفحه	عناوین
۷	تقریظات
۱۳	مقدمه چاپ چهارم
۱۶	مقدمه چاپ دوم
۱۷	مقدمه
۲۱	<b>فصل اول: فلسفه و اسرار حج و عمره</b>
۳۲	فلسفه حج از دیدگاه اهل عرفان
۴۲	بعد فرهنگی حج
۴۲	بعد سیاسی حج
۴۴	بعد اخلاقی حج
۴۵	بعد اقتصادی حج
۴۷	پیوند مناسک حج با خاطره مجاهدات ابراهیم(ع)
۴۹	ادعیه ابراهیم و اسماعیل(ع)
۵۴	فلسفه وجوب حج و آن هم یک بار در طول عمر انسان
۵۸	فلسفه استطاعت و توانایی
۵۹	فلسفه مکانی حج
۶۱	فلسفه انواع حج
۶۵	فلسفه عقوبت ترک حج
۶۷	فلسفه و اسرار میقات زمانی حج
۷۰	فلسفه میقات مکانی حج
۷۲	فلسفه احرام
۷۵	فلسفه واجبات و فرائض احرام
۷۵	فلسفه جامه احرام
۷۷	فلسفه نیت
۷۸	فلسفه تلبیه
۸۱	فلسفه سنن احرام
۸۲	فلسفه محرمات احرام
۸۷	فلسفه و حکمت کفارات
۸۹	فلسفه و اسرار طواف
۹۳	فلسفه و اسرار استلام حجرالاسود
۹۵	فلسفه و اسرار نماز طواف
۹۷	فلسفه و اسرار سعی بین صفا و مروه

۹۸	..... فلسفه و اسرار وقوف در عرفات
۱۰۴	..... خطبه مهم و تاریخی حجة الوداع
۱۰۸	..... فلسفه و حکمت وقوف در مشعرالحرام
۱۰۹	..... فلسفه و اسرار بیتوته در سرزمین منا
۱۱۵	..... فلسفه و اسرار رمی جمرات
۱۱۶	..... فلسفه و اسرار قربانی
۱۲۰	..... فلسفه و اسرار تراشیدن و کوتاه نمودن سر
۱۲۲	..... فلسفه برائت از مشرکین
۱۲۶	..... فلسفه طواف وداع

## ۱۲۷ فصل دوم: راهنمای عملی حج تمتع

۱۲۹	..... رهنمودهای پیش از سفر
۱۳۱	..... رهنمودهای حین سفر

## ۱۳۹ فصل سوم: تاریخچه و راهنمای اماکن مقدس مکه و مدینه

۱۴۱	..... مکه مکرمه
۱۴۱	..... نخستین خانه بر روی زمین
۱۴۲	..... فضائل مکه مکرمه، کعبه و مسجدالحرام
۱۴۸	..... سیر توسعه کعبه و مسجدالحرام
۱۵۱	..... اجزای مسجد الحرام
۱۵۵	..... مساجد و آثار مقدس تاریخی مکه
۱۶۳	..... مدینه منوره
۱۶۶	..... مسجد النبی(ص)
۱۶۹	..... ستون های تاریخی مسجدالنبی(ص)
۱۷۱	..... سایر مساجد تاریخی مدینه منوره
۱۷۷	..... قبرستان بقیع
۱۸۰	..... احد

## ۱۸۳ فصل چهارم: احکام و مناسک

۱۸۵	..... شرایط وجوب حج
۱۸۷	..... حج و انواع آن
۱۹۲	..... عمره و اقسام آن
۱۹۶	..... <u>بخش اول: اعمال عمره مفرده و تمتع</u>
۱۹۷	..... ۱- احرام
۱۹۸	..... - میقات مکانی

۲۰۶	.....	- محرمات احرام
۲۱۰	.....	- مباحت احرام
۲۱۳	.....	- مکروهات حج
۲۱۴	.....	۲- طواف
۲۱۸	.....	- انواع طواف
۲۲۰	.....	- جدول شروط، واجبات و سنن طواف
۲۲۱	.....	۳- نماز طواف
۲۲۲	.....	۴- سعی بین صفا و مروه
۲۲۵	.....	۵- حلق یا تقصیر
۲۲۹	.....	جدول ارکان و واجبات عمره
۲۳۰	.....	احکام مربوط به حرم
۲۳۲		<b><u>بخش دوم: اعمال حج تمتع</u></b>
۲۳۴	.....	۱- احرام
۲۳۴	.....	۲- بیتوته در منی
۲۳۵	.....	۳- وقوف در عرفات
۲۳۷	.....	۴- وقوف در مزدلفه
۲۳۹	.....	۵- رمی جمره عقبه
۲۴۱	.....	۶- قربانی (هدی شکرانه)
۲۴۳	.....	۷- حلق یا تقصیر
۲۴۵	.....	۸- طواف زیارت یا طواف الافاضه
۲۴۸	.....	۹- نماز طواف
۲۴۹	.....	۱۰- سعی بین صفا و مروه
۲۴۹	.....	۱۱- بیتوته در منی
۲۵۱	.....	۱۲- رمی جمرات سه گانه
۲۵۴	.....	۱۳- طواف وداع
۲۵۵	.....	جدول ارکان و فرائض حج
۲۵۶	.....	جدول واجبات حج
۲۵۷		<b><u>بخش سوم: جنایات</u></b>
۲۵۷	.....	جنایات
۲۷۰	.....	جرائم طواف
۲۷۳	.....	جرائم سعی
۲۷۴	.....	جرائم وقوف در عرفات و مزدلفه
۲۷۷	.....	جدول محرمات احرام و آنچه بر ترک آن لازم می آید
۲۷۸		<b><u>بخش چهارم: احکام متفرقه حج و عمره</u></b>
۲۷۸	.....	احصار
۲۷۹	.....	فوات

۲۸۰	اطفال و کودکان
۲۸۰	بیماران
۲۸۱	زنان و بانوان
۲۸۳	حج یا عمره نیابتی
۲۸۶	زیارت مدینه منوره
۲۹۰	جدول خلاصه احکام عمره مطابق با مذاهب اسلامی
۲۹۱	جدول خلاصه احکام حج مطابق با مذاهب اسلامی

### فصل پنجم: اذکار و ادعیه حج و عمره

۲۹۳	کیفیت نیت عمره و حج
۲۹۵	دعای ورود به مکه مکرمه
۲۹۶	دعای ورود به مسجدالحرام
۲۹۷	ادعیه طواف
۲۹۸	دعای ملتزم
۳۰۶	دعای مقام ابراهیم(ع)
۳۰۷	دعای حجر اسماعیل(ع)
۳۰۸	دعای ورود به صفا
۳۰۹	ادعیه سعی بین صفا و مروه
۳۱۰	دعای پایان سعی
۳۱۷	دعای عرفه
۳۱۹	دعای مزدلفه (مشعرالحرام)
۳۲۹	دعای ورود به منی
۳۳۲	دعای ورود به جمره عقبه
۳۳۵	دعای رمی جمرات
۳۳۵	دعای طواف وداع
۳۳۶	دعای ورود به مدینه منوره
۳۳۸	دعای زیارت قبر حضرت رسول(ص)
۳۳۹	زیارت ابوبکر صدیق(رض)
۳۴۲	زیارت عمر فاروق(رض)
۳۴۳	زیارت بقیع
۳۴۳	وداع با رسول خدا
۳۴۴	فرهنگ لغات و اصطلاحات حج
۳۴۵	فهرست منابع
۳۶۵	تصاویر و نقشه ها
۳۶۹	

## متن تقریظ جناب آیت الله تسخیری (دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی)

بِسْمِ اللَّهِ تَعَالَى



بیوسته:

تاریخ:

شماره:

الهدى... رب العالمين والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين

تألیف کتب فقه مقارن توسط اندیشمندان مذاهب اسلامی به پیروان مذاهب این امکان را می‌دهد تا ضمن آگاهی از فتاوی مختلف مذاهب به فریضه خود بهتر عمل کنند.  
مؤلف کتاب جناب آقای محمد برقی با اندیشه تقریبی کوشیده است همچون سایر تألیفات خویش به این مهم دست یابد.  
وحدت هر چه بیشتر امت اسلامی در برابر توطئه‌های دشمنان اسلام را از خداوند متعال مسألت می‌نمایم.

محمد علی تسخیری

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی



متن تقریظ جناب آقای مولوی نذیر احمد سلامی (نماینده مجلس خبرگان از بلوچستان)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

زیارت خانه خدا در ایران کنایه از تمام عبادت‌هاست. بدین معنی است - حج به لحاظ تعبیری در مفهوم ستاره و نماد است. ستاره هم گویا از امور اخلاقی، سیاسی، موهبتی و اخلاقی تاریخی و عرفانی را در خود گنجانده است - این اجزا سازنده و برگزیده آن حج به همان اندازه و جایز اهمیت هستند تا انسان به همان میزان در معرفت، بلای نهیمی و تکریم خود آید - در مجموع معرفت قریب با انسان را از آن خانه خدا به انجام رسم و عبادت ظاهر و باطن مناسک احکام الهیه و غیره آید. اما حج لازم و مفاییت خداوند به ابداء اخلاقی، مصلحتی، اخلاقی، عرفانی، تاریخی، موهبتی و سیاسی حج نذرند - اینها منکدرین از احکام این کتب علم و سائنس است - اسلام تحمل و گنجی در رفتار و روش پیش خودی مصلحت ناپذیرین و چون کسی آید که سبقت بر او رود -

در مورد احکام حج نکند طایفه یهود و مسلمانان تا کسی ملحق و موجب اهل سنت نوشته و یا ترجمه نکرده است. هیچکدام از این نوشته‌ها که می‌سوزیند و در این جزوه ابداع و یا تجدید از طرف کاتب این کتب علم در این نوشته‌ها تحقیق یافته و در طلب این نوشته‌ها که بداند برادران خود است -

کتاب حاضر مکتب عنوان "مفاهیم احکام حج و عمره" نوشته‌ای است که توسط برادر عزیز و دانشمند سران جناب آقای محمدرضا خان نوشته شده است - این نوشته تا حد زیادی مطالب مربوط به زیارت خانه خدا را در مکتب گذشته مورد توجه و در بیان معانی و مفاهیم آن است - توضیح نموده و طرف تمام آن در جامعیت آن سعی و تلاش شرافت‌آفرین کرده است - تمام جنبه‌ها اخلاقی، عرفانی، اخلاقی، سیاسی، موهبتی و پیشگی تاریخی احکام و کلمات در نوشته مورد کشف و تکرار داده

علاوه بر ترجمه و تفسیر آگاهی، سایر نیازهای معنوی یک زائر واقعی را تأمین می‌نماید -

از آنجا که معیار در مملکت قبولی هر عبادت به ابداء اخلاقی است و در مکتب اینها آن است که در مکتب انجام عبادت خود در مکتب علم و آگاهی دارد، و در واقع اینها نیز در مکتب علم و مکتب تفهیم و آگاهی است - برای این قلمرو که در اسلام دارد و در آنجا که این نوع کتاب حاضر استفاده نموده در مکتب در مکتب مکتب خود و سایر امور آن بر او مکتوبی در احوال خود برین -

وینتی بود که در این نوشته در مورد این است که به سبب مذهب اسلام اهل سنت و شیعه در مکتب همین حاله در مورد ولادت احکام و مفاهیم آن در این مکتب و ولادت در آن جزوه در مکتب مفاهیم مکتوب -

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
 کَلِمَةُ اَبِرَاحَانَ خَاتَمَةَ خَدَا -  
 نذیر احمد سلامی  
 ۸۷۱۳۳۰

## بسم الله الرحمن الرحيم

زیارت خانه خدا از ارکان مهم و از جمله عبادات بدنی و مالی است. حج به لحاظ تئوری و مفهوم علاوه بر عبادات مسائل مهم دیگری از امور اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اخلاقی تاریخی و عرفانی را در خود گنجانده است. این ابعاد سازنده و گوناگون حج به همان اندازه که حائز اهمیت هستند، متأسفانه به همان میزان مورد غفلت و بی توجهی قرار گرفته اند در نتیجه اکثریت قریب به اتفاق زائران خانه خدا به انجام رسوم و ضوابط ظاهری مناسک و احکام اکتفاء نموده، آگاهی لازم و عنایت چندانی به ابعاد اجتماعی، فلسفی، اخلاقی، عرفانی، تاریخی، فرهنگی، و سیاسی حج ندارند. اینجاست که پس از انجام این رکن عظیم و سازنده اسلام تحول چشمگیری در رفتار، روش و منش، خوی و خصلت زائرین محترم بوجود نمی آید مگر به ندرت و موردی.

در مورد احکام حج کتابهای ریز و درشتی در زبان فارسی طبق مذهب اهل سنت نوشته و یا ترجمه شده است. هر چند که این نوع نوشتارها بی سود نیستند ولی با این وجود ابعاد بسیار مفید و ارزنده ای از این رکن عظیم دین هنوز تشنه تحقیق مانده که در اغلب این نوشتارها بدان پرداخته نشده است.

کتاب حاضر تحت عنوان «فلسفه و احکام حج و عمره» نوشتاری است که توسط برادر ارجمند و دانشمند گرامی جناب آقای محمد برفی نگاشته شده است. این نوشتار تا حد زیادی مطالب مربوط به زیارت خانه خدا را که در کتب گذشته فرو گذاشته شده و بدانها پرداخته نشده است، توجه نموده و مولف محترم آن در جامعیت آن سعی و تلاش فراوانی را به خرج داده است. تمام جنبه های اجتماعی، عرفانی، اخلاقی، سیاسی، فرهنگی و پیشینه تاریخی احکام و اماکن مقدسه را مورد کنکاش قرار داده علاوه بر فراهم نمودن آگاهی، سایر نیازهای معنوی یک زائر واقعی را تأمین نموده است.

از آنجا که معیار و ملاک قبولی هر عبادت بعد از اخلاص صحت و درستی انجام آن است و صحت انجام صد در صد بستگی به علم و آگاهی دارد، به روحانیون محترم کاروانهای حج و عمره حتی به زائرین محترمی که سواد لازم را دارند توصیه می شود از این نوع کتابها استفاده نموده در جهت درستی و صحت مناسک خود و سایر همراهان بهره معنوی و اجر اخروی ببرند.

ویژگی برجسته ای که این نوشتار دارد این است که به مسائل مذاهب اربعه اهل سنت بطور مفصل و به مذهب جعفری اجمالاً و در مواردی که احکام متفاوت اند پرداخته است و لذا پیروان ۵ مذهب می توانند از این نوشتار استفاده کنند. خداوند به مؤلف آن جزای خیر و اجر جزیل عنایت بفرماید.

به امید قبولی طاعات و عبادات کلیه زائران خانه خدا - نذیر احمد سلامی - ۸۷/۱۰/۳۰



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال عليه السلام: من يُرد الله به خيراً يُفقههُ في الدين

احکام و مسائلی که جناب مستطاب آقای محمد برفی دامت توفیقاته با ایمان راسخ و ذهن ثاقب و تتبع صادق و شامل، در رساله فلسفه و احکام حج و عمره گنجانده است عصاره و خلاصه ای است از اقوال و دراسات فقها و اندیشمندان اسلامی «رضی الله عنهم اجمعین» در باب احکام و مناسک حج کتب زیادی به رشته تحریر درآمده است و هر یک از مولفین کوشیده اند اسرار و برکات و احکام این فریضه الهی را مشروحاً و مستدل بیان فرمایند و سالکین و قاصدین دیار نور و هدایت - حرمین شریفین - را بر راه مستقیم راه کلام الله مجید و سنت قولی و عملی حضرت رسول خاتم و سید و ولد آدم محمد بن عبدالله «صلی الله علیه و آله» قرار دهند، مؤلف کتاب فلسفه و احکام حج و عمره راه این بزرگان را انتخاب فرموده مسائل و احکامی را مطرح نموده که زوآر و حجّاج حرمین شریفین را در ابعاد مختلف و به نحو احسن و اکمل راهنما، و عاشقان و علاقمندان به زیارت مقامات متبرکه در سرزمین وحی را هدایت می کند، از حق جلّ و علا استدعا دارم مؤلف دانشمند و متعهد و خدمتگذار و تمام کسانی که با استفاده از نور کلام الله مجید و سنت و آداب و خلق حضرت رسول امین خاتم الانبیاء و المرسلین علیه و علیهم آلاف الصلاة و التسلیم، خلق خدا را ارشاد و هدایت می فرمایند، مؤید و منصور فرمایند.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین. سوم صفر ۱۴۳۰ برابر ۱۱ بهمن ۱۳۸۷

محمد شیخ الاسلام - مدرس مسجد سید قطب در سندج

متن تقریظ جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر بی آزار شیرازی (رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی)

«بسم الله الرحمن الرحيم»

بخشی وسیعی از کتاب ارزشمند «فلسفه و احکام حج و عمره» نوشته فاضل دانشمند آقای محمد برفی را که به صورت مقارن و تطبیقی به رشته تحریر درآمده است مطالعه کردم بسیار جالب و با قلمی شیوا و قابل استفاده همگان و نشانگر مشترکات فراوان مذاهب پنجگانه اسلامی در مناسک حج و عمره است. امید است این کتاب مورد استفاده زائران بیت الله الحرام قرار گیرد و مسلمانان روز به روز بیشتر به محتوای احکام توجه کنند و به مشترکات بیندیشند و بر وحدت و همبستگی بیفزایند. والسلام



عبدالکریم بی آزار شیرازی

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی

## مقدمه چاپ چهارم

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلَ الْكَعْبَةَ قِبْلَةً لِلْأَنَامِ، وَفَرَضَ الْحَجَّ تَقْوِيَةً  
لِلْإِسْلَامِ وَالصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ خَيْرِ الْأَنَامِ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ الْكِرَامِ وَعَلَى  
مَنْ تَبِعَهُمْ بِإِحْسَانٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامِ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا  
لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلَائِدَ ذَلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا  
فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»<sup>۱</sup>

حج یکی از ارکان پنجگانه دین مبین اسلام است «قال النَّبِيُّ (ص): بُنِيَ  
الإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَإِقَامِ الصَّلَاةِ، وَ  
إِيْتَاءِ الزَّكَاةِ وَحَجِّ الْبَيْتِ وَصَوْمِ رَمَضَانَ.»<sup>۲</sup> که انجام آن بر هر مسلمان توانمندی جهت  
اقامه ذکر و یاد خدا فرض است. قَالَ النَّبِيُّ (ص) «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَدْ فَرَضَ عَلَيْكُمْ  
الْحَجَّ فَحُجُّوا»<sup>۳</sup> و در صورت عدم تحقق حضور خدا با انجام مناسک حج و سایر  
عبادات، چنین عباداتی فاقد ارزش است. عن عائشه (رض) قالت: سَمِعْتُ رَسُولَ  
اللَّهِ (ص) يَقُولُ: «إِنَّمَا جُعِلَ الطَّوْفُ بِالْكَعْبَةِ وَبَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ وَرَمَى الْجِمَارِ لِإِقَامَةِ  
ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ»<sup>۴</sup>

پیامبر اکرم (ص) بعد از ایمان به خدا و جهاد فی سبیل الله، حج مبرور را  
بهترین عمل دانسته «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ (رض) قَالَ: سُئِلَ النَّبِيُّ (ص): أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ؟

۱- سوره مائده، آیه ۹۷. خداوند کعبه (بیت الحرام) را وسیله ای برای استواری و سامان بخشیدن به کار مردم قرار داده و همچنین  
ماه حرام و قربانی های بی نشان و نشان دار را، این گونه احکام (حساب شده و دقیق) به خاطر آن است که بدانید خداوند آن چه  
در آسمانها و آنچه در زمین است را می داند و خداوند به هر چیزی داناست.

۲- صحیح بخاری، حدیث شماره ۸ و وسائل الشیعه حدیث، ۱۵.

۳- صحیح مسلم، حدیث شماره ۱۲۳۷ و مسند احمد ۵۰۸/۲.

۴- سنن ابی داود، حدیث ۱۸۸۸ «طواف خانه کعبه، سعی بین صفا و مروه و رمی جمرات برای بر پا داشتن یاد الله تعالی تعیین

قَالَ: إِيْمَانٌ بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ، قِيلَ ثُمَّ مَاذَا؟ قَالَ: حَجٌّ مَبْرُورٌ<sup>۱</sup> و حج مبرور حجی است که در آن توحید و ذکر خدا محور اصلی است «لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ» لذا هر گونه عبادت قولی مانند ذکر، دعا، یا بدنی مانند طواف، رکوع، و سجود یا مالی مانند صدقه، نذر و ذبح انسان باید برای خدا باشد. لذا ابراهیم(ع) می فرماید: «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ»<sup>۲</sup>

عدم انجام حج، ندامت و پشیمانی پس از مرگ را به دنبال دارد طوری که انسان آرزوی بازگشت به دنیا را می کند تا حج را انجام دهد. عن ابن عباس (رض) عن النبي (ص) قال: «مَنْ كَانَ لَهُ مَالٌ يُبْلَغُهُ حَجَّ بَيْتِ رَبِّهِ أَوْ تَجِبَ عَلَيْهِ فِيهِ الزَّكَاةُ فَلَمْ يَفْعَلْ، يَسْأَلِ الرَّجْعَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ فَقَالَ رَجُلٌ: يَا بَنَ عَبَّاسِ! إِنَّكَ إِتَّقِ اللَّهَ! إِنَّمَا يَسْأَلُ الرَّجْعَةَ الْكُفَّارُ قَالَ: سَأَتُلُوا عَلَيْكَ بِذَلِكَ قُرْآنًا<sup>۳</sup>: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ، وَ أَنْفِقُوا مِن مَّا رَزَقْنَاكُمْ مِن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَ أَكُن مِّنَ الصَّالِحِينَ»<sup>۴</sup>

۱- صحیح بخاری، ۱۳/۱. حدیث ۱۵۱۹. ابوهریره گوید: از پیامبر(ص) سوال شد کدام عمل انسان افضل و بهتر است؟ فرمود:

ایمان به خدا و رسول او. گفتند: سپس چه چیز؟ فرمود: سپس جهاد در راه خدا. سپس چه چیز؟ فرمود: حج مبرور و مقبول.

۲- سوره انعام آیات ۱۶۳-۱۶۲. «بگو نماز و نیایش من و زندگانی و مرگ من در راه خدا پروردگار جهانیان است که شریکی

ندارد و به همین فرمان یافته ام و من نخستین مسلمانانم.»

۳- سنن ترمذی، حدیث شماره ۳۳۱۶.

۴- سوره منافقون، آیات ۹-۱۱. «ای مومنان اموال و اولادتان، شما را از یاد خداوند باز ندارد و کسانی که چنین کنند زبان کارند. و بخشش کنید از آنچه روزیتان داده ایم پیش از آنکه مرگ به سراغ هر یک از شما بیاید و او بگوید پروردگارا چرا مرا تا مهلتی نزدیک بازپس نداشتی که بتوانم صدقه بدهم و از شایستگان قرار گیرم.» «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ، كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَ مِنْ وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ. آنگاه که یکی از ایشان را مرگ فرا رسد، گوید پروردگارا مرا بازگردانید باشد که در آنچه فروگذار کرده ام کاری شنایسته پیش گیرم. حاشا این سخنی است که او ظاهرا گوینده آن است و پیشاپیش آنان زندگی برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند.» (مومنون/۱۰۰-۹۹)

به هر حال خداوند خانه‌ی کعبه را مایه قوام و پایه‌ی حیات اجتماعی بشریت قرار داده است و پایان تاریخ نیز روزی خواهد بود که حج خانه‌ی خدا برگزار نگردد. خداوند کعبه را بیت الحرام نامید و به همین منظور جنگ در برخی از ماه‌ها را حرام کرد تا مراسم حج در محیطی امن و آرام انجام گیرد و جان و مال مردم از دستبرد هرگونه دشمنی در امان ماند و به خاطر حرمت این سرزمین بود که قربانی‌های بانشان و بی‌نشان را مقرر فرمود تا خوراک مردم در ایامی که به مراسم حج اشتغال دارند تامین گردد.

از آنجا که ذهن پرسشگر انسان همیشه به دنبال یافتن دلیل کارهایی است که انجام می‌دهد و معمولاً زمانی که به دلایل و اسرار آن پی‌ببرد با آرامش بهتر آن اعمال را انجام می‌دهد. در این چاپ سعی شده فلسفه و اسرار بعضی از مناسک حج با توضیح بیشتر تقدیم زائران حرم امن الهی گردد و بعضی از احکام اختلافی نیز بسط بیشتری یابد. به امید آن که مناسک حج را زائران بیت الله الحرام بهتر انجام دهند و این بنده‌ی کوچک خدا نیز مشمول دعا‌های مخلصانه‌ی آنها گردد.

انه ولی التوفیق

محمد برفی

بهمن ماه ۱۳۹۱ - بیرجند



## مقدمه چاپ دوم

چند ماهی از چاپ اول کتاب نگذشته بود که استاد گرانقدر جناب علامه شهید ماموستا محمد شیخ الاسلام در شب بیست و هفتم رمضان به دست عوامل کوردل شیطان صفت، جام شهادت نوشید و با دلی سرشار از حضور خدا به پیشگاه حضرتش شتافت. از خدای متعال علو درجات ایشان را مسئلت دارم.

فلسفه تمام عبادات، نهادینه شدن حضور خدا در زندگی انسان است تا انسان از نسیان و فراموشی وجودی خود مصون بماند و در سایه داشتن شخصیت آشنا در محضر الهی، کمتر گرفتار نابهنجاری در زندگی گردد و هم کمتر در مقابل قضاوت‌های نادرست دیگران شخصیتش آسیب ببیند.

دامنه حضور حضرت حق در سفر حج به نسبت سایر عبادات گسترده‌تر و عمیق‌تر می‌باشد و به همین خاطر در پایان چنین سفری، انسان شخصیت تازه و نویی پیدا می‌کند. لذا بیش از هر چیز به فلسفه مناسک حج و عمره باید توجه نمود.

در این چاپ جز چند مورد اصلاحی در فصل احکام و مناسک به ویژه در بخش جنایات، مطلب دیگری بر کتاب افزوده نشده، امید آن می‌رود که صاحب نظران و خوانندگان گرامی، نظرات اصلاحی خویش را از این جانب دریغ ننمایند تا در چاپ‌های بعدی مورد استفاده واقع گردد.

انه ولی التوفیق

محمد برفی

پانزدهم خردادماه ۱۳۸۹ - بیرجند

## مقدمه

حج خانه خدا یکی از ارکان دین اسلام است و در اهمیت حج همین بس است که در روایت آمده است: «اگر مسلمانی مستطیع شود و به مکه نرود و بمیرد، شایسته نام مسلمانی نیست و یهودی یا نصرانی از دنیا خواهدرفت» امام ابوحنیفه (رح) بر این باور بود که به محض توانا شدن، گزاردن حج تکلیف است و نباید آن را به تاخیر انداخت.

بر تو واجب کرد چون حج ذوالجلال      گر کنی تأخیر، افتی در ضلال  
ترک غفلت کن ز کعبه رو متاب      تا از آن در گه نباشی ردّ باب

در سال ششم هجری چون حج فرض گردید پیامبر (ص) عازم سفر عمره شد که با ممانعت کفار مکه رو برو گشت و جریان حدیبیه پیش آمد و در سال بعد (هفتم) هجری بود که پیامبر و یارانش، عمره ی قضا به جا آوردند پیامبر (ص) در سال هشتم هجری نیز از جعرانه، پس از تقسیم غنایم غزوه ی حنین احرام عمره بست و در سال دهم هجری عمره و حج را با هم ادا کرد که به حجة الوداع معروف گشت. تعظیم شعائر الهی نشان از تقوی دلها دارد: «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»<sup>۱</sup> و زمانی انسان می تواند به تعظیم شعائر الهی بپردازد که توشه و بهره ای از شناخت را دارا باشد چون چه بسا انسان به دلیل ناآگاهی وقت خود را حتی در مکان های مقدس بیهوده تلف نماید و یا با یک عمل ریاکارانه بویژه در بازگشت که با پرپایی محافل آنچنانی و پذیرایی های پرهزینه همراه است، عمل خود را تباه و نابود سازد. لذا زائر مسلمان باید بداند که در سفر حج که از خانواده و سرزمین خود

جدا می‌گردد چه می‌خواهد و متوجه کجا و خواهان زیارت چه کسی است؟ و چه مقررات و باید و نبایدی را رعایت کند؟

مهمان خدا، باید همه‌ی علایق و خواسته‌های نفسانی را از خود بزداید و مادیات و مظاهر دنیوی را به کناری نهد و به راستی اعلان کند که اینک این منم، تنها و پیراسته از قید و بندهای ظلمانی دنیا، فرار کننده از شهوات و هوا پرستی‌ها و تمام آن چیزهایی را که مورد علاقه و پسند من است به کناری نهاده‌ام و با آرامش خاطر و ضمیری امیدوار، به سوی تو سفر می‌کنم تا در مکتب تو بهزیستی و بهتر زندگی کردن را بیاموزم و بتوانم پس از این سفر رابطه مناسبی با خود و طبیعتی که در آن زیست می‌کنم و هموعانی که با آنها زندگی می‌نمایم داشته باشم.

زائر گرامی باید توجه کند که مناسک حج چند روز پیش نیست و به سرعت سپری می‌شود و شاید تکرار نگردد، به هوش باشیم که همانند تشنه‌ای که از لب دریا خشک لب بر می‌گردد، دست خالی برنگردیم. لذا باید فرصت را غنیمت شمرد و با شناخت و شعور حاصل در عرفات و مشعر، در سرزمین آرزوها (منی) وارستگی از تعلقات مادی را تمرین کرد و جز خدا هر آنچه را در دل است بیرون کرد و محشر را یادآور شویم که مال و اولاد سودی ندارد و تنها قلب سلیم سودمند است: «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ»<sup>۱</sup>

این نکته را نباید از نظر دور داشت اگر کسی در پی جلب رضای خدا و ثواب آخرت و حفظ هویت الهی خود است بر آوردن حاجت و نیاز یک مؤمن نیز کمتر از حج یا عمره نیست و ثواب و پاداش را فقط به حج و عمره نمی‌دهند که گاهی به جهت تمایلات و خواهش‌های نفسانی ما انجام می‌گیرد.

لذا خدا نکند که مشمول این پیشگویی قرار بگیریم که امام غزالی نقل می‌کند: در خبری که اهل بیت پیامبر (ص) از ایشان روایت کرده‌اند، آن حضرت فرموده‌اند: «إِذَا كَانَ آخِرَ الزَّمَانِ خَرَجَ النَّاسُ لِلْحَجِّ أَرْبَعَةَ أَصْنَافٍ: سَلَاطِينُهُمْ لِلنُّزْهَةِ وَآغْنِيَاؤُهُمْ لِلتَّجَارَةِ وَفُقَرَاؤُهُمْ لِلْمَسْئَلَةِ، وَفُرَاؤُهُمْ لِلسَّمْعَةِ.»<sup>۱</sup> زائران خانه خدا در آخر الزمان چهار گروهند: پادشاهان برای تفریح و توانگران برای تجارت و درویشان برای گدائی و عالمان برای ریا و خودنمائی به حج می‌روند.

در این نوشتار که دارای پنج فصل است در فصل اول تلاش نمودیم، نگاه زائر مسلمان را به فلسفه و اسرار احکامی که انجام می‌دهد عمیق‌تر نماییم و در فصل دوم توصیه‌ها و رهنمودهای لازم برای زائران جهت هر چه بهتر انجام دادن اعمال و مناسک آنان ارائه شده و در فصل سوم به تاریخچه و راهنمای اماکن مقدس مکه و مدینه پرداختیم تا زائر محترم بتواند با نگاه تاریخی، فلسفه اعمال خود را درک کند و در فصل چهارم احکام و مناسک عمره و حج در سایه فقه مقارن و تطبیقی مذاهب اسلامی بیان شده، تا بستر همدلی و تقریب مذاهب اسلامی بیش از گذشته فراهم گردد با وجود این سعی نویسنده بر این بوده تا پاسخگوی نیاز فقهی مسلمانان حنفی مذهب خود باشد و به همین سبب به بیان آراء سایر مذاهب بیشتر در قالب جداول پرداخته است. این فصل دارای چهار بخش است که در بخش اول، اعمال عمره مفرد و تمتع بیان شده و در بخش دوم اعمال حج تبیین شده و در بخش سوم جنایات و احکام مترتب بر آن توضیح داده شده و در بخش چهارم احکام متفرقه عمره و حج شامل احصار، فوات، حج اطفال، بیماران، زنان و حج و عمره نیابتی دنبال شده است. در فصل پنجم نیز اذکار و ادعیه مأثوره مورد نیاز زائران را با ترجمه

آوردیم تا زائر محترم بتواند در حین انجام مناسک بهره گیرد. این فصل به صورت جداگانه و جیبی پیش از این چاپ شده است.

در پایان بر خود لازم می‌دانم که از استادان گرانقدرم جناب آیت الله تسخیری، جناب مولوی نذیر احمد سلامی، جناب ماموستا محمد شیخ الاسلام و جناب حجت الاسلام دکتر بی آزار شیرازی، به خاطر آن که شاگرد خود را مورد الطاف کریمانه قرار دادند صمیمانه تشکر و قدردانی کنم و برایشان طول عمر با عزت از درگاه حضرت احدیت مسئلت نمایم و از عاشقان حرم الهی تقاضا دارم بنده حقیر و سایر کسانی را که در آماده نمودن این کتاب نقش داشتند از دعای خیر خود فراموش ننمایند.

انه ولی التوفیق

محمد برفی

مهرماه ۱۳۸۷ هـ.ش، بیرجند

## فصل اول

### فلسفه و اسرار حج



مسجد الحرام در حال توسعه



هرکس به اندازه فهم خود از دریای بی نهایت مفاهیم و اسرار حج بهره می برد، این واقعیتی است که همه اندیشمندان اسلامی در مورد آن اتفاق نظر دارند. یک فرد کم سواد هم از حج بهره می برد و بی نصیب بازمی گردد، یک اندیشمند و متفکر دینی هم بهره خاص خود را از حج می برد.

می توان از این واقعیت دو برداشت متفاوت داشت؛ یکی این که اجازه دهیم هرکسی به اندازه فهم خود از حقیقت حج بهره ببرد و یک برداشت دیگر هم این است که آموزه هایی را در این راستا ترویج کنیم تا درک مخاطبان بالا رفته، بتوانند هر چه بیشتر از واقعیت حج بهره مند شوند؛ و از آنجا که ذهن پرسشگر انسان نیز به دنبال یافتن دلیل کارهایی است که انجام می دهد و زمانی که به دلایل و اسرار آن پی ببرد با آرامش بهتر آن عمل را انجام می دهد در این فصل بر آنیم تا در پرتو آیات قرآن کریم و کلام پیشوایان دین پرده از اسرار نهفته بعضی از احکام و مناسک حج برداریم و زائران بیت الله الحرام با توجه به روح مناسک و عدم اکتفا به ظاهر آن، بهره درستی از مناسک حج ببرند.

حج با قرآن ارتباطی عمیق دارد چون بنیادی ترین لایه فرهنگی اسلام که عبارت از توحید و یکتاپرستی است، در این حکم عبادی، بیشتر تجلی پیدا می کند به همین سبب در قرآن به همه مناسک حج اعم از شرایط و جوب حج، دعوت به حج و دستور به اتمام حج و عمره، زمان و مکان حج، احرام، محرمات احرام، طواف و نماز طواف، سعی صفا و مروه، وقوف در عرفات و مشعرالحرام، هدی شکرانه، حلق و تقصیر، بیتوته و رمی جمرات در منی و... پرداخته است.

از ۱۱۴ سوره قرآن در ۲۵ سوره به اجمال یا تفصیل به مسائل حج اشاره کرده است و از مجموع آیات قرآن حدود ۱۲۰ آیه «آیات الحج» نامیده شده اند که حدود ۱۰ درصد آیات الاحکام را شامل می شود.



آیات الاحکام<sup>۱</sup> حج در سوره‌های مدنی: بقره، آل عمران، مائده، انفال، توبه، حج و فتح واقع شده و آیات الحج<sup>۲</sup> که تاریخ نگار حج است در سوره‌های مکی: انعام، ابراهیم، اسراء، انبیاء، نمل، عنکبوت، صافات، ذاریات، حشر، ممتحنه، بلد، تین و فیل آمده است.

«وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا»<sup>۳</sup>

خداوند اصل حج را به واسطه‌ی این آیه در اسلام تشریح نموده است و بر هر فردی که توانایی داشته باشد حج خانه‌اش را فرض گردانیده است تا در ایام حج به زیارت خانه‌اش بشتابد و مناسک حج ابراهیمی را به جا آورد. حج از جمله واجباتی است که زمان و مکان آن مشخص شده است «الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ...»<sup>۴</sup> موسم حج ماه‌هایی معلوم و مشخص‌اند پس هر آن کس که در این ماه‌ها حج بر او واجب شد و احرام بست، بداند که آمیزش جنسی و نافرمانی و مجادله در حج روا نیست.

پس از ساخت و تجدید بنای کعبه توسط ابراهیم و اسماعیل (ع)، خداوند از ابراهیم می‌خواهد تا مردم را به حج فرا خواند: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ، لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ»<sup>۵</sup> و در میان مردم به حج فراخوان تا پیاده و سوار بر هر شتر لاغری که از راه دوری رهسپارند به‌سوی تو آیند تا

۱-سوره بقره: آیات ۱۲۴ تا ۱۲۸-۱۴۲ تا ۱۵۰-۱۵۸، ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۴، ۱۹۶ تا ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۶۰.

سوره آل عمران: آیات ۶۷، ۶۸، ۹۶، ۹۷. سوره مائده: آیات ۳ تا ۹۴، ۹۷. سوره انفال: آیات ۳۰ تا ۳۵. سوره توبه: آیات

۱ تا ۱۷، ۲۰، ۲۸، ۳۶، ۴۰، ۱۰۷ تا ۱۰۹. سوره حج: آیات ۲۵ تا ۳۷. سوره فتح: آیات ۲۵ تا ۲۷.

۲-سوره انعام: آیات ۷۴ تا ۸۳. سوره ابراهیم: آیات ۳۵ تا ۴۱. سوره انبیاء: آیات ۵۱ تا ۷۰. سوره نمل: آیه ۹۱. سوره صافات: آیات ۸۳ تا ۱۱۱.

۳-سوره آل عمران، آیه ۹۷.

۴-سوره بقره، آیه ۱۹۷.

۵-سوره حج، آیات ۲۷-۲۸.

شاهد منافع خویش گردیده و نام خدا را در روزهایی معلوم بر چهار پایان حلال گوشتی که به آنان روزی داده است، یاد کنند. پس از آن بخورید و به درمانده‌ی بینوا بخورانید.

ابراهیم (ع) در آن مکان بی‌آب و علف فریاد برآورد و خداوند فریادش را به گوش جهانیان می‌رساند تا با تجدید عهد با پروردگارش، از منافع این اجتماع و مناسک برخوردار شوند و مسلماً منافع معنوی آن که همانا حفظ هویت الهی انسان و وحدت مسلمانان است بیش از منافع مادی مورد توجه این فرمان بزرگ الهی است.

در باب فضیلت حج در احادیث پیامبر اکرم (ص) این چند سخن کافی است:

### ۱- بهترین عمل:

ابوهریره (رض) گوید: از پیامبر (ص) سؤال شد کدام عمل انسان افضل و بهتر است؟ فرمود: «ایمان بالله و رسوله» ایمان به خدا و رسول او، گفتند: سپس چه چیز؟ فرمود: «ثُمَّ جِهَادٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» سپس جهاد در راه خدا. گفتند: سپس چه چیز؟ فرمود حج مبرور و مقبول<sup>۱</sup>

### ۲- پاداشی جز بهشت ندارد:

پیامبر (ص) فرمود: «الْحَجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلَّا الْجَنَّةُ»<sup>۲</sup> «حج مبرور پاداشی جز بهشت ندارد.»

### ۳- محو کننده گناهان:

پیامبر (ص) فرمود: «مَنْ حَجَّ الْبَيْتَ فَلَمْ يَرْفُثْ وَ لَمْ يَفْسُقْ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمِ وُلِدَتْهُ أُمُّهُ»<sup>۳</sup> کسی که برای خدا حج گزارد و در هنگام ادای مناسک حج، محرمات را

۱ - صحیح بخاری، حدیث ۱۵۱۹.

۲ - صحیح بخاری، حدیث شماره ۱۷۷۳ و صحیح مسلم حدیث ۱۳۴۹ والمعجم الكبير ۱۱/۱۴۶/۱۱۴۲۹.

۳ - صحیح بخاری حدیث ۱۵۲۱ و صحیح مسلم حدیث ۱۳۵۰ و سنن ابن ماجه ۲/۹۶۴/۲۸۸۹.

رعایت نماید و عمل فسقی را مرتکب نشود در بازگشت از حج چنان از گناه پاک می‌شود مانند روزی که از مادر زاده شده است.

ابن مسعود گوید: پیامبر (ص) فرمود: «تَابِعُوا بَيْنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ فَإِنَّهُمَا يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ وَالذُّنُوبَ كَمَا يَنْفِي الْكَبِيرُ حَبَثَ الْحَدِيدِ»<sup>۱</sup> بعد از ادای هر حجی، عمره جداگانه‌ای را نیز انجام دهید، زیرا که حج و عمره (قبول شده) فقر را از بین می‌برند و گناهان را پاک می‌کنند همچون دم کوره آهنگر که چرک و زنگار را از آهن جدا می‌سازد و از بین می‌برد.

«أَنْظَرُوا إِلَى عِبَادِي آتُونِي شَعْنًا غَيْرًا صَاحِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ أَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ»<sup>۲</sup> به بندگانم بنگرید که چگونه ژولیده و غبارآلود از راه‌ها و مسافت‌های دور و نزدیک به اینجا آمده‌اند شما را شاهد می‌گیرم که به‌راستی من آنان را بخشیدم.

عمر و بن عاص گوید: چون خداوند محبت اسلام را در قلبم جای داد، خدمت پیامبر (ص) رفتم و گفتم: دست را بگشای تا با تو بیعت کنم. او دست گشود، لکن چون دست خود را پس کشیدم، او گفت: ای عمرو، تو را چه شده است؟ گفتم شرطی دارم. گفت: چه شرطی؟ گفتم آن‌که خداوند مرا بیامرزد. او گفت: «أَمَّا عَلِمْتَ أَنَّ الْإِسْلَامَ يَهْدِمُ مَا قَبْلَهُ وَأَنَّ الْهَجْرَةَ تَهْدِمُ مَا قَبْلَهَا وَأَنَّ الْحَجَّ يَهْدِمُ مَا قَبْلَهُ»<sup>۳</sup> مگر نمی‌دانی که اسلام گناهان گذشته را محو می‌سازد و هجرت، گناهان پیش از هجرت را محو می‌کند و حج مقبول گناهان پیش از حج را محو می‌نماید.

#### ۴- جهاد فی سبیل الله:

پیامبر (ص) در پاسخ به سؤال حضرت عایشه (رض): آیا جهاد بر زنان مسلمان واجب است؟ بهترین جهاد را برای زنان حج مبرور و مقبول نامید و فرمود: «نَعْمَ جِهَادٌ

۱- سنن نسائی حدیث ۲۶۳۰ و سنن ترمذی حدیث ۸۰۷ و معجم طبرانی حدیث ۱۱۱۹۶.

۲- راهنمای حج و عمره ص ۵۸ به نقل از صحیح ابن خزیمه حدیث ۲۸۴۰.

۳- کنز العمال، ۶۶/۱، حدیث ۲۴۷

لَا قِتَالَ فِيهِ الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ» بلی واجب است اما جهادی که در آن جنگ و کشتار نیست و آن حج و عمره است.<sup>۱</sup> حضرت حسن بن علی (رض) گوید: مردی به نزد پیامبر (ص) آمد و گفت: من ترسان و ناتوانم. پیامبر فرمود: «هَلُمَّ إِلَى جِهَادٍ لَا شَوْكَةَ فِيهِ: الْحَجُّ» برو به جهادی که در آن سختی نیست که حج است. همچنین حضرت ابوهریره (رض) گوید: پیامبر (ص) فرمود: «جِهَادُ الْكَبِيرِ وَالضَّعِيفِ وَالْمَرَأَةِ الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ»<sup>۲</sup> جهاد پیر و ضعیف و زن، حج و عمره است.

### ۵- حجاج مهمان خدایند:

پیامبر (ص) فرمود: «الْحَجَّاجُ وَالْعُمَّارُ وَقَدْ لَلَّهِ وَزُورُهُ إِنْ سَأَلُوهُ أَعْطَاهُمْ وَإِنْ اسْتَعْفَرُوا غَفَرَهُمْ وَإِنْ دَعَا أُسْتَجِيبَ لَهُمْ وَإِنْ شَفَعُوا شَفَعُوا»<sup>۳</sup> حاجیان و عمره گزاران مهمانان و زیارت کنندگان خدا می باشند اگر چیزی بخواهند به ایشان می دهد و اگر آموزش طلبند آمرزیده شوند و اگر دعا کنند دعای ایشان قبول شود و اگر عذر کسی بخواهند شفاعت ایشان پذیرفته شود.

هر کس در حرم کعبه باشد پاداش دارد چون پیامبر (ص) می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَهْبِطُ فِي الْحَرَمِ (کعبه) مِائَةً وَعِشْرِينَ رَحْمَةً، سِتُّونَ مِنْهَا لِلطَّائِفِينَ وَارْبَعُونَ لِلْمُصَلِّينَ وَ عِشْرُونَ لِلنَّاطِرِينَ» خداوند در حرم کعبه ۱۲۰ رحمت فرود می آورد که ۶۰ تای آن برای طواف کنندگان و ۴۰ تای آن برای نمازگزاران و ۲۰ تای آن برای تماشاگران می باشد.<sup>۴</sup>

۱- سنن ابن ماجه، حدیث ۲۹۰۱.

۲- الزواجر لابن هبثم ۲۰۵/۱، سنن نسائی، حدیث ۲۶۲۶.

۳- سنن ابن ماجه حدیث ۲۸۹۲.

۴- المعجم الكبير للطبرانی ۱۱/۱۵۶ و مجمع الزوائد ۳/۲۹۲

حج پر رمز و رازترین عبادت است عارفان با همه مقامات و کمالات، سلوک خویش را در حج به اتمام می‌رسانند و عابدان حلاوت بهترین عبادات خود را در این مأوی جستجو می‌کنند و عالمان در رهگذر این سفر بر علم و معرفت خویش می‌افزایند.

حج بهترین میعادگاه مسلمانان و تجلی‌بخش وحدت امت اسلامی است که در آن مسلمانان در مکانی واحد، با شعاری واحد، در لباسی واحد و به دور از هرگونه فاصله طبقاتی و نژادی جمع شده و با یکدیگر آشنا می‌شوند و ضمن بررسی مشکلات امت اسلامی، درصدد رفع آن برمی‌آیند حج یادآور رنج‌ها و مصائب پیامبر (ص) در مسیر تبلیغ اسلام و رستگاری بشریت است.

حج یعنی توفیق حضور در کلاس معلمان بزرگ تاریخ بشریت آدم، ابراهیم، اسماعیل و محمد (ص)، حج معراج خاک است تا افلاک و مکه سکوی پرواز.

حج منظره‌ای از مرگ و قیامت است درست حالات بعد از مرگ را به نمایش می‌گذارد، خروج از خانه جهت سفر حج مانند سفر آخرت و مرگ می‌ماند که انسان برای مدتی دل از همه تعلقات می‌کند وعده‌ای تا چند ایستگاه انسان را مشایعت و بدرقه می‌کنند همان‌گونه که مرده را بعضی تا اقامه نماز و بعضی تا لب قبر و گور مشایعت می‌نمایند.

دو چادر سفید رنگ احرام همانند کفن میت است که چشم عبرت بین را مدام به یاد مرگ می‌اندازد. طواف، سعی، عرفات، منا همه یادآور حشر و نشر آخرت می‌باشند هنگامی که مردم از قبور بر می‌خیزند «يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جُرَادٌ مُّنتَشِرٌ»<sup>۱</sup> یعنی از قبرها بیرون می‌آیند گویی چون ملخ بر زمین پراکنده‌اند.

حج تابشی از عشق می‌باشد زیرا در حج اظهار انتهای محبت و عشق حقیقی هویدا و تجلی می‌یابد. حج از جمله عباداتی است که سایر اعمال عبادی نیز در آن مطرح است مانند نماز، روزه و قربانی و...

حج فرهنگ مساوات و برابری را بین تمام افراد جامعه از هر نژاد و قوم و اقلیمی که باشند نهادینه می‌نماید به طوری که فقیر و غنی، عرب و عجم همه یکسان می‌گردند.

حج جشن جهانی امت اسلامی و سپاه توحیدی در مقابل سپاه اهریمنی است. تمام ملل، روزهای ملی دارند که در آن روز جشن می‌گیرند امت اسلامی نیز دو روز جشن دارد: عید فطر و عید قربان که عید قربان را با یک جشن جهانی با ادای مناسک حج، برگزار می‌کنند.

حج ضمن تقویت روح تعبد و تسلیم، غفلت را از وجود انسان دور می‌سازد و فلسفه تمام عبادات، ذکر خدا و زنده نگهداشتن احساس حضور خدا در زندگی انسان است، در سایه و پرتو ذکر خدا و زنده بودن احساس حضور خداست که اخلاق انسان در سایه‌ی دست یافتن به شخصیت آشنا به کمال می‌رسد و هدف از بعثت انبیا که تزکیه و اتمام مکارم اخلاق بود تجلی پیدا می‌کند.

مناسک حج ذکر خداست «وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ»<sup>۱</sup> مسلمان باید به عنوان شعائر الهی آن را پاس دارد «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ...»<sup>۲</sup> و فقرا و نیازمندان را نیز از یاد نبرد «وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ»<sup>۳</sup> و با دوری از فسق و جدال و روابط ناسالم اجتماعی، توشه‌ی تقوی و حضور الهی را در زندگی خود برگیرد.

۱-سوره حج، آیه ۲۸ .

۲-سوره مائده، آیه ۲.

۳-سوره حج، آیه ۲۸.

حج و عمره دارای یک مرکزیت است که همه اعمال، همچون شعاع‌هایی از آن شروع و به آن ختم می‌شوند خانه مقدس کعبه محور و مرکزیت این اعمال است، از این رو بایستی این مرکزیت را مورد بررسی قرارداد تا در پرتو آن شعاع‌ها نیز تعریف شوند.

کعبه نخستین خانه مبارکی است که در جهان هستی جهت عبادت و هدایت بشریت بنا شده است «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ»<sup>۱</sup> خداوند آن را خانه خود نامیده و به پیامبرانش سپرده تا آن را از هرگونه آلودگی پاک نگه دارند «وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهَّرَ بَيْتِي لِّلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ»<sup>۲</sup> این خانه به همه مردم تعلق دارد و آن را از قید هرگونه مالکیت آزاد ساخته «وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ»<sup>۳</sup> در واقع کعبه خانه آزادی است و معنای طواف اطراف خانه آزاد، آزاد شدن و آزادی آموختن است.

از نشانه‌های بارز این خانه آن است که مقام ابراهیم (ع) در اوست و هرکس به آن درآید امنیت دارد: «فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا»<sup>۴</sup> کعبه محور حیات تاریخ بشریت است، تاریخ هستی و بشر از آن آغاز و به آن ختم خواهد شد «جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِّلنَّاسِ...»<sup>۵</sup> و چون محور توجه و رجوع مردم است «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمَنًا...»<sup>۶</sup> همه در آن برابرند، مسافر و مقیم. کعبه مرکز برادری و مساوات است و تحمل هیچ‌گونه بی‌عدالتی را ندارد «إِنَّ الَّذِينَ

۱-سوره آل عمران، آیه ۹۶.

۲-سوره حج، آیه ۲۶.

۳-سوره حج، آیه ۲۹.

۴-سوره آل عمران، آیه ۹۷.

۵-سوره مائده، آیه ۹۷.

۶-سوره بقره، آیه ۱۲۵.

كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ  
وَالْبَادِ وَمَن يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بُظْلِمٍ نُذِقْهُ مِن عَذَابِ أَلِيمٍ<sup>۱</sup>

زائر مسلمان چون وارد مکه گردد باید یقین کند که به محیط امن و امانی وارد شده «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا»<sup>۲</sup> و امیدوار شود که از عقاب الهی ایمن گشته، اما در دل مضطرب باشد که آیا مورد قبول حضرت حق واقع خواهد شد و صلاحیت قرب حرم الهی را خواهد داشت؟ یا حکایت حال او چنین خواهد بود.

به طواف کعبه رفتم به حرم رهم ندادند که تو در برون چه کردی که درون خانه آبی خداوند بیت الله الحرام را برای انسان محل اجتماع و امن و امانی قرار داده است «وَ إِذَا جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ آمِنًا»<sup>۳</sup> در سایه چنین امنیتی است که انسان‌ها در آن مکان مقدس احساس آرامش روحی و روانی می‌کنند و اختلاط زن و مرد نیز مشکل ساز نمی‌گردد؛ و اگر امروز مساجد ما نیز محل حضور خدا باشد از حضور خانم‌ها نباید نگران شد.

چون چشم زائر به خانه خدا افتد، باید عظمت خانه را در دل آرد و چنان تصوّر کند که گویا خداوند خانه را می‌بیند و امیدوار شود که لقای خود را روزی او کند، چنان که دیدار خانه خود را روزی کرد و خدا را شکر گزارد که او را به خانه‌اش رسانید و در زمره میهمانان خود درآورد و به یاد آورد که در قیامت، همه خلائق امید و آرزوی دخول به بهشت را دارند. سپس تقسیم می‌شوند: بعضی اذن دخول می‌یابند و بعضی را باز می‌گردانند همانند انقسام حاجیان که خداوند بعضی را قبول و بعضی را رد می‌نماید.

۱-سوره حج، آیه ۲۵.

۲-سوره ال عمرا، آیه ۹۷.

۳-سوره بقره، آیه ۱۲۵.



## فلسفه حج از دیدگاه اهل عرفان

سفر حج در حقیقت يك هجرت بزرگ است، هجرت از خود به خدا و آخرت و به تعبیر حکیم سنائی، حج تجلی گاه مرگ و نمایش حشر انسان‌هاست.

سفر کعبه نمودار ره آخرت است	گرچه رمزهش از صورت دنیا بینند
حج چیست؟ از پا و سر بیرون شدن	کعبه دل جستن و در خون شدن
فارغ از این عالم خاکی شدن	در ره عشق خدا مجنون شدن

چون در سفر آخرت، برگ برنده و کارنامه مثبت از آن کسانی است که «إِلَّا مَنْ  
آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» با دل پاک و سالم نزد خدا حضور یابند.

قلب مؤمن بیت‌الله است و محل نزول انوار و رحمت الهی است به همین خاطر  
اهل عرفان ابتدا به دل توجه نموده‌اند چنان‌که خاقانی گوید:

عاشقان اول طواف کعبه جان کرده‌اند	پس طواف کعبه تن فرض فرمان دیده‌اند
-----------------------------------	------------------------------------

یا مولوی می‌گوید:

ای قوم به حج رفته کجا بید کجا بید؟	معشوق همین جاست بیاید، بیاید
معشوق تو همسایه و دیوار به دیوار	در بادیه سرگشته شما در چه هواید؟
گر صورت بی صورت معشوق ببینید	هم خواجه وهم خانه وهم کعبه شما ببینید
ده بار از آن راه بدان خانه برفتید	یک بار از این خانه، بر این بام برآید

مولوی با نقل داستان حج بایزید بسطامی به این واقعیت می‌پردازد که اگر دل  
انسانی را از غم بزدايي و بدو خدمت کنی و نیاز نیازمندی را برآورده سازی، بهتر از  
انجام عبادات صوری است. او نقل می‌کند که بایزید بسطامی، برای انجام مناسک حج  
و عمره به سوی مکه می‌رفت و به هر شهری که می‌رسید به سراغ صاحب‌دلان آن شهر  
می‌رفت تا این که پیری را مشاهده کرد که قامتی خمیده و نورانی مانند هلال ماه داشت  
و در او شکوه و بزرگی مردان خدا را دید.

بایزید بسطامی نزد آن پیر نشست و احوالش را پرسید و متوجه شد که او تنگدست و عیالوار است ... آن پیر گفت: هفت بار دور من طواف کن و این کار را از طواف حج بهتر بدان، لذا ای بخشنده همه آن درم‌های خود را به من بده و بدان که تو مناسک حج را بجا آورده‌ای و به مقصودت که عمر جاودان و پاک شدن از گناهان است می‌رسی. به حق آن خدایی که چشم دلت او را دیده، او مرا بر خانه‌اش فضیلت و برتری داده، اگرچه کعبه، خانه احسان خداوند است، ولی خلقت من نیز سرای اسرار الهی است و حضرت حق از همان روزی که کعبه را بنیان نهاده بدان وارد نشده ولی به اندرون خانه دل من کسی جز حضرت حق در نمی‌آید.<sup>۱</sup>

سوی مکه شیخ امت بایزید	از برای حج و عمره می دوید
او به هر شهری که رفتی از نخست	مر عزیزان را بکردی باز جُست ...
بایزید اندر سفر جستی بسی	تا بیابد خضر وقت خود کسی
دید پیری با قدی همچون هلال	دید در وی فرّ و گفتار رجال
دیده نا بینا و دل چون آفتاب	همچوپیلی دیده هندستان به خواب..
پیش او بنشست و می پرسید حال	یافتش درویش و هم صاحب عیال
گفت: عزم تو کجا ای بایزید؟	رخت غربت را کجا خواهی کشید؟
گفت: قصد کعبه دارم از پگه	گفت هین با خود چه داری زاده؟
گفت: دارم از درم نقره دویست	نک بیسته سخت بر گوشه ردیست
گفت: طوفی کن به گردم هفت بار	وین نکوتر از طواف حج شمار
و آن درمها پیش من نه ای جواد	دان که حج کردی و حاصل شد مراد
عمره کردی، عمر باقی یافتی	صاف گشتی، بر صفا بشتافتی

۱- لازم به ذکر است که منظور مولوی از نقل چنین داستانی جواز طواف به دور کسی نیست بلکه تبیین اهمیت توجه به مسائل انسانهاست که از اهم حکمت‌های نهفته در عمل عبادی حج است.

حقّ آن حقّی که جانت دیده است	که مرا بر بیت خود بگزیده است
کعبه هر چندی که خانه بزرگ اوست	خلقت من نیز خانه سرّ اوست
تا بکرد آن خانه را در وی نرفت	و اندرین خانه، به جز آن حی نرفت
چون مرا دیدی، خدا را دیده ای	گرد کعبه صدق بر گردیده ای
خدمت من، طاعت و حمد خداست	تا نپنداری که حقّ از من جداست ۱

حضرت علی (رض) فلسفه زیارت کعبه را آزمایش انسان‌ها جهت پاک‌سازی و خالص شدن برای خدا می‌داند:

«أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ اللَّهَ، سُبْحَانَهُ، اخْتَبَرَ الْأَوَّلِينَ مِنْ لَدُنْ آدَمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، إِلَى الْآخِرِينَ مِنْ هَذَا الْعَالَمِ؛ بِأَحْجَارٍ لَا تَضُرُّ وَلَا تَنْفَعُ، وَلَا تُبْصِرُ وَلَا تَسْمَعُ. فَجَعَلَهَا بَيْتَهُ الْحَرَامَ «الَّذِي جَعَلَهُ لِلنَّاسِ قِيَامًا». ثُمَّ وَضَعَهُ بِأَوْعَرِ بَقَاعِ الْأَرْضِ حَجْرًا، وَأَقْلَّ نَتَائِقِ الدُّنْيَا مَدْرًا. وَأَضْيَقِ بُطُونِ الْأُودِيَةِ قُطْرًا. بَيْنَ جِبَالٍ حَسَنَةٍ، وَرِمَالٍ دَمِثَةٍ، وَعُيُونٍ وَشَلَّةٍ، وَفُرَى مُنْقَطِعَةٍ؛ لَا يَزُكُّ بِهَا حُفٌّ، وَلَا حَافِرٌ وَلَا ظِلْفٌ».

«ثُمَّ أَمَرَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَلَدَهُ أَنْ يَتَنَوَّأُوا أَعْطَافَهُمْ نَحْوَهُ، فَصَارَ مَثَابَةً لِمُنْتَجِعِ أَسْفَارِهِمْ، وَغَايَةً لِمُلْقَى رِحَالِهِمْ. تَهْوَى إِلَيْهِ ثَمَارُ الْأَفْئِدَةِ مِنْ مَفَاوِزِ قَفَارٍ سَحِيقَةٍ وَ مَهَاوِي فِجَاجٍ عَمِيقَةٍ، وَجَزَائِرِ بَحَارٍ مُنْقَطِعَةٍ، حَتَّى يَهْزُؤُوا مَنَاكِبَهُمْ ذُلًّا يُهْلَلُونَ لِلَّهِ حَوْلَهُ. وَيَزْمُلُونَ عَلَى أَقْدَامِهِمْ شُعْثًا غُبْرًا لَهُ. قَدْ تَبَدُّوا السَّرَابِيلَ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ، وَ شَوْهُوا بِإِعْفَاءِ الشُّعُورِ مَحَاسِنَ خَلْقِهِمْ، ابْتِلَاءً عَظِيمًا وَامْتِحَانًا شَدِيدًا وَ اخْتِبَارًا مُبِينًا. وَ تَمْحِيسًا بَلِيغًا، جَعَلَهُ اللَّهُ سَبَبًا لِرَحْمَتِهِ، وَوَسْلَةً إِلَى جَنَّتِهِ. وَ لَوْ أَرَادَ سُبْحَانَهُ أَنْ يَضَعَ بَيْتَهُ الْحَرَامَ وَ مَشَاعِرَهُ الْعِظَامَ بَيْنَ جَنَاتٍ وَ أَنْهَارٍ وَ سَهْلٍ وَ قَرَارٍ، جَمَّ

الْأَشْجَارِ، دَانِي الثَّمَارِ، مُلْتَفِّ الثُّبْنِي، مُتَّصِلِ الثُّقْرَى، بَيْنَ بُرَّةِ سَمْرَاءَ وَرَوْضَةِ خَضْرَاءَ، وَ  
 أَرْيَافِ مُحَدِّقَةٍ، وَ عِرَاصِ مُعَدِّقَةٍ، وَ رِيَاضِ نَاصِرَةٍ، وَ طُرُقِ عَامِرَةٍ، لَكَانَ قَدْ صَغُرَ قَدْرُ  
 الْجَزَاءِ عَلَى حَسَبِ ضَعْفِ الْبَلَاءِ».

«وَلَوْ كَانَ الْإِسَاسُ الْمَحْمُولُ عَلَيْهَا، وَالْأَحْجَازُ الْمَرْفُوعُ بِهَا بَيْنَ زُرْدَةِ خَضْرَاءَ، وَ  
 يَاقُوتَةِ حَمْرَاءَ؛ وَ نُورٍ وَ ضِيَاءٍ، لَخَفَّفَ ذَلِكَ مُصَارَعَةَ الشَّكِّ فِي الصُّدُورِ، وَ لَوَضَعَ مُجَاهِدَةَ  
 إِبْلِيسَ عَنِ الْقُلُوبِ، وَ لَنَفَى مُعْتَلَجَ الرَّيْبِ مِنَ النَّاسِ، وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَخْتَبِرُ عِبَادَهُ بِأَنْوَاعِ  
 الشَّدَائِدِ، وَ يَتَعَبَّدُهُمْ بِأَنْوَاعِ الْمُجَاهِدِ، وَ يَبْتَلِيهِمْ بِضُرُوبِ الْمَكَارِهِ إِخْرَاجًا لِلتَّكْبِيرِ مِنْ  
 قُلُوبِهِمْ، وَ إِسْكَانًا لِلتَّذَلُّلِ فِي نُفُوسِهِمْ. وَ لِيَجْعَلَ ذَلِكَ أَبْوَابًا فَتْحًا إِلَى فَضْلِهِ، وَ أَسْبَابًا ذُلًّا  
 لِعَفْوِهِ»<sup>۱</sup>

آیا مشاهده نمی کنید که همانا خداوند سبحان، انسان‌های پیشین از آدم (ع) تا  
 آیندگان این جهان را با سنگ‌هایی در مکه آزمایش کرد که نه زیان می‌رسانند و نه نفعی  
 دارند، نه می‌بینند و نه می‌شنوند؟ این سنگ‌ها را خانه محترم خود قرار داده و آن را  
 عامل پایداری مردم گردانید.

سپس کعبه را در سنگلاخ‌ترین مکان‌ها، بی‌گیاه‌ترین زمین‌ها و کم‌فاصله‌ترین  
 دره‌ها، در میان کوه‌های خشن، سنگریزه‌های فراوان و چشمه‌های کم‌آب و آبادی‌های  
 از هم دور قرار داد که نه شتر، نه اسب و گاو و گوسفند، هیچ کدام در آن سرزمین  
 آسایش ندارند.

سپس آدم (ع) و فرزندانش را فرمان داد که به‌سوی کعبه برگردند و آن را  
 مرکز اجتماع و سر منزل مقصود و باراندازشان گردانند تا مردم با عشق قلب‌ها،

به سرعت از میان فلات و دشت‌های دور و از درون شهرها، روستاها، درّه‌های عمیق و جزایر از هم پراکنده دریاها به مکه روی آورند، شانه‌های خود را بجنبانند و گرداگرد کعبه لا اله الا الله بر زبان جاری سازند و در اطراف خانه طواف کنند و با موهای آشفته و بدن‌های پر گرد و غبار در حرکت باشند.

لباس‌های خود را که نشانه شخصیت هر فرد است درآورند و با اصلاح نکردن موهای سر، قیافه خود را تغییر دهند که آزمونی بزرگ و امتحانی سخت و آزمایشی آشکار است برای پاک‌سازی و خالص شدن که خداوند آن را سبب رحمت و رسیدن به بهشت قرار داد. اگر خداوند خانه محترمش و مکان‌های انجام مراسم حج را، در میان باغ‌ها و نهرها و سرزمین‌های سبز و هموار و پر درخت و میوه، مناطقی آباد و دارای خانه‌ها و کاخ‌های بسیار و آبادی‌های به هم پیوسته، در میان گندمزارها و باغات خرم و پر از گل و گیاه، دارای مناظری زیبا و پرآب، در وسط باغستانی شادی آفرین و جاده‌های آباد قرار می‌داد، به همان اندازه که آزمایش ساده بود، پاداش نیز سبک‌تر می‌شد.

اگر پایه‌ها و بنیان کعبه و سنگ‌هایی که در ساختمان آن به کار رفته از زمرد سبز و یاقوت سرخ و دارای نور و روشنایی بود، دل‌ها دیرتر به شک و تردید می‌رسیدند و تلاش شیطان بر قلب‌ها کمتر اثر می‌گذاشت و وسوسه‌های پنهانی او در مردم کارگر نبود.

در صورتی که خداوند بندگان خود را با انواع سختی‌ها می‌آزماید و با مشکلات زیاد به عبادت می‌خواند و به اقسام گرفتاری‌ها مبتلا می‌سازد تا کبر و خودپسندی را از دل‌هایشان خارج کند و به جای آن فروتنی آورد، درهای فضل و رحمتش را برویشان بگشاید و وسایل عفو و بخشش را به آسانی در اختیارشان گذارد.

آن حضرت (رض) کعبه را مظهر تواضع بندگان در برابر عظمت خدای متعال می‌داند و می‌فرماید:

«وَفَرَضَ عَلَيكُمْ حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ، الَّذِي جَعَلَهُ قِبْلَةً لِلْأَنَامِ، يَرِدُونَهُ وُرُودَ الْأَنْعَامِ، وَ يَأْلَهُونَ إِلَيْهِ وُلُوءَ الْحَمَامِ وَ جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ عَلَامَةً لِمَتَوَاضِعِهِمْ لِعَظَمَتِهِ، وَ إِذْعَانِهِمْ لِعِزَّتِهِ، وَ اخْتَارَ مِنْ خَلْقِهِ سُمَاعًا أَجَابُوا إِلَيْهِ دَعْوَتَهُ، وَ صَدَّقُوا كَلِمَتَهُ، وَ وَقَفُوا مَوَاقِفَ أَنْبِيَائِهِ، وَ تَشَبَّهُوا بِمَلَائِكَتِهِ الْمُطِيفِينَ بِعَرْشِهِ. يُحْرِزُونَ الْأَرْبَابَ فِي مَتَجَرِّ عِبَادَتِهِ، وَ يَتَبَادَرُونَ عِنْدَهُ مَوْعِدِ مَغْفِرَتِهِ، جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى «لِلْإِسْلَامِ عِلْمًا، وَ لِلْعَائِدِينَ حَرَمًا، فَرَضَ حَقَّهُ، وَ أَوْجَبَ حَجَّهُ، وَ كَتَبَ عَلَيكُمْ وَفَادَتَهُ فَقَالَ سُبْحَانَهُ: (وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا، وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِي عَنِ الْعَالَمِينَ).»<sup>۱</sup>»<sup>۲</sup>

خدا حج خانه محترم خود را بر شما واجب کرد، همان خانه‌ای که آن را قبله‌گاه انسان‌ها قرار داده که چونان تشنگان به سوی آن روی می‌آورند و همانند کبوتران به آن پناه می‌برند.

خدای سبحان، کعبه را مظهر تواضع بندگان برابر عظمت خویش و نشانه اعتراف آنان به بزرگی و قدرت خود قرار داد و در میان انسان‌ها، شنوندگانی را برگزید که دعوت او را برای حج، اجابت کنند و سخن او را تصدیق نمایند و پای بر جایگاه پیامبران الهی نهند.

همانند فرشتگانی که بر گرد عرش الهی طواف می‌کنند و سودهای فراوان در این عبادتگاه و محل تجارت زائران به دست آورند و به سوی وعده‌گاه آمرزش الهی بشتابند.

۱-سوره آل عمران، آیه ۹۷.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱ ص ۴۰۷

خدای سبحان، کعبه را برای اسلام، نشانه گویا و برای پناهندگان، خانه امن و امان قرار داد؛ ادای حق آن را واجب کرد و حج بیت الله را واجب شمرد و بر همه شما انسانها مقرر داشت که به زیارت آن بروید و فرمود: آن کس که توان رفتن به خانه خدا را دارد، حج بر او واجب است و آن کس که انکار کند، خداوند از همه جهانیان بی نیاز است.

خواجه عبدالله انصاری گوید: بدان که خدای تعالی در ظاهر، کعبه‌ای بنا کرده که او از سنگ و گل است و در باطن کعبه‌ای ساخته که از جان و دل است. آن کعبه ساخته‌ی ابراهیم خلیل است و این کعبه بنا کرده‌ی ربّ جلیل است. آن کعبه منظور نظر مؤمنان است و این کعبه نظرگاه خداوند رحمان است. آن کعبه حجاز است و این کعبه راز است. آن کعبه اصناف خلایق است و این کعبه عطای حضرت خالق است. آنجا چاه زمزم است و اینجا آه دمام. آنجا مروه و عرفات است و اینجا محل نور ذات. حضرت محمد مصطفی (ص) آن کعبه را از بتان پاک کرد، تو این کعبه را از اصنام هوا و هوس پاک گردان.

در راه خدا دو کعبه آمد حاصل  
 یک کعبه صورت است و یک کعبه دل  
 تا بتوانی زیارت دل ها کن  
 کافزون ز هزار کعبه باشد يك دل<sup>۱</sup>  
 در واقع حج، آینه تمام نمای خوبی‌ها و حسنات اولیای الهی و عاشقان بی دل است و صحیفه‌ای تمام ناشدنی از شرح اتصال و عروج مردان خدا می‌باشد؛ و بقول کمال‌الدین حسین خوارزمی: چون به احرام گاه دل رسی، به آب انابت غسلی کن و از لباس و کسوت بشریت مجرّد شو و احرام عبودیت در بند و لبیک عاشقان بزنی:

از بیابان هوا احرام گیر  
 پس طریق کعبه اسلام گیر  
 هر زمان سعیی ببايد با صفا  
 در صفا و مروه خوف و رجا

آتش اندر خرمن پندار زن      آن گهی لبیک عاشق وار زن  
 چون پدید آمد حریم بارگاه      نقش خود قربان کن اندر پیش شاه  
 زین به پشت مرکب توفیق کن      پس طواف کعبه تحقیق کن  
 کعبه مردان نه از آب و گل است      طالب دل شو که بیت‌الله دل است<sup>۱</sup>

خوارزمی می‌افزاید: چون آداب و مناسک طواف خانه گل دانستی، زیارت کعبه دل را که منزل خاص حق و محل تجلی جمال مطلق است بر آن قیاس کن و قد ورد فی احادیث القدسیه: لَا يَسْعُنِي أَرْضِي وَلَا سَمَائِي وَلَكِنْ يَسْعُنِي قَلْبُ عَبْدِي التَّقِي النَّقِي.

طواف کعبه دل کن اگر دلی داری      دل است کعبه معنا، تو گل چه پنداری  
 طواف کعبه صورت<sup>۲</sup> حقت بدان فرمود      که تا به واسطه آن دلی به دست آری  
 هزار سال پیاده طواف کعبه کنی      قبول حق نشود اگر دل بیازاری  
 زعرش و کرسی و لوح و قلم فزون باشد      دل خراب که او را به هیچ شماری<sup>۳</sup>

لذا چنانچه دل تجلی گاه حضور خدا در زندگی انسان نگردد و دل انسان با تنش در زیارت خانه خدا همراه نباشد، به قول سنائی حج مقبول و مطلوبی نخواهد بود.

دل به بلخ و تن به کعبه راست ناید بهر آنک

سخت بی رونق بود آنجا کلاه اینجا قبای

عارفان برای حج و مقام ابراهیم دو مقام معتقدند: یکی «مقام تن» و دیگری «مقام دل» مقام تن، احرام، دخول به حرم، طواف، نماز، سعی، مزدلفه، رمی، هدی، تقصیر و وقوف به منا است. اما مقام دل که اشاره به باطن حج دارد، مقام حُلَّت ابراهیم است. در این موضع، حاجی باید از عادات اعراض کند، به ترک

۱- ینوع الاسرار فی نصاب الابرار، ۳۶.

۲- گل.

۳- ینوع الاسرار فی نصاب الابرار، ۵۹.



لذات پردازد، از ذکر غیر او پرهیز و از تمامی ماسوا اجتناب کند، سنگ به هوای نفس زند تا به مقام امن الهی و مصون از اغواء شیطان نائل شود.

آنگاه که ابراهیم به مقام خلت رسید و خلیل الله نام گرفت، از علایق گذشت و دل از غیر او بگست. آنگاه که مشرکان، ابراهیم (ع) را در منجیق گذاردند و او را به سمت آتش پرتاب کردند، جبرئیل آمد و از او پرسید: آیا حاجتی داری؟ ابراهیم (ع) پاسخ داد: «أَمَا إِلَيْكَ فَلَا» یعنی به تو حاجتی ندارم. سپس جبرئیل به آسمان عروج کرد و بازگشت و از او پرسید: از خدا هم حاجتی نداری؟ ابراهیم پاسخ داد: «حَسْبِي مِنَ سُؤَالِي عِلْمُهُ بِحَالِي» یعنی همین که او حال مرا می بیند کافی است.<sup>۱</sup> مرا خداوندی است که اگر گناه کنم نراند و نعمت باز نگیرد و اگر بازآیم بپذیرد و بنوازد و اگر روی به درگاه وی آرم نزدیک کند و اگر برگردم بازخواند و خشم نگیرد.

در واقع:

کعبه یک سنگ نشانی است که ره گم نشود

حاجی احرام دگر بند، بین یار کجاست

چنان که پیامبر (ص) در پاسخ به این پرسش که بهترین مردم کیست؟ می فرماید: «خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ» بهترین مردم کسی است که فایده او بیشتر از همه به مردم رسیده باشد.

«الْخَلْقُ عِيَالُ اللَّهِ أَحَبُّ الْخَلْقِ عِنْدَ اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ إِلَى عِيَالِهِ»<sup>۲</sup> مردم خانوار خدایند، محبوب ترین آدمها نزد خدا کسی است که به خانواده خدا سود برساند.

۱ - کشف المحجوب، ۴۲۴.

۲ - مجمع الزوائد ۱۹۴/۸، سنن بیهقی شعب الایمان ۶/۲۵۴۷.

فلسفه تمام عبادات، تجلی انسانیت انسان در سایه عبودیت و بندگی پروردگار متعال است. تمام عبادات زمانی ارزش پیدا می کنند که این هدف متعالی تحقق یابد ورنه:

همه روز روزه بودن، همه شب نماز کردن	همه ساله حج نمودن، سفر حجاز کردن
ز مدینه تا به کعبه سر و پا برهنه رفتن	دو لب از برای لیک هماره باز کردن
به مساجد و معابد، همه اعتکاف جُستن	ز ملاحی و مناھی همه احتراز کردن
چوقمر به شب نخفتن به خدای رازگفتن	ز وجود بی نیازش طلب نیاز کردن
به خدا که هیچکس را ثمر آنقدر نباشد	که به روی نا امیدی در بسته باز کردن

در حدی که ایمان به خدا و روز آخرت و جهاد در راه خدا بر سقایت و عمران و ساخت خانه کعبه و مسجدالحرام برتری دارد: «أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ، الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمَ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ.»<sup>۱</sup> آیا سیراب کردن حجاج و آباد ساختن مسجدالحرام را همانند عمل کسی قرار دادید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه او جهاد کرده است؟ این دو نزد خدا مساوی نیستند و خداوند گروه ظالمان را هدایت نمی کند، آن‌ها که ایمان آوردند و هجرت کردند و با اموال و جان‌هایشان در راه خدا جهاد نمودند، مقامشان نزد خدا برتر است و آن‌ها پیروز و رستگارند.

فلسفه و اسرار حج را ضمن آن که به اجمال در ابعاد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی تبیین می نمایم، لکن هرکدام از اعمال و مناسک حج فلسفه خاصی دارد که به طور جداگانه به آن خواهیم پرداخت.

### بعد فرهنگی حج

در اجتماع عظیم حج، نمایندگان جوامع مختلف از کشورهای اسلامی را می‌توان دید که از دور و نزدیک در این مراسم شرکت کرده‌اند و به‌خوبی می‌توانند با یکدیگر به تبادل فکری و فرهنگی پردازند و از دردها و مشکلات موجود حاکم بر جوامع یکدیگر اطلاع و آگاهی یابند و برای رفع کمبودها و نارسایی‌ها و چگونگی مقابله با دشمنان داخلی و خارجی به مشورت و رایزنی پردازند.

یکی از فلسفه‌های تشریح حج، وحدت امت اسلامی است که در زمان مشخص، مکانی مشخص، لباسی واحد، شعار واحد و از بین رفتن فاصله‌های طبقاتی، قومی، نژادی، زبانی، در مطاف واحد، انجام می‌شود، این امر کمک می‌کند تا مسلمانان فرهنگشان همسانی و همگونی بیشتری پیدا کند و مطافهای متعدد زندگی نتواند آن‌ها را از هم جدا کند. خداوند کعبه را محور قوام و پایداری جامعه بشری (قیاماً لِلنَّاسِ) و ملجأ و مأوای مردم (مَثَابَةً لِلنَّاسِ) دانسته است و صیانت از فرهنگ دینی به استواری کعبه و برپایی حج بستگی دارد.

### بعد سیاسی و اجتماعی حج

مراسم حج در عین این که خالص‌ترین عبادات را عرضه می‌کند، مؤثرترین وسیله برای پیشبرد اهداف سیاسی دنیای اسلام است: شگفت‌انگیزترین حکمتی که در حج مشهود است، احساس وحدت و همبستگی است که در حد اعلای آن در مراسم حج متجلی می‌گردد. عالم و جاهل، بزرگ و کوچک، مرد و زن، سیاه و سفید در کنار یکدیگر مناسب حج را ادا می‌کنند تضادهایی که انسان‌ها را از یکدیگر جدا می‌کرده مبدل به هماهنگی و وحدت می‌گردد، اجتماع بزرگی را که همه يك لباس به تن دارند و بر اساس يك دستور عمل می‌کنند به وجود می‌آورد.

باید دانست که اساس دین اسلام بر اجتماع و برادری بین مسلمانان است و مرزها و رنگ و بوها نمی‌تواند آن‌ها را از هم جدا کند. به همین خاطر خداوند متعال بیشتر عبادات تشریح شده را در جهت تحقق این هدف قرار داده است.

برای یک محله روزی پنج بار تجمعاتی را وضع کرده که تشریح نماز جماعت به این منظور است و در سطح یک شهر، تجمعی دیگر را هر هفته یک بار و هر سال دو بار مقرر نموده است که این هدف نیز با نماز جمعه و عیدین تحقق می‌یابد و هر سال در سطح جوامع اسلامی تجمعی بزرگ را قرار داده است که حج بیت‌الله است که مسلمانان از هر سرزمینی به مکه مکرمه محل طلوع اسلام می‌آیند تا با تجدید بیعت با محور یکتاپرستی، هویت اجتماع امت اسلامی و همدلی خود را به نمایش بگذارند و از طاغوت و شرک بیزاری بجویند.

از سفر حج می‌توان بهره‌های فراوان سیاسی، اجتماعی برد. پیامبر (ص) در پیمان عقبه (عقبه منی) در حج یاور پیدا کرد و در سال نهم هجری حضرت ابوبکر (رض) را امیر حج فرستاد و در سال دهم هجری خطبه حجة الوداع خواند و حج را نوعی جهاد نامید و پیام برائت از مشرکان در حج قرائت شد که بیانگر بعد سیاسی حج است.

حج عاملی است برای شکستن سانسورها و از بین بردن خفقان نظام‌های ظالمانه‌ای که گاهی در کشورهای اسلامی حکم‌فرما می‌شوند، حج وسیله‌ای است برای انتقال اخبار سیاسی کشورهای اسلامی از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر و بالاخره حج عامل مؤثری است برای شکستن زنجیرهای اسارت و استعمار و یکپارچه نمودن دنیای اسلام و به همین خاطر خداوند زیارت خانه‌اش را سبب انتظام و مایه امور دین و دنیای مردم خوانده است. «جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ...»<sup>۱</sup>

مردم در این سرزمین از قیود سیاسی و مرزهای دست‌ساز بشر آزادند و تنها بندهٔ خدایند، چون کعبه ملک کسی نیست و خانهٔ عتیق است و مأوای امن مردم است. «و إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا»<sup>۱</sup> حج عظمت اسلام و مسلمانان را به نمایش می‌گذارد چون بزرگ‌ترین تجمع در تاریخ مکتب‌هاست و موجبات یأس و ناامیدی کافران را فراهم می‌سازد «الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ»<sup>۲</sup> و نمایش عملی جامعه نمونه و ایمن است که امنیت را در ابعاد مختلف به نمایش می‌گذارد.

### بعد اخلاقی حج

مهم‌ترین فلسفهٔ حج همان دگرگونی اخلاقی در روابط اجتماعی است که در انسان‌ها به وجود می‌آورد، مراسم احرام انسان را به کلی از تمنیات مادی و امتیازات ظاهری دور داشته و با تحریم لذایذ و پرداختن به خودسازی که از وظایف محرم است او را از جهان ماده جدا کرده و در عالمی از نور و صفا فرو می‌برد و رابطهٔ او را با هم‌نوعانش و طبیعت سازنده‌تر و روح برادری و برابری را بر انسان حاکم می‌گرداند.

بر خلاف سایر عبادات که برای لحظه یا ساعاتی از روز، انسان خدا را در زندگی احساس می‌کند و با انجام آن عمل عبادی شخصیت آشنا پیدا می‌نماید و با زبان بی‌زبانی اعلام می‌دارد که خدایا فراموشت نکردم و در زندگی حضور داری و در کنار شما شخصیت آشنایی دارم لذا کار دست خود نخواهم داد و پا از حدود و قوانین و هنجارهای انسانی فراتر نخواهم گذاشت، در مراسم حج دامنهٔ حضور گسترده‌تر شده و تجلی حضور الهی در انسان کامل می‌گردد و نه تنها چند ساعت بلکه چند روز آن‌هم در ابعاد وسیع‌تر

۱-سوره بقره، آیه ۱۲۵.

۲-سوره مائده، آیه ۳.

تسلیم پروردگار شده و در سایهٔ چنین حضور و اتصالی است که رابطهٔ انسان با خودش، هموعان و طبیعتی که در آن زیست می‌کند سازنده‌تر می‌گردد.

استمرار حضور خدا و نهادینه شدن ذکر و یاد او در وجود انسان سبب می‌شود که انسان شخصیت آشنایی پیدا کند و از نابهنجاری‌ها و رذایل و پلیدی‌ها بر حذر بماند چون در هیچ زمان و مکانی چنین انسانی گرفتار گمنامی و ناآشنایی و تنهایی نمی‌گردد که خطا کند و یا تنهایی و بی‌کسی و مصیبت‌ها، شخصیت او را خرد و نابود نماید. شخصیت آشنای با خدا حتی از اثرات نامطلوب قضاوت‌های نادرست برخاسته از جهل، غرض و مرض دیگران نیز مصونیت پیدا می‌کند چون این دسته از انسان‌ها ضمن احترام به روابط اجتماعی و رعایت آداب آن، خود را در آیینۀ قضاوت خدا می‌بینند و بر آن مبنا شخصیت آن‌ها شکل می‌گیرد.

آراستن نفس به فضایل و مکارم اخلاقی مانند خلق نیکو، فروتنی و تواضع، خوش‌رویی و نرم‌خویی، صبر و بردباری، تعاون و یاری مستمندان، عفو و گذشت و حتی تحمل آزار و اذیت دیگران و پیراستن نفس از رذایل و پلیدی‌هایی مانند بدخلقی، عیب‌جویی، جدال و ستیزه‌جویی، کینه‌جویی، حسدورزی، خودپسندی و غرور، تکبر و فریبکاری، خشم و عصبانیت، فحش و ناسزاگویی از حکمت‌های اخلاقی حج است «لَا فُسُوقَ وَ لَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ».

### بعد اقتصادی حج

برخلاف آنچه بعضی فکر می‌کنند استفاده از کنگرهٔ حج برای تقویت پایه‌های اقتصادی کشورهای اسلامی نه‌تنها با روح حج منافات ندارد بلکه یکی از فلسفه‌های آن را تشکیل می‌دهد. اگر مسلمانان در اجتماع حج پایهٔ يك بازار مشترك اسلامی را بگذارند و زمینهٔ مبادلات و تجارت خود را در میان خود به‌گونه‌ای فراهم سازند که منافعشان به جیب دشمن نریزد و اقتصادشان وابسته به اجانب نگردد، دنیاپرستی نخواهد

بود بلکه عین عبادت و جهاد است و تضمین کننده منافع دنیای اسلام که در اسرار حج «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ... لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ» نهفته است.<sup>۱</sup> چون منافع هم جمع است و هم نکره، از همین رو هم بر تنوع این منافع دلالت دارد و هم بر نامحدود بودن آن که شامل منافع دنیا و آخرت می‌گردد و در آیات برائت از مشرکین نیز به این مهم توجه شده که منظور فقط عدم حضور فیزیکی مشرکین نیست بلکه عدم حضور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن‌ها را نیز شامل می‌شود که نباید بر سرزمین حرم سایه افکند «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»<sup>۲</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مشرکان ناپاکند، پس نباید بعد از امسال، نزدیک مسجدالحرام شوند و اگر از فقر می‌ترسید، خداوند هرگاه بخواهد شما را از کرمش بی‌نیاز می‌سازد خداوند دانا و حکیم است.

در دل آیات مربوط به عرفات که مهم‌ترین رکن حج است، موضوع بی‌اشکال بودن فعالیت‌های اقتصادی و کسب و کار مطرح شده است چون در عصر جاهلی هنگام انجام مراسم حج، هرگونه معامله و کسب و کار را حرام می‌دانستند که قرآن این تفکر غلط را رد نموده است و حج را در ابعاد مختلف آن برای بشر دارای منفعت دانسته است: «لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ...»<sup>۳</sup> لذا انجام مناسک حج خودش به توسعه سیاحت و جهانگردی، گسترش صنعت حمل‌ونقل، تشکیل بازار مشترک اقتصادی مسلمانان و توسعه تفکر اقتصادی منطقه‌ای و جهانی کمک می‌نماید.

۱-سوره حج، آیات ۲۸-۲۷.

۲-سوره توبه، آیه ۲۸.

۳-سوره بقره، آیه ۱۹۸.

خداوند تمام مواهب اقتصادی دنیا را در حرم خود فراهم نموده است: «... أَوْلَمْ تُمْكِنَ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجَبَىٰ إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِّن لَّدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»<sup>۱</sup> آیا ما حرم امنی در اختیار آن‌ها قرار ندادیم که محصولات هر شهر و دیاری به سوی آن آورده می‌شود ولی اکثر آن‌ها نمی‌دانند.

و در ضمن تشریح مناسک حج، سیستم حمایت از محرومان را توسعه بخشیده («و أَطْعَمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ») است. در یک کلام، همان‌گونه که حج جامع عبادات است، جامع نهادهای پنج‌گانه (دین، خانواده، سیاست، اقتصاد و آموزش) حیات بشری نیز می‌باشد؛ که نهادها در ارتباط با یکدیگر بوده، نمی‌توانند مستقل از یکدیگر باشند.

### پیوند مناسک حج با خاطره مجاهدات ابراهیم (ع)

مناسک حج عمیقاً با خاطره مجاهدات حضرت ابراهیم و فرزندش اسماعیل و همسرش هاجر علیهم‌السلام آمیخته شده که ما اگر در مطالعات خود در مورد اسرار حج از این نکته غفلت کنیم بسیاری از مراسم آن به صورت معما در می‌آید، کلید حل این معما توجه به این آمیختگی عمیق است.

هنگامی که به قربانگاه در سرزمین منا می‌آییم تعجب می‌کنیم که این همه قربانی برای چیست؟ اصولاً مگر ذبح حیوان می‌تواند حلقه‌ای از مجموعه یک عبادت باشد؟! اما هنگامی که مسئله قربانی ابراهیم (ع) را به خاطر می‌آوریم که عزیزترین عزیزانش و شیرین‌ترین ثمره عمرش را در این میدان در راه خدا ایشار کرد و بعداً سنتی به عنوان قربانی در منا به وجود آمد، به فلسفه این کار پی می‌بریم.

قربانی کردن رمز گذشت از همه چیز در راه معبود است، قربانی کردن مظهري است برای تهی نمودن قلب از غیر یاد خدا و هنگامی می‌توان از این مناسک



بهره تربیتی کافی گرفت که تمام صحنه ذبح اسماعیل و روحيات این پدر و پسر به هنگام قربانی در نظر مجسم شود و آن روحيات در وجود انسان پرتوافکن گردد. هنگامی که به جمرات پا می گذاریم این معما در نظر ما خودنمایی می کند که پرتاب این همه سنگ به يك ستون بی روح چه مفهومی می تواند داشته باشد و چه مشکلی را حل می کند؟ اما هنگامی که به خاطر می آوریم صحنه مبارزه ابراهیم (ع) با وسوسه های شیطان را که چگونه هر بار شیطان را از سر راه خود دور ساخت محتوای این مراسم برای ما روشن تر می شود.

و یا هنگامی که به صفا و مروه می آییم و می بینیم گروه گروه مردم از این کوه به آن کوه می روند و از آنجا به اینجا باز می گردند و بی آنکه چیزی به دست آورده باشند این عمل را تکرار می کنند گاه می روند و گاه راه می روند، مسلماً تعجب می کنیم که این دیگر چه کاری است و چه مفهومی می تواند داشته باشد؟ اما هنگامی که به عقب برمی گردیم و داستان سعی و تلاش هاجر (ع) را برای نجات فرزند شیر خوارش اسماعیل در آن بیابان خشك و سوزان به خاطر می آوریم که چگونه بعد از این سعی و تلاش، خداوند او را به مقصدش رسانید و چشمه زمزم از زیر پای نوزادش جوشیدن گرفت، همگام شدن با هاجر (ع) این درس را به ما می دهد که در راه خدا بی سعی و تلاش کسی به جایی نمی رسد.

## ادعیه ابراهیم و اسماعیل (ع):

«وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَ مَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَ بئْسَ الْمَصِيرُ»<sup>۱</sup>

و هنگامی که ابراهیم عرض کرد: پروردگارا این سرزمین را شهر امنی قرار ده و اهل آن را که به خدا و روز آخرت ایمان می آورند از ثمرات گوناگون روزی ده. گفت: دعای تو را اجابت کردم و مؤمنان را از انواع برکات بهره مند ساختم اما به آنها که کافر شدند بهره کمی خواهم داد سپس آنها را به عذاب آتش می کشانم و چه بد سرانجامی است.

«وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَ اجْنُبْنِي وَ بَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ»<sup>۲</sup> و هنگامی که ابراهیم گفت: پروردگارا این شهر را امن بگردان و مرا و فرزندانم را از پرستش بتان دور بدار.

«رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَ ارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ»<sup>۳</sup> پروردگارا من برخی از فرزندانم را در سرزمین بی آب و علف، در جوار بیت الله الحرام تو سکنی داده‌ام تا نماز را برپا دارند، پس دل‌های مردم را به آنان مهربان کن و از فرآورده‌ها روزی‌شان بیخس باشد که سپاس بگزارند.

۱- سوره بقره، آیه ۱۲۶.

۲- سوره ابراهیم، آیه ۳۵.

۳- سوره ابراهیم، آیه ۳۷.

ابراهیم (ع) دو درخواست عمومی دارد: ۱- امنیت مکه ۲- رزق و ثمرات برای اهالی آنجا؛ و یک درخواست ویژه برای فرزندانش دارد که خدای سبحان هر سه دعای ابراهیم (ع) را پذیرفت.

«أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا»<sup>۱</sup> آیا ندانسته‌اند که ما حرمی امن (کعبه) قرار داده‌ایم.

«أَوَلَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجَبِّي إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا»<sup>۲</sup> آیا ما حرم امنی در اختیار آن‌ها قرار ندادیم که محصولات هر شهر و دیاری به‌سوی آن آورده می‌شود ولی اکثر آن‌ها نمی‌دانند.

«وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ»<sup>۳</sup>

ضمن آن‌که کفار این سرزمین نیز از بهره‌اندک دنیا برخوردار شدند.

«فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ»<sup>۴</sup> چون بهره‌ دنیا در مقایسه با آخرت قلیل و کم است.

تحقق اقتصاد سالم در پرتو امنیت است لذا ابراهیم (ع) نخست تقاضای امنیت و سپس درخواست مواهب اقتصادی می‌کند. در ادامه ابراهیم (ع) از خدا می‌خواهد که او و فرزندان‌ش را نماز خوان بگرداند و والدین ایشان و مؤمنین را بیامرزد:

«رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ»<sup>۵</sup>

«رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدِي وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ»<sup>۶</sup>

۱- سوره عنکبوت، آیه ۶۷.

۲- سوره قصص، آیه ۵۷.

۳- سوره تین، آیه ۳.

۴- سوره توبه، آیه ۳۸.

۵- سوره ابراهیم، آیه ۴۰.

۶- سوره ابراهیم، آیه ۴۱.

اما در آیات دیگر ابراهیم و فرزندش اسماعیل پنج تقاضای مهم از خداوند جهان می‌کنند این تقاضاها به قدری حساب شده و جامع تمام نیازمندی‌های زندگی مادی و معنوی است که انسان را به عظمت روح این دو پیامبر بزرگ خدا کاملاً آشنا می‌سازد.

«وَ إِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ - رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ - رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»<sup>۱</sup>

۱- پروردگارا ما را تسلیم فرمان خودت قرار داده «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ»

۲- از دودمان ما نیز امتی مسلمان و تسلیم در برابر فرمانت قرار ده «وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ»

۳- طرز پرستش و عبادت خودت را به ما نشان ده و ما را از آن آگاه ساز «وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا»

۴- توبه ما را بپذیر و رحمتت را متوجه ما گردان که تو تَوَّابٌ و رحیمی «وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»

۵- پروردگارا در میان آنها پیامبری از خودشان مبعوث ساز تا آیات تو را بر آنها بخواند و ... «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا»

از این آیه بر می‌آید:

۱- نشان دادن جای خانه به ابراهیم (ع): «وَ إِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ»<sup>۲</sup> و اسکان دادن ذریه اش در وادی غیر مزروعی «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ»<sup>۳</sup> و «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ...»<sup>۴</sup>.

۱- سوره بقره، آیات ۱۲۷ تا ۱۲۹.

۲- سوره حج، آیه ۲۶.

۳- سوره ابراهیم، آیه ۳۷.

۴- سوره آل عمران، آیه ۹۶.

بیانگر آن است که شالودهٔ کعبه پیش از ابراهیم (ع) از آغاز خلقت وجود داشته است.

۲ - خداوند تنها اجابت کننده دعاست: «رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»<sup>۱</sup>  
 لذا از خدا درخواست می کند که خودش و اسماعیل را مسلمان بگرداند و از ذریه اش امت مسلمانی شکل بگیرد و درخواست آموزش مناسک حج را از خدا می کند که مناسک امروز ما یادگار آموزش مناسکی است که خدا به ابراهیم آموزش داد و محمد (ص) نیز به امت اسلام آموزش داد.

۳ - کار مهم نیست قبول شدن آن اهمیت دارد حتی اگر کعبه بسازیم ولی مورد قبول خدا قرار نگیرد ارزش ندارد لذا ابراهیم (ع) از خدا می خواهد: «رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا»

۴- دعای ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) در حق فرزندان شان پذیرفته می شود: «فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ»<sup>۲</sup>

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيَعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ»<sup>۳</sup>

تلاوت بر تعلیم مقدم شده چون در صورت خواندن مستمر، تعلیم صورت می پذیرد و تأثیر تعلیم برای تزکیه در صورتی است که مستمر باشد و تزکیه در صورتی حاصل می شود که انسان به طور مستمر با نفس و شیطان مبارزه کند لذا هر سه فعل به صورت مضارع که دلالت بر استمرار دارد آمده است در قرآن در چهار مورد تعلیم و

۱ - سوره بقره، آیه ۱۲۷.

۲ - سوره نساء، آیه ۵۴.

۳ - سوره جمعه، آیه ۲.

تریت به عنوان هدف انبیا باهم ذکر شده که در سه مورد ذیل تربیت بر تعلیم مقدم شده و فقط در درخواست ابراهیم (ع) است که تعلیم بر تربیت مقدم می‌باشد:

۱- کَمَا ارسلنا فيكم رسولا منكم يتلوا عليكم آياتنا ويزكيكم ويعلمكم الكتاب والحكمة ويعلمكم ما لم تكونوا تعلمون<sup>۱</sup>. همچنان که پیامبری از خودتان به میان شما فرستادم که آیات ما را بر شما می‌خواند و پاکدلان می‌گرداند و به شما کتاب و حکمت می‌آموزد و آنچه نمی‌دانستید به شما آموزش می‌دهد.

۲- لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ<sup>۲</sup>. به راستی خداوند بر مؤمنان منت نهاد آنگاه که پیامبری از میان خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنان می‌خواند و پاکیزه‌شان می‌دارد و به آنان کتاب و حکمت می‌آموزد، در حالیکه در گذشته در گمراهی آشکاری بودند.

۳- هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ<sup>۳</sup>. اوست که در میان قوم بی‌کتاب (عرب) پیامبری از میان خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنان می‌خواند و پاکیزه‌شان می‌دارد، و به آنان کتاب و حکمت می‌آموزد، و حقا که در گذشته در گمراهی آشکاری بودند.

۱ - سوره بقره، آیه ۱۵۱.

۲ - سوره آل عمران، آیه ۱۶۴.

۳ - سوره جمعه، آیه ۲.

## فلسفه وجوب حج و آن‌هم یک بار در طول عمر انسان

قرآن کریم در چند آیه به تشریح حج در شرع مقدس اسلام پرداخته است. مورد اول آیات سوره آل عمران می‌باشد:

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ، فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ»<sup>۱</sup>

نخستین خانه‌ای که برای مردم و نیایش خداوند قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکه است که پر برکت و مایه هدایت جهانیان است. در آن نشانه‌های روشن از جمله مقام ابراهیم است و هر کس داخل آن شود در امان خواهد بود و برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه او کنند، آن‌ها که توانایی رفتن به سوی آن دارند و هرکس کفر ورزد (و حج را ترک کند، به خود زیان رسانده) خداوند از همه جهانیان بی‌نیاز است.

قرآن کریم در آیه دوم زیارت اولین خانه هستی را که مایه هدایت جهانیان است و دارای نشانه‌های آشکاری همچون مقام ابراهیم (ع) می‌باشد بر انسان‌های مستطیع واجب می‌داند و ترک زیارت آن را موجب خروج از دین، لکن در آیه نخست به برخی از ویژگی‌های خانه کعبه اشاره می‌کند و می‌فرماید:

۱- نخستین خانه با برکت است. این اولویت ممکن است اشاره به این باشد که اولین نقطه روی زمین است که آشکار گردید. محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب - رضوان الله تعالی علیهم - از پدرش و او از پیامبر (ص) روایت می‌کند که گفت: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَعَثَ مَلَائِكَتَهُ فَقَالَ ابْنُوا لِي فِي الْأَرْضِ بَيْتًا عَلَيَّ مِثَالِ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَأَمَرَ اللَّهُ

تَعَالَى مَنْ فِي الْأَرْضِ أَنْ يَطُوفُوا بِهِ كَمَا يَطُوفُ أَهْلُ السَّمَاءِ بِالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَ هَذَا كَانَ قَبْلَ خَلْقِ آدَمَ»<sup>۱</sup>

خدای تعالی فرشتگان خود را مأمور کرد و گفت: مرا در زمین خانه‌ای بسازید بر مثال بیت‌المعمور و خدای تعالی هر که را که در زمین است امر فرموده است به گِرد آن طواف کنند، همچنان که اهل آسمان به دور بیت‌المعمور طواف می‌کنند و این پیش از خلق آدم بوده است.

تفاوت کعبه با مسجدالاقصی در این است که کعبه خود مبارک است اما در مورد مسجدالاقصی خداوند می‌فرماید که اطراف آن را برکت دادیم: «... اِلَى الْمَسْجِدِ الْاِقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ...»<sup>۲</sup>

۲- مایه هدایت جهانیان است. چون مردم در کنار آن شفا می‌یابند و در تاریخ هر جباری که خواسته آن را ویران کند، هلاک شده است.

۳- در این خانه نشانه‌های روشنی از خداپرستی وجود دارد که از جمله آن مقام ابراهیم و اثر قدم‌های ابراهیم (ع) بر سنگ سخت است و همچنین زمزم و حجر اسود و امن خائف و قلّت رمی جمار با وجود کثرت رمی و این که پرندگان از بالای آن نمی‌گذرند و شفا یافتن مریض به آن و تعجیل عقوبت برای کسی که در آن بی‌حرمتی کند و ادب نگاه ندارد. و هلاک شدن اصحاب فیل آنگاه که قصد تخریب آن را داشتند.<sup>۳</sup>

۴- هر کس در این خانه وارد شود در امن و امان خواهد بود و کسی نباید متعرض آن‌ها شود. از جنبه تشریحی هر کس به کعبه پناه برد و داخل حرم شود کسی حَقّ تعرض به او را ندارد گرچه گناهش بسیار باشد. شایان ذکر است که پرندگان و حیوانات نیز در حرم در امان هستند.

۱- تفسیر کبیر ۳۵۲۱/۸ به نقل از جامع الصغیر سیوطی ۱/۱۱۴

۲- سوره اسراء، آیه ۱.

۳- تفسیر کبیر ۳۵۳۲/۸.



مورد دوم که قرآن به تشریح حج پرداخته، آیه ۲۷ سوره حج است که دعوت به حج را از وظایف رهبران الهی دانسته است: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ» «و مردم را دعوت عمومی به حج کن تا پیاده و سوار بر مرکب‌های لاغر از هر راه دوری به سوی تو بیایند.»

بعد از آماده شدن خانه کعبه برای عبادت‌کنندگان، خداوند به ابراهیم (ع) دستور می‌دهد در میان مردم برای حج اعلام کن تا پیاده و سواره بر مرکب‌های لاغر از هر راه دوری قصد خانه خدا کنند.

روایت است هنگامی که ابراهیم (ع) چنین دستوری را دریافت داشت، عرض کرد: خداوندا صدای من به گوش مردم نمی‌رسد. اما خدا به او فرمود: «عَلَيْكَ بِالْأَذَانِ وَعَلَى الْبَلَاغِ» تو اعلام کن و من به گوش آنها می‌رسانم. ابراهیم بر محل مقام برآمد و صدا زد: ای مردم حج خانه کعبه بر شما نوشته شده، دعوت پروردگارتان را اجابت کنید که خداوند صدای او را به گوش همگان حتی کسانی که در پشت پدران و رحم مادران بودند رسانید و آنها در پاسخ گفتند: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» و تمام کسانی که از آن روز تا روز قیامت در مراسم حج شرکت می‌کنند از کسانی هستند که در آن روز دعوت ابراهیم را اجابت کردند.<sup>۱</sup>

در آیین اسلام عباداتی داریم که همواره باید آن را انجام دهیم و تحت هیچ شرایطی ساقط نمی‌شود مانند نماز؛ و عباداتی داریم که در هر سال فقط یک بار واجب می‌شود مانند روزه و عبادتی نیز هست که در طول عمر فقط و فقط یک بار واجب می‌شود آن‌هم در صورتی که شرط استطاعت محقق گردد مانند حج. حال سؤال اینجاست که چرا فقط یک بار؟

۱- باقرآن در مکه و مدینه، ۲۱۱ به نقل از تفسیر روح المعانی ۱۴۳/۱۷ و مجمع البیان ۱۲۸/۷

فلسفه و جوب یک مرتبه حج در طول عمر، به آثار و برکات حج در زندگی انسان و سختی این عمل عبادی بستگی دارد. حج از چنان جامعیتی برخوردار است که دیگر نیازی به تکرار آن نیست و اگر کسی توفیق یابد تا این تکلیف الهی را به درستی انجام دهد در همان یک بار آن قدر می تواند توشه بردارد که او را کفایت کند و دین و دنیا و آخرت او در سایه درس ها و آموزه های آن رنگ سعادت و خوشبختی به خود گیرد تا جایی که انسان با انجام یک مرتبه مناسک حج می تواند به چنان حضور کاملی دست پیدا کند که پیامبر اکرم (ص) از آن به عنوان تولدی دوباره یاد می کند «قال النبی (ص): مَنْ حَجَّ الْبَيْتَ فَلَمْ يَرْفُثْ وَ لَمْ يَفْسُقْ خَرَجَ مِنْ ذَنْبِهِ كَيَوْمِ وُلِدَتْهُ أُمُّهُ»<sup>۱</sup> لذا نیاز به تکرار آن به عنوان حکم واجب نیست و نکته دیگر آن که با توجه به سختی های انجام مناسک حج، خداوند جهت سهولت بر بندگانش، آن را فقط یک مرتبه واجب دانسته و از انجام تکرار استحبابی آن نیز منع ننموده است؛ و دلیل آن که نه تنها منعی بر تکرار استحبابی آن نیز وارد نشده بلکه در اخبار و آثار رسیده از رسول خدا (ص) تأکید فراوانی بر انجام حج استحبابی شده است، به خاطر آن است که بعضی از انسان ها نیاز به تجدید حضور دارند تا بتوانند کاستی های وجودی شان را جبران کنند و از طرفی دیگر افراد غیر مستطیع نیز از این فیض الهی بی بهره نمانند.

روایت است چون این آیه «و لله على الناس حج البيت نازل گشت، پیامبر فرمودند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ فَرَضَ عَلَيْكُمُ الْحَجَّ فَحُجُّوا...» حج خانه خدا بر شما فرض شد پس حج خانه خدا را انجام دهید. صحابه گفتند: ای رسول خدا، آیا خدا حج را همه ساله بر ما واجب کرد؟ و این را سه بار گفتند و رسول (ص) سکوت کرد، آنگاه در بار چهارم گفت: اگر بگویم آری، واجب می شود و اگر واجب شود شما

به انجام دادن آن قیام نمی کنید و اگر به انجام آن قیام نکردید البته کافر می شوید، آگاه باشید که با من یگانه شوید در آنچه با شما یگانه شدم و هرگاه شما را به انجام کاری دستور دادم تا آنجا که می توانید انجام دهید و هرگاه شما را از کاری بازداشتم باز ایستید، زیرا کسانی که پیش از شما بودند به سبب کثرت اختلافاتشان با پیامبرانشان هلاک گشتند.<sup>۱</sup>

واقعیت آن است که مسلمانان در شرایط فعلی نباید از شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که در آن قرار گرفته اند، غفلت نمایند. با وجود آن که حج و عمره استجابی ثواب دارد اما ثواب فراهم کردن زمینه تحصیل، ازدواج، اشتغال و دستگیری از مستمندان اطرافشان نیز کمتر از حج و عمره های استجابی نیست.

### فلسفه استطاعت و توانایی

تردیدی نیست که حج بر افراد توانمند از نظر بدنی، مالی و دارای دیگر شرایط مذکور واجب است. سایر مسلمانان نیز می توانند در این عبادت حضور یابند هرچند دارای شرایط نباشند. ولی تنها بر شخص مستطیع واجب است «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا»<sup>۲</sup> این نکته موجب برتری برای اشخاص مستطیع و توانمند نیست بلکه مسئولیتی است که آنان در قبال خود و جامعه دارند. وجوب حج بر مستطیع دارای آثار و حکمت هایی است که توزیع ثروت و تولید کار و مهار طغیان صاحبان مکت از مهم ترین آنهاست. بدین صورت وقتی عده ای توانمند از نظر ثروت و امکانات از سراسر جهان اسلام به حرکت می آیند تا در مراسم حج شرکت کنند، در کنار آن هزاران تن به کارهای خدماتی و تولیدی مشغول می شوند و از

۱- تفسیر کبیر، ۳۵۳۸/۸، صحیح مسلم، حدیث ۱۳۳۷ و سنن ابن ماجه، حدیث ۲۸۸۵ و مسند احمد، ۱/۱۱۳

۲- سوره آل عمران، آیه ۹۷.

این طریق مقداری از ثروت افراد مستطیع به دیگران منتقل می‌شود و توزیع ثروت صورت می‌پذیرد.

نکته دیگر آن که ثروت و قدرت طغیان ایجاد می‌کند «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ»<sup>۱</sup> که چنین طغیانی با تقویت معنویت و تجلی نیاز بنده به خالق هستی در مناسک حج، مهار می‌گردد.

نکته سوم آن که خداوند در انجام هر عبادتی، تکلیف ما لا یطاق نمی‌دهد یعنی عبادت را زمانی بر بنده واجب می‌گرداند که بنده توانایی انجام آن را داشته باشد؛ بنابراین اگر حج و عمره بر همه انسان‌ها واجب می‌شد خیلی از انجام آن ناتوان می‌شدند.

نکته چهارم آن که غیر ثروتمندان نیز از سفر به کعبه<sup>۲</sup> دل‌ها منع نشدند بلکه تکلیف و جوب از آن‌ها ساقط شده، ضمن آن که به آن‌ها نیز توصیه شده که برای چنین سفری در صورت امکان اقدام نمایند همان‌گونه که به تکرار حج و انجام حج استحبابی توصیه شده و ما نیز در هر سفری هنگام دعا از خدا می‌خواهیم که آن سفر را، آخرین دیدار از زیارت خانه‌اش نگرداند.

### فلسفه مکانی حج

چرا مکه به عنوان مکان حج برگزیده شده است؟ آن‌هم مکانی که ابراهیم (ع) آن را وادی بی‌آب و علف توصیف می‌کند: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ...»<sup>۲</sup>

امام فخر رازی در تفسیر کبیر می‌نویسد: حکمت آن از چند وجه است: یکی از آن‌ها این است که خدای تعالی به این کار رجای اهل حرم و سَدَنَهُ بَيْتِ خود را از جز

۱- سوره علق، آیات ۶-۷.

۲- سوره ابراهیم، آیه ۳۷.

خودش قطع کرد تا این که جز بر خدا توکل نکنند، دومی این است که هیچ کس از جباران و خسروان در آنجا ساکن نشوند، زیرا آن‌ها خوشی‌های دنیا را طلب می‌کنند، پس چون آن‌ها را در اینجا نمی‌یافتند این جایگاه را ترک کردند، پس مقصود تنزیه این جایگاه از لوث وجود دنیامداران است، سومی این است که او این کار را کرد تا کسی برای تجارت قصد آنجا نکند بلکه برای محض عبادت و تنها برای زیارت باشد، چهارمی این است که خدای تعالی بدین کار شرف فقر را ظاهر گردانید، چه شریف‌ترین بیت‌ها را در جایی قرار داد که از دنیا کمترین نصیب را دارد. پس گویی می‌گوید: فقیران را در دنیا در بلدِ امین جای دادم و همین‌طور ایشان را در آخرت اهلِ مقام امین می‌گردانم: ایشان را در دنیا بیت‌الامن است و در آخرت «دارالامن» و پنجمی این است که گویی می‌گوید: همچنان که کعبه را در موضعی خالی از همه نعیم دنیا قرار دادم، همین‌طور کعبه معرفت را جز در قلبی قرار نمی‌دهم که از محبت دنیا خالی باشد.<sup>۱</sup>

واقعیّت آن است که مکه، امّ القری، سرآغاز هستی با ساخت کعبه در آن هست و توسعه خشکی و دحو الارض از مکه صورت پذیرفته است. «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ...»<sup>۲</sup> و موقعیت جغرافیایی مکه به صورتی است که در وسط زمین قرار گرفته تا انجام عبادات برای تمام اهالی کره خاکی یکسان باشد؛ و از طرفی کعبه در این وادی بی آب و علف قرار گرفت تا بستر ابتلاء و آزمون فراهم گردد چون اگر مکه سرسبز می‌بود دیگر حج امتحان نبود بلکه محلی برای تفریح و سرگرمی می‌گشت. چنان که حضرت علی (رض) در کلامی در نهج البلاغه به این

۱- تفسیر کبیر / ۸ / ۳۵۲۶

۲- سوره آل عمران، آیه ۹۶.

مهم می پردازد که خلاصه آن این است: اگر سرزمین مکه آباد، سرسبز، خوش و خرم و برخوردار از دیدنیهای طبیعی و مناظر دل انگیز و بنای کعبه از زمرد سبز، یاقوت سرخ و ... بود، دیگر حج امتحان و ریاضت نبود بلکه محلی برای تفریح و سرگرمی می گشت ولی خداوند این سرزمین را برگزید تا از همه جاذبه های طبیعی عاری باشد و تنها جاذبه وجود معشوق باشد.<sup>۱</sup>

مکه شهری برای زندگی دنیوی نیست، بلکه مکان رویش و گذر است یعنی از آنچه هستی به آنچه باید باشی گذر کنیم. آنان که در جستجوی راهی هستند تا سفر «مِنَ الخَلْقِ إِلَى الحق» را کوتاهتر طی کنند، راهی این سرزمین می شوند اما آنان که می خواهند مکانی را برای گذر زندگی دنیایی انتخاب کنند، معمولاً جایی دیگر برمی گزینند.

### فلسفه انواع حج

«وَاتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُؤُسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَةَ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»<sup>۲</sup>

«و حج و عمره را برای خدا به اتمام برسانید و اگر محصور شدید (و مانعی مانند ترس از دشمن یا بیماری یا محدودیت قانونی و حکومتی اجازه نداد که پس از

۱- نهج البلاغه خطبه ۱۹۲ ص ۳۸۸ تا ۳۹۱.

۲- سوره بقره، آیه ۱۹۶.

احرام بستن وارد مکه شوید) آن چه از قربانی برای شما میسر است (ذبح کنید و از احرام خارج شوید) و موهای خود را تراشید تا قربانی به محلش برسد (و در قربانگاه ذبح شود) و اگر کسی از شما بیمار بود و یا ناراحتی در سر داشت (و ناچار بود سر خود را بتراشد) باید فدیة و کفاره‌ای از قبیل روزه یا صدقه یا گوسفندی بدهد و هنگامی که (از بیماری و دشمن یا محدودیت قانونی) در امان بودید، هر کس با ختم عمره، حج را آغاز کند آن چه از قربانی برای او میسر است (ذبح کند) و هر که نیافت، سه روز در ایام حج و هفت روز هنگامی که باز می‌گردد روزه بدارد این ده روز کامل است. البته این (حج تمتع) برای کسی است که خانواده او نزد مسجد الحرام نباشد (اهل مکه و اطراف آن نباشد) و از خدا بپرهیزید و بدانید که او سخت کیفر است.»

حج به سه صورت قابل انجام است:

**۱- حج افراد:** زائر وقت بستن احرام فقط نیت حج را می‌کند و پس از پایان اعمال حج از احرام خارج می‌شود که بر اهل مکه و ساکنان مواقیت واجب است این نوع حج را انجام دهند.

**۲- حج قران:** آن است که زائر در وقت بستن احرام نیت عمره و حج را باهم جمع می‌کند لذا بعد از سعی بین صفا و مروه از احرام خارج نشده بلکه با همان احرام حج را نیز انجام می‌دهد.

**۳- حج تمتع:** زائر ابتدا نیت عمره می‌کند و پس از خروج از احرام عمره، مجدد در یوم الترویة (روز هشتم ذی الحجہ) با پوشیدن لباس احرام، نیت حج می‌کند که این نوع حج بر آفاقی‌ها و کسانی که بیرون از حرم و محدوده مواقیت زندگی می‌کنند جایز است.

تاریخ آغاز حج به صورت «تمتع» به سال دهم هجری و حجة الوداع بر می گردد. پیش از آن حج به صورت افراد و قرآن بوده است و کسی که وارد مکه می شده تا پایان مراسم حج در احرام باقی می مانده است.

در حجة الوداع و پس از نزول این آیه: «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ...» پیامبر خدا (ص) در مروه برای مردم سخنرانی کرد و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: من عمره را داخل در حج نمودم... و هر کس با خود قربانی نیاورده (سوق هدی نکرده) از احرام خارج شود و اگر این را از پیش می دانستم مثل شما از احرام خارج می شدم ولی من با خود قربانی و هدی آورده ام و هر که قربانی آورده روا نیست از احرام خارج شود مگر وقتی که قربانی به محل خود برسد.<sup>۱</sup>

سراقة بن مالک برخاست و گفت ای رسول خدا، فقط امسال این کار را بکنیم یا برای همیشه این رخصت را داریم؟ پیامبر (ص) فرمود: عمره داخل در حج شد و همیشه می توانید این عمل را انجام دهید. حضرت علی (رض) که از یمن برگشته بود از خروج حضرت فاطمه (رض) از احرام ناراحت شده بود که فاطمه گفت: پدرم این گونه دستور داده است. علی (رض) می گوید: نزد پیامبر (ص) رفتم و ایشان گفتند که فاطمه راست گفته است و خطاب به من گفتند که شما چگونه نیت کردی؟ علی گوید: گفتم: من چنین نیت کردم: خدایا آن گونه احرام می بندم که پیامبرت (ص) احرام بسته است. پیامبر (ص) فرمودند: پس تو هم احرام خود را مشکن. چون به همراه خود هدی آورده بود.<sup>۲</sup>

در واقع حج تمتع نوعی تسهیل و تخفیف بر آفاقی هاست که بتوانند در یک سفر، عمره و حج هر دو را بجا آورند. انجام عمره قبل از حج را «عمره تمتع» و

۱- صحیح مسلم، حدیث شماره ۱۲۱۸، سنن ابن ماجه حدیث ۳۰۷۴ و سنن ابن داود حدیث ۱۹۰۵.

۲- صحیح مسلم، حدیث شماره ۱۲۱۸ و صحیح بخاری حدیث ۱۷۸۵.



حجی را که در آن سال انجام می دهند «حجّ تمتّع» می نامند، همچنین جمع عمره و حج با یک احرام که حج قران نامیده می شود نزد اهل سنت مشروع هستند. تبدیل عمره تمتّع به حج افراد و حج قران برای بانوانی که عذر شرعی دارند نیز جایز است. اما تبدیل حج به عمره، بدین معنا که شخص با احرام حج افراد وارد مکه شود و قبل از انجام مناسک، حج خود را به عمره مبدّل نماید، سپس در روز ترویبه (هشتم) برای حج محرم گردد جایز نیست و این همان تمتّعی است که عمر (رض) آن را تحریم نموده است.<sup>۱</sup>

صاحب الغدیر از قول برخی علمای اهل سنت می نویسد که گفته اند: متعه ای که عمر و عثمان آن را ممنوع نمودند تبدیل حج به عمره است نه عمره ای که بعد از آن حج است.<sup>۲</sup> شهید ثانی از فقهای شیعه در شرح کلام شهید اول که می گوید: برای کسی که حج افراد مستحبی انجام می دهد، جایز است آن را به حج تمتّع مبدل کند، می نویسد: این همان چیزی است که عمر آن را انکار کرده است.<sup>۳</sup>

به طور کلی فلسفه و اسرار انواع حج را در دو نکته می توان خلاصه کرد:

- ۱- تسهیل و تخفیف برای مکلفان به حج تا هر یک در حد توان و انگیزه خود، نوع حج را انتخاب کنند.
- ۲- هیچ کس از عمل حج باز نماند و اگر از برخی اقسام حج معذور شد، بتواند نوع دیگر حج را به جا آورد.

ضمن آن که باید دانست که احکام اسلام در مقام سختگیری بر مردم نیست، تمام نمودن حج و عمره بر کسی که مریض باشد یا از دشمن ترس داشته باشد واجب نیست «فَإِنْ أَحْصَرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ»

۱- تفسیر کبیر ۲۲۶۸/۵ و تفسیر آیات حج، ۹۵ به نقل از تفسیر قرطبی ۳۹۲/۲.

۲- تفسیر آیات حج، ۹۵ به نقل از الغدیر ۲۱۴/۶.

۳- تفسیر آیات حج، ۹۵ به نقل از اللّمة الدمشقیة ۲۱۲/۲.

بیماری سبب تخفیف در احکام است نه تعطیل آن. لذا در حج، افراد معذور در صورت ارتکاب محرمات باید سه روز روزه یا به شش مسکین صدقه بدهند و یا با قربانی وظایف خود را جبران کنند «فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا...»

### فلسفه عقوبت ترک حج

حج بزرگترین تجمع در تاریخ مکتب هاست و پایان تاریخ روزی خواهد بود که حج خانه خدا برگزار نگردد. «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى لَا يُحَجَّ الْبَيْتِ»<sup>۱</sup> حج نشانه حیات جامعه اسلامی است و کمرنگ شدن آن، گواه مردن فرهنگ و تمدن اسلامی و بی رمق شدن دین در زندگی انسانهاست.

ترک حج، نشانه افول و انحطاط جامعه و خروج از دین است لذا اگر مسلمانان یک سال حج را ترک کنند، دیگر به آنها مهلت داده نمی شود که زندگی کنند. «لَا تَزَالُ هَذِهِ الْأُمَّةُ بِخَيْرٍ مَا عَظَّمُوا هَذِهِ الْحَرَمَةَ حَقَّ تَعْظِيمِهَا فَإِذَا ضَيَّعُوا ذَلِكَ هَلَكُوا»<sup>۲</sup> همیشه خیر و عافیت شامل حال این امت است تا وقتی که بزرگ شمرند این حرم (کعبه) را آن گونه که شایسته آن است و هلاک شوند هرگاه فروگذارند حرمت حرم را. مصالح حج و عمره برای جهان اسلام و بشریت به قدری زیاد و با برکت است که سرمایه عظیمی از جامعه اسلامی، بایستی هر سال برای آن هزینه شود.

در وصیت حضرت علی (رض) به فرزندانشان حسن و حسین (رض) نیز به این مهم توجه شده که می فرماید: خانه خدا را تا هستید خالی نگذارید، زیرا اگر کعبه خلوت شود مهلت داده نمی شوید. «اللَّهُ، اللَّهُ، اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ، لَا تَخْلُوهُ مَا بَقِيْتُمْ، فَإِنَّهُ إِنْ تُرِكَ لَمْ تُنَاطَرُوا...»<sup>۳</sup>

۱- صحیح بخاری ۱۵۸/۲ حدیث ۱۵۹۳.

۲- الحج و الروایات المشتركة ۱۳۳ به نقل از المنصف لابن ابی شیبہ ۴/۳۵۲

۳- نهج البلاغه نامه ۴۷ و المعجم الکبیر طبرانی ۱/۱۰۲ و مجمع الزوائد ۹/۱۴۳.

کسی که اصلاً به وجوب حج اعتقاد نداشته باشد یا اقدام به ترک حج کند، کافر شناخته می شود چون خدای متعال می فرماید: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلاً وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ»<sup>۱</sup> و از پیامبر (ص) روایت کرده اند که فرمود: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَحِجَّ فَلَيْمَتْ إِنْ شَاءَ يَهُودِيًّا وَ إِنْ شَاءَ نَصْرَانِيًّا» هر کس بمیرد و حج نگزارده باشد پس بگو اگر خواهد یهودی بمیرد و اگر خواهد ترسایی بمیرد و از ابوامامه می آید که رسول (ص) گفت: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَحِجَّ حِجَّةَ الْإِسْلَامِ وَ لَمْ تَمْنَعُهُ حَاجَةٌ ظَاهِرَةٌ أَوْ مَرَضٌ حَائِضٌ أَوْ سُلْطَانٌ جَائِزٌ فَلَيْمَتْ عَلَى أَيِّ حَالٍ شَاءَ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا» یعنی هر کس بمیرد و حج نگزارده باشد، در حالی که حاجتی آشکار او را منع نکرده یا بیماری بازدارنده بی یا سلطان ستمگاره بی، پس بمیرد در حالی که خواهد یهودی یا ترسایی.

از سعید بن جبیر نقل کرده اند که می گفته است: «اگر همسایه ای از آن من بمیرد و او توانایی داشته و حج نگزارده باشد بر او نماز نمی کنم»<sup>۲</sup>

حال این سوال مطرح می شود جایز است درباره کسی که تارک حج است حکم به کُفر او نمایند؟

امام فخر رازی می نویسد: بعضی به دلیل سختگیری جایز می دانند چون به کفر نزدیک شده و کاری را می کند که کافر به حج انجام می دهد و نظیر آن، این سخن پیامبر (ص) است که «مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ كَفَرَ»<sup>۳</sup> یا این سخن پیامبر (ص) که «مَنْ أَتَى إِمْرَأَةً حَائِضًا أَوْ فِي دُبُرِهَا فَقَدْ كَفَرَ»<sup>۴</sup>

۱- سوره آل عمران، آیه ۹۷.

۲- تفسیر کبیر، ۸/۳۵۳۹.

۳- تفسیر کبیر، ۸/۳۵۴۰ به نقل از جامع الصغیر سیوطی ۲/۲۸۹ هرکس نمازی را به عمد رها کند و نگذارد کافر شده است.

۴- همان، «هر کس با زنی از پشت گرد آید یا در حالی که حائض است، کافر شده است».

و اما بیشتر دانشمندان کسانی هستند که این وعید را بر کسی حمل کرده اند که اعتقاد بر وجوب حجّ را رها کرده باشد. ضحاک گوید: چون آیت حج نازل شد، رسول (ص) اهل ادیان شش گانه را گرد آورد یعنی: مسلمانان، ترسایان، جهودان، صائبان، مجوس و مشرکان، سپس خطبه کرد و گفت: «إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ عَلَيْكُمُ الْحَجَّ فَحَاجُّوا» خدای تعالی حجّ را بر شما واجب ساخت، پس حج بگزارید. پس مسلمانان به آن ایمان آوردند ولی ملت های پنجگانه دیگر بدان کافر گشتند و گفتند: بدان ایمان نیاوریم و به سوی او نماز نکنیم و حجّ نگزاریم. پس خدای تعالی قول خود را فرود آورد که «وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ» و این قول قوی تر است.<sup>۱</sup>

### فلسفه و اسرار میقات زمانی حج

خدای متعال در تبیین فلسفه شکل گیری ماه‌ها، مشخص شدن میقات زمانی حج را یکی از دلایل آن می‌داند و می‌فرماید: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ...»<sup>۲</sup> وجود ماهها تعیین کننده مواقیت زندگی مردم و همچنین تعیین کننده موسم حج است و برای آن که زندگی انسان و قراردادهایش به هم نخورد خداوند با ایجاد یک تقویم طبیعی و تعیین سه عنصر اساسی آن یعنی سال، ماه و شبانه روز به زندگی بشر نظم بخشید لذا در خصوص سال و ماه می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابِ»<sup>۳</sup> و «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ

۱- همان.

۲- سوره بقره، آیه ۱۸۹. درباره هلال ها از تو می پرسند، بگو آنها بیانگر اوقات برای مردم و تعیین کننده موسم حج است.

۳- سوره یونس، آیه ۵. اوکسی است که خورشید را روشن و ماه را تابان کرد و برای آن (ماه) منزلهایی معین کرد تا شمار سالها و حساب (زندگی خود) را بداند.

وَالْأَرْضِ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ...»<sup>۱</sup> و در خصوص شبانه روز می فرماید: «وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابِ...»<sup>۲</sup>

میقات زمانی حج، ماه های معینی است که تغییر پذیر نیست و چون مشرکان اقدام به جابجایی ماه ها می کردند، خداوند با صراحت بیان می دارد «الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَن فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَّعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ»<sup>۳</sup> «حج در ماههای معینی است پس هر کس که (با بستن احرام و شروع مناسک حج) حج را بر خود فرض کرد (باید بداند که) در حج آمیزش جنسی با زنان و گناه و جدال نیست و هر خیری که انجام دهید خداوند آن را می داند و زاد و توشه تهیه کنید که بهترین زاد و توشه، پرهیزکاری است و ای خردمندان از من پروا کنید.»

زمان برگزاری حج، شوال، ذی القعدة و ذی الحجة است که «اشهر حج» نامیده می شوند. خداوند در این آیه ضمن پرداختن به میقات زمانی حج، به برخی از محرمات احرام و فلسفه آن پرداخته و از رفتارهای غلط، زائران را بر حذر می دارد.

ذکر رفت، فسق و جدال در محذورات احرام و حج، بیانگر فعالیت قوای سه گانه شهویه، غضبیه و وهمیه در وجود انسان است که می بایست توسط قوه عقلیه، آن هم با حضور کامل الهی در زندگی انسان، مدیریت شوند؛ و چون در گذشته

۱- سوره توبه، آیه ۳۶. «بدانید که شمار ماهها نزد خداوند در کتاب الهی (لوح محفوظ) از روزی که آسمانها و زمین را آفریده است، دوازده ماه است که از آن چهار ماه حرام است.»

۲- سوره اسراء، آیه ۱۲. «شب و روز را دو پدیده قرار دادیم و آنگاه پدیده شب را محو و پدیده روز را روشن گردانیدیم تا از فضل پروردگارتان (روزی خویش را) بجوید و شمار سالها و حساب (هر چیز) را بدانید.»

۳- سوره بقره، آیه ۱۹۷.

گروهی بودند که خود را اهل توکل می دانستند و زاد و توشه‌ای در سفر بر نمی داشتند، خداوند به آنها خطاب می کند که زاد و توشه در سفر دنیا بردارید و سربار مردم نباشید ولی بدانید بهترین توشه آخرت و سفر از این دنیا به آخرت، تقوا و پرهیزکاری است.

ماه ذی الحجه که اعمال حج در آن انجام می شود چند ویژگی دارد که آن را از سایر ماه ها متمایز ساخته است:

۱- ذی الحجه یکی از ماههای حرام است که در میان دو ماه حرام دیگر یعنی ذی القعدة و محرم واقع شده و چون در «اشهر الحرم» (ذی القعدة، ذی الحجه، محرم و رجب) جنگ و خونریزی و تجاوز، از حرمت دوچندانی برخوردار است، زائران می توانند از اقصی نقاط جهان به سرزمین حرم آیند و با امنیت کامل در سرزمین حرم، مناسک حج را انجام دهند. تاکید قرآن بر اهمیت ماه های حرام، گویای این مطلب است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا أَمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَتَتَعُونَ فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ وَرِضْوَانًا»<sup>۱</sup> «ای مؤمنین حرمت شعائر الهی و ماه های حرام و قربانیهای نشان دار و بی نشان و زائران بیت الحرام را که از پروردگارشان جویای گشایش معاش و خشنودی او هستید، نگه دارید.»

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ...»<sup>۲</sup> «از تو در باره جنگ و کارزار در ماه حرام می پرسند بگو جنگ کردن در آن نارواست و بازداشتن از راه

۱- سوره مائده، آیه ۲.

۲- سوره بقره، آیه ۲۱۷.

خدا و کفر ورزیدن به خداوند و بازداشتن از مسجدالحرام (حج) و راندن اهل آن از آنجا، در نزد خداوند نارواتر است...»

۲- در تقویم هجری قمری، ماه ذی الحجه آخرین ماه از سال است. قرار گرفتن حج در پایان سال هجری قمری نکته‌ای دیگر است که هر ساله نمایندگان جامعه اسلامی در مکه گرد می‌آیند تا وضعیت سال گذشته مسلمانان را بررسی و برای سال آینده برنامه‌ریزی کنند.<sup>۱</sup>

### فلسفه میقات مکانی حج

دیدار با خدا و زیارت حرم خدا وقت مشخصی «الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ»<sup>۲</sup> دارد که به آن میقات زمانی حج می‌گویند و مکان بستن احرام و ورود به حرم را میقات مکانی حج گویند.

میقات مرز حرم خدا و مدخل ورود به حرم الهی است. زائر و مهمان سرزمین وحی باید بداند که برای ورود به این سرزمین آدابی است و از هر جایی که دلش بخواهد نمی‌تواند ورود پیدا کند لذا باید آداب مهمانی را حفظ کند و از یکی از مواقیت و ورودی‌های مشخص شده از سوی فرستاده خدا وارد حرم گردد تا بتواند مناسک حج یا عمره را انجام دهد.

قرآن کریم آنجا که هلال ماه را نشانه آغاز ماه‌های حج بیان می‌کند «يَسْتَأْذِنُكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ» به دنبال آن یکی از آداب میهمانی رفتن را

۱- فرهنگ نامه اسرار و معارف حج، ۹۱/

۲- سوره بقره، آیه ۱۹۷.

تذکر می دهد که از درب ورودی بر اهل خانه و میزبان وارد شویم «و لَيْسَ الْبِرَّ بِأَنْ تَأْتُوا  
الْبُيُوتَ عَنْ ظُهُورِهَا وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا»<sup>۱</sup>

میقات نقطه آغازین یک سفر معنوی است که انسان در اولین مرحله با یقظه و  
بیداری کامل از تعلقات دنیا جدا شده و با پا گذاشتن به میقات حرم الهی، موسی وار  
جامه دوخته و لباس تمایزات را از تن بر می کند «فَاخْلَعْ تَعَلِّيكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ  
طُوًى»<sup>۲</sup> و گام دوم را در وادی سلوک که عبارت از «تخلیه» است را بر می دارد و لباس  
معصیت و نافرمانی را از تن دور می کند؛ و در پی آن با لباس یکرنگی و همدلی که  
لباس احرام باشد خود را «تخلیه» بخشیده و به رنگ و صبغه الهی می آراید تا برای گام  
چهارم «تجلیه» وجودش محل تجلی نور رحمانی گردد.

به هوش ای دل که میقات است اینجا	محل نفی و اثبات است اینجا
از اینجا باید آهنگ سفر کرد	یقین خویشتن را بارور کرد
حدیث مرگ قبل از مرگ این است	طریق وصل حق جوین چنین است
قدم در دامن محراب بگذار	به سجده سر چنان مهتاب بگذار
بگولبیک یا معبود لبیک	مرا تنها تویی مقصود لبیک

۱- سوره بقره، آیه ۱۸۹.

۲- سوره طه، آیه ۱۲.



## فلسفه احرام

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا أَمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَتَتَّعُونَ فَضلاً مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَاناً وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَتَانُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»<sup>۱</sup>

«ای کسانی که ایمان آورده اید، شعائر و حدود الهی را حلال ندانید و نه ماه حرام را و نه قربانی های بی نشان و نشان دار را و نه آنها را که به قصد خانه خدا برای به دست آوردن فضل پروردگار و خشنودی او می آیند. اما هنگامی که از احرام بیرون آمدید، صید کردن برای شما مانعی ندارد و دشمنی با جمعیتی که شما را از آمدن به مسجد الحرام (در سال حدیبه) باز داشتند نباید شما را وادار به تعدی و تجاوز کند و همواره در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید و هرگز در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید و از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید که مجازات خدا شدید است.»

احرام مصدر باب افعال، به معنای تحریم نمودن و ملزم کردن خود به ترک امر و یا اموری است و در اصطلاح به عمل خاصی گفته می شود که دارای سه جزء است: پوشیدن جامه احرام، نیت حج یا عمره و تلبیه گفتن و در پی محرم شدن، از محرّمات الهی که بعضی ویژه حرم است پرهیز نمودن.

خداوند در آیه فوق می فرماید شعائر الهی و مناسک حج را نقض نکنید و احترام ماه های حرام را به ویژه در سرزمین حرم نگه دارید و از جنگ کردن در این ماه ها خودداری کنید «وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ» لکن تحریم صید محدود به زمان احرام و سرزمین حرم است؛ بنابراین هنگامی که از احرام حج یا عمره بیرون آمدید، صید

کردن مانعی ندارد («وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا») اما در لباس احرام، صید حیوانات صحرايي اعم از حلال گوشت و حرام گوشت حرام است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ»<sup>۱</sup> (ای مومنان به پیمانهای خود وفا کنید گوشت چارپایان بر شما حلال است مگر آنچه حکمش بر شما خوانده شود و (به شرط آن که) در حال احرام، حلال دارنده صید نباشید خداوند هر حکمی که بخواهد مقرر می‌دارد.)

«أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَكُمْ وَلِلسَّيَارَةِ وَحُرْمٌ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ»<sup>۲</sup> صید دریا و طعام آن برای شما و کاروانیان حلال است تا در احرام از آن بهره مند شوید ولی مادام که مُحْرِمِ هستید شکار صحرا برای شما حرام است و از نافرمانی خدایی که به سوی او محشور می‌شوید بترسید.

حکمت رعایت دستورها و شعائر الهی را خداوند نشانه تقوای دلی می‌داند که شعائر الهی را بزرگ می‌دارد «ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»<sup>۳</sup> و برای حال انسان مطلوب تر دانسته است «ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ حُنْفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا حَرَّمَ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخَطَّفَهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوَى بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ»<sup>۴</sup> (مناسک حج) این است و هر کس برنامه‌های الهی را بزرگ دارد، نزد پروردگارش برای او بهتر است و چهارپایان برای شما حلال شده، مگر آن چه،

۱- سوره مائده، آیه ۱.

۲- سوره مائده، آیه ۹۶.

۳- سوره حج، آیه ۳۲. «این است (مناسک حج) و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوی دلهاست»

۴- سوره حج، آیات ۳۱-۳۰.

(ممنوع بودنش) بر شما خوانده می‌شود. از بت‌های پلید اجتناب کنید و از سخن باطل پرهیزید. (برنامه و مناسک حج را انجام دهید) در حالی که همگی خالص برای خدا باشد. هیچ گونه همتایی برای او قائل نشوید و هر کس همتایی برای خدا قرار دهد، گویی از آسمان سقوط کرده و پرندگان (در وسط هوا) او را می‌ربایند و یا تندباد او را به جای دور دستی پرتاب می‌کند.

و در آیه ای دیگر به صراحت می‌فرماید خداوند شما را به وسیله صید نمودن آزمایش می‌کند تا خدا ترسانی که ایمان به غیب دارند معلوم شوند. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيَبْلُوَنَّكُمُ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ»<sup>۱</sup> ای کسانی که ایمان آورده اید، خداوند شما را به چیزی از شکار که (به نزدیکی شما می‌آید، به طوری که) دست‌ها و نیزه‌هایتان به آن می‌رسد، می‌آزماید تا معلوم شود چه کسی در نهان از خدا می‌ترسد و هر کس بعد از آن تجاوز کند مجازات دردناکی خواهد داشت.

خداوند همان طوری که بنی اسرائیل را در صید ماهی در روز شنبه مورد آزمایش قرار داد به این که ماهیان را در دسترس آنها قرار داد، مسلمانان را نیز به وسیله صید که در دسترس آنها قرار می‌دهد آزمایش می‌کند چنان که در سال حدیبیه وقتی که مسلمانان برای عمره می‌رفتند در وسط راه با حیوانات وحشی فراوانی روبه‌رو شدند به گونه ای که می‌توانستند آنها را با دست و نیزه‌ها صید کنند. این شکارها به قدری زیاد بودند که بعضی نوشته‌اند دوش به دوش مرکب‌ها و از نزدیک خیمه‌ها رفت و آمد می‌کردند.

## فلسفه واجبات و فرائض احرام

فرائض و واجبات احرام سه چیز است. یکی از فرائض و واجبات به هنگام محرم شدن، پوشیدن لباس احرام است. مردان برای احرام از دو جامه ساده سفید-که یکی را بر دوش می اندازند و دیگری به عنوان لنگ بر کمر می بندند- استفاده می کنند؛ و زنان نیز در همان لباسی که بر تن دارند می توانند محرم شوند. جامه احرام قبل از نیت و تلبیه باید پوشیده شود و تاکید شده است که به هنگام کندن جامه دوخته و پوشیدن لباس احرام، زائر قصد دوری از معصیت و گناه کند و با پوشیدن لباس طاعت و بندگی، همه محرمات خدا را بر خود حرام سازد.

واجب دوم، نیت است که بعد از پوشیدن لباس احرام و ادای دو رکعت نماز سنت احرام، زائر انجام می دهد و نوع حج یا عمره خود را مشخص می نماید. واجب سوم، تلبیه گفتن است و چون زائر نیت کند و تلبیه بر زبان جاری سازد، مُحَرَّم می شود و اموری بر او حرام می گردد چه قصد ترک آن امور را داشته باشد و یا قصد ترک نکند. البته بهتر است انسان به هنگام احرام، قصد ترک محرمات احرام، بلکه ترک تمامی محرمات و معاصی را داشته باشد.

## فلسفه جامه احرام

زائر مهمان خداست و در مهمانی خدا به دلخواه خود نمی تواند لباس بپوشد لذا باید لباس معصیت و نافرمانی را در میقات که محل تخلیه است از تن بدر کند و لباس طاعت و بندگی و تقوا را بر تن کند «لِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ»<sup>۱</sup> لباس زینت، لباس تفاخر و الگو برداری از لباس های افراد اشرافی و... در این مهمانی ممنوع است چون نام و نشان، شهرت و مقام و ثروت در آن جایگاهی ندارد.

۱- سوره بقره، آیه ۱۳۸.

فرق لباس دوخته با لباس و جامهٔ ندوختهٔ احرام این است که لباس دوخته، زینت و تجمل است و لباس ندوختهٔ احرام جهت ستر عورت است که اولی نشان تواضع است اما ترک دوم بی ادبی محسوب می‌گردد. ضمن آن که لباس احرام یادآور کفن است و انسان را متوجه مرگ، قبر، حشر و نشر جهان آخرت می‌کند تا برای سفر ابدی مهیا گردد. جامهٔ احرام لباسی است که رنگ تعلق نمی‌پذیرد و بی رنگ ترین رنگ‌ها رنگ سفید است. تاکید بر سفید بودن رنگ لباس احرام و کراهت رنگ سیاه و یا هر پارچه رنگی و نقشه دار، علاوه بر اهمیت بهداشتی آن در هوای گرم منطقه حجاز، از نظر روانی تاثیر بالایی را در آن ازدحام جمعیت دارد زیرا رنگ سفید و یکرنگ بودن همه، یک آرامش روانی و نشاط روحی را به دنبال دارد. علاوه بر این که استفادهٔ همگانی از رنگ سفید، درحقیقت آرایش فرهنگی و عبادی مسلمین در یک اجتماع بزرگ است که از شکوه و عظمت خاص خود برخوردار است که در دنیا نمونه ندارد؛ و از نظر معنوی و دینی نیز لباس سفید یادآور قیامت و نشانهٔ پاکی و طهارت و نورانیت است، اما سیاهی پیام آور تیرگی و ظلمت و کدورت است. از این رو پیامبر (ص) می‌فرماید: «لَيْسَ مِنْ ثِيَابِكُمْ شَيْءٌ أَحْسَنُ مِنَ الْبَيَاضِ»<sup>۱</sup> و امام صادق (ع) می‌فرماید: «لَا يُحْرَمُ فِي التَّوْبِ الْأَسْوَدُ وَلَا يَكْفَنُ بِهِ الْمَيِّتُ»<sup>۲</sup> و «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَكْرَهُ السَّوْدَاءَ إِلَّا فِي الثَّلَاثَةِ الْعَمَامَةِ وَالْخُفِّ وَالْكَسَاءِ»<sup>۳</sup> و «الْبِسُوا الثِّيَابَ الْبَيْضَ فَإِنَّهَا أَطْهَرُ وَأَطْيَبُ وَكَفَّنُوا فِيهَا مَوْتَاكُمْ»<sup>۴</sup>

به روایت ابن عبدالبر و طحاوی، پوشیدن لباس رنگی شسته شده برای کسی که مردم از او پیروی کنند و قدوه و اسوه است، مکروه می‌باشد.

۱- فرهنگ نامه اسرار و معارف حج، ۱۳۲ به نقل از مکارم الاخلاق، / ۱۰۴

۲- فرهنگ نامه اسرار و معارف حج، ۱۳۲ به نقل از وسائل الشیعه جلد ۹ باب / ۲۶

۳- همان، ۱۳۲ به نقل از سنن النبی (ص)، / ۱۳۲

۴- ارشاد الساری الی مناسک الملا علی قاری، ۱۳۸.

عبدالله بن عمر گوید: عمر بن خطاب، طلحة بن عبیدالله را دید که جامه‌ای رنگ شده پوشیده است و حال آن که او در احرام بود، عمر به وی گفت: این جامه رنگین چیست ای طلحه؟ طلحه گفت: ای امیر مومنان، این جامه با چیزی رنگ شده است که ممنوع نیست. عمر (رض) گفت: شما مقتدای مردم و قدوه هستی. اگر مرد جاهلی این جامه شما را ببیند گوید: طلحة بن عبیدالله در حال احرام جامه رنگین پوشیده بود، ای جماعت، شما این گونه لباس های رنگین پوشید.<sup>۱</sup>

### فلسفه نیت

یکی از شرایط صحت هر عبادتی از جمله احرام و حج، نیت است. سر نیت اخلاص است و حقیقت اخلاص تصفیه نمودن عمل است از شائبه غیر خدا. چنان که در حکم وجوبی حج «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ»<sup>۲</sup> قصد و نیت مکلف مورد توجه قرار گرفته است لذا دین را باید برای خدا خالص کرد «أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ»<sup>۳</sup> تا مقبول خدای سبحان قرار گیرد.

همان گونه که رفتار انسان متناسب با نیت و اراده قلبی در محضر الهی ارزیابی می گردد «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَّا نَوَىٰ»<sup>۴</sup> و رفتارهایی که آلوده به هواهای نفسانی و شوائب شیطانی شده اند هیچگونه ارزشی در بارگاه الهی ندارند، تاثیر گذاری رفتارها نیز بر انسان، به نیت و اراده قلبی وجود دارد که در پس هر رفتاری است. هرگونه رفتاری که انسان در راستای تحوّل زندگی خود

۱- فقه السنة ۱۷۹/۲، بدائع الصنائع ۲۷۸/۲.

۲- سوره آل عمران، آیه ۹۷.

۳- زمر/۳ «آگاه باشید که برای خداست دین خالص».

۴- صحیح بخاری، حدیث اول.

انجام می‌دهد اگر برخاسته از اراده قلبی و وجودی او نباشد نمی‌تواند او را به سر منزل مقصود برساند.

لذا در میقات احرام نیز اگر انسان اراده ای روشن و آگاهانه و خالصانه بر پیمان تحول با خدا نداشته باشد، نمی‌تواند دستمایه خوبی از احرام بگیرد. «وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ»<sup>۱</sup> «و هر کس از خانه و کاشانه خویش به عزم هجرت در راه خدا و پیامبرش بیرون رود، سپس (در سفر) مرگش فرا گیرد حقا که پاداش او بر خداوند است.»

باید زائر از هر چیزی که او را از خالق هستی دور می‌کند و حواس او را متوجه غیر او می‌نماید، دوری‌گزیند؛ و یاد گیرد که مُحْرِم باید مُحْرَم باشد. چشم او، زبان او، رفتارهای او همه باید در خدمت عقل و شرع باشد و از احساس و غریزه دوری کند. باید بداند که در حرم، بیگانه جایی ندارد و باید دل را از اغیار خالی کند تا مُحْرِم راز گردد در ضمن چنین سفری است که اگر اجلس فرارسد، اجر و پاداش شهید را خواهد داشت.

### فلسفه تلبیه

تلبیه عبارت است از «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ» که با یک مرتبه گفتن این جملات، زائر بیت الله الحرام، مُحْرِم می‌شود و مستحب است که تلبیه در همه حالات، در طول سفر با تغییر احوال و مکان‌ها تکرار شود و آنگاه که خانه خدا ظاهر شد، تلبیه قطع گردد و به جای آن حمد و ثنای الهی بر زبان جاری شود.

لبیک در واقع جواب فراخوان ابراهیم (ع) است که از سوی خداوند مأمور ابلاغ دعوت عمومی به حج «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ...» شد و جایگزین تکبیر تحریمه در شروع نماز برای شروع حج است.

تلبیه شعار و ندای توحید است و اجابت دعوت خدای واحد است که انسان را به زیارت خانه اش فرا خوانده، شعاری آمیخته با محبت و دوستی و اعتراف به نعمتهای الهی و اقرار به فرمانروایی جهان هستی برای خدای واحد سبحان.

تلبیه «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ»<sup>۱</sup> ندای توحید است و هر گونه شرک را نفی می کند.

مشرکان، تلبیه را نیز آلوده به شرک نموده و این را اضافه کرده بودند: «لَا شَرِيكَ لَكَ إِلَّا شَرِيكًا هُوَ لَكَ تَمَلُّكُهُ وَ مَا مَلِكٌ»<sup>۲</sup> لذا خداوند دستور به پرهیز از شرک قرار دادن برای خودش را می دهد: «فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»<sup>۳</sup> و شرک را گناه نابخشدنی می شمرد «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ...»<sup>۴</sup> و سرانجام مشرک را، جرمان از بهشت و قرار گرفتن در آتش (دوزخ) می داند: «إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ»<sup>۵</sup>

خداوند پس از آن که به ابراهیم (ع) دستور می دهد که کعبه را از شرک پاک گرداند و خودش را از ارتکاب به شرک باز دارد و مردم را به حج فرا خواند «وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا...»<sup>۶</sup> زشتی شرک را این گونه بیان می دارد:

۱- صحیح مسلم، ۱۲۱۸.

۲- جامع البیان، ۷۷/۸.

۳- سوره بقره، آیه ۲۲.

۴- سوره نساء، آیه ۴۸.

۵- سوره مائده، آیه ۷۲.

۶- سوره حج، آیات ۲۹-۲۶.



«وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ»<sup>۱</sup> و هر کس به خدا شرک ورزد چنان است که گویی از آسمان فروافتاده و پرندگان (شکاری تکه های بدن) او را ربوده اند یا این که تندباد او را به مکان بسیار دوری پرتاب می کند؛ و معتقدان به آخرت از شرک بدورند و عمل شایسته انجام می دهند: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا»<sup>۲</sup> پس هر کس به لقای پروردگار خود امید دارد باید به کار شایسته بپردازد و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد.

در فضیلت تلبیه پیامبر (ص) فرموده است: «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَلْبِي إِلَّا لَبَّى مَا عَنْ يَمِينِهِ وَشِمَالِهِ مِنْ حَجْرٍ أَوْ شَجَرٍ أَوْ مَدْرٍ حَتَّى تَنْقَطِعَ الْأَرْضُ مِنْ هَاهُنَا وَهَاهُنَا»<sup>۳</sup> هر مسلمانی تلبیه گوید، هر چیزی که در طرف راست و چپ او باشد به تلبیه او پاسخ می دهد و با او همراهی می کند، از قبیل سنگ یا درخت یا سنگریزه تا این که زمین اینجا و آنجا پایان می پذیرد.

همچنین جابر (رض) گوید: پیامبر (ص) فرمود: «مَا مِنْ مُحْرِمٍ يُضْحِي يَوْمَهُ يَلْبِي حَتَّى تَغِيبَ الشَّمْسُ إِلَّا غَابَتْ ذُنُوبُهُ فَعَادَ كَمَا وَلَدَتْهُ أُمُّهُ»<sup>۴</sup> هر کس که در حال احرام است اگر در طول روز تا غروب خورشید تلبیه گوید و برای تقرب به خدا خود را در معرض آفتاب قرار دهد از گناهان پاک می شود مانند روزی که از مادر زاده شده است.

۱- سوره حج، آیه ۳۱.

۲- سوره کهف، آیه ۱۱۰.

۳- سنن ابن ماجه، حدیث شماره ۲۹۲۱، سنن ترمذی حدیث ۸۳۶.

۴- فقه السنة ۱/۱۶۲، سنن ابن ماجه، حدیث شماره ۲۹۲۵.

همچنین حضرت ابوبکر (رض) روایت می‌کند: که از پیامبر (ص) سوال شد کدام حج بهتر است؟ پیامبر (ص) فرمود: «الْعَجُّ وَالشَّجُّ»<sup>۱</sup> حجی که در آن صدای تلبیه بلند باشد و خون حیوانات زیادی جهت شکرانه ریخته شود.

## فلسفه سنن احرام

### - غسل و بهداشت بدن

سنت است زائر قبل از احرام غسل کند و ناخن‌های خود را بگیرد و موهای زاید را از بین ببرد. چون رعایت نظافت بدن و دورکردن آلودگی از آن، موجبات نشاط انسان در انجام مناسک را فراهم می‌کند.

روشن است که آلودگی‌های ظاهری، موجب تنفر طبع و دوری افراد از یکدیگر می‌شود، به همین جهت در مناسک عبادی جمعی مانند نماز و حج، دائماً بر نظافت، بهداشت و پاکیزگی بدن سفارش شده است. استحباب مکڑر غسل در مواقع مختلف و نیز کراهت احرام در لباس کثیف و دور کردن آلودگی ظاهری از بدن در مناسک، همه گواه این مطلب است.

### - نماز قبل از احرام

سنت است احرام بعد از نماز انجام گیرد چون هر دو رکن اسلام (نماز و حج) جهت نهادینه نمودن حضور حضرت حق در زندگی انسان وضع شدند و شباهت‌هایی با هم دارند. همان گونه که نماز میان یک تحریم (تکبیر تحریمه) و یک تحلیل (سلام گفتن) قرار گرفته است، حج نیز بین تحریم (احرام بالیک) و تحلیل (تراشیدن سر) قرار گرفته است. برای نماز اوقات پنج گانه است و برای احرام حج و عمره نیز میقات‌های پنج گانه وجود دارد. همان گونه که بخشی از نماز حمد و ثنای خدا و بخشی طلب و استعانت است، حج نیز بخشی تعظیم و حمد و ثنای خدا و

بخشی طلب و استعانت است. منتهی با این تفاوت که در نماز لحظه‌ای انسان در محضر ربّ العالمین قرار می‌گیرد که تا وقت دیگر نماز، این حضور تجدید می‌گردد اما در حج حضور حضرت حق در تمام ابعاد وجود انسان تجلّی پیدا می‌کند تا یک عمر انسان را بیمه نماید آن هم مشروط به آن که نماز در هیچ لحظه‌ای، چه در شروع احرام و چه پس از طواف و در طول عمر فراموش نشود.

### فلسفه محرمات احرام

انسان چون به میقات حرم رسد باید مسائلی را رعایت کند لذا پیش از احرام، غسل نموده و خود را از هر گونه آلودگی پاک می‌نماید و آنگاه لباس طاعت و بندگی و لباس رهایی از قید و بند تمایزات دنیوی را بر تن می‌کند، لباس احرام همچون تکبیرة الاحرام نماز است که با الله اکبر، اعمالی را که سبب بطلان نماز می‌شود بر خود حرام می‌کنیم با بر تن کردن جامهٔ احرام و اعلام بندگی با شعار حج که همانا لبیک به ندای الهی است، نیز اموری را که توجه ما را از خدا جدا می‌کند حرام می‌گردد. با این تفاوت که در نماز، چند لحظه از مادیات جدا می‌شویم و حضور خدا را احساس می‌کنیم و در روزه چند ساعت، ولی در حج چند شبانه روز که در حال احرام هستیم.

زائر به هنگام احرام حج و عمره، باید بر خود حرام کند هرآنچه او را از ذکر و یاد خدا باز می‌دارد و به دیگری مشغول می‌سازد و یا مانع از اطاعت و عبادت خداوند می‌گردد.

محرمات، موانع و حجاب‌هایی هستند که زائر را از نیل به حضور کامل خدا در زندگی اش باز می‌دارد و در دام دل‌سپردگی به غیر خدا گرفتار می‌سازد. از این رو دست یافتن به فلسفهٔ احرام، در ترک محرمات احرام نهفته است که محرمات دو گونه هستند بعضی مطلقاً در لباس احرام و غیر احرام حرام هستند و بعضی بطور

موقت فقط در لباس احرام و در سرزمین حرم، حرام می باشند. به بعضی از محرّمات در آیات قرآن کریم پرداخته شده که از جمله: «الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمَهُ اللَّهُ...»<sup>۱</sup> «موسم حج ماههای معین و معلومی است پس هر کس که در آن ماهها عهده دار حج شود باید بداند که آمیزش جنسی و نافرمانی و مجادله در حج روا نیست و هر خیری که انجام دهید خداوند آن را می داند.»

با توجه به آیات و روایات، محرّمات احرام را در چند دسته می توان طبقه بندی

نمود:

۱- **لذایذ شهوانی:** هر نوع لذّت جسمانی و شهوانی زن و مرد از یکدیگر حتی نگاه و تماس شهوت آلود و خودارضایی و استمناء از محرّمات احرام است. مُحرم آن گاه که احرام می بندد در گام نخست، خود را متعهد می سازد که در طول احرام به غیر خدا مشغول نشود و بدن خود را یا چون اسماعیل (ع) تقدیم محبوب کند و یا چون ابراهیم (ع) آمادۀ هرگونه فرمانبری گردد که با تقصیر و یا فدیۀ قربانی، آن را مجدداً در اختیار می گیرد. حال آن که آمیزش و لذتهای جسمانی، بیشترین تصرف و بهره گیری از بدن است که روح شخص را نیز به تسخیر می کشد و این آشکارترین نقض میثاق است که محرم در ابتدای احرام اراده می نماید.

۲- **فسوق و جدال:** فسق به معنای نافرمانی و انحراف از مسیر حق است و دروغ، فحش و فخر فروشی و... را از مصادیق آن شمرده اند و جدال به معنای گفتگوی توأم با نزاع را گویند. در حریم امن الهی برای تقرّب به خدا باید دلها را به هم نزدیک کرد، از جدایی ها پرهیز داشت و هر آنچه مایۀ تفرقه است، از بین برد. در

محضر حق نباید به زائران و بندگانش توهین کرد، باید از فسق، جدال، مشاجره، فحاشی، تفاخر و مباحثات پرهیز کرد.

حریم حرم محدوده برادری است، در آن جا باید تمرین اخوت کرد، در پیشگاه دوست به دوستان دوست نباید جز خیر گفت و باید تعامل اجتماعی سالم را آموخت.

۳- **تصرف در بدن:** مانند گرفتن ناخن و ازاله مو «وَلَا تَحْلِقُوا رُؤُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ»<sup>۱</sup> در مدت احرام به عنوان تصرف در بدن حرام است چون چیدن موی سر از جمله اموری است که برای خروج از احرام و مُحَلِّ شدن، تعیین شده و از طرفی زائر با مُحَرَّم شدن، اختیار تصرف در بدن را از خود سلب و تمام وجودش را بر خود حرام می کند و آن را در محدوده حریم الهی قرار می دهد و بدنش مال خداوند می شود که نمی تواند هرگونه تصرفی را در آن بکند و در سایه چنین احرامی مهارت حفاظت از خود را یاد می گیرد. لذا زائر در پایان عمره با تقصیر یا حلق و در پایان حج با قربانی کردن و حلق و تقصیر، حلیت و جواز تصرف در بدن را پیدا می کند. منتهی در پایان چنین دوره ای یاد می گیرد که به بدنش آسیبی نرساند.

۴- **توجه به خود با آسایش طلبی و آرایش:** پوشاندن مرد سر خود را و پوشاندن زن صورتش را، بوییدن، خوردن و یا پوشیدن چیزی که معطر است، پوشیدن لباس دوخته و کفش برای مردان و استفاده از هرگونه زیورآلات برای مرد و زن مانند انگشتر به دست کردن برای زینت، روغن مالیدن به بدن، عطر و ادکلن زدن و عکس گرفتن، از محرّمات احرام شمرده شده است. چون توجه به خود، غفلت از خداوند را ایجاد می کند و هر نوع غفلتی در لباس احرام، حرام است «وَأَحْرِمَ عَنِ كُلِّ شَيْءٍ يَمْنَعُكَ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ»، برخورد حرام کن هرآنچه تو را از یاد خدا باز می دارد.<sup>۲</sup>

۱- سوره بقره، آیه ۱۹۷.

۲- محجة البیضاء، ۲/۲۰۷.

### ۵- تجاوز به حریم دیگران و سلب امنیت از طبیعت و هموعان

کندن گیاه و یا درخت در محدودهٔ حرم، کشتن حشرات، پرندگان و شکار حیوانات صحرائی در حرم برای محرم و غیر محرم حرام است «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدِيًّا بِالِغِ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلٌ ذَلِكَ صِيَامًا لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمِ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ»<sup>۱</sup> ای مومنان در حالی که محرم هستید، شکار مکنید و حیوانات شکاری را مکشید و هر کس حیوانی را از روی قصد کُشت و شکار کرد، بر اوست که به کیفر این کار نظیر آنچه کشته است از چارپایان که دو داور عادل از شما به همانندی آن حکم دهند، در حول و حوش کعبه قربانی کند، یا باید کفاره ای از طعام به بینویان بدهد و یا برابر آن روزه گیرد تا کیفر کار نادرست خود را بچشد و خداوند گذشته‌ها را عفو کرده است، ولی هر کس که باز گردد و مجدد آن را انجام دهد، خداوند از او انتقام می‌گیرد و خداوند پیروز دادستان است. البته این حرمت شامل حیوانات اهلی و دریایی نمی‌شود «أَحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعاً لَكُمْ وَلِلسَّيْرَةِ وَحُرْمٌ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا ذُمْتُمْ حُرْمًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ»<sup>۲</sup> چون حرم مأمّن الهی است «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» لذا امنیت باید برای همه باشد. نه تنها حیوانات در حرم در امان هستند بلکه گیاه و درخت و حتی حشرات نیز در امان می‌باشند البته آن گاه که از احرام بیرون می‌آید نیاز مادی انسان

۱ - سوره مائده، آیه ۹۵.

۲ - سوره مائده، آیه ۹۶. صید حیوانات دریایی و خوردن آن برای شما حلال شده است تا هم شما و هم کاروانی‌ها از آن برخوردار شوید و صید حیوانات خشکی مادام که مُحرم هستید بر شما حرام است و از خدایی که به نزد او محشور می‌شوید پروا داشته باشید.

می‌طلبد که شکار کند لذا اجازه شکار در غیر احرام برای تأمین این نیاز داده شده است  
 «وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا»<sup>۱</sup>

لذا زائر باید از تجاوز به حریم دیگران حتی حیوانات و محیط زیست پرهیز کند و امنیت آنان را سلب ننماید. او در این سفر همانگونه که درس بهداشت فردی، اجتماعی و حفاظت از خود را فرا می‌گیرد درس محافظت از محیط زیست را نیز فرا می‌گیرد.

انسان با رعایت محرمات احرام، ادب به موجودات عالم، حفاظت از محیط زیست، اصلاح روابط اجتماعی، مراقبت از نفس، تقویت اراده و چگونگی دست یافتن به هویت انسانی خود را می‌آموزد. بدین صورت که انسان با سازنده نمودن رابطه خود با خدا و محفوظ ماندن از غفلت، گمنامی و ناآشنائی در اثر حضور همیشگی خدا در زندگی انسان، اعمالی را در حال احرام رعایت می‌کند که اولاً غفلت را از مسیر رابطه بنده با خدایش دور کند و پس از آن رابطه بنده را با خودش و با انسان‌های هم‌نوعش و محیط طبیعی که در آن زیست می‌کند سازنده نماید. در سایه گذراندن این دوره تربیتی و آموزشی کوتاه مدت، انسان مسیر درست زندگی کردن را می‌آموزد و فلسفه رعایت محرمات احرام نیز چیزی جز این نمی‌باشد.

چون فلسفه احرام حذف تمام تشخص‌ها و ترک هرگونه خود پرستی است، لذا زائر با پوشیدن دو جامه ساده، حضوری هم‌رنگ و هم‌شکل با سایر زائران پیدا می‌کند و برهنه بودن سر مردان، این فلسفه مهم را تقویت می‌کند چون اگر منع پوشش سر نبود، چه بسا هر کسی با پوشش خاصی که بر سر می‌گذاشت کنگره بزرگ حج را از یکدستی و هماهنگی خارج می‌کرد و هر فرد یا گروهی از این طریق برای خود امتیازی دست و پا می‌کرد.

برهنگی سر و صورت و آشفتگی مو و دوری از زینت نشانه‌ای از تضرع و توبه به درگاه الهی است. سر و صورت نقش اساسی در جاذبه‌ها و زیبایی‌ها دارد، در حالی که در احرام هرگونه تلذذ جنسی حتی نگاه شهوت آلود حرام شده است و از طرفی به چهره گشایی بانوان دستور داده شده، این شاید آموزش تقوا برای زن و مرد باشد تا زمانی که هر دو در محضر الهی هستند، تقوا و خویشتن داری از لغزش و انحراف را یاد بگیرند و صبر در برابر گناه را تمرین کنند و آن را دستاورد حج برای زندگی خود قرار دهند تا در بیرون از لباس احرام، تعامل سالم و درستی با یکدیگر داشته باشند.

مطرح شدن حرمت چیدن یا کندن مو در کنار محرماتی مانند رفت و ... بیانگر این حقیقت است که انسان در لباس بندگی و اطاعت، نباید میان امور بزرگ و مسائل به ظاهر کوچک فرق بگذارد، بلکه باید نسبت به هر چیزی که حرام یا واجب می‌شود، مطیع باشد. لذا کوچک شمردن گناه صغیره، خود گناه کبیره است و در مقابل نیز چه بسا یک کار خیر به ظاهر کوچک، راه بزرگی را در کمالات معنوی فرا روی انسان بگشاید چنان که در آیه بعد خداوند اجازه طلب روزی و تجارت را به زائران می‌دهد:

«لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ»<sup>۱</sup>

### فلسفه و حکمت کفارات

اگر زائر مرتکب برخی از محرمات احرام شود، باید کفاره بدهد که به تناسب نوع جرم، زمان و مکان آن و دیگر شرایط، نوع و مقدار کفاره متفاوت خواهد بود. در یک نگاه کلی کفارات به پنج گروه تقسیم می‌شوند: ۱- ذبح شتر، گاو و گوسفند. ۲- اطعام فقرا و صدقه دادن ۳- توبه و استغفار ۴- روزه گرفتن ۵- پرداختن قیمت چیز تلف شده.

۱- سوره بقره، آیه ۱۹۸.



فلسفه و جوب کفاره در درجه اول پوشاندن خطا و جبران کردن گناه است و در درجه دوم جنبه بازدارندگی آن از گناه است و در درجه سوم تربیت شخص خطا کار و تقویت پایه‌های ایمان اوست. چون کسی که پس از ارتکاب حرام به جبران آن همت گمارد این اهتمام به جبران خطا و اشتباه، به تقویت ایمان او ختم می‌شود.

قرآن کریم اشاره اجمالی به کفاره ارتکاب برخی از محرّمات نموده است. در یک جا درباره تراشیدن سر معذور می‌فرماید: «وَلَا تَحْلِقُوا رُؤُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِّن رَّأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِّن صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ»<sup>۱</sup> و در جای دیگر درباره کفاره صید می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَن قَتَلَهُ مِنكُم مُّتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ هَدِيًّا بِالِغِ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسَاكِينٍ أَوْ عَدْلُ ذَلِكَ صِيَامًا لِّيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِ عَقَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَن عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ»<sup>۲</sup> «ای کسانی که ایمان آورده‌اید در حال احرام شکار نکنید و هر کس از شما عمداً آن را به قتل برساند باید کفاره‌ای معادل آن از چهارپایان بدهد، کفاره‌ای که دو نفر عادل از شما، معادل بودن آن را تصدیق کنند و به صورت قربانی به حریم کعبه برسد یا به جای قربانی اطعام مستمندان کند یا معادل آن روزه بگیرد تا کیفر کار خود را بچشد، خداوند گذشته را عفو کرده ولی هر کس تکرار کند خدا از او انتقام می‌گیرد و خداوند توانا و صاحب انتقام است.»

۱- سوره بقره، آیه ۱۹۶.

۲- سوره مانده، آیه ۹۵.

## فلسفه و اسرار طواف

طواف، گرد کعبه چرخیدن است، طواف چرخش عاشق گرداگرد معشوق است، در طواف باید هفت دور گرد کعبه چرخید.

کعبه برابر با بیت المعمور و عرش الهی درآسمان ها است که فرشتگان نیز به موازی آن بر گرداگرد عرش الهی مشغول طواف هستند «وَتَسْرَى الْمَلَائِكَةُ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ...»<sup>۱</sup>

کعبه همچون عرش الهی چهار ضلع دارد و کلمات بنیادی دین نیز چهار جمله است: «سبحان الله، الحمد لله، لا اله الا الله و الله اکبر» که خواندن آنها به هنگام طواف، فلسفه قابل توجهی دارد. گردش پروانه وار بر گرد کعبه، نفی همه ابعاد شرک و اقرار و اعتراف به احدیت ذات اقدس پروردگار و نظام واحد جهانی است.

«سبحان الله» نفی هر گونه نقص و کاستی از ذات تقدس الهی است. «الحمد لله» انتساب همه ستایش ها به خداوند و روابودن آن برای پروردگار یگانه است. او صفات جمال را در خود دارد و برای هر گونه ستایش سزاوار است.

«لا اله الا الله» نفی هر معبود در مرحله توحید نظری است، چرا که ذات دارای صفات کمال و میرا از هر گونه نقص و کاستی، تنها معبود شایسته هستی است و دومی ندارد.

«الله اکبر» بیان توحید عملی است که گوینده، هیچ چیز را از او بزرگتر نمی داند. از این رو مراعات حق او را از همه حقوق بالاتر دانسته و در مقام عمل نیز این حق را مراعات می کند.<sup>۲</sup>

۱- سوره زمر، آیه ۵۷.

۲- فرهنگ نامه اسرار و معارف حج، ۱۷۴.

طواف مخصوص کعبه است «وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ»<sup>۱</sup> و دور زدن بر گرد مکان یا چیزی دیگر روا نیست همچنان که غیر کعبه را قبله قرار دادن جایز نمی‌باشد.

قال النبی (ص): «الطَّوْفُ بِالْبَيْتِ صَلَاةٌ» طواف خانه خدا همچون نماز است. طواف همانند نماز، یک عبادت است که در دو شکل (یکی متحرک و دیگری ساکن) انجام می‌شود. عشق در رفتار عاشق به دو گونه تجلی می‌یابد: یا با آرامش و گوشه نشینی و زمزمه عشق سرودن (نماز) و یا برخاستن و به جنبش در آمدن و از خود بی خود شدن (طواف). البته طواف رمزی فراتر از نماز دارد، چون در نماز استقبال و روی آوردن به کعبه شرط است ولی در طواف سالک، خدا را در یک جهت نمی‌بیند، بلکه خدا را همیشه و در همه جا حاضر و ناظر می‌داند. از این رو در طواف به طرف قبله بودن شرط نیست و طواف کننده با تمام وجود درک می‌کند که: «وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيَّمَا تَوَلَّوْا فَوَجَّهُ لِيِنَّ اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ وَّاسِعٌ عَلِيمٌ»<sup>۲</sup> لذا سربازان سپاه حق نه تنها در برابر ستاد فرماندهی خود، بلکه برگرد ستاد و کوی عشق خود رژه رفته و طاعت و بندگی خود را اعلام می‌دارند. طواف، چرخش عاشق گرداگرد معشوق است تا خود را با آتش عشق او بسوزاند. زائر پروانه‌وار بر گرد شمع خانه خالق هستی می‌چرخد تا عاقبت با بال و پری سوخته، خویش را به پای شمع وجود او افکند. زائر آتش عشقی همچون فرشتگان در خمیر خود دارد که لبیک گوین خود را تا پای خانه دوست رسانیده تا پروانه وار گرد شمع فروزان خانه عشق و بیت محبوب که محور هستی است، بچرخد.

هزاران عاشق آگاه دیدم	به شمع کعبه بسی پروانه دیدم
کدام دلبر این همه دلداده دارد	چه شمعی این همه پروانه دارد؟

۱- سوره حج، آیه ۲۹.

۲- سوره بقره، آیه ۱۱۵. «مشرق و مغرب را خدای راست، پس به هر جا روی آورید رو به سوی خداوند است، بیگمان خدا

گشایشگر داناست.»

طواف، وحدت، همدلی و یکرنگی جامعه بشری و امت اسلامی را متجلی می‌سازد، چون مسلمانان از هر نژاد، قبیله، فرهنگ، مذهب و فرقه، ملیت و طبقه اجتماعی، بر محور توحید و عبادت خدای یگانه، در کنار هم قرار می‌گیرند و یکپارچگی خود را در جهان نشان می‌دهند.

طواف کعبه از سمت راست شروع می‌گردد طوری که کعبه در سمت چپ انسان واقع گردد، چون قلب انسان در جانب چپ اوست، طواف از جانب چپ نشان تسلیم کردن دل به معبود است؛ و شروع از حجر الاسود و پایان به آن حرکت از بهشت نخستین و بازگشت به بهشت موعود است.

طواف کننده با هر دور طواف، گویا از یک طبقه آسمان صعود کرده و به طبقه بالاتر می‌رود تا این که در دور هفتم بر گرد عرش الهی همچون ملائک طواف می‌کند: «وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ...»<sup>۱</sup> از همین رو پس از طواف به نماز می‌ایستد که «الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ» طواف کننده با هر دور طواف، گویا یکی از درهای دوزخ را بر خود می‌بندد، چون تعداد درهای جهنم هفت عدد است؛ و در دعاهای طواف مقابل درب کعبه آمده است:

«اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْبَيْتَ بَيْتُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ» «خدایا این خانه، خانه توست و بنده بنده تو و اینجا جایگاه کسی است که از آتش جهنم به تو پناه آورده». «اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ فِي مَقَامِنَا هَذَا، أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتَنَا وَأَنْ تَجَاوَزَ عَنَّا خَطَايَانَا وَأَنْ تَضَعَ عَنَّا أَوْزَارَنَا» خدایا در این مکان از شما می‌خواهیم توبه ما را بپذیر و از خطاهایمان درگذر و بار گناهانمان را فرو نه.

برخی فلسفه هفت دور طواف را گفته اند که انسان دارای هفت اخلاق رذیله است که عبارتند از: عجب، کبر، حسد، حرص، بخل، غضب و شهوت که

۱- سوره زمر، آیه ۷۵. «و فرشتگان را بینی که عرش را در میان گرفته اند، سپاسگزارانه پروردگارشان را تسبیح می‌گویند...»

سالک باید اینها را زائل و به جای آن هفت اخلاق حمیده را جایگزین کند که عبارتند از: علم، حکمت، عفت، شجاعت، عدالت، کرم و تواضع.

عدد هفت رمز و رازی دارد چون بسیاری از اعمال عبادی همچون طواف و خلقت هستی با عدد هفت همراه است. هفت دور سعی صفا و مروه، هفت ریگ زدن جمرات، هفت آسمان (بقره/۲۹، نوح/۱۵)، هفت زمین «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ»، سبع مثنوی قرآن (حجر/۸۷)، هفت دریا (لقمان/۲۷)، هفت در جهنم (حجر/۴۴)، هفت روز هفته، هفت خوان عشق عارفان و هفت عضو انسان در سجده.

رمل و اضطباع در طواف نیز در راستای نشان قدرت مسلمانان بود و در صورتی که موجبات اذیت را فراهم کند نارواست یا مانند استلام حجرالاسود که در هر دور از طواف، سنت و کاری پسندیده است اما هنگام ازدحام جمعیت، چنانچه موجب آزار دیگران واقع گردد. امری ناروا می گردد. امروز ما نیز در مراسم حج باید رفتاری از خود نشان دهیم که عزت ما را نشان دهد لذا پرهیز از هر گونه رفتار تفرقه آمیز بر پیروان مذاهب اسلامی واجب و از محرمات احرام در دنیای امروز است.

### فلسفه و اسرار استلام حجرالاسود

درباره مشروعیت بوسیدن و استلام حجرالاسود دلایل زیادی وجود دارد زیرا خود پیامبر (ص) شخصاً آن را بوسیده است. چنان که جابرین عبدالله (رض) روایت می‌کند: «لَمَّا قَدِمَ النَّبِيُّ (ص) مَكَّةَ دَخَلَ الْمَسْجِدَ فَاسْتَلَمَ الْحَجْرَ ثُمَّ مَضَى عَلَى يَمِينِهِ فَرَمَلَ ثَلَاثًا وَمَشَى أَرْبَعًا...»<sup>۱</sup> هنگامی که پیامبر (ص) وارد مسجدالحرام شد ابتدا حجرالاسود را استلام کرد، سپس از طرف راست آن طواف بیت را آغاز نمود به گونه ای که سه دور اول را با دُوی کوتاه و چهار دور بعدی را آرام و با راه رفتن عادی انجام داد.

بنابراین مسلمانان فقط به نیت پیروی از سنت پیامبر (ص) حجرالاسود را می‌بوسند نه با این باور که سنگ می‌تواند نفع یا ضرری به آنان برساند و به همین خاطر بود که امیرالمؤمنین عمرین خطاب (رض) به هنگام طواف کعبه، قبل از بوسیدن حجرالاسود گفت: «إِنِّي لَأَعْلَمُ أَنَّكَ حَجَرٌ مَا تَنْفَعُ وَلَا تَضُرُّ وَلَا أَنِّي رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يُقَبِّلُكَ مَا قَبَّلْتُكَ»<sup>۲</sup> بیگمان من به خوبی می‌دانم که تو (ای حجرالاسود) سنگی هستی که نفع و ضرری نمی‌رسانی و اگر رسول خدا (ص) را ندیده بودم که تو را می‌بوسید، هرگز تو را نمی‌بوسیدم.

طبری می‌گوید: «عمرین خطاب (رضی الله عنه) به این دلیل چنین مطلبی را راجع به حجرالاسود بیان نمود که مردم هنوز تازه از پرستش بتها فاصله گرفته بودند، لذا می‌ترسید که مبادا مردم جاهل و ناآگاه تصور کنند که بوسیدن یا لمس کردن حجرالاسود از باب تعظیم و تکریم در برابر سنگهاست، کما این که در جاهلیت، عربها چنین کاری را می‌کردند بنابراین عمرین خطاب (رض)

۱- صحیح مسلم، حدیث شماره ۱۲۶۱.

۲- صحیح بخاری، حدیث شماره ۱۵۹۷ و صحیح مسلم، حدیث شماره ۱۲۷۰ و سنن نسائی، حدیث شماره ۲۹۳۷.

می‌خواست با این گفتار و کردار خود، به مردم این آموزش و آگاهی را بدهد که: «بوسیدن یا لمس کردن حجرالاسود فقط به خاطر پیروی از سنت پیامبر اکرم (ص) است نه این که خود سنگ می‌تواند نفعی یا ضرری به کسی برساند کما این که در جاهلیت مردم در بارهٔ بتها چنین اعتقاداتی را داشتند.»<sup>۱</sup>

انسان با استلام حجرالاسود، عهد روز «الَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى» را تجدید می‌کند و با استلام می‌گوید: بِسْمِ اللّٰهِ اللّٰهُ اَكْبَرُ و لِلّٰهِ الْحَمْد

رسول اکرم (ص) فرمود: «الْحَجَرُ الْأَسْوَدُ مِنَ الْجَنَّةِ وَ هُوَ أَشَدُّ بَيَاضاً مِنَ اللَّبَنِ، فَسَوَّدَتْهُ خَطَايَا بَنِي آدَمَ»<sup>۲</sup> حجر اسود از بهشت نازل شد و از شیر یا برف سفیدتر بود اما گناهان بنی آدم آن را به رنگ سیاه مبدل نمود.<sup>۳</sup> مانند دل انسانی که با گناه، زنگار می‌گیرد «بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»<sup>۴</sup> و در واقع زبان حال حجرالاسود خطاب به گنهکاران این است سیاهی تو از من و سفیدی من از تو. ابن عباس روایت می‌کند که پیامبر (ص) فرمود: «إِنَّ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ يَأْقُوتُهُ مِنْ يَاقُوتِ الْجَنَّةِ وَ أَنَّهُ يُبْعَثُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَهُ عَيْنَانِ وَ لِسَانٌ يُنْطِقُ بِهِ يَشْهَدُ لِكُلِّ مَنْ اسْتَلَمَهُ بِحَقٍّ وَ صِدْقٍ»<sup>۵</sup> به درستی که حجرالاسود یاقوتی از یاقوت‌های بهشت است و برانگیخته می‌شود روز قیامت در حالی که دو چشم دارد که می‌بیند و او را زبانی است که سخن می‌گوید و شهادت می‌دهد برای هر کس که او را بدرستی و راستی مساس کرده است. «الْحَجَرُ الْأَسْوَدُ يَمِينُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ فَمَنْ لَمْ يُدْرِكْ بَيْعَةَ النَّبِيِّ (ص) فَمَسَحَ الْحَجَرَ

۱- راهنمای حج و عمره، ۱۰۰/

۲- سنن نسائی ۲۲۶/۵ حدیث شماره ۲۹۳۵ و سنن ترمذی ۱۸۱/۲ حدیث ۸۷۸/

۳- تفسیر کبیر ۱۷۱۵/۴ «أَنَّهُ كَانَ أَشَدَّ بَيَاضاً مِنَ التَّلْجِ فَسَوَّدَتْهُ خَطَايَا أَهْلِ الشُّرْكِ».

۴- مطففین/ ۱۴

۵- تفسیر کبیر ۱۷۱۵/۴ و سنن ابن ماجه حدیث ۲۹۴۴ و مسند احمد ۱/۲۹۱

فَقَدْ بَايَعَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ<sup>۱</sup> حَجْرَ الْأَسْوَدِ قَائِمِ مَقَامِ يَمِينِ وَدَسْتِ خُذَا دَرِ زَمِينِ وَیِ اسْت، پس هر کس بیعت پیغمبر (ص) را دریافت و حَجْرَ الْأَسْوَدِ را استلام کرد گویا با خدا و رسول او بیعت کرده است.

شروع طواف از حَجْرَ الْأَسْوَدِ و پایان به آن، گویای چند نکته است:

۱- حَجْرَ الْأَسْوَدِ نشانه الهی است که حرکت از آن و پایان به آن نمادی از «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» است.

۲- حَجْرَ الْأَسْوَدِ سنگی بهشتی است که برای آدم از بهشت نازل شد تا بدان انس گیرد. منزلگاه آدمی نیز بهشت است و او مرغ باغ ملکوت است که در این عالم چند روزی درگیر است ولی می تواند به بهشت خود بازگردد. شروع از آن، یادبودی از بهشت نخستین و پایان دادن به حَجْرَ الْأَسْوَدِ، بازگشت به بهشت موعود از مسیر توبه و بندگی است.

### فلسفه و اسرار نماز طواف

«وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَ عَهْدِنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ»<sup>۲</sup> «و (یادکن) آن گاه را که ما خانه کعبه را پناهگاه و جایگاه امن مردم ساختیم و (گفتیم) شما از «مقام ابراهیم» برای خود مصلائی انتخاب کنید و طبق معاهده ای ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع کنندگان و سجده کنندگان پاکیزه کنید.»

پس از طواف واجب است زائر پشت مقام ابراهیم یا هر جایی که از مسجد الحرام ممکن بود دو رکعت نماز طواف بخواند.

۱- کنز العمال، ۲۱۷/۱۲ حدیث، ۳۴۷۴۴ و تاریخ بغداد، ۶/۳۲۶.

۲- سوره بقره، آیه ۱۲۵.



تا زمانی که زائر در قرب خانه خدا است طواف می کند، ولی زمانی که از خانه دور شد باید به نماز بایستد و به وسیله نماز حضور خدا را در زندگی خود استواری بخشد. با فاصله گرفتن از کعبه، ارتباط با خدا می تواند با نماز برقرار باشد.

زائر در مکانی که ابراهیم ایستاد بایستد و نمازی چون نماز ابراهیم خلیل بخواند و همانند او بگوید «إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ»<sup>۱</sup>

و از نماز ریاکارانه مشرکین بپرهیزد «وَمَا كَانَ صَلَوَتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصْدِيَةً»<sup>۲</sup>

و در واقع با این عمل همیشه به الگو و مقتدای یکتاپرستی اقتدا نماید و خود را بی نیاز از پیروی پیامبران الهی نداند.

بسیاری از پادشاهان که خود را جاودانه می خواستند، نام خویش را بر ستون های سنگی نوشتند تا در یادها بمانند. امروز نامشان جز در موزه های باستان شناسی و برخی اسناد تاریخی دیده نمی شود. اما ابراهیم بی آن که نام خود را بر الواح سنگی نوشته باشد و بی آن که کاخی مجلل بنا کند، در تاریخ مانده است.

عمده ترین تفاوت ابراهیم با پادشاهان در این بود که فرمانروایان، هیچ کس را در شأن و مقامی که خود داشتند، بر نمی تابیدند اما مقام ابراهیم پذیرای همه انسان هاست و هرکس در سفر حج می تواند یک ابراهیم باشد؛ و دیگر آن که ماندگاری خود را در تاریخ از خداوند خواست «وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ»<sup>۳</sup>

۱- سوره انعام، آیه ۷۹. «من پاکدینانه روی دل می نهم به سوی کسی که آسمانها و زمین را آفریده است و من از مشرکان نیستم»

۲- سوره انفال، آیه ۳۵. «نمازشان در پیرامون خانه کعبه جز سوت زدن و دست افشانی نیست.»

۳- سوره شعراء، آیه ۸۴. «و برای من در میان امت های آینده زبانی (نام) نیک قرار ده»

## فلسفه و اسرار سعی بین صفا و مروه

زائر باید پس از انجام طواف و نماز طواف، میان صفا و مروه سعی کند، یعنی از کوه صفا به مروه برود و از مروه به صفا بازگردد سعی میان صفا و مروه هفت دور است همچنین واجب است که سعی از صفا شروع شده و به مروه ختم گردد خدای سبحان در قرآن مجید صفا و مروه را از شعائر الهی دانسته است: «إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِن شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ»<sup>۱</sup>

صفا و مروه از شعائر و نمادهای خداست بنابراین کسانی که حج خانه ی خدا و یا عمره انجام می دهند، مانعی نیست که بر آن دو طواف کنند (و سعی صفا و مروه انجام دهند و هرگز اعمال بی رویه ی مشرکان که بت هایی بر این دو کوه نصب کرده بودند، از موقعیت این دو مکان مقدس نمی کاهد) و کسی که فرمان خدا را در انجام کارهای نیک اطاعت کند خداوند در برابر عمل او شکرگزار و از افعال وی آگاه است.

در دوران جاهلیت مشرکان در بالای کوه صفا بتی نصب کرده بودند به نام «اساف» و بر بالای کوه مروه بتی به نام «نائله» و به هنگام سعی از این دو کوه بالا می رفتند و آن دو بت را به عنوان تبرک با دست خود مسح می کردند.

مسلمانها به خاطر این موضوع از سعی میان صفا و مروه کراهت داشتند و فکر می کردند در این شرایط سعی صفا و مروه کار صحیحی نیست تا آن که این آیه نازل شد و اعلام داشت که صفا و مروه از شعائر خداست، اگر مردم نادان آنها را آلوده کردند دلیل بر این نیست که مسلمانان فریضه سعی را ترک کنند.

علت تقید سعی به حج و عمره این است که سعی عبادتی مستقل نیست و تعبیر «الاجناح» به معنای استحباب نیست بلکه منظور بیان اصل تشریح است زیرا اگر منظور استحباب بود می بایست بگوید طواف مزبور خوب است نه این که گناهی ندارد. به همین سبب در فقه احناف سعی بین صفا و مروه را واجب و در فقه سایر مذاهب اسلامی رکن عمره و حج می دانند.

حضرت ابراهیم (ع) در ایام پیری بعد از دعای زیاد از کنیزش هاجر صاحب فرزندی شد به نام اسماعیل، ساره همسر اول ابراهیم (ع) از این ماجرا ناراحت شد. لذا ابراهیم (ع)، مادر و کودک را به فرمان خدا در بیابان خشک و بی آب و علف نزد کعبه تنها گذاشت و از آنها جدا شد، آب و غذای مادر و کودک تمام شد، هاجر سراسیمه روی کوه صفا رفت آبی ندید، به سوی مروه رفت خبری نشد، پس از هفت بار رفت و برگشت مشاهده می کند که از زیر پای کودک، آبی می جوشد که همین آب زمزم است و چنین سعی هاجر به ما می آموزد که در مسیر حرکت نباید از تلاش دست برداشت و نهایت مرّوت و دوست داشتن را در صفا و مروه آموخت.

### فلسفه و اسرار وقوف در عرفات

زائران خانه خدا، باید از ظهر روز نهم ذی الحجه تا غروب آفتاب، در سرزمین عرفات بمانند و همین که غروب شد، از آنجا به سوی مشعر الحرام - که تقریباً دوازده کیلومتری عرفات و در مسیر مکه است - کوچ کنند و تا صبح مشغول ذکر خدا شوند «فَإِذَا أَفْضُتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَادْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ...»<sup>۱</sup> و صبحگاه عید وارد صحرای منی جهت ادای رمی جمرات و سایر مناسک گردند.

عرفات نام صحرايي است وسيع و هموار در دامنه کوهي به نام «جبل الرحمه» که در حدود ۲۲ كيلومتری جنوب شرقی مکه واقع شده و بدون وقوف در آن حج ادا نمی گردد و از آن جهت آن مکان را عرفات می نامند چون در این مکان آدم و حوا یکدیگر را شناختند و آدم و حوا (ع) به گناه خویش اعتراف نمودند و گفتند: «قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ»<sup>۱</sup>.

امام فخر رازی در تفسیر خود می نویسد: در یک قول عرفه مشتق از معرفت است و گویند: آدم و حوا پس از هبوط از بهشت در این مکان به هم رسیدند و یکدیگر را شناختند لذا آن روز را عرفه و آن مکان را عرفات نامیدند؛ و در قولی دیگر عرفه از اعتراف مشتق شده چون زائران وقتی که در عرفات می ایستند به ربوبیت و استغناي حضرت حق و فقر و بندگی خود اعتراف می کنند و آدم و حوا نیز در عرفات ایستادند و گفتند: رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا ... پروردگارا ما به جانهای خود ستم کردیم، پس خدای تعالی گفت: الْآنَ عَرَفْتُمَا أَنْفُسَكُمَا: اکنون خویشتن خویش را بشناختید.<sup>۲</sup>

خداوند روز عرفه را روز اکمال دین، روز اتمام نعمت الهی و روز مایوس شدن کفار خوانده است «الْيَوْمَ يَتَسَّسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...»<sup>۳</sup>

عرفه روز حج اکبر است که پیام براءت از مشرکان در آن اعلام شد اگر چه برخی «یوم النحر» را روز حج اکبر می دانند «وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ...»<sup>۴</sup> روز عرفه و وقوف در آن رکن حج است چون رسول خدا (ص) فرمود:

۱- سوره اعراف، آیه ۲۳.

۲- تفسیر کبیر، ۲۳۰۳/۵، سنن نسائی، حدیث ۳۰۱۶.

۳- سوره مائده، آیه ۳.

۴- سوره توبه، آیه ۳.

«الْحَجُّ عَرَفَةٌ فَمَنْ وَقَفَ بِعَرَفَةَ فَقَدْ تَمَّ حَجُّهُ»<sup>۱</sup> حج عبارت از عرفه است پس هر کس به عرفه ایستاد به یقین حج او تمام شده است. همچنین فرموده است: «مَنْ أَدْرَكَ عَرَفَةَ فَقَدْ أَدْرَكَ الْحَجَّ وَ مَنْ فَاتَهُ عَرَفَةَ فَقَدْ فَاتَهُ الْحَجَّ»<sup>۲</sup> هر کس عرفه را دریابد حج را دریافته است و هر کس آن را در نیابد و از دست بدهد حج را در نیافته است.

عرفه روز بخشایش گناهان است چون رسول خدا (ص) فرموده است: خداوند بر اهل عرفه تجلی می کند و گناهان آنان را می آمرزد؛ و گناهکارترین مردم کسی است که در عرفات درنگ و وقوف کند اما گمان برد که خدا گناهانش را نیامرزیده است. «أَعْظَمُ النَّاسِ ذَنْبًا مَنْ وَقَفَ بِعَرَفَةَ فَظَنَّ أَنَّ اللَّهَ لَمْ يَغْفِرْ لَهُ»<sup>۳</sup> لذا در دعای عرفه خود حضرت می فرمود: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ ذُنُوبِي، فَمَا كَانَ لَكَ مِنْهَا فَاغْفِرْهَا لِي وَمَا كَانَ لِغَيْرِكَ فَتَحَمَلْهُ عَنِّي.» خدایا گناهانم را ببخشای. پس آنچه که از آن، مربوط به توسل برایم بیامرز و آنچه مربوط به غیر توسل خود آن را برعهده گیر. و شیطان هیچ روزی خوارتر و رانده تر و حقیرتر و خشم آلوده تر از روز عرفه دیده نشده است: «مَا رَأَى الشَّيْطَانُ فِي يَوْمٍ هُوَ أَصْعَرُ وَلَا أَدْحَرُ وَلَا أَحَقَرُ وَلَا أَغْيِظُ مِنْهُ فِي يَوْمِ عَرَفَةَ»<sup>۴</sup>

از حسین بن حسن مروزی روایت است که از سفیان بن عیینه درباره بهترین دعای روز عرفات سوال کردم. گفت: پیامبر (ص) فرموده است: بهترین دعای روز عرفات که من و پیامبران پیش از من آن را گفته ایم: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» به وی گفتم: این ثنای خداست نه دعا. او گفت: مگر حدیث

۱- تفسیر کبیر، ۲۳۱۰/۵. سنن نسائی، حدیث ۳۰۱۶.

۲- تفسیر کبیر، ۲۳۱۰/۵.

۳- طبقات الشافعیة الکبری، ۳۰۰/۶.

۴- کتاب الايضاح، ص ۳۶ به نقل از موطا امام مالک.

مالک بن الحارث را نمی‌دانی که آن را تفسیر می‌کند؟ گفتم: تو آن را برایم نقل کن. گفت منصور از مالک بن حارث برایم گفته است خداوند می‌فرماید: «إِذَا شَغَلَ عَبْدِي ثَنَاؤُهُ عَلَيَّ عَنِ مَسْأَلَتِي أَعْطَيْتُهُ أَفْضَلَ مَا أُعْطِيَ السَّائِلِينَ»<sup>۱</sup> هر گاه ثنایم بنده ام را از تقاضای چیزی از من مشغول دارد، به وی بهترین چیزی را می‌دهم که به درخواست کنندگان عطا خواهم کرد.

میان صحرای عرفات و صحرای محشر مشابهت‌هایی وجود دارد انسان‌های بی‌شمار که هر کدام زبان، فرهنگ، فرقه، رنگ و نژادی خاص دارند اما همه یک هدف و آن طلب بخشش و عفو خطاهای خود را دارند لذا زائر خانه خدا باید با وقوف به عرفه و مشعر و... به یاد موافقت حشر و نشر و آخرت باشد و کوتاهی زمان وقوف، نشان از اقامت کوتاه انسان در زندگی دنیا دارد.

«لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ، ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ، إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»<sup>۲</sup>

هیچ گناهی بر شما نیست که از فضل پروردگارتان (منافع اقتصادی در ایام حج) طلب کنید (که یکی از منافع حج، پی‌ریزی یک اقتصاد صحیح است) و هنگامی که از «عرفات» روانه شدید پس خدا را نزد «مشعرالحرام» یاد کنید همان‌طور که شما را هدایت و راهنمایی نمود و قطعاً شما پیش از این، از گمراهانی بودید، پس از همان‌جا که مردم کوچ می‌کنند، (به سوی سرزمین منی) کوچ کنید و از خداوند آمرزش بطلبید که خدا آمرزندهٔ مهربان است.

۱- فقه السنه، ۲/۲۳۰.

۲- سوره بقره، آیات ۱۹۹-۱۹۸.

در زمان جاهلیت هنگام مراسم حج، تجارت را گناه می دانستند که خداوند در این آیه در کنار مهم ترین رکن حج یعنی عرفات و بعد از بیان محرمات احرام، کار آنان را نادرست می شمرد و می فرماید: هیچ مانعی نیست که در ایام حج از تجارت که فضل الهی است بهره مند شوید.

مفسران در تفسیر «أَنْ تَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ» تجارت معنی کرده اند و نظیر آن این آیات است که خداوند متعال بیع را به ابتغاء از فضل خود یاد می کند «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ...»<sup>۱</sup> و «جَعَلَ لَكُمْ الْيَلَّ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ»<sup>۲</sup> و «أَخْرُونَ يَصْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ»<sup>۳</sup>

ابوداود و دیگران از ابن عباس (رض) روایت کرده اند که گفته است: «در ابتدای اسلام، کسانی که به حج می رفتند و به انجام مناسک حج می پرداختند از تجارت و خرید و فروش در ایام حج پرهیز می کردند و از هرگونه معامله و داد و ستد خودداری می نمودند و می گفتند: این ایام، روزهای ذکر و عبادت است تا آن که خداوند این آیه را نازل فرمود.

آیه مذکور بعد از آیه بیان محرمات احرام است «فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ...» که تجارت را استثنا می کند چنان که در آیه ۲۸ سوره حج نیز خداوند می فرماید: مردم به حج بیایند تا شاهد منافع گوناگون خویش در ابعاد مختلف دنیوی، اخروی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی باشند.

۱- سوره جمعه، آیه ۱۰.

۲- سوره قصص، آیه ۷۳.

۳- سوره مزمل، آیه ۲۰.

ابن ابی حاتم از ابن عباس (رض) در تفسیر «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ...»<sup>۱</sup> نقل می‌کند که مراد: «منافعی در دنیا و منافعی در آخرت است، منافع آخرت عبارت است از خشنودی خداوند متعال و منافع دنیا نیز عبارت است از گوشت قربانی و تجارت و داد و ستد.»<sup>۲</sup> ابن جریر طبری نیز در تفسیر خود از مجاهد (رح) نقل کرده که: «مراد پاداش در آخرت و تجارت در دنیا است.»<sup>۳</sup>

راز شبهه تحریم تجارت ممکن است این باشد که: ۱- خدا از جدال در حج منع نموده است و این گونه امور قطعاً با جدال بسیار همراه است. ۲- چون بسیاری از امور مباح چون: صید، استعمال خوشبویی، پوشیدن لباس دوخته، مباشرت با زنان و... در حج حرام شده بود، گمان می‌کردند این گونه امور نیز حرام باشد. ۳- در حال نماز این گونه امور حرام است پس ممکن است در حج نیز حرام باشد. ۴- در حج جاهلی تجارت ممنوع بوده است با این استدلال که در حج باید تماماً در خدمت خدا بود و تجارت در خدمت خود بودن است و این کار خوبی به شمار می‌آید و حتی کسی که در حج تجارت می‌کرده به او لقب «داج» که برگرفته از واژه «دجاجة = مرغ» است می‌دادند، بدین معنا که در حج نیز به دنبال جمع کردن دانه است، حاج نیست بلکه داج است.<sup>۴</sup> نکته قابل توجه این که از تعبیر «لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ» تنها جواز آن استفاده می‌شود، بدین معنا که تجارت در حج جزء مباحات است نه جزء واجبات، بنابراین می‌توان گفت: افضلیت حج بدون تجارت و بدون قصد مالی از حج به جای خود باقی است به خصوص این که در تقسیم حاجیان، از کسانی که حج را صرفاً برای تجارت انجام می‌دهند، مذمت شده است «إِذَا كَانَ آخِرَ الزَّمَانِ خَرَجَ النَّاسُ لِلْحَجِّ أَرْبَعَةَ أَصْنَافٍ:

۱- سوره حج، آیات ۲۸.

۲- راهنمای حج و عمره، ۵۳ به نقل از درالمنثور سیوطی ۳۷/۶.

۳- جامع البیان، ۱۰/۱۴۷.

۴- تفسیر کبیر، ۵/۲۲۹۸ و درسنامه تفسیر آیات حج ۱۳۴ به نقل از کشاف زمخشری ۱/۲۴۵ و کشف الاسرار ۱/۵۳۲.



سَلَاطِينُهُمْ لِلزَّهَةِ وَ اَغْنِيَاؤُهُمْ لِلتِّجَارَةِ وَ فُقَرَاؤُهُمْ لِلْمَسْئَلَةِ وَ قُرَاؤُهُمْ لِلسَّمْعَةِ»<sup>۱</sup> زائران خانه خدا در آخرالزمان چهار گروهند: پادشاهان برای تفریح و توانگران برای تجارت و درویشان برای گدائی و عالمان برای ریا و خودنمایی به حج می روند.

امام فخر رازی می گوید: اتفاق است که تجارت هرگاه نقصانی در طاعت ایجاد کند، مباح نباشد، اما اگر نقصانی در آن پدید نیورد از مباحاتی است که اولی ترک کردن آن است.<sup>۲</sup>

### خطبه مهم و تاریخی حجة الوداع

صحرای عرفات در سال دهم هجری شاهد آخرین حج پیامبر (ص) حجة الوداع بود که یکی از حوادث مهم در تاریخ اسلام است. خطبه مهم و تعیین کننده آن حضرت که به حق آن را «منشور حقوق بشر اسلام» نام نهاده اند در این مکان ایراد شد، آن حضرت برای آخرین بار بر تمامی ارزش های جاهلی و باقیمانده از دوران شرك و بت پرستی خط بطلان کشید و چهار چوب اخوت اسلامی و انسانی را روشن ساخت.

بنا به نقل صحیح مسلم و سیره ابن هشام، خطبه زیر را پیامبر (ص) در اجتماع

حجاج در عرفات ایراد فرمود:

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ حَدِيثَ حُجَّةِ الْوُدَاعِ... «أَيُّهَا النَّاسُ! اسْمَعُوا قَوْلِي فَإِنِّي لَا أَدْرِي لَعَلِّي لَا أَلْقَاكُمْ بَعْدَ عَامِي هَذَا بِهَذَا الْمَوْقِفِ أَبَدًا يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَأَبَاكُمْ وَاحِدٌ، كُلُّكُمْ مِنْ آدَمَ وَ آدَمُ مِنْ تُرَابٍ لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَيَّ وَعَجَمِيٍّ وَلَا لِعَجَمِيٍّ عَلَيَّ عَرَبِيٍّ وَلَا لِأَسْوَدَ عَلَيَّ أَحْمَرٍ وَلَا لِأَحْمَرَ عَلَيَّ أَسْوَدَ إِلَّا بِالتَّقْوَى».

۱- احیاء العلوم، ۵۶۹/۱ و تاریخ بغداد، ۲۹۵/۱۰ حدیث ۵۴۳۳.

۲- تفسیر کبیر، ۲۳۰۰/۵.

«إِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ حَرَامٌ عَلَيْكُمْ كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا فِي شَهْرِكُمْ هَذَا فِي بَلَدِكُمْ هَذَا»  
 «الْأَكْلُ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِ الْجَاهِلِيَّةِ تَحْتَ قَدَمِي مَوْضُوعٌ وَ دِمَاءُ الْجَاهِلِيَّةِ مَوْضُوعَةٌ وَإِنَّ أَوَّلَ دِمٍ  
 أَضَعُ مِنْ دِمَائِنَا دَمُ ابْنِ رَبِيعَةَ بْنِ الْحَارِثِ كَانَ مُسْتَرَضِعًا فِي بَنِي سَعْدٍ فَقَتَلَهُ هُدَيْلٌ؛ وَ رَبَا  
 الْجَاهِلِيَّةِ مَوْضُوعٌ وَ أَوَّلُ رَبَا أَضَعُ مِنْ رَبَانَا رَبَا عَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلَبِ، فَإِنَّهُ مَوْضُوعٌ كُلُّهُ...»  
 «فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي النِّسَاءِ فَإِنَّكُمْ أَخَذْتُمُوهُنَّ بِأَمَانَةِ اللَّهِ وَاسْتَحَلَلْتُمُوهُنَّ فُرُوجَهُنَّ بِكَلِمَةِ اللَّهِ وَ  
 لَكُمْ عَلَيْهِنَّ أَلَا يُؤْتِنَنَّ فُرُوشَكُمْ أَحَدًا تَكْرَهُونَهُ، فَإِنْ فَعَلَنْ ذَلِكَ فَاضْرِبُوهُنَّ ضَرْبًا غَيْرَ مُبْرَحٍ  
 وَ لِهِنَّ عَلَيْكُمْ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»

«وَ قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا لَنْ تَصْلُوهَا بَعْدَهُ إِنْ اعْتَصَمْتُمْ بِهِ: كِتَابَ اللَّهِ أَعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَ صَلُّوا  
 حَمْسَكُمْ وَ صُومُوا شَهْرَكُمْ ... وَ أَطِيعُوا ذَا أَمْرِكُمْ تَدْخُلُوا جَنَّةَ رَبِّكُمْ»

«وَ أَنْتُمْ تُسْأَلُونَ عَنِّي فَمَا أَنْتُمْ قَاتِلُونَ؟ قَالُوا: نَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ وَ أَدَيْتَ وَ نَصَحْتَ»

«هان ای مردم! سخنان مرا بشنوید که من نمی دانم، شاید دیگر سال های آینده شما  
 را در این موقف بنینم؟! ای مردم پروردگارتان یکتاست و نیای شما یکی است. همه شما  
 از نسل آدمید و آدم نیز از خاک آفریده شده است. هیچ فضل و برتری عرب بر عجم و  
 نه عجم بر عرب و نه سیاه بر سرخ و نه سرخ بر سیاه ندارد مگر تقواست که اسباب  
 فضل انسان را فراهم می کند.»

«ای مردم! همانا خون ها و اموالتان همانند حرمت این روز، در این ماه و در این  
 سرزمین بر یکدیگر حرام است.»

«بدانید تمام رسوم جاهلیت زیر پاهای من پایمال می شود، خون بهای هر خونی که  
 در جاهلیت ریخته شده ملغی و بی اثر است و نخستین خونی که آن را بی اثر اعلام  
 می کنم خون (عموزاده ام) «ربیعہ ابن حارث» است که در میان «بنی سعد» شیر خور  
 بود و «هدیل» او را به قتل رساندند. رباهای جاهلیت همه ملغی می شود و اکنون (برای  
 اولین قدم) نخستین ربایی که الغای آن را اعلام می کنم، رباهای عمویم «عباس بن  
 عبدالمطلب» می باشد که همه باطل است.»

«ای مردم! درباره زنان از الله بترسید زیرا شما ایشان را به عنوان امانت الهی به اختیار دارید و به نام الله دامن ایشان را بر خویش حلال کرده اید. حق شما بر آنان این است که کسی را که خوش ندارید بر جایگاه شما نشانند، اگر چنین کنند، شما آنان را بزنید، اما نه چندان که آسیب ببینند، حق آنان بر شما این است که خوراک و پوشاک شان را در حد متعارف مهیا کنید.»

«من در میان شما چیزی گذاشته ام که اگر به آن چنگ بزنید گمراه نخواهید شد و آن قرآن کریم است. پروردگارتان را عبادت کنید و نماز پنجگانه را بجا آورید و رمضان را روزه بگیرید... و از فرمانروای خود اطاعت کنید تا به بهشت پروردگارتان درآیید.»

«ای مردم! درباره من از شما سؤال خواهد شد، پس چه خواهید گفت؟!»  
 صحابه‌ی کرام - رضی الله عنهم اجمعین - گفتند: «ما گواهی می‌دهیم که شما پیام الهی را رساندید و امانت الهی را ادا کردید و نسبت به امت خیرخواهی نمودید.»  
 آن گاه رسول اکرم (ص) در حالی که انگشت شهادت را به سوی آسمان بلند کرده بودند سه مرتبه فرمودند: «اللَّهُمَّ اشْهَدْ» «بارالها! تو گواه باش»  
 در بیابان عرفات آن کسی که سخنان رسول خدا (ص) را با صدای بلند به مردم می‌رساند ربیعه بن أمیه بن خَلَف بود.<sup>۱</sup>

پس از فراغت نبی اکرم (ص) از ایراد خطبه در بیابان عرفات در میان انبوه مسلمانان این آیه‌ی شریفه بر آن حضرت نازل گردید: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»<sup>۲</sup> «امروز دینتان را برایتان کامل

۱- سیره ابن هشام، ۲/۶۰۵ و صحیح مسلم، حدیث شماره ۱۲۱۸ و سنن ابن ماجه، حدیث ۳۰۷۴ و سنن ابی داود، حدیث ۱۹۰۵.

۲- سوره مائده، آیه ۳.

گردانیدم و نعمتم را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان دین برای شما انتخاب کردم!»

این خطبه حاوی نکات مهمی بود از جمله:

- ۱- لزوم رعایت اصل برابری در روابط انسانیها
  - ۲- لزوم رعایت حرمت مال و جان یکدیگر
  - ۳- رعایت حرمت ماه های حرام و هنجارهای اجتماعی
  - ۴- بازگرداندن امانت مردم در نزد هر کسی که هست.
  - ۵- لغو ربا و معاملات رِبَوِی
  - ۶- لغو حقوق مربوط به خون هایی که در زمان جاهلیت ریخته شده است.
  - ۷- رعایت حقوق متقابل زوجین به ویژه رعایت حقوق زنان توسط مردان
- عرفات کلاس روزانه درس توحید و تمرین آشنایی با خدا و معرفت پروردگار است، انسان در بیرون سرزمین حرم، حضور خدا را در زندگی می آموزد و به این واقعیت شناخت پیدا می کند که بدون حضور خدا در زندگی انسان، انسان نمی تواند خود را درست بشناسد و به کمال مطلوب هویت خود دست یابد. پس از چنین آمادگی، شایستگی حضور در سرزمین حرم را پیدا می نماید و با پا گذاشتن به سرزمین مشعر، شناخت را با شعور همراه ساخته تا در منی با آمادگی کامل بر دشمن هجوم برد و باذبح و قربانی آمادۀ فداکاری در راه وصول به معشوق می گردد و باحلق و تراشیدن سر، نماد هویتی عضو خانواده ابراهیمی شدن و یکتا پرستان را آشکار می نماید و با این عمل ریشه عیوب را از بیخ و بن از وجود خود بیرون می ریزد.

### فلسفه و حکمت و وقوف در مشعرالحرام (مزدلفه)

«فَإِذَا أَفْضُتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَادْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَادْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ، ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»<sup>۱</sup>

«هنگامی که از «عرفات» روانه شدید پس خدا را نزد «مشعر الحرام» یاد کنید همان طور که شما را هدایت و راهنمایی نمود و قطعاً شما پیش از این از گمراهان بودید، پس از همان جا که مردم کوچ می کنند کوچ کنید و از خداوند آمرزش بطلبید که خدا آمرزندهٔ مهربان است.»

«مشعر» یا مزدلفه سرزمینی است که در مسیر عرفات به سوی منی و مکه قرار دارد. این سرزمین بین تنگهٔ دو کوه و وادی مُحَسَّر واقع شده است؛ که وقوف در آن از واجبات حج است و زائران شب دهم ذی الحجه بعد از غروب آفتاب که از عرفات حرکت می کنند به مشعر و مزدلفه می آیند مشعر را مزدلفه نیز می خوانند چون زائران با کوچ از عرفات به سوی مشعر، به مکه و یا به خدا نزدیک می شوند. در وجه تسمیه و نامگذاری «مزدلفه» چند قول است یکی این است که آنها در آن به منی نزدیک می شوند و «ازدلاف» به معنی قرب است دوم این است که مردم در آنجا گرد هم می آیند و اجتماع ازدلاف است. سوم آن که با وقوف در آنجا به «یزدلفون الی الله» یعنی به خدا تقرب می جویند و نماز مغرب و عشاء را جمع می کنند.

مزدلفه و مشعرالحرام جزء حرم و ورودی حرم محسوب می شود. عارف صحرای عرفات در ورودی حرم نیز شبی را بیتوته می کند و به راز و نیاز می پردازد تا فردای آن روز در مبارزه با شیطان پیروز گردد.

شب مشعر شب راز و نیاز است در رحمت به روی خلق باز است

شب ظلمانی و غوغای مشعر      تداعی می‌کند صحرای محشر  
 سفیدی درسیاهی می‌زند موج      بود خاک بیابان هم معطر

مراد از افاضه روان گشتن از عرفات به مزدلفه و از مزدلفه به منی است. قریش و هم سوگندان آنها یعنی «حُمس» خود را از مردم برتر می‌شمردند و وقوف در عرفات را به بهانه آن که حرم نیست و ما اهل حریم ترک می‌کردند؛ و در مزدلفه وقوف می‌کردند. روایت کرده‌اند که پیامبر اکرم (ص) وقتی ابوبکر را امیرالحاج کرد، او را به بیرون کردن مردم به سوی عرفات فرمان داد و چون او می‌رفت بر «حمس» برخورد و آنان را ترک کرد، پس آنها گفتند: کجا می‌روی و حال آن که این مقام پدران و خویشان تو است، پس مرو، ابوبکر (رض) به آنان التفات نکرد و به فرمان خدا به عرفات رفت و در آنجا وقوف کرد و مردمان دیگر را نیز به وقوف در آنجا دستور داد.<sup>۱</sup>

### فلسفه و اسرار بیتوته در سرزمین منا

منا سرزمینی است که بین وادی محسّر و مکه واقع شده است و طول آن حدود ۳/۵ کیلومتر و عرض آن پانصد متر بین دو کوه ممتد است. فاصله منا از مکه حدود شش کیلومتر است و در همین سرزمین جمرات سه گانه قرار دارد.

حج گزاران بامداد عید قربان (دهم ذی الحجه) وارد منا می‌شوند و تا روز دوازدهم و برخی افراد تا روز سیزدهم ذی الحجه در آنجا می‌مانند. واژه منا به معنای علاقه و آرزو است در سرزمین منا بیشتر می‌مانیم چون دل بریدن از تمنّاهای ناروا سخت است، منا قربانگاه عاشقان و محل اتصال واصلان است.

ابراهیم (ع) پس از بازگشت به مکه و مأموریت تجدید بنای کعبه، با آزمون سختی رو به رو می‌گردد و آن هم قربانی نمودن فرزند.

۱- تفسیر کبیر، ۲۳۱۴/۵ و سنن ترمذی، حدیث شماره ۸۸۴.

ابراهیم (ع) برای اجرای فرمان الهی فرزندش را غافل گیر نکرد. بدین صورت که او را بی خبر و ناگهانی با خود به قربانگاه نبرد بلکه نخست تصمیم گرفت او را از این فرمان الهی آگاه سازد. قرآن صحنه را چنین حکایت می کند: «فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى»<sup>۱</sup>

پس چون فرزندش به سنی رسید که می توانست همپای او تلاش کند گفت: پسر، من در خواب دیده ام که دارم سر تو را می برم پس بین چه به نظرت می آید؟ اسماعیل (ع) فرمود: «قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ»<sup>۲</sup> گفت: پدر جان، آنچه را فرمان می یابی انجام بده مرا- اگر خدا بخواهد- از شکیبایان خواهی یافت.

ابراهیم و اسماعیل (ع) هر دو درمقابل وسوسه های شیطان در وادی منا مقاومت نمودند تا به قربانگاه رسیدند و ابراهیم آماده ذبح شد، نه پدر را تردیدی است و نه فرزند را امتناعی، هر دو تسلیم محض اند «فَلَمَّا أَسْلَمَا وَ تَلَّهُ لِلْجَبِينِ وَ نَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمَ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ»<sup>۳</sup> چون در این آزمون ابراهیم (ع) موفق شد، خداوند در عوض ذبح اسماعیل (ع)، قربانی حیوان را پذیرفت و سنت حسنه تاریخ قرار داد: «إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ، وَ قَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ»<sup>۴</sup>.

در آیات قرآن دستور داده شده که بعد از توقف در مشعر، همچون دیگر مردم کوچ نموده و به سوی منا حرکت کنید: «ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَ اسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ

۱- سوره صافات، آیه ۱۰۲.

۲- سوره صافات، آیه ۱۰۲.

۳- سوره صافات، آیات ۱۰۵-۱۰۳.

۴- سوره صافات، آیات ۱۰۷-۱۰۶.

اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»<sup>۱</sup> پس از جایی که مردم روانه می شوند به سوی منا روانه شوید و از خدا آمرزش بخواهید که خدا بسیار آمرزنده مهربان است.

و در چند روز مشخص ایام تشریق خدا را یاد کنید «فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِن خَلَاقٍ وَمِنْهُمْ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ. وَ اذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ فَمَن تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَن تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ»<sup>۲</sup> «هنگامی که مناسک حج خود را انجام دادید، خدا را یاد کنید همانند یاد پدرانتان بلکه از آن هم بیشتر. بعضی از مردم می گویند: خداوندا به ما در دنیا عطا کن ولی در آخرت بهره ای ندارند؛ و بعضی می گویند: پروردگارا به ما در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت نیز نیکی مرحمت فرما و ما را از عذاب آتش نگاه دار. آنها از کار خود نصیب و بهره ای دارند و خداوند سریع الحساب است؛ و خداوند را در روزهای معینی یاد کنید (روزهای ۱۱، ۱۲ و ۱۳ ماه ذی الحجه) و هر کس شتاب کند و ذکر خدا را در دو روز انجام دهد (و روز سوم در منی نماند) گناهی بر او نیست و هر که تأخیر کند (و سه روز انجام دهد نیز) گناهی بر او نیست، برای کسی که تقوا پیشه کند و از خدا پرهیزد و بداند شما به سوی او محشور خواهید شد.»

در آیات مربوط به حج کراراً سفارش به ذکر خدا شده است، برای اولین بار در آیه ۱۹۸ بقره فرمود: «فَازْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ» و در ادامه همان آیه می فرماید: «وَ اذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ» برای بار سوم در این آیات می فرماید که ذکر خدا پس از پایان

۱- سوره بقره، آیه ۱۹۹.

۲- سوره بقره، آیات ۲۰۳-۲۰۰.



مراسم حج نیز ادامه یابد: «فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا» و برای بارچهارم و پنجم راجع به مناسک منی دستور به ذکر الهی می‌دهد («وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ»<sup>۱</sup>) و «وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ»<sup>۲</sup> و برای بار ششم می‌فرماید: «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسَكًا لِيَذْكُرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ»<sup>۳</sup>

این اهتمام به یاد و نام خدا در موسم حج بیانگر جایگاه ویژه مسأله ذکر در حج می‌باشد و در حقیقت هشداری است به زائر خانه خدا که در آن مکان و سرزمین مقدس و در آن زمان و ایام مبارک با انجام مناسک، بیش از پیش مشغول نهادینه کردن حضور و یاد خدا در زندگی خود باشد که بعد از آن مال و اولاد نتوانند آن را دچار غفلت و فراموشی از یاد خدا بگردانند که خدای نکرده خطا کنند یا معصیتی انجام دهد. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَاُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»<sup>۴</sup>.

زائر با انجام مناسک حج باید به گونه ای خدا را یاد کند تا صفت بارز مؤمنین را که «الذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا»<sup>۵</sup> و «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ...»<sup>۶</sup> است در خود متجلی نماید.

گفته شده که عرب در جاهلیت زمانی که از حج، فراغت پیدا می‌کردند، در منا توقف نموده و به پدران خود با گفتن نظم و نثر افتخار می‌کردند، لذا خداوند آن‌ها را از

۱- سوره حج، آیه ۲۷.

۲- سوره بقره، آیه ۲۰۳.

۳- سوره حج، آیه ۳۴.

۴- سوره منافقون، آیه ۹.

۵- سوره احزاب، آیه ۳۵.

۶- سوره آل عمران، آیه ۱۹۱.

این کار بر حذر داشت و فرمود: به یاد خدا باشید بلکه به یاد خدا از یاد پدرانتان بیشتر باشید.

منظور از ذکر را بعضی دعا دانسته اند که در ادامه آیه نیز آمده است لکن بعضی تکبیرات مخصوص ایام تشریق «الله اکبر، الله اکبر، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْد» دانسته اند اما واقعیت آن است که هر عملی اعم از ادعیه و اذکار مأثوره تا مجموعه مناسک حج و منا که بتواند حضور الهی را در زندگی انسان به صورت فراگیر و گسترده نهادینه نماید به صورتی که انسان در هیچ لحظه و مکانی از یاد خدا غافل نماند همان گونه که یک لحظه نمی تواند احساس کند که بی پدر است را در بر می گیرد. تکبیرات تشریق در مورد زائران وارد شده اما سایر مسلمانان نیز به تبع آنها تکبیر می گویند که پس از نماز فجر روز عرفه آغاز و پس از نماز عصر آخرین روز ایام تشریق پایان می پذیرد.

در این آیه به تفاوت درخواست مردم در دعاهایشان نیز می پردازد و انسانها را به دو گونه در دعا یاد می کند: ۱- کسانی که تنها دنبال دنیا هستند و از عالم آخرت غافلند که در آیات دیگر نیز چنین وصف حالشان را بیان می کند: «فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِن خَلْقٍ»<sup>۱</sup> «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زَيَّنَّهَا نُوفًّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالُهُمْ فِيهَا وَ هُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ. أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَ حَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَ بَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (هود: ۱۵ و ۱۶)»

«مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَّدْحُورًا (اسراء: ۱۸)» «مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ (شوری: ۲۰)»

۲ - کسانی که هم دنیای خوبی می خواهند و هم آخرت خوبی را دنبال می کنند.  
 «و مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (بقره: ۲۰۱)»

لذا درباره ابراهیم (ع) می فرماید: «و آتِنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ (نحل: ۱۲۲)»

«وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا (اسراء: ۱۹)»

در تقاضای اهل دنیا، قید حسنه وجود ندارد زیرا همه تمتعات دنیوی را مطابق هوای نفس خود می دانند و آن را نیک می پندارند. لکن در بینش اهل آخرت، همه مظاهر دنیا حسنه نمی باشد بلکه زن صالحه، مسکن وسیع، مرکب و سواری، ولد صالح و رضوان الهی و بهشت را حسنه می دانند.

خداوند سبحان، دنیا طلبی محض را محکوم نموده است و آخرت خواهی صرف را نیز ترغیب نکرده است، این بدین معناست که دنیا و آخرت هر دو مطلوب هستند و باید به هر دو توجه داشت جالب این که در قرآن کریم ۱۱۵ مرتبه کلمه دنیا به کار رفته و ۱۱۵ مرتبه کلمه آخرت استعمال شده است و این یک تضاد نیست. البته به این معنا هم نیست که اهمیت هر دو یکسان است بلکه دنیا وسیله ای برای رسیدن به آخرت است. «الدُّنْيَا مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ»

لذا در دعاها بهتر است اهداف کلی مطرح شود و تعیین مصداق به عهده خداوند گذاشته شود ما از خداوند سعادت دنیا و آخرت را می خواهیم ولی در این که رشد و صلاح ما در چیست؟ آن را به عهده خداوند می گذاریم، مثلا از خداوند توفیق زیارت حج را خواهیم اما نگوئیم خدایا مالی به من بده تا به مکه روم، چون خداوند گاهی سبب را به گونه ای قرار می دهد که ما فکر آن را نمی کردیم.

## فلسفه و اسرار رمی جمرات

یکی از اعمال واجب در سرزمین منا، رمی جمرات یا سنگباران نمودن نمادهای سه گانه شیطان است. این عمل در روزدهم ذی الحجه (عید قربان) در مورد «جرمه عقبه» و با هفت سنگریزه انجام می شود و در روز یازدهم و دوازدهم ذی الحجه در مورد جرمة اولی و وسطی (میانی) و عقبه (آخری) و برای هر کدام با هفت سنگریزه انجام می شود. همان گونه که طواف و سعی، هفت مرتبه است، رمی نیز هفت مرحله دارد که در هر مرحله نیز هفت سنگ زده می شود.

رمی جمرات شیوة ابراهیمی در مبارزه با شیطان است عمل ابراهیم (ع) آموزه ای برای همه نسل ها شد که با شیطان و شیطان صفتان دین مبارزه کنند. پیامبر (ص) نیز هنگامی که در روز عید قربان از مشعر به منا رفت، نزد جرمة عقبه آمده و آن را با هفت سنگ زد این امر در اسلام نیز سنت گردید و همین گونه در مورد جرمة اول و دوم عمل کرد.

امام غزالی در کیمیای سعادت و احیاء علوم الدین می نویسد: اما انداختن سنگ، مقصود اظهار بندگی است بر سبیل تعبّد محض و نیز تشبّه به ابراهیم خلیل (ع) که در آن جایگاه ابلیس پیش وی آمده است تا وی را در شبتهی افکند، سنگ در وی انداخته است. پس اگر در خاطر تو آید که «شیطان وی را پیدا آمد و مرا نیامد: بیهوده سنگ چرا اندازم؟» بدان که این خاطر ترا از شیطان پیدا آمده است: سنگ بینداز تا پشت وی بشکنی که پشت وی بدان شکسته شود که تو بنده ای فرمانبردار باشی و هر چه تو را گویند چنان کنی...<sup>۱</sup>

پیامبر (ص) ضمن نشان دادن سنگریزه ها می فرماید: «أَمْثَالُ هَؤُلَاءِ فَارْمُوا» مثل اینها بیندازید و می افزاید: «إِيَّهَا النَّاسُ إِيَّاكُمْ وَالْغُلُوفِ فِي الدِّينِ فَإِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ

۱- کیمیای سعادت ۲۴۰/۱ و احیاء علوم الدین ۵۸۵/۱.

قَبْلَكُمْ اَلْغُلُوْ فِي الدِّيْنِ»<sup>۱</sup> ای مردم از سختگیری و زیاده روی در دین پرهیزید زیرا سخت گیری و افراط در دین کسانی را که قبل از شما بودند هلاک کرد.

پیامبر (ص) با این بیان، حجم سنگریزه ها را از لحاظ درشتی و کوچکی برای حاجیان مشخص می کند که در آینده دچار افراط و تفریط نشوند و اعتدال را رعایت نمایند؛ و در روایت آمده است «هر کس حجّ او مقبول باشد، سنگِ جمرات او را به آسمان می برند»<sup>۲</sup> و این یکی دیگر از معجزات الهی است که سنگریزه ها در مصاف با شیطان برجا نمی مانند که نیاز به جابجایی داشته باشند.

انسان هرگاه با نفس اماره مبارزه کرد و نفس لوامه اش او را از ارتکاب معاصی بازداشت، به نفس مطمئنه واصل می گردد. زائر با رمی جمره اولی با نفس اماره مبارزه می کند و با رمی جمره وسطی به خود تلقین می کند که نزدیک عمل خلاف و معصیت نشود و با رمی جمره عقبی، شیطان را به طور کلی از خویش دور می سازد تا نفس مطمئنه خویش را در امان داشته و آماده وصال به حریم حرم یار گردد.

### فلسفه و اسرار قربانی

یکی از اعمال واجب در منا پس از رمی جمره عقبه، برای کسانی که حج تمتع یا قران به جا می آورند، قربانی کردن است «فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ اِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ»<sup>۳</sup> سپس کسی که با انجام عمره، حج را آغاز کند باید آنچه از قربانی برای او مقدور است ذبح کند. «لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعٌ اِلَى اَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا اِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ»<sup>۴</sup> در آن (حیوانات قربانی) منافعی برای شماست تا زمان معینی (روز ذبح آنها) سپس محل آن خانه عتیق است.

۱- مسند امام احمد ۲۱۵/۱ و سنن نسائی ۲۶۹/۵ حدیث شماره ۳۰۵۷ و سنن ابن ماجه حدیث شماره ۳۰۶۷.

۲- تفسیر کبیر ۳۵۲۵/۸.

۳- سوره بقره، آیه ۱۹۲.

۴- سوره حج، آیه ۳۳.

یکی از شعائر خدا در مناسک حج مربوط به شتر یا گاو و گوسفند قربانی است. گروهی از مسلمین عقیده داشتند که از شتر قربانی هیچ بهره‌ای نباید گرفت تا موقع ذبحش برسد اما آیه می فرماید برای شما در این شتران منافی وجود دارد مانند سوار شدن یا نوشیدن شیر آنها تا زمانی که باید قربانی شوند.

«وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنَ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَإِنَّهُمْ آيَةٌ لِلَّهِ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ، الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمُ وَالْمُتَّقِيَةَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ»<sup>۱</sup> برای هر امتی قربانگاهی قرار دادیم تا نام خدا را (به هنگام قربانی) بر چهار پایانی که به آنان روزی داده ایم، ببرند و خدای شما معبود واحدی است. در برابر فرمان او تسلیم شوید و بشارت ده متواضعان و تسلیم شوندگان را، همان‌ها که چون نام خدا برده می شود، دل‌هایشان پر از خوف پروردگار می گردد و شکیبایان در برابر مصیبت‌هایی که به آنان می رسد و آنها که نماز را بر پا می دارند و از آنچه به آنان روزی داده ایم انفاق می کنند.

این منحصر به پیروان ابراهیم و محمد (ص) نیست که مراسم قربانی برای خدا دارند بلکه امت‌های دیگر نیز این مراسم را داشتند. اساساً قربانی کردن یک عمل خرافی نیست بلکه وقتی به نام خدا صورت بگیرد، سمبلی از آمادگی انسانی برای فداکاری و قربانی شدن در راه او است به علاوه این که طریقه‌ای برای اطعام فقرا نیز هست. فرزندان آدم (ع) قربانی انجام دادند که از یکی پذیرفته شد «وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَىٰ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا»<sup>۲</sup>

۱- سوره حج، آیات ۳۵-۳۴.

۲- سوره مائده، آیه ۲۷.

قربانی سنت ابراهیم (ع) است اما در مناسک حج، انسان با قربانی، شکر و سپاس خدا را به جا می آورد که به او توفیق داد تا مناسک عمره و حج را انجام دهد. «فَبَشِّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا آبَتِ افْعَلِ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ. فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ. إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينِ وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ. سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ.»<sup>۱</sup>

ما او (ابراهیم) را به نوجوانی بردبار و صبور بشارت دادیم (۱۰۱) هنگامی که با او به مقام سعی و کوشش رسید، گفت: «پسرم، من در خواب دیدم که تو را ذبح می کنم. نظر تو چیست؟» گفت: پدرم هر چه دستور داری اجرا کن، به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت (۱۰۲) هنگامی که هر دو تسلیم شدند و ابراهیم جبین او را بر خاک نهاد (۱۰۳) او را ندا دادیم که ای ابراهیم (۱۰۴) آن رویا را تحقق بخشیدی (و به مأموریت خود عمل کردی) ما این گونه نیکوکاران را جزا می دهیم (۱۰۵) این مسلماً همان امتحان آشکار است (۱۰۶) ما ذبح عظیمی را فدای او کردیم (۱۰۷) و نام نیک او را در امت های بعد باقی نهادیم (۱۰۸) سلام بر ابراهیم (۱۰۹)

انسان با ذبح گوسفند به ذبح نفس خود می پردازد و طمع، حرص و سایر خصلت های رذیله را از خود دور می گرداند و آراسته به تقوای الهی می گردد. خداوند محتاج قربانی نیست لذا گوشت و خون به خدا نمی رسد بلکه آنچه خدا در این عمل اراده کرده است سنجش اخلاص و تقوای شماسست و دوام اطعام مستمندان و نیازمندان. «وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا

صَوَافَّ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبَهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَاطْعَمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاَهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ. لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَ لَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَيْكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ»<sup>۱</sup>

و شترهای چاق و فربه را (در مراسم حج) برای شما از شعائر الهی قرار دادیم. در آنها برای شما خیر و برکت است، نام خدا را (هنگام قربانی کردن) در حالی که به صف ایستاده اند بر آنها ببرید و هنگامی که پهلوهایشان آرام گرفت (و جان دادند) از گوشت آنها بخورید و مستمندان قانع و فقیران را نیز از آن اطعام کنید این گونه ما آنها را مسخّرتان ساختیم تا شکر خدا را به جا آورید (۳۶) نه گوشت‌ها و نه خون‌های آنها، هرگز به خدا نمی رسد. آنچه به او می رسد، تقوا و پرهیزکاری شماست. این گونه خداوند آنها را مسخّر شما ساخته تا او را به خاطر آن که شما را هدایت کرده است بزرگ بشمرید و بشارت ده نیکوکاران را (۳۷)

امر در «کُلُوا» برای اباحه است چون مردم جاهلیّت، خوردن گوشت قربانی را بر خود حرام می دانستند لکن امر در «اطعموا» برای وجوب است. در اسلام هر جا سخن از خوردن مطرح است در کنارش وظیفه دیگری نیز ذکر شده است: «فَكُلُوا مِنْهَا وَاطْعَمُوا»<sup>۲</sup> بخورید از آنها و به دیگران بخورانید. «كُلُوا... وَ لَا تُسْرِفُوا»<sup>۳</sup> بخورید ولی اسراف نکنید. «كُلُوا... وَاعْمَلُوا صَالِحًا»<sup>۴</sup> بخورید و عمل صالح انجام دهید. «كُلُوا... وَاشْكُرُوا»<sup>۵</sup> بخورید و سپاس گزارید.

۱- سوره حج، آیات ۳۷-۳۶.

۲- سوره حج، آیه ۳۶.

۳- سوره اعراف، آیه ۳۱.

۴- سوره مومنون، آیه ۵۱.

۵- سوره سبأ، آیه ۱۵.



حضرت علی (رض) روایت می‌کنند که رسول خدا (ص) فرمود: «لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ذَبَحَ لِغَيْرِ اللَّهِ» خداوند لعنت کند کسی را که به هنگام ذبح نام غیر خدا را بر آن برد.<sup>۱</sup>

### فلسفه و اسرار تراشیدن و کوتاه نمودن سر (حلق یا تقصیر)

«لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ»<sup>۲</sup> بدون شک با خواست خدا همه شما در امن و امان و در حال سر تراشیده و موی کوتاه کرده و بدون ترس داخل مسجدالحرام خواهید شد.

تراشیدن و کوتاه کردن موی سر یکی از واجبات عمره و حج است که تراشیدن بهتر از کوتاه کردن است. چون رسول خدا (ص) فرمود: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُحَلِّقِينَ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَالْمُقَصِّرِينَ قَالَ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُحَلِّقِينَ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَالْمُقَصِّرِينَ قَالَ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُحَلِّقِينَ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَالْمُقَصِّرِينَ»<sup>۳</sup>

خدایا بر سر تراشیدگان ترحم کن، گفتند: ای رسول خدا و کوتاه کنندگان؟ فرمود: خدایا سر تراشیدگان را بیامرز، گفتند: و کوتاه کنندگان؟ فرمود: خدایا سر تراشیدگان را بیامرز، گفتند: ای رسول خدا و کوتاه کنندگان؟ فرمود: و کوتاه کنندگان را.

در لباس احرام در صورتی که زائر گرفتار بیماری شد و لازم گردید که سرش را بتراشد، خداوند به او اجازه داده است که آن را بتراشد «وَلَا تَحْلِقُوا رُؤُسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ»<sup>۴</sup> و تا قربانی به قربانگاه نرسیده سر خود را متراشید و هر کس از

۱- صحیح مسلم، حدیث ۱۹۷۸.

۲- سوره فتح، آیه ۲۷.

۳- صحیح بخاری حدیث ۱۷۲۷، صحیح مسلم حدیث ۱۳۰۲.

۴- سوره بقره، آیه ۱۹۶.

شما بیمار باشد یا در سر ناراحتی داشته باشد (و ناچار شود در لباس احرام سر را بتراشد) جهت کفّاره آن باید روزه بدارد یا صدقه بدهد و یا قربانی کند.

پیامبر (ص) در عمره حدیبیه از کنار «کعب بن عجزه» گذشت و دید که شپش از سرش می افتد! فرمود: آیا شپش تو را اذیت می کند؟ گفت: آری مرا رنج می دهد. حضرت (ص) فرمود: پس سرت را بتراش و در عوض به عنوان (کفّاره) یک گوسفند قربانی کن، یا سه روز، روزه بگیر و یا این که شش نفر مسکین را اطعام کن<sup>۱</sup>

تراشیدن سر در پایان عمره و در روز عید قربان، نشان بندگی و عبد شدن عمره گزار و حج گزار است. موی سر، سبب زیبایی و آراستگی و تشخیص مردان است که آن را دوست می دارند و به آن بهای فراوانی می دهند. موقعیت شغلی و اجتماعی و سیاسی مردان نیز در اهمیت دادن به موی سر نقش دارد و هر چه جایگاه و موقعیت اجتماعی افراد بالاتر باشد، به آن بهای بیشتری می دهند. حال، حج گزار پس از اعمال مختلف، موی سر خود را - که نشان زینت و نمایانگر تشخیص و چهره اجتماعی او است - به نشانه بندگی و تسلیم می تراشد تا به همگان نشان دهد که بنده خدا و مطیع فرمان او است. او با گذشتن از جمال ظاهری و صوری - که در نظرش ارزشمند و با اهمیت است و احتمالاً سبب فخر و مباهات او به دیگران است - و درآوردن خود به شکل غلامان، از قید نام و مقام می گذرد و کوچکی و عجز خویش را نشان می دهد. در صدر اسلام، یکی از علایم و نشانه های بردگان، این بود که موهای آنها را از بیخ می تراشیدند و امروز حاجی و زائر بیت الله الحرام می خواهد چون بردگان، این مظهر جمال و زیبایی را از خود دور کند تا در واقع جمال خویش را به پای جمال خدا قربانی کند تا در جنگ با شیطان پیروز گردد و تولدی دوباره یابد و هویت ابراهیمی پیدا کند.

۱- صحیح بخاری حدیث ۱۸۱۴ و صحیح مسلم حدیث ۱۲۰۱.

اما به زنان دستور داده شده که موی خود را کوتاه کنند نه این که آن را بتراشند. ابن عباس از پیامبر (ص) روایت می کند که آن حضرت گفت: «لَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ حَلْقٌ وَإِنَّمَا عَلَى النِّسَاءِ التَّتْصِير»<sup>۱</sup>

چون هویت زنان به موی سر و گیسوان آنان پیوند خورده همان گونه که هویت مردانه در محاسن مردان متجلی می گردد. لذا شارع به دنبال آن نیست که هویت زنانه را از آنها بگیرد لذا دستور به اصلاح و کوتاه نمودن می نماید.

### فلسفه براءت از مشرکین

رمی جمرات و سنگ زدن به تندیس شیطان، نماد براءت از شرك و مشرکان است چون ابراهیم (ع) در هنگام عزیمت به منا به منظور قربانی نمودن اسماعیل، با وساوس شیطان رو برو شد او را رجم کرد و از خود راند و زیباترین نمایش ایمان و عشق را متجلی ساخت. ابراهیمی که به پدر و قومش گفت: من از آنچه شما پرستش می کنید بیزارم «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ»<sup>۲</sup> و خداوند ما را به تاسی جستن از او و همراهانش فرا خواند و فرمود: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءٌ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ...»<sup>۳</sup>

براءت ابراهیمی توسط پیامبر مکرم اسلام کامل شد و آن حضرت با پاکسازی خانه کعبه از بت ها و نبرد با مشرکان آنها را از نزدیک شدن به سرزمین حرم بازداشت. در سال نهم هجری حضرت ابوبکر (رض) امیر حج بود اما هنگامی که آیات براءت و بیزارى از مشرکان بر آن حضرت نازل شد، پیامبر (ص) حضرت علی (رض) را مامور کرد تا به حضرت ابوبکر (رض) بیوندد و در موسم حج و روز

۱- سنن ابوداود، حدیث شماره ۱۹۸۶ و سلسله الاحادیث الصحیحة البانی، حدیث ۶۰۵.

۲- سوره زخرف، آیه ۲۶.

۳- سوره ممتحنه، آیه ۴.

عرفه پیام براثت را بخواند. در این قطعنامه به مشرکان چهار ماه مهلت داده شد تا مجال تفکر و انتخاب داشته باشند و از گذشته خویش توبه کنند و از عطوفت اسلامی برخوردار گردند.

«بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَلِمُوا أَنَّكُمْ غَيْرَ مُعْجِزِي اللَّهِ وَ أَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ...»<sup>۱</sup>

این براثت خدا و پیامبرش است از مشرکانی که با آنان پیمان بسته اید، اینک چهار ماه مجال دارید در زمین سیر کنید و بدانید که شما خدا را ناتوان نخواهید کرد و خداوند خوار کننده کافران است و این اعلامی از سوی خداوند و پیامبر اوست به مردم در روز حج اکبر که بدانند خداوند و پیامبرش از مشرکان بری و بیزارند...

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَ إِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»<sup>۲</sup>

ای کسانی که ایمان آورده اید، مشرکان ناپاکند، پس نباید بعد از امسال، نزدیک مسجدالحرام شوند و اگر از فقر می ترسید، خداوند هرگاه بخواهد شما را از کرمش بی نیاز می سازد، خداوند دانا و حکیم است.

قطعنامه براثت به طور خلاصه شامل بندهای ذیل بود:

- ۱- لغو پیمان مشرکان
- ۲- عدم حق شرکت مشرکان در مراسم حج در سال آینده
- ۳- ممنوع بودن ورود مشرکان به خانه خدا

۱- سوره توبه، آیات ۳-۱.

۲- سوره توبه، آیه ۲۸.

۴- ممنوع بودن طواف به صورت عریان و برهنه که تا آن زمان در میان مشرکان رایج بوده است.

آیات برائت با تبشیر و انذار همراه است. در بخش تبشیر به مشرکان نوید می دهد تا دست از شرک برداشته با پذیرش توحید زمینه سعادت دنیا و فلاح اخروی خود را فراهم نمایند. «... فَإِنْ تَابْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ...»<sup>۱</sup>، «فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»<sup>۲</sup> «فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ فِي الدِّينِ»<sup>۳</sup>

و در بخش انذار می فرماید: اگر بخواهید لجاجت و عناد به خرج داده و همچنان به مخالفت با خدا و رسولش ادامه دهید بدانید که اولاً کاری از شما ساخته نیست و ثانیاً عذاب دردناک در انتظار شماست. «... فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَ بَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»<sup>۴</sup> و پس از مهلت داده شده، به حساب شما رسیدگی خواهد شد. «فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْضَرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلٌّ مِرْصَدٌ»<sup>۵</sup>

اعلام برائت از مشرکان در مراسم حج حکایت از این دارد که موسم حج جای مناسب برای اعلان سیاست های کلان جامعه اسلامی است و اعلام آشکار برائت بیانگر این است که اسلام با غدر و توطئه موافق نیست و باید آشکارا و به صراحت به طرف مقابل اعلام نمود که برنامه قبلی و تعهدات به خط پایان رسیده است.

۱- سوره توبه، آیه ۳.

۲- سوره توبه، آیه ۵.

۳- سوره توبه، آیه ۱۱.

۴- سوره توبه، آیه ۳.

۵- سوره توبه، آیه ۴.

زائر مسلمان باید متوجه باشد که فقط سنگ زدن به تندیس شیاطین هدف نیست بلکه با این عمل نمادین می‌بایست با تمام مظاهر شیطانی مقابله نمود و وسوسه‌ها و افسون‌های شیطانی را از خود دور کرد و از دشمنان خدا و بت‌های زمان و اقطاب شرک که کمر به نابودی توحید و به ذلت کشاندن مسلمانان بسته اند برائت و بی‌زاری جست و همچون ابراهیم و محمد (ص) نقاب از چهرهٔ نمرودیان زمان برافکند و با شرک و بت‌پرستی و دجال‌های قرن، در هر چهره‌ای که هستند به مبارزه برخاست و از آنها اعلام برائت کرد و با تنفر قلبی، قلب خویش را از کینهٔ آنان لبریز ساخت و با واکنش عملی تا هنگامی که ریشهٔ فتنه و فساد برکنده نشود از پای ننشست و فقط به شعار اکتفا نکرد بلکه هر گونه رابطه را با اولیاء شیطان قطع کرد و با آنها روابط دوستانه نداشت و سر میز مذاکره ننشست.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ»<sup>۱</sup>. ای کسانی که ایمان آورده‌اید دشمن من و دشمنان خود را دوستان نگیرید و با آنها طرح دوستی نیافکنید در حالی که آن‌ها به آیین شما کفر ورزیده‌اند؛ و به حق برائت از دشمنان خدا و قطع رابطهٔ مؤدت آمیز با آن‌ها نشان ایمان است. «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ...»<sup>۲</sup> هیچ گروهی را که به خدا و روز قیامت ایمان دارند نخواهی یافت که با دشمنان خدا دوستی کنند هر چند پدران، فرزندان، برادران یا خویشاوندانشان باشند.

امروز خیلی‌ها تلاش می‌کنند که چهرهٔ توحیدی حج را زایل نمایند و فضایی که در آن مسلمانان به مسائل مبتلا به خود هیچگونه توجهی نداشته، ایجاد نمایند تا

۱- سوره ممتحنه، آیه ۱.

۲- سوره مجادله، آیه ۲۲.

از فلسفه حج که موجبات قیام و پایداری و ثبات شخصیتی را برای انسان فراهم می‌نماید، غافل مانده و دستیابی به بهشت خدا را فقط در سایه یکسری حرکات و اعمال نمادین بدانند؛ و از آن تأسف آمیزتر که حتی در کنار کعبه و مسجدالحرام نیز اجتناب از شرک و دشمنی با طاغوت صورت نمی‌پذیرد، آن گونه که اعراب جاهلی نیز در طواف، بت‌ها را می‌خواندند. در گذشته اگر اعراب جاهلی با دستکاری تقویم، ایام حج را متناسب با سودجویی تجاری و بازرگانی خود نموده بودند امروز فضای دروغ و فریب نیز بر بازار سرزمین حرم سایه افکنده است.

### فلسفه طواف وداع

چون اعمال و مناسک تمام شد باید با حرم خدا وداع گفت و با سرگذاشتن بر آستان پرمهرش، با تمام وجود او را سپاس گفت و از الطاف بی‌شمارش قدردانی کرد و عاجزانه بخواهیم که ما را به حال خود رها نکند و همان‌طور که پاک از آنجا بر می‌گردیم پاک نگه دارد و پاک بمیراند و آن زیارت را آخرین دیدار با خانه اش قرار ندهد.

با وجود آن که سفر حج یک بار برای انسان اتفاق می‌افتد، این خصلت طبیعی انسان که هرگاه نعمتی را در اختیار دارد با توهم این که همیشه آن نعمت باقی است قدردان آن نمی‌گردد، ما را در درک این ایام گمراه نکند، زائر گرامی باید توجه کند که مناسک حج چند روز پیش نیست و به سرعت سپری می‌شود و شاید تکرار نگردد، به هوش باشیم که همانند تشنه‌ای که از لب دریا خشک لب بر می‌گردد، دست خالی برنگردیم. لذا باید فرصت را غنیمت شمرد و در سرزمین آرزوها (منی) وارستگی از تعلقات مادی را تمرین کرد و جز خدا هرآنچه را در دل است بیرون کرد و محشر را یادآور شویم که مال و اولاد سودی ندارد و تنها قلب سلیم سودمند است. «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ»<sup>۱</sup> و خاطره ابراهیم، اسماعیل و هاجر (ع) را مرور نمود.

## فصل دوم

### توصیه‌ها و رهنمودها



طرح توسعه جدید مسجدالحرام





سفر به مکه مکرمه برای عمره و حج اهمیت بسیار زیادی دارد که بدون آمادگی لازم اقدام به آن شایسته نیست. آمادگی و توانایی مالی و بدنی و باز بودن راه جزو شرایط شرعی و استطاعت لازم برای این سفر است. افزون بر آن، شناخت وظایفی که باید به آن عمل کنند و محرماتی که از آن پرهیزند و معرفتی که پیدا کنند و کمالی که به دست آورند نیز لازم است. حال که خداوند منان، شما زائر گرامی را به مهمانی حرم خود مفتخر نموده و این سعادت را به شما عطا کرده است، شایسته است که به پاس این توفیق، از لحظه‌ای که آهنگ سفر کرده‌اید، عزم خود را جزم نمایید تا با روحیه‌ای والا، رفتار، گفتار و اندیشه‌تان را چنان سازید که زینده مهمانی اوست. لذا به‌طور خلاصه رهنمودها و توصیه‌هایی به شما زائر گرامی می‌شود امید است مورد توجه قرار گیرد.

### رهنمودهای پیش از سفر

۱- قرآن کریم در هنگام بیان حکم حج با تعبیر «لله» آن را مقید می‌سازد «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ» و «وَأَتَمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» چون احتمال دخالت انگیزه‌های دیگر از قبیل کسب اعتبار، شهرت، طمع، ذخیره‌سازی مال و ... در حج بیشتر از عبادت‌های دیگر است، لذا باید کاملاً مراقب باشید که در حج، تنها انگیزه خدایی داشته باشید تا «لله» بودن حج تحقق یابد.

۲- اخلاص و تلاش در جهت تهذیب و تزکیه نفس: چون لازمه‌ی ورود به حرم امن الهی، تهذیب نفس است.

زمنجلاب هوس گر برون نهی قدمی      نزول در حرم کبریا توانی کرد

ور نه توفیق طواف کوی یار از انسان سلب می‌گردد.

به طواف کعبه رفتن به حرم رهم ندادند      که تودر برون چه کردی که درون خانه آیی

۳- هزینه سفر را از راه مشروع و حلال تهیه کنید تا بستر استجابت دعا فراهم گردد. چون پیامبر(ص) می‌فرماید: «... انسان از راه دور و طولانی می‌آید و خدا، خدا می‌گوید حال آنکه خوراکش، لباسش از حرام است، پس دعای چنین فردی چگونه مورد اجابت قرار خواهد گرفت.»

۴- از تمام گناهان کوچک و بزرگ توبه کنید بدین صورت که: ۱- در حال همه گناهان را ترک کنید. ۲- عزمتان را جزم نمایید که آینده گرد گناه نگردید. ۳- از گناهان گذشته احساس ندامت و پشیمانی کنید و آنچه را از حقوق خدا و بندگان خدا قابل قضا و جبرانند، قضا نمایید مثلاً اگر نماز یا روزه‌ای را ترک کرده‌اید و یا زکات اموال خود را پرداخت نکرده‌اید، قضای آن را به‌جا آورید و یا به کسی بدهی دارید، بدهی او را بردارید و یا به کسی ستمی کرده‌اید آن را جبران کنید و با دلجویی از وی حلالیت بطلبید و پس از آن پیش خدا استغفار کنید و آمرزش خطاها را از خداوند بخواهید.

۵- سزاوار است زائر محترم قبل از عزیمت وصیت‌نامه‌ای تنظیم کند و حقوق واجب شرعی و دیون و محاسبات مردمی را که فعلاً پرداخت و تصفیه‌ی آن مقدور نیست در آن بنویسد و اعمال خیری را که می‌خواهد ورثه‌ی او پس از او انجام دهند یادآور شود و آن وصیت‌نامه را نزد فرد امینی بسپارد.

۶- آگاهی از اسرار و فلسفه‌ی زیارت خانه‌ی خدا و توجه به شکوه و عظمت آن می‌تواند در بیدار ساختن احساس و شور و عاطفه‌ی زائر نقش مؤثری ایفا کند. و چنان چه اعمال حج یا عمره باشعور و درک صحیح و به‌درستی و با توجه کامل انجام شود نه تنها زائر در زمان زیارت از گناه و خطا و رفتار نامناسب دوری می‌جوید بلکه پس از بازگشت از سفر نیز، قلب او از هر گناه و پلیدی، بیزاری جسته و به انواع خیر و نیکی مایل و راغب می‌گردد. لذا آموزش احکام و آشنایی با فلسفه

- حج و احکام آن را جدی بگیرید و ضمن شرکت در کلاس‌های آموزشی حج، با مطالعه تاریخ اسلام بر غنای فکری خود بیفزایید.
- ۷- مخارج زندگی کسانی که نفقه و معیشت آن‌ها بر عهده شماس است تا هنگام برگشتن آماده نمایید.
- ۸- از دوستان و نزدیکان و خویشاوندان حلالیت طلبیدن و در صورت قهر بودن، آشتی نمایید اگرچه به وسیله خداحافظی باشد.
- ۹- فراهم کردن وسایل مورد نیاز مانند گذرنامه، ارز مورد نیاز، تزریق واکسن‌های سفر و همراه داشتن کارت آن، لباس احرام، لباس راحتی، مسواک، دمپایی، داروهای مورد نیاز، نسخه داروهای همراه به زبان لاتین مهمور به مهر پزشک.
- ۱۰- انتخاب کاروان و هم‌سفران خوب و در طول سفر با هم‌سفران و همراهان در کاروان خوش اخلاق باشید و از مخاصمه و منازعه و جدال دوری جویند و بر بداخلاقی دیگران نیز صبور باشید.
- ۱۱- هنگام حرکت، دو رکعت نماز بخواند و دعا و صدقه دادن را فراموش نکند.

### رهنمودهای حین سفر

هنگام حرکت، دعای سفر فراموش نشود. امام مسلم روایت کرده است که پیامبر(ص) هنگامی که بر شتر عازم سفر بودند سه بار تکبیر گفتند و فرمودند: «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرْنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ فِي سَفَرِنَا هَذَا الْبِرَّ وَالتَّقْوَى وَمِنَ الْعَمَلِ مَا تَرْضَى، اللَّهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنَا سَفَرَنَا هَذَا وَاطْوِعْنَا بَعْدَهُ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ وَكَآبَةِ الْمَنْظَرِ وَسُوءِ الْمُنْقَلَبِ فِي الْمَالِ وَالْأَهْلِ»<sup>۱</sup>

۱- صحیح مسلم حدیث ۱۳۴۲، سنن ابوداود حدیث ۲۵۹۹.

پاک و منزّه است کسی که این وسیله سفر را برای ما مسخر نمود و ما قادر به این نیستیم و به سوی پروردگاران برمی گردیم، خداوندا ما نیکویی و پرهیزگاری را در این سفرمان از تو می طلبیم و عملی را می جوئیم که به آن رضایت داری. خدایا این سفر را بر ما آسان گردان و دوری آن را برای ما نزدیک نما. خداوندا تو در سفر همراهی و در خانواده، جانشین. پروردگارا من از دشواری سفر، کسالت جسمی و دگرگونی بد در اموال و خانواده ام به تو پناه می برم.

۱- نام و شماره کاروان و تلفن ستاد شهری که در آن اقامت دارید و هم چنین شماره اتوبوسی را که سوار می شوید را به خاطر بسپارید و در نگهداری کارت شناسایی خود دقت کامل داشته باشید. (کارت شناسایی را همیشه همراه داشته باشید)

۲- موقع سوار شدن یا پیاده شدن از هواپیما یا ماشین، عجله نکنید و با رعایت نظم و با حوصله سوار یا خارج شوید و از تجمع خودداری نمایید.

۳- حتی الامکان از اعضاء کاروان جدا نشوید تا در انجام اعمال حج و عمره دچار مشکل نشوید.

۴- برای رعایت نظم و هماهنگی و ادای به موقع مناسک، زائران از تک روی و خودسرانه عمل کردن جداً پرهیز نمایند، بلکه دسته جمعی به همراه روحانی و مدیر کاروان حرکت نمایند.

۵- پوشاندن صورت برای زنان فقط در حال احرام اشکال دارد، لذا در غیر احرام با توجه به این که باز گذاشتن تمام صورت در عرف حجاز معمول نیست و آن را علامت بدحجابی می دانند، رعایت این موضوع برای خواهران محترم ضروری است.

۶- بانوان سعی کنند از عبور و مرور در سطح شهر به صورت تنهایی به ویژه در ساعات خلوت و پایانی شب خودداری نمایند.

۷- حضور به‌موقع در جلسات و برنامه‌های کاروان و همراهی با مدیر کاروان را جدی بگیرید.

۸- رعایت نظم و انضباط و احترام به قوانین کشور میزبان را جدی بگیرید.

۹- از شوخی و خنده با صدای بلند در اماکن عمومی به‌ویژه اماکن متبرکه خودداری نمایید.

۱۰- سیگار کشیدن یکی از کارهای ناپسند در ایام حضور در سرزمین وحی است و این بهترین فرصت است که سیگاری‌ها، به احترام سفر حج این رفتار ناپسند و مضر خود را ترک نمایند.

۱۱- به حسن خلق و تحمل مشقات و مشکلات و لغزش‌ها را به رخ نکشیدن، پای بند باشید. چون ازدحام جمعیت، مشکل تردد وسایل نقلیه، پیاده‌روی‌های اضطراری گرمی هوا، خستگی، بی‌خوابی به‌ویژه ایام وقوف در عرفات، منی و مشعر، کمبود جای استراحت و مشکل رساندن تدارکات، طبیعت این سفر است افرادی که سابقه تشریف ندارند ممکن است عنان صبر و بردباری را از دست بدهند و به مشاجره پردازند باوجود این که مشاجره با روح حج و فلسفه‌ی خودسازی و خویش‌داری تناسب ندارد.

۱۲- پول زیاد با خود حمل نکنید و پول‌های خود را داخل یک کیف یا یک جیب نگذارید تا در موقع خطر سرقت یا گم شدن کمتر دچار آسیب و زیان شوید.

۱۳- بهداشت فردی و اجتماعی را رعایت کنید و از اتاق با لباس نامناسب در هتل محل اقامت خارج نشوید.

۱۴- در مصرف آب صرفه‌جویی کنید و از اسراف آن بپرهیزید چون آب مصرفی مکه با تانکر تأمین می‌شود.

۱۵- صدقه و خیرات بدهید و به یکدیگر خدمت کنید و اگر از دیگران آزاری به شما رسید تحمل کنید و در هر حال طالب خشنودی پروردگار باشید.

- ۱۶- از گرفتن عکس و فیلم برداری در زمان احرام خودداری نمایید.
- ۱۷- همیشه کفش های خود را در کیسه مخصوص قرار داده و در جایی مناسب و مطمئن بگذارید.
- ۱۸- در خوردن و خوابیدن زیاده روی نکنید و حداقل در مدینه و مکه چند روز را روزه بگیرید.
- ۱۹- از فشار دادن و ضربه زدن به جمعیت و افراد به ویژه در استلام حجرالأسود و ورود و خروج از مسجدالحرام و مسجدالنبی و مشاعر مقدسه خودداری نمایید و از خواندن نماز در مسیر طواف کنندگان پرهیزید و از جلوی نمازگزاران عبور نکنید.
- ۲۰- از بردن اشیای حجیم به داخل مسجدالنبی و مسجدالحرام خودداری کنید.
- ۲۱- صلوات بفرستید و سعی کنید در مدینه صدای شما زیاد بلند نشود.
- ۲۲- بیشتر اوقاتتان را در مسجدالحرام و مسجدالنبی (ص) سپری کنید و به یاد خداوند مشغول باشید.
- ۲۳- کوشش کنید پنج وقت نماز را با جماعت در مسجدالحرام و مسجدالنبی ادا نمایید.
- ۲۴- قرآن بسیار تلاوت نمایید و اگر امکان داشت یک قرآن ختم کنید.
- ۲۵- استغفار و درود و تسبیحات زیاد بخوانید.
- ۲۶- در نمازهای میت که معمولاً پس از نماز جماعت خوانده می شود، شرکت کنید.
- ۲۷- از بوسیدن ضریح حضرت رسول اکرم (ص) و سایر اماکن مقدسه خودداری نمایید.
- ۲۸- از رفتارهایی مانند برداشتن خاک از قبرستان، عریضه نوشتن و گره زدن پارچه و اقامه نماز در قبرستان بقیع پرهیز شود، بلکه برای اصحاب قبور دعا کنید و با یاد مرگ و آخرت با حضور در قبرستان پند و عبرت بگیرید.

- ۲۹- پرهیز از شرک آن‌هم در کنار خانه خدا، شرکی که تمام اعمال انسان را نابود می‌کند «لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبِطَنَّ عَمَلُكَ»<sup>۱</sup>
- ۳۰- هنگام خواندن قرآن و دعا، پاهای خود را دراز نکنید و هرگز قرآن را روی زمین نگذارید.
- ۳۱- در مسجدالحرام پشت به خانه‌ی کعبه ننشینید.
- ۳۲- تا می‌توانید طواف نفلی انجام دهید.
- ۳۳- از تبرک جستن به حلقه‌های درهای مسجدالحرام و ... پرهیز شود و همان‌گونه که در نماز از سلفی گرفتن پرهیز می‌شود، در طواف و هنگام انجام مناسک حج پرهیز شود.
- ۳۴- از تبرک جستن به پوشش کعبه، آن‌هم با بی‌ادبی و تجاوز به آن با قیچی کردن و گرفتن تکه‌ای از آن پرهیز نمایید.
- ۳۵- برای انجام مناسک حج و رفتن به منی و عرفات، احرام اضافی و زیرانداز همراه ببرید.
- ۳۶- هنگام جمع کردن ریگ در مشعرالحرام از کاروان جدا نشوید.
- ۳۷- دستبند و کارت شناسایی خود را در مشاعر مقدسه به همراه داشته باشید.
- ۳۸- در مشاعر مقدسه، به‌صورت متفرق از چادرها خارج نشوید و بی‌جهت تردد نکنید و قبل از حرکت به سمت رمی جمرات از برداشتن سنگ‌های خود مطمئن شوید و در حین رمی جمرات در تراکم جمعیت، از خم شدن جهت برداشتن اشیاء از روی زمین پرهیز کنید.
- ۳۹- هنگام انتقال از مشعر به منا در صبح روز عید، به علائم نصب شده نشانگر سمت چادرهای ایرانی توجه کنید و از حمل بار اضافی با خود خودداری نمایید.



۴۰- در منی به صورت گروهی به سوی جمرات حرکت کرده و به چادر باز گردید.

۴۱- دقت کنید پس از رمی جمره عقبه ، در روز عید اشتباهاً به طرف مکه برنگردید.  
 ۴۲- در صورت جدا افتادن از کاروان، هراس نداشته باشید و با دیگر کاروان‌های ایرانی به طرف خیمه‌ها حرکت کنید تا برادران امدادگر ، شما را به خیمه‌ها برسانند.

۴۳- حتی الامکان از رفتن به قربانگاه خودداری و به صورت گروهی نیابت دهید.  
 ۴۴- هنگام حلق و تراشیدن سر از تیغ‌های یکدیگر استفاده نکرده و کلیه شرایط بهداشتی را مراعات کنید.

۴۵- خرید سوغات توسط زائران ایرانی ، یکی از دغدغه‌های سفر حج است که ممکن است اصل و هدف مقدس سفر را دچار آسیب و خدشه نماید. از آنجایی که کالاهای عرضه شده در کشور عربستان تولید آنجا نمی‌باشد و اغلب اجناس موجود در بازار چینی ، ژاپنی و ... هستند ، لذا زائران می‌توانند در کشور خودمان سوغات و هدایای مورد نظر را تهیه کنند تا با خیالی آسوده در مکه و مدینه به انجام اعمال و فرائض مشغول باشند.

۴۶- وقتی را برای خرید انتخاب کنید که با برگزاری نماز تلاقی پیدا نکند و هنگام نماز، خرید را ترک کنید. پیش از خرید کاملاً فکر کنید ، بعد تصمیم بگیرید و در تهیه جنس مورد نظر عجله نکنید و سعی کنید با دیگران مشورت کنید.

۴۷- خرید هدیه و سوغات نباید موجب فشار بر حاجی شود و نشاط حج را از او بگیرد. بهترین هدیه از سرزمین حرم ، مسواک و آب زمزم است.

۴۸- کثرت بازارها و مغازه‌ها به حدی است که اگر در دام آن‌ها گرفتار شوید ، وقت و پول زیادی از شما به ناچار از دست خواهد رفت، توجه داشته باشید که بهر

عبادت آمده‌اید نه تجارت. وقت برای تجارت همیشه باقی است ولی توفیق زیارت خانه خدا و عبادت خالصانه همیشه حاصل نمی‌شود. لذا از خرید اشیای تجملاتی و ممنوعه که با شأن زائران سازگار نیست، دوری نمایید و بدون ضرورت به بازار نروید و وقت با ارزش خود را ضایع نکنید اگر بنا به ضرورتی به بازار رفتید فوراً برگردید.

۴۹- زائر وقت آمدنش را به خانواده اعلام کند.

۵۰- هدیه دادن را فراموش نکنید چون هدیه ، الفت و محبت ایجاد می‌کند.

۵۱- دادن هدیه باید محترمانه و بدون منت باشد و بستگان نیز با کمال خوشرویی

هدیه را قبول کنند و هرگز آن را کم نشمارند.

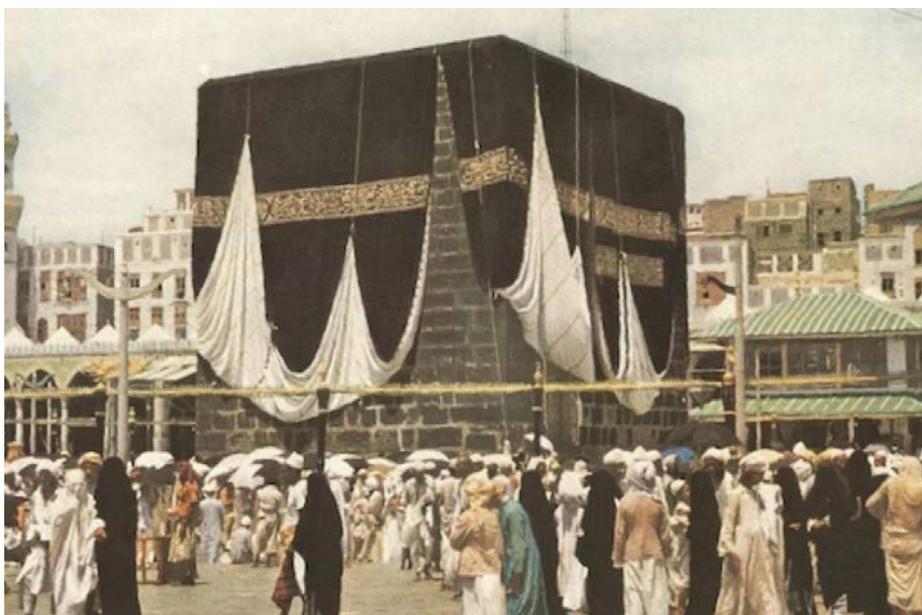
۵۲- بهترین هدیه و دستاورد حاجی برای خودش ، توشه آخرت و تقوی است

که در حفظ آن باید نهایت مواظبت را بکند و با گناه آن را از دست ندهد. و اگر کسی خواست بداند حج او قبول شده یا نه، ببیند بعد از بازگشت از بیت‌الله الحرام، دست به گناه دراز می‌کند یا نه، اگر گناه نکرد بداند که حجش مورد پذیرش خداوند است و اگر باز گناه انجام می‌دهد، نشانه آن است که حج او مردود است.



## فصل سوم

### تاریخچه و راهنمای اماکن مقدس مکه و مدینه





## مکه مکرمه

خداوند در قرآن از مکه<sup>۱</sup> علاوه بر آن با عنوان «بکه»<sup>۲</sup> و «أُمُّ الْقُرَى»<sup>۳</sup> و «بلد»<sup>۴</sup> «البلد الامین»<sup>۵</sup> و «البلد الحرام»<sup>۶</sup> و «وادی غیر ذی ذرع»<sup>۷</sup> نیز یاد می‌کند. هرکدام از این نام‌ها فلسفه‌ای دارد و در وجه تسمیه‌ی آن به «بگه» گفته‌اند که بگه، از «بک» مشتق شده است یعنی غرور گردن کشان و متکبران را در هم می‌کوبد همان‌گونه که در معنای مکه ذکر کرده‌اند که هر کس نسبت به آن قصد و نیت سویی داشته باشد جز نابودی سرنوشتی نخواهد داشت.

مکه را از این رو اُمُّ الْقُرَى و مادر قریه‌ها می‌نامند چون خشکی زمین از این نقطه آغاز شده و اولین خانه و قریه در هستی توسط خداوند بنا می‌گردد و با قرار دادن حرم امن خود آن شهر را «بلد الامین» و «بلد الحرام» می‌نامد؛ که در آن بشر با رعایت حرمت‌های ویژه، به تعظیم شعائر الهی می‌پردازد.

## نخستین خانه بر روی زمین

برخی گمان می‌کنند کعبه را ابراهیم (ع) به فرمان خداوند بنا نموده است، حال آنکه چنین نیست، زیرا خداوند کعبه را به‌عنوان نخستین خانه بر روی زمین برای مردم بنا نهاده است «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ»<sup>۸</sup>

۱ - «وَ هُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَايْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِن بَعْدِ أَنْ أَظْفَرْتُمْ عَلَيْهِمْ» فتح / ۲۴.

۲ - «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ» ال عمران / ۹۶.

۳ - «وَ لِيُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَ مَن حَوْلَهَا» انعام / ۹۲.

۴ - «لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ» بلد / ۱.

۵ - «وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ» تین / ۳.

۶ - «إِنَّمَا أَمْرُهُ أَنْ أُعْبَدَ رَبُّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ الَّتِي حَرَّمَهَا...» نمل / ۹۱.

۷ - «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي ذَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ» ابراهیم / ۳۷.

۸ - سوره آل عمران، آیه ۹۶. «نخستین خانه‌ای که برای زیارت مردم مقرر شد، آن است که در مکه پربرتک و رهنما برای

جهانیان است».

بنابراین پیش از آفرینش حضرت آدم (ع) کعبه وجود داشته است و قطعاً آدم (ع) حج آن را به جا آورده است.

### فضایل مکه مکرمه، کعبه و مسجدالحرام

مکه ام القرى و مرکز ظهور دین اسلام است و گذشته از شرافت و قداست آن از آغاز خلقت که نقطه آغازین کوهی زمین است و اولین خانه که همان بیت الله و خانه عتیق در آن بنا شده، در فضیلت آن همین کافی است که خداوند آن را شهر امن نامیده و به آن قسم خورده است «وَهَذَا الْبَلَدُ الْأَمِينُ»<sup>۱</sup> و ابراهیم خلیل (ع) برای آن و مردمش دعا کرد «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا... فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ»<sup>۲</sup>. «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ...»<sup>۳</sup> و خداوند نیز دعای ابراهیم (ع) را قبول کرد و بنده محبوبش را به رسالت برگزید و این شهر محبوبترین شهر نزد وی شد. «إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ الَّذِي حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ»<sup>۴</sup> ای پیامبر بگو فقط مأمورم که پروردگار این شهری که خداوند آن را محترم شمرده پرستش کنم و همه چیز تنها برای اوست و مأمورم که از اهل تسلیم و طاعت باشم. پیامبر (ص) خطاب به مکه می گوید: «وَاللَّهِ إِنَّكَ لَخَيْرُ أَرْضِ اللَّهِ وَ أَحَبُّ أَرْضِ اللَّهِ إِلَيَّ وَاللَّهُ لَوْ لَا أَنِّي أُخْرِجْتُ مِنْكَ مَا خَرَجْتُ» تو بهترین زمین نزد خدا هستی و محبوبترین زمین خدا نزد من، و اگر مرا از تو بیرون نمی کردند بیرون نمی رفتم،<sup>۵</sup> و

۱ - سوره تین، آیه ۳.

۲ - سوره ابراهیم، آیه ۳۷-۳۵.

۳ - سوره بقره، آیه ۱۲۹.

۴ - سوره نحل، آیه ۹۱.

۵ - سنن ترمذی، ۳۹۲۵ و ابن ماجه ۳۱۰۸.

در باب اهمیت آن فرموده است: دجال نمی تواند وارد این شهر و همچنین مدینه شود و نماز در مسجد الحرام برتر از صد هزار نماز در جای دیگر است.<sup>۱</sup> طواف در مسجدالحرام از نماز نافله افضل تر است و در اوقات مکروه می توان طواف انجام داد.

مکه شهری است که نشانه های روشن الهی همچون مقام ابراهیم (ع) «فیه آیاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ اِبْرَاهِيمَ...»<sup>۲</sup> در آن وجود دارد و هرکس بر آن وارد شود از امنیت کامل برخوردار می گردد: «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ اَمِنًا»<sup>۳</sup> و جنگ در آن روا نبود مگر آن که مسلمانان را به جنگ بکشاند «وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يَقَاتِلُوَكُمْ فِيهِ...»<sup>۴</sup> و مشرکان اجازه ورود به آن را ندارند «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا...»<sup>۵</sup>

حرم الهی نه تنها جای امن برای بندگان خداست بلکه حیوانات در آنجا امنیت دارند و هیچ کس حق ندارد حیوانات وحشی و پرندگان را که در آنجا مأوی گرفته اند شکار کند و یا گیاه و درخت حرم را بکند؛ و این ممنوعیت نیز امتحان الهی است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْتُلُوا مِنَ الْبَهَائِمِ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ وَلَكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْتُلُوا مِنَ الْبَهَائِمِ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ وَلَكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْتُلُوا مِنَ الْبَهَائِمِ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ وَلَكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْتُلُوا مِنَ الْبَهَائِمِ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ وَلَكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْتُلُوا مِنَ الْبَهَائِمِ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ...»<sup>۶</sup> ای اهل ایمان، خدا شما را به چیزی از صید می آزماید که در دسترس شما و تیرهای شما آیند تا بدانند که چه کسی از

۱ - صحیح بخاری حدیث ۱۱۹۰.

۲ - سوره آل عمران، آیه ۹۷.

۳ - سوره آل عمران، آیه ۹۷.

۴ - سوره بقره، آیه ۱۹۱.

۵ - سوره توبه، آیه ۲۸.

۶ - سوره مائده، آیه ۹۴.



خدا در باطن و نهان می‌ترسد. پس هر که بعد از این، از حدود الهی تجاوز کند، او را عذاب سخت و دردناک خواهد بود.

کعبه که در اثر طوفان زمان حضرت نوح (ع) از نظرها پنهان شده بود خداوند ابراهیم (ع) را فرمان داد تا همسرش هاجر و فرزندش اسماعیل را با خود به دره‌ای بی‌آب و علف نزدیک کعبه برد چنان‌که از زبان ابراهیم (ع) قرآن نقل می‌کند «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ، رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْتِدَاءَ مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ»<sup>۱</sup> و با مشخص نمودن و نشان دادن جای خانه برای ابراهیم (ع)، فرمان می‌دهد که آن را پاکیزه نگه دارد و ستون‌های آن را بالا برد.

«وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهَّرَ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ»<sup>۲</sup> چون برای ابراهیم (ع) جای خانه را معین کردیم بدو گفتیم چیزی را با من شریک مگردان و خانه‌ام را برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و رکوع کنندگان و سجده کنندگان پاکیزه دار.

ابراهیم (ع) به همراه فرزندش اسماعیل (ع) شروع به بازسازی و بالا بردن پایه‌های خانه کعبه نمود و از خداوند خواست که از آنان این عمل را بپذیرد. «وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»<sup>۳</sup>

از آیات مختلف قرآن به‌خوبی بر می‌آید که خانه کعبه پیش از ابراهیم (ع)، حتی پیش از زمان آدم (ع) بنا شده، در آیه ۹۶ سوره آل عمران می‌خوانیم: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ» نخستین خانه‌ای که به منظور پرستش

۱ - سوره ابراهیم، آیه ۳۷.

۲ - سوره حج، آیه ۲۶.

۳ - سوره بقره، آیه ۱۲۷.

خداوند برای مردم ساخته شد در سرزمین مکه بود، مسلم است که پرستش خداوند و ساختن مرکز عبادت از زمان ابراهیم (ع) آغاز نگردیده بلکه قبلاً از زمان آدم علیه السلام بوده است.

کعبه را از آن جهت کعبه نام نهاده‌اند که چهار گوش است و در وسط دنیا قرار گرفته است و دارای رفعت مقام و شأن است. از کعبه خداوند با نام خانه خود و بیت الحرام و عتیق<sup>۱</sup> در قرآن کریم یاد نموده است و عتیق از آن جهت گویند که دارای سابقه‌ی کهن و آزاد از هرگونه مالکیت در طول تاریخ بوده است.

به‌طورکلی در قرآن از خانه خدا سی و سه بار یاد شده است، بدین‌صورت که واژه «کعبه»<sup>۲</sup> دو بار، واژه «البیت»<sup>۳</sup> هفت بار، واژه «بیت»<sup>۴</sup> یک بار، واژه «بیت الحرام»<sup>۵</sup> دو بار، واژه «بیت العتیق»<sup>۶</sup> دو بار، واژه «بیتک المحرم»<sup>۷</sup> یک بار، واژه «بیتی»<sup>۸</sup> دو بار، واژه «مسجدالحرام»<sup>۹</sup> پانزده بار و «بیت المعمور»<sup>۱۰</sup> هم یک بار به کار برده شده است.

۱ - «وَ لِيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ» حج / ۲۹.

۲ - «جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ» مانده/۹۷ و «هَدِيًّا بَالِغَ الْكَعْبَةِ...» (مانده/۹۵)

۳ - «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ» (بقره/۱۲۵) و «إِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ» (بقره/۱۲۷) و «فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا» (بقره/۱۵۸) و «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا (آل عمران/۹۶) و «وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ...» (حج/۲۶) و «مَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصَدِيَةً» (انفال/۳۵) و «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ» (قریش/۳)

۴ - «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ» (آل عمران/۹۶)

۵ - «جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ» (مانده/۹۷) و «وَ لَا أَمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَتَتَفَعُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا (مانده/۲)

۶ - «وَإِلْيَافُوقُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ» (حج/۲۹)، و «ثُمَّ مَجَلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ» (حج/۳۳)

۷ - «وَرَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرَ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ...» (ابراهيم/۳۷)

۸ - «وَ عَهْدَنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ...» (بقره/۱۲۵) و «طَهَّرَ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ...» (حج/۲۶)

۹ - «وَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفِ فِيهِ وَالنَّبَادِ» (حج/۲۵) و «فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ...» (بقره/۱۴۴ و ۱۴۶ و ۱۵۰) و «وَ لَا تَتَّبِعُوا هُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ» (بقره/۱۹۱) و «ذَلِكَ لِيَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ...» (بقره/۱۹۶) و «وَ صَدَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ كَفَّرَ بِهِ وَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ إِخْرَاجَ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ...» (بقره/۲۱۷) و «وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَتَاءُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا...» (مانده/۲) و «وَ هُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ...» (انفال/۳۴) و «أَلَا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ...» (توبه/۷) و «أَجْعَلْكُمْ سِبْغَاتَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَا مَنَّ بِاللَّهِ» (توبه/۱۹) و «إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَمَلِهِمْ هَذَا» (توبه/۲۸) و «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ...» (اسراء/۱) و «هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ...» (فتح/۲۵) و «لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِينَ...» (فتح/۲۷) و «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ...» (حج/۲۵)

۱۰ - «وَ الطُّورِ وَ كِتَابِ مُسْطُورٍ فِي رَقٍّ مَنشُورٍ وَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ» (طور/۴-۱)

مسجد الحرام وادی پاکان است «وَطَهَّرَ رَبِّيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ»<sup>۱</sup> که مشرکان ناپاک باید به آن راه پیدا نکنند «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ»<sup>۲</sup> و مأمن دلدادگان و پناهندگان «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا»<sup>۳</sup> حتی مشرکان که نباید به مسجد الحرام راه یابند، اگر روزی به این مسجد پناهنده شدند تا زمانی که قصد توطئه و یا جنگ با مؤمنان را نداشته باشند باید به پناهندگی آنان احترام گذاشت و از برخورد و جنگ پرهیز کرد (... و لَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ»<sup>۴</sup>

مسجد الحرام مرکز تحقیر ستمگران است چرا که هر ستمگری اگر قصد تخریب یا اهانت به آن را داشته گرفتار قهر و عذاب الهی شده است «وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ يُظْلَمَ نَذِقَهُ مِنْ عَذَابِ الْيَمِيمِ»<sup>۵</sup> «هر کس بخواهد در این سرزمین از راه حق منحرف گردد و دست به ستم بزند ما از عذابی دردناک به او می چشانیم» لذا خداوند سپاه ابرهه را که قصد بدی به کعبه داشت طوری نابود کرد که هیچ گونه شباهتی با حوادث طبیعی نداشته باشد و با سنگریزه‌هایی از جنس سجیل توسط ابابیل، آنان را همچون کاه خرد شده متلاشی ساخت «الْم تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ... فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ»<sup>۶</sup> این خانه صاحبی دارد که از آن دفاع می کند آن گونه که عبدالمطلب جد بزرگوار

۱ - سوره حج، آیه ۲۶.

۲ - سوره توبه، آیه ۲۷.

۳ - سوره آل عمران، آیه ۹۷.

۴ - سوره بقره، آیه ۱۹۴.

۵ - سوره حج، آیه ۲۵.

۶ - سوره فیل.

پیامبر(ص) به ابرهه گفت: «أَنَا رَبُّ هَذِهِ الْإِبِلِ وَإِنَّ لِهَذَا الْبَيْتِ رَبًّا سَيَمْنَعُ عَنْهُ مَنْ يَقْصُدُهُ بِسُوءٍ»<sup>۱</sup> من صاحب شترانم و این خانه صاحبی دارد که جلوی اراده بد را می گیرد.

مسجدالحرام به عنوان قبله مسلمانان «قَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ...»<sup>۲</sup> و مبدأ اسراء و معراج پیامبر (ص) «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ...»<sup>۳</sup> نماد نفی نژادپرستی و نظام طبقاتی است چون همه در آن یکسانند «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ»<sup>۴</sup> حتی در مسجدالحرام مرزهای جنسیتی نیز تعریف دیگری پیدا می کند. در سایر محافل و مساجد حتی در عرصه جهاد، حضور زنان واجب نیست اما در مسجدالحرام حضور زن برای انجام مناسک عبادی حج و یا عمره واجب می شود و زن و مرد در کنار یکدیگر، گرد کعبه طواف می کنند و این می رساند که در کمال معنوی و صعود الی الله، جنسیت، نژاد و طبقات دنیوی نقشی ندارند و مسجدالحرام پایگاه همه برای رسیدن به مقام قرب الهی است.

<sup>۱</sup> - الحج فی الاحادیث المشتركة بین السنة والشیعة، ۳۸۳ به نقل از تفسیر الثعلبی ۳۰۸/۵، ودلائل النبوة للبيهقي ۱/۱۲۳.

<sup>۲</sup> - سوره بقره، آیه ۱۴۵.

<sup>۳</sup> - سوره اسراء، آیه ۱.

<sup>۴</sup> - سوره حج، آیه ۲۵.

### سیر توسعه کعبه و مسجدالحرام

کعبه خانه‌ی امن الهی، در طول تاریخ با حوادث و وقایع بسیاری روبرو بوده که این حوادث گاه به‌وسیله‌ی طبیعت و گاه به دست انسان پدید آمده است. این خانه از حمله‌ی ابرهه حاکم یمن که به «ذو نواس» مشهور بود در سال ولادت رسول خدا (عام الفیل) با دفاع سپاه ابابیل الهی مصون می‌ماند (تا امروز این پرنده افتخار سکنی در مسجدالحرام را داراست و از معجزات الهی است که پرندگان از بالای کعبه در هوا نمی‌گذرند، بلکه چون به بالای آن می‌رسند منحرف می‌شوند) لکن در ۳۵ سالگی رسول خدا، کعبه بر اثر جاری شدن سیل آسیب می‌بیند قبایل مکه پس از تجدید بنای کعبه در نصب حجرالأسود دچار اختلاف می‌شوند که نزاع ایجاد شده در نصب حجرالأسود، با ابتکار پیامبر (ص) حل و فصل می‌شود بدین صورت که پیامبر (ص) حجرالأسود را در چادری می‌گذارند و هر کدام از روسای قبایل اطراف چادر را می‌گیرند و آن را در محل نصب قرار می‌دهند.

در سال ۱۷ هجری قمری به جهت افزایش مسلمین، خلیفه‌ی دوم حضرت عمر (رض) دستور داد محدوده‌ی مسجدالحرام گسترش یابد و در سال ۲۶ هجری خلیفه‌ی سوم نیز مسجدالحرام را توسعه داد.

در سال ۶۴ هجری پس از آن که سپاه شیطانی یزید در کربلا و واقعه‌ی حرّه در مدینه به‌ظاهر پیروز شد سرمست از پیروزی‌ها قصد مکه نمود تا مخالف دیگر را که در مکه قدرت را به دست گرفته بود از میان بردارد، هواداران عبدالله بن زبیر که در مسجدالحرام سنگر گرفته بودند مانع آن نشد که سپاهیان شام از تجاوز به حرم دست بردارند بلکه کعبه در اثر تجاوز آنان آسیب دید، در همان زمان، خبر مرگ طاغوت دمشق (یزید) به سپاهیان رسید و آنان نیز به شام بازگشتند، عبدالله بن زبیر (رض) کعبه را از اساس ساخت و آن را به شکل قبل از بنای قریش (بنای

ابراهیم<sup>(ع)</sup> در آورد و آرزوی پیامبر (ص) را عملی ساخت<sup>۱</sup> و بر مساحت مسجد نیز افزود. لکن حجاج بن یوسف ثقفی فرماندهی عبدالملک مروان بعد از آن که مسلط بر مکه شد و عبدالله بن زبیر را به شهادت رساند، از عبدالملک خواست تا کعبه را به شکل قبل درآورد و آنچه را که ابن زبیر بر آن افزوده بود کم کند که او نیز اجازه داد. خود این حکمتی دارد تا برای همه، دخول به خانه خدا ممکن شده و امروز با نماز گزاردن در حجر اسماعیل در واقع درون خانه خدا زائران نماز می‌خوانند.

در دوره‌ی عباسیان، هارون الرشید خواست بنای عبدالله بن زبیر را احیاء کند اما امام مالک (رح) او را بر حذر داشت و گفت: شایسته نیست کعبه ملعبه حاکمان و پادشاهان قرار گیرد.

بنای کنونی کعبه، «بنای سلطان مراد چهارم» از پادشاهان عثمانی است. کعبه در نوزدهم شعبان سال ۱۰۳۹ هجری در اثر سیل آسیب می‌بیند که بازسازی آن به دستور سلطان عثمانی در رمضان ۱۰۴۰ هجری قمری به پایان می‌رسد. فاصله زمانی ساخت کعبه به وسیله حضرت ابراهیم (ع) تا بنای قریش به روایت بخاری به ۲۶۴۵ سال می‌رسد. همچنین میان بنای قریش و ابن زبیر ۸۲ سال فاصله وجود دارد؛ و فاصله زمانی میان ساخت ابن زبیر و حجاج ثقفی را ده سال نوشته‌اند و فاصله زمانی ساخت حجاج ثقفی و سلطان مراد چهارم عثمانی ۹۶۶ سال بوده است.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - حضرت عایشه (رض) می‌فرماید: دوست داشتم وارد کعبه شوم و نماز بخوانم. پیامبر (ص) گفتند: اگر می‌خواهی وارد خانه کعبه شوی، در حجر نماز بخوان زیرا حجر بخشی از کعبه است که قومت هنگامی که خانه کعبه را بنا کردند، کوتاهی نموده و آن بخش را از خانه جدا نمودند. عایشه (رض) روایت می‌کند که پیامبر (ص) فرمود: ای عایشه، اگر قومت تازه از جاهلیت برگشته بودند (و تازه مسلمان نشده بودند) دستور می‌دادم تا خانه کعبه را خراب کنند و آنچه را جدا کرده بودند مجدداً داخل آن می‌نمودم و آن را هم کف زمین قرار داده و دو درب برایش قرار می‌دادم، یکی در شرق و یکی در غرب خانه و آن را بر همان اساس و پایه‌هایی که ابراهیم (ع) بنا کرده بود، بنا می‌نمودم. (صحیح بخاری روایت ۱۵۸۶)

<sup>۲</sup> - کعبه و مسجدالحرام در گذر تاریخ، ۴۶.

آخرین مساحتی که تا قبل از توسعه مسجد توسط آل سعود برای مسجد ذکر شده، حدود ۳۰ هزار مترمربع بوده است. در سال ۱۳۶۸ هجری قمری، ملک عبدالعزیز سعودی دستور داد تا مسجد را از هر سو توسعه دهند و مساحت مسجد به ۱۶۰ هزار مترمربع رسید که برای جمعیت نمازگزار ۳۰۰ هزار نفری کافی بود. در سال ۱۴۰۹ ه.ق ملک فهد تصمیم گرفت که یادگاری از خود به جای گذارد لذا ۷۶ هزار مترمربع به مساحت مسجد در سمت غرب آن افزود و مساحت آن به ۲۳۶ هزار مترمربع رسید.

مساحت صحن‌های اطراف مسجدالحرام حدود ۸۸ هزار مترمربع است و مسجدالحرام و صحن‌های اطراف، هم اکنون گنجایش یک میلیون نمازگزار را دارد.

چهار در اصلی و بزرگ مسجدالحرام باب السلام، باب العمره، باب ملک عبدالعزیز و باب ملک فهد است و بر هر یک، دو مناره به ارتفاع ۹۲ متر قرار دارد و بر تارک هر مناره، هلالی به ارتفاع ۵/۶ متر از برنز طلا کاری است، نهمین مناره مسجد در «باب الصفا» است که بدین ترتیب مسجدالحرام نه مناره دارد.

با توجه به توسعه جدید ملک عبدالله، ۴ مناره اضافه شده که تعداد مناره‌های مسجدالحرام به ۱۳ می‌رسد و مساحت مسجد به حدود ۷۰۰ هزار مترمربع خواهد رسید که گنجایش حدود دو میلیون نمازگزار را دارا خواهد شد.





رسول الله» و «یا الله جلّ جلاله»، روی کمر بند شرقی کعبه آیات «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ



مَثَابَةً لِّلنَّاسِ... إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»<sup>۱</sup>

نوشته شده و در قسمت جنوبی یعنی در میان

رکن حجرالأسود و رکن یمانی آیات «قُلْ

صَدَقَ اللَّهُ... وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ»<sup>۲</sup>

نوشته شده و در قسمت غربی آیات «وَإِذْ

بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ... يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ

فَجٍّ عَمِيقٍ»<sup>۳</sup> نقش بسته است.

**۳- ارکان کعبه:** چهار زاویه کعبه به عنوان چهار رکن شناخته می شود. رکن جنوبی یا

رکن یمانی، قبل از حجرالأسود قرار دارد و رکن شمالی یا رکن عراقی بعد از در کعبه

می باشد و رکن شرقی یا رکن حجرالأسود قبل از در کعبه قرار دارد و رکن غربی یا رکن

شامی بعد از حجر اسماعیل می باشد. پیامبر (ص) دو رکن یمانی و حجرالأسود را

استلام نمود و رکن عراقی و شامی را استلام نمود چون این دو رکن بر اساس بنای

ابراهیم (ع) نبود.

**۴- مُلْتَمَز:** قسمتی از دیوار کعبه است که میان حجرالأسود و در خانه کعبه واقع

است؛ و چون مردم در آن قسمت به دیوار ملتزم «می چسبند» می شوند و دعا می خوانند

به این اسم نامیده شده است. پیامبر (ص) فرموده: ملتزم محلی است که دعا

<sup>۱</sup> - سوره بقره، آیات ۱۲۸-۱۲۵.

<sup>۲</sup> - سوره آل عمران، آیات ۹۸-۹۵.

<sup>۳</sup> - سوره حج، آیات ۲۷-۲۶.

در آنجا به استجابت می‌رسد و هیچ بنده‌ای نیست که در آنجا خدا را بخواند و خداوند دعایش را مستجاب نکند.<sup>۱</sup>



**۵- حجرالأسود:** حجرالأسود یا سنگ سیاه، از اجزای بسیار مقدس مسجدالحرام است که در کنار کعبه قرار گرفته، بر اساس روایات، حجرالأسود از سنگ‌های بهشتی است و در روایتی از رسول خدا (ص) حجرالأسود به منزله دست راست خداوند خوانده شده که در روی زمین قرار گرفته است و مردم با دست کشیدن روی آن و بوسیدنش، با خداوند بیعت و اطاعت خود را از او اعلام می‌کنند.<sup>۲</sup>

**۶- حطیم:** حطیم قسمتی است که از حجرالأسود آغاز شده و به سمت زمزم و از آنجا تا مقام ابراهیم و پس از آن تا حجر اسماعیل ادامه می‌یابد. این محدوده را تا دیوار کعبه حطیم می‌نامند و برخی فقط محدوده حجر اسماعیل را حطیم نامند.

**۷- حجر اسماعیل:** در قسمت شمالی کعبه، دیواری با ارتفاع ۱/۳ متر وجود دارد که قوسی شکل است و قدمت آن به زمان بنای کعبه می‌رسد. حضرت اسماعیل (ع) در همین قسمت، کنار بیت‌الله زندگی می‌کرده است. ناودان رحمت (ناودان طلا) نیز که بر بام کعبه نصب شده به سمت حجر اسماعیل قرار دارد که محل نزول رحمت و جای تضرع و استغفار است. این بخش جزو خانه خداست. نماز خواندن در آنجا در صورتی که اذیت و آزار کسی را به دنبال نداشته باشد مستحب است.

<sup>۱</sup> - کنز العمال، حدیث ۳۴۷۵۸.

<sup>۲</sup> - کنز العمال، حدیث شماره ۳۴۷۴۴.

۸- **مقام ابراهیم (ع):** مکانی است که ابراهیم (ع)، سنگ‌ها را از دست اسماعیل می‌گرفت و دیوار کعبه را بالا می‌برد. در روایات دیگر آمده است که ابراهیم (ع) بر روی این سنگ ایستاد و مردم را به حج فرا خواند. بر روی این سنگ، اثری از کف پای ابراهیم، نیز دیده می‌شود. این سنگ تقریباً مربع شکل است با طول و عرض ۴۰ سانتیمتر و ارتفاع ۵۰ سانتیمتر و رنگ آن بین سیاه و سفید و متمایل به زرد است. از زمان مهدی عباسی، این سنگ با طلا پوشانده شده و در محوطه‌ای قرار گرفته است تا صدمه نبیند. بوسیدن و استلام آن جایز نیست.

۹- **زمزم:** چاه زمزم یکی دیگر از آثار مسجدالحرام است که در قسمت شرقی مسجدالحرام قرار دارد و همانند دیگر مشاهده حج، از آثار ابراهیم، اسماعیل و هاجر (ع) است.

۱۰- **مسعی:** حجاج در این محل، میان کوه صفا و مروه به سعی می‌پردازند. سعی



بین صفا و مروه نیز یادگار زمانی است که هاجر برای یافتن آب، هفت بار میان کوه صفا و مروه تردد نمود. صفا در قسمت جنوبی مسجدالحرام روی کوه صفا و مروه در ناحیه شمال شرقی آن قرار

دارد. مسعی در سه طبقه و یک زیرزمین بنا شده است که طول مسعی، ۳۹۴ متر، عرض آن ۴۰ متر و ارتفاع طبقه اول ۱۲ متر و ارتفاع طبقات فوقانی هرکدام ۹ متر است.

## مساجد و آثار مقدس تاریخی مکه

۱- **مسجد الرایه:** در جریان فتح مکه، پرچم اسلام در محلی قرار داده شد که بعدها مسجدی در آنجا بنا گردید و به نام مسجد الرایه (پرچم) شناخته شد. مساحت فعلی آن ۲۳۲ مترمربع است و در نزدیکی قبرستان ابوطالب واقع شده است.

۲- **مسجد جن:** که نام دیگر آن مسجد الحرس (نگهبان) است. به دلیل آن که نگهبانان، شبها در آنجا مجتمع می شده اند، سوره جن نیز در این مکان نازل شده است. این مسجد در ناحیه شمالی مسجد الحرام، اندکی پس از پل حجّون و نزدیک قبرستان ابوطالب واقع شده است. در شرق این مسجد، خیابان مسجد الحرام و در غرب آن، خیابان جن قرار دارد و مسجد تقریباً در محل تلاقی این دو خیابان واقع شده است.



- ۳- **مسجد حمزه (رض):** این مسجد منسوب به حضرت حمزه (رض) است و در منطقه مسفله، در نزدیکی تلاقی خیابان ابراهیم و خیابان حمزه قرار دارد.
- ۴- **مسجد ابوبکر (رض):** این مسجد نیز در منطقه مسفله در نزدیکی مسجد حمزه قرار دارد و راجع به آن گفته‌اند که رسول خدا (ص) و ابوبکر (رض) در شبی که به سمت غار ثور هجرت کردند از آنجا حرکت خود را آغاز نمودند.
- ۵- **مسجد نمره:** در سمت غربی عرفات، متصل به سرزمین عرفات و بر سر راه مشعر، مسجدی بزرگ وجود دارد که به مسجد نمره معروف است و آن را مسجد عرفه و مسجد ابراهیم (ع) نیز می‌خوانند. مساحت فعلی آن ۱۲۴۰۰۰ مترمربع است که حدود ۳۰۰۰۰۰ نمازگزار را در خود جای می‌دهد.



۶- **مسجد مزدلفه:** این مسجد در مشعرالحرام قرار دارد که در همین محل، جبرئیل بر محمد (ص) نازل شد و آیاتی را دربارهٔ مشعر برای آن حضرت تلاوت کرد.



۷- **مسجد خیف:** از مهم‌ترین مساجد منی است. خیف به محلی گویند که در آنجا از شدت کوهستانی بودن منطقه کاسته شده اما هنوز به‌صورت دشت درنیامده است. طول این مسجد در حال ۱۸۲ متر و عرض آن ۱۳۰ متر و مساحتش ۲۳۶۶۰ مترمربع است.



ابن عباس (رض) روایت می‌کند که پیامبر (ص) فرمودند: هفتاد پیامبر در این مسجد نماز خوانده‌اند.

**۸- مسجد تنعیم:** تنعیم نام درختی است که در بادیه شناخته شده است. این منطقه از مکان‌های میقات عمره مفرده است. نام دیگر آن، مسجد عایشه (رض) است، زیرا به دستور پیامبر (ص)، عایشه (رض) از این محل محرم می‌شود. مزار شهدای فحّ در همین مکان است. در زمان خلافت هادی عباسی، حسین بن علی بن حسن بن حسن بن علی بن ابیطالب (رض) (که پس از شهادت به شهید فحّ مشهور شد) در مدینه دست به قیام زد و پس از تصرف مدینه به سمت مکه حرکت کرد. در مدخل ورودی مکه (محل کنونی مسجد تنعیم) که به نام وادی فحّ نیز معروف است با سپاهیان تا دندان مسلح عباسیان روبرو شد و همراه جمعی از یاران و بستگانش در سال ۱۶۹ ه. ق به شهادت رسید.



**۹- مسجد جعرانه:** یکی دیگر از میقات‌های عمره و حج است و معماری آن شبیه مسجد تنعیم است. رسول خدا (ص) پس از بازگشت از غزوة حنین، برای مدتی در جعرانه توقف می‌نماید و غنایم جنگ با هوازن را میان مردم تقسیم می‌کند و از همین مکان، اقدام به احرام عمره مفرده می‌نماید.

۱۰- **جَنَّةُ الْمُعَلَّى**: که به آن حجّون و قبرستان ابوطالب نیز گفته می‌شود. پس از قبرستان بقیع از اشرف مقابر است.



قبور اجداد پیامبر (ص) عبد مناف، عبدالمطلب و ابوطالب عموی آن حضرت و خدیجه، همسر پیامبر (ص) و عبدالله و قاسم، فرزندان رسول خدا در این قبرستان قرار دارد. قبر عبدالله بن عمر، عبدالله بن زبیر و ... در این قبرستان می‌باشد. در دهانه این دره حضرت ابوموسی اشعری، ایوان مسقفی پس از بازگشت از صفین می‌سازد و در آن ساکن می‌گردد. وی گفته بود، می‌خواهم همسایه اهل قبور باشم یعنی در میان کسانی زندگی کنم که خدعه و نیرنگ در کارشان نیست!<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - تاریخ و آثار اسلامی مکه و مدینه، ۱۲۹ به نقل از اخبار مکه ازرقی، ۴۷۱.



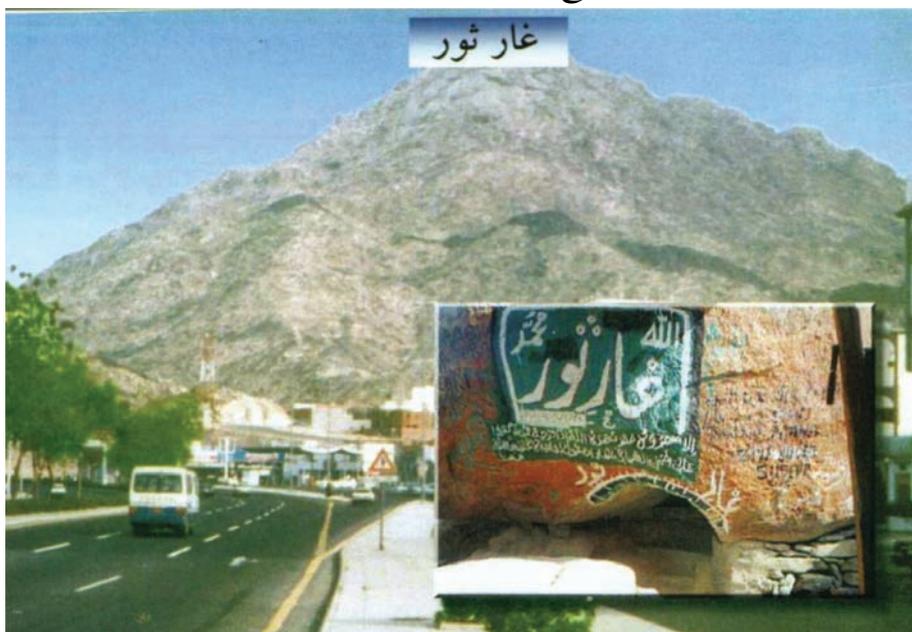
۱۱- **زادگاه پیامبر (ص):** که در شعب ابی طالب قرار دارد. اکنون در آنجا کتابخانه‌ای بنا شده و «مکتبة المكة المكرمة» نام دارد.



۱۲- **کوه حراء:** که به جبل النور نیز معروف است و غار حراء نیز در آن واقع شده است. این کوه در شمال شرقی مکه در مسیر جاده‌ای که به عرفات می‌رود، واقع شده است که پیامبر (ص) قبل از بعثت در آن به اعتکاف می‌نشست و خلوت می‌گزید و اولین آیات سوره «اقرأ» در این غار بود که بر پیامبر (ص) نازل شد.



۱۳- کوه ثور: بزرگ‌تر از کوه حرا است و در جنوب شرقی مسجدالحرام و در فاصله‌ای دورتر نسبت به مکه واقع شده است.



زمانی که مشرکان قصد کشتن پیامبر (ص) را در دارالندوه کردند، آن حضرت به همراه ابوبکر (رض) به سمت جنوب مکه به راه افتاد، در حالی که راه یثرب (مدینه) به سمت شمال بود. آن‌ها وارد غار ثور شدند و مدت سه شبانه روز در آن مخفی بودند. مشرکان تا نزدیک غار آمدند ولی با اعجاز الهی، عنکبوتان تارهایی را بر دهانه غار تیندند و کبوتری نیز تخم گذاشت، آنان به تصور این که مدت مدیدی کسی به این غار وارد نشده، به درون غار توجه ننموده و از ادامه تعقیب دست کشیده و بازگشتند. خداوند از این حرکت تاریخی چنین یاد می‌کند: «إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا

وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»<sup>۱</sup> اگر پیامبر را یاری نکنید، در حقیقت خداوند هنگامی به او یاری کرد که کافران در حالی که یکی از دو تن بود از مکه بیرونش کردند، هنگامی که در غار بودند، آنگاه که به یار خود ابوبکر می گفت: نگران مباش. بی گمان خداوند با ماست. پس خداوند آرامشش را بر او نازل کرد و او را با سپاهسانی که آن‌ها را نمی دیدید توان داد و آرمان کافران (شرک) را فروتر قرارداد و آرمان الهی (توحید) است که برتر است و خداوند پیروزمند فرزانه است.

**۱۴- مسجد حدیبیه (رضوان):** پیامبر اکرم (ص) در سال ۶ هجری همراه جماعتی از مسلمانان برای انجام فریضه حج از مدینه به سمت مکه حرکت نمودند. پیامبر (ص) در این منطقه چون با ممانعت کفار قریش روبه‌رو شد و بازگشت حضرت عثمان (رض) نماینده پیامبر (ص) که برای گفتگو با سران مکه و رساندن پیام آن حضرت (ص) به تأخیر افتاد و شایعه کشته شدن ایشان مطرح شد، یاران پیامبر (ص) در کنار درختی به نام «سمره» مجدداً با پیامبر (ص) پیمان بستند که تا پای جان از پیامبر (ص) دفاع کنند. این پیمان به بیعت رضوان و شجره معروف گشت. چون خداوند رضایت خود را از یاران مؤمن پیامبر (ص) بیان نمود: «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ»<sup>۲</sup> پیامبر (ص) فرمودند: «هیچ یک از کسانی که در کنار این درخت با من بیعت بستند، به آتش جهنم نخواهند سوخت.» در نهایت، قریش پس از اطمینان از این که پیامبر (ص) قصد درگیری ندارد به نمایندگی «سهیل بن عمرو» با آن حضرت صلحی بستند بدان شرط که امسال بازگشته و سال دیگر برای انجام حج به مکه بیایند، لذا پیامبر و همراهان ایشان شتران را قربانی کرده و پس از آن که سر خود را

<sup>۱</sup> - سوره توبه، آیه ۴۰.

<sup>۲</sup> - سوره فتح، آیه ۱۸.

تراشیدند بازگشتند. این صلح که به «حدیبیه» مشهور شد در تاریخ اسلام اهمیت خاصی دارد، مدت آن ۱۰ سال بود ولی دو سال بعد، از سوی مشرکان نقض شد و در نتیجه، پیامبر (ص) به عزم تسخیر مکه سپاهی عظیم فراهم و به سوی این شهر حرکت نمودند. در حقیقت یکی از نتایج پر ثمر این صلح «فتح مکه» بود.

درخت مذکور تا دوران خلافت عمر بن الخطاب (رض) مورد توجه مردم بود. خلیفه دوم دستور داد آن را قطع کردند و به جای آن مسجدی ساختند تا یادآور خاطره این حادثه عظیم باشد. مسجد مذکور نام «مسجد رضوان» نیز بر خود گرفت. هم‌اکنون در محل حدیبیه که کمی پایین‌تر از مسجد تنعیم است (در ۲۰ کیلومتری شرق مکه به طرف جده)، مسجدی به نام «حدیبیه» ساخته شده و در مجاورت آن بنای قدیمی مسجد رضوان، نیز دیده می‌شود.<sup>۱</sup>

### مدینه منوره

در اولین شب از ماه ربیع الاول سال چهاردهم بعثت، پیامبر (ص) به همراه ابوبکر (رض) به قصد یشرب هجرت خود را از مکه آغاز کرد و روز ۱۲ ربیع الاول به منطقه قبا رسید. پنجمین روز ورود، روز جمعه ۱۶ ربیع الاول سال اول هجری به فرمانی که از خدا به پیامبر (ص) رسیده بود، سوار بر شتر شد و از قبا به سوی مدینه حرکت کرد. چون به میان بنی سالم رسید وقت نماز جمعه بود. در جایی که امروز مسجد جمعه نامیده می‌شود با مردم نماز به جای آورد و پس از آن به سمت یشرب حرکت کرد. وقتی رسول خدا وارد مدینه (یشرب) شد، همه طوایف و افراد سرشناس مایل بودند تا میزبان ایشان باشند، اما ایشان فرمودند: راه شتر را باز

<sup>۱</sup> - تاریخ و آثار اسلامی مکه و مدینه، ۱۷۲ و تاریخ طبری ۱۱۲۰/۳ و تاریخ ابن خلدون ۴۲۲/۱ و تاریخ ابن اثیر ۲۰۴/۲

گذارید که او مأمور است. شتر پیامبر (ص) در روبروی خانه ابویوب انصاری در زمینی که از آن دو پسر یتیم از بنی نجار به نام‌های سهل و سهیل بود، فرود آمد؛ یعنی جایی که اکنون مسجدالنبی است و با انتخاب شتر، افتخار را از همه قبایل گرفت تا بستر رقابت بین قبائل نگردد. اهالی مدینه با آیات زیبای ذیل از پیامبر (ص) استقبال کردند:

مِنْ ثَنِيَاتِ الْوَدَاعِ	طَلَعَ الْبَدْرُ عَلَيْنَا
مَا دَعَا لَلَّته دَاعٍ	وَجَبَّ الشُّكْرُ عَلَيْنَا
جِئْتُ بِالْأَمْرِ الْمَطَاعِ	أَيُّهَا الْمَبْعُوثُ فِينَا
مَرْحَبًا يَا خَيْرَ دَاعٍ	جِئْتُ شَرَفَتِ الْمَدِينَةَ

«ماه شب چهارده از ثنیه الوداع بر ما طلوع کرد و بر ما شکر واجب است مادامی که خواننده‌ای برای خدا بخواند چرا که او ما را به سوی خداوند دعوت نمود. ای کسی که در میان ما مبعوث شده‌ای، امر تو مطاع ما است. تو با آمدنت به مدینه شرافت بخشیدی، خوش آمدی ای بهترین دعوت کننده.»

با ورود پیامبر (ص) به مدینه و تأسیس مسجدالنبی و گسترش نور علم و ایمان از این شهر، آن را مدینه منوره و مدینه النبی (ص) نامیدند. چنان که پیامبر (ص) آن را طابه و طیبه نامید.

در فضیلت مدینه منوره و علو مکان و رفعت منزلت آن، فراوان نوشته‌اند. مدینه حرم رسول خدا (ص) و سرای هجرت اوست. مرقد مطهرش در آنجاست و ساکنان آن همسایگان پیامبر (ص) هستند و هر که از مؤمنان در آن سرزمین بمیرد، مستوجب شفاعت می‌گردد. چون پیامبر (ص) فرمود: «هر کسی که بعد از وفات به زیارت من بیاید مانند این است که در حال حیات، مرا زیارت کرده است و کسانی که به نیت زیارت مدینه منوره می‌آیند شفاعت شان بر من واجب است.»

همان گونه که مکه حرم ابراهیم (ع) است، مدینه حرم رسول خدا (ص) است. پیامبر (ص) فرمود: «ابراهیم (ع) مکه را حرم قرار داد و برای مردم آن دعا کرد و من مدینه را حرم قرار دادم، همانگونه که ابراهیم مکه را حرم قرار داد. من دعا کردم که خداوند در صاع آن و مد آن برکت دهد. همان گونه که برای مردم مکه دعا کرد». <sup>۱</sup> در فضیلت مدینه همان بس که پیامبر (ص) آن را دوست می داشت و در حق آن دعا کرد و فرمود: اگر مردم بدانند مدینه برای آنها بهتر است، هیچ کس از روی بی میلی آن را ترک نمی گوید. مگر آن که خداوند بهتر از او را به جای او به مدینه دهد. <sup>۲</sup> و کسی بر تنگی معیشت و سختی های آن شکیبایی نمی ورزد مگر آن که در روز قیامت او را شفاعت می کنم. <sup>۳</sup>

ابوهریره (رض) روایت می کند که رسول خدا (ص) فرمود: «خداوند به من امر نمود به قریه و سرزمینی هجرت کنم و سکونت نمایم که بر سایر شهرها غلبه می کند منافقین آن را «یثرب» می نامند در حالی که آن «مدینه» است. مردمان بد را از خود دور می سازد چنان که دم آهنگر ریم و ناخالصی را دور می کند.» <sup>۴</sup>

همچنین زیدبن ثابت (رض) از رسول خدا (ص) روایت کرده است: «به راستی که این شهر «طیبه» است و همانا پلیدی (و در روایتی پلید) را دور می کند، چنان که آتش ناخالصی نقره را دور می سازد.» <sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> - صحیح بخاری، حدیث شماره ۲۱۲۹ و صحیح مسلم، حدیث شماره ۱۳۶۰.

<sup>۲</sup> - صحیح مسلم، حدیث شماره ۱۳۸۱.

<sup>۳</sup> - صحیح مسلم، حدیث ۱۳۶۳ و ۱۳۷۴.

<sup>۴</sup> - صحیح بخاری، حدیث شماره ۱۸۷۱ و صحیح مسلم حدیث ۱۳۸۲.

<sup>۵</sup> - صحیح بخاری حدیث شماره ۱۸۸۴ و ۴۰۵۰ و صحیح مسلم حدیث ۱۳۸۴.

خلاصه آن که: مدینه منوره محبوب‌ترین سرزمین‌ها نزد خداوند سبحان است، آنجا سرای ایمان است. بر دروازه‌های آن نگهبانانی است از فرشتگان، و دجال و طاعون را در آنجا راه نباشد و پس از ویرانی همه دنیا ویران می‌شود.<sup>۱</sup> مدینه، مرقد و مزار برترین خلق خدا، محمد مصطفی (ص) است و مهبط وحی و حرم پیامبر اوست. در آنجا جایی نیست مگر این که جایگاه نزول آیه یا آیاتی از قرآن است و یک رکعت نماز گزاردن در مسجد آن حضرت بهتر از هزار رکعت در سایر مسجدهاست.

اما این نکته که پیامبر (ص) می‌فرماید: «هرکس به حج آید و مرا در مدینه زیارت نکند بر من ستم کرده است.» به خاطر این است که در مکه و حج، توحید را می‌آموزیم و ابراهیم را می‌شناسیم و در مدینه، نبوت و اسلام را بیاموزیم و پیامبر اسلام (ص) را بشناسیم که ادامه تاریخ ابراهیم و تکمیل کننده رسالت توحید است. ما در مدینه دنباله درس حج را تعقیب می‌کنیم و رنه پیامبر (ص) بی‌نیازتر از آن است که به زیارت ما چشم داشته باشد. حاجی مسلمان با گذراندن ۱۳ روز در مکه با زندگی ۱۳ ساله مکی پیامبر (ص) آشنا می‌شود و با گذراندن ۱۰ روز در مدینه با زندگی مدنی پیامبر (ص) آشنا می‌گردد.

### مسجدالنبی (ص)

در اولین روزهای ورود پیامبر (ص) به مدینه، بنای این مکان مقدس در مساحتی حدود ۲۰۷۱ مترمربع آغاز شد و مرکز تأسیس حکومت اسلامی گشت. مسجدی که رسول خدا (ص) در وصف آن فرمود: «صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي هَذَا أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ صَلَاةٍ

۱- صحیح بخاری، حدیث شماره ۱۸۸۱ و ۷۱۳۱ و صحیح مسلم، حدیث ۱۳۹۴ و ۱۳۷۹.

فِيَمَا سِوَاهُ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ<sup>۱</sup>. نماز در مسجد من از هزار نماز در غیر مسجد من جز مسجد الحرام بهتر و بالاتر است. البته این بدان معنی نیست که در اوقات مکروه نماز بخوانند اگرچه امام شافعی نماز را در اوقات مکروه در حریم جایز می‌داند.

قال النبی (ص): « مَا بَيْنَ بَيْتِي وَ مَنْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ »<sup>۲</sup>. پیامبر (ص)

فرمود: بین خانه و منبرم باغی از بوستان‌های بهشت است.

مسجد النبی (ص) نیز همچون مسجد الحرام در طول تاریخ توسعه و گسترش یافته است. توسعه آن در سال هفدهم هجری توسط عمر (رض) و در سال ۲۹ هجری توسط عثمان (رض) و در عهد ولید بن عبدالملک توسط عمر بن عبدالعزیز و در سال ۱۶۸ هـ توسط مهدی عباسی و در سال ۹۳۸ توسط سلطان سلیمان عثمانی و در سال ۱۲۶۵ توسط سلطان عبدالحمید و در سال ۱۳۷۰ هـ توسط ملک عبدالعزیز و در سال ۱۴۰۶ هـ توسط ملک فهد صورت پذیرفت. مساحت کنونی مسجد بیش از ۹۸ هزار مترمربع و مجموع مساحت مسجد و صحن‌های اطراف حدود ۴۰۰ هزار مترمربع است.

مسجد النبی دارای ده مناره می‌باشد که مناره رئیسیه کنار گنبد سبز (قبة الخضراء)، مناره باب السلام، مناره شکیبیه و مناره سلیمانیه از گذشته بود و شش مناره دیگر در دوران آل سعود ساخته شده است.

درهای مسجد: مهم‌ترین درهای مسجد در غرب، باب السلام و باب الرحمه و ابواب صدیق (رض) می‌باشد؛ و در شرق، باب النساء و باب جبرئیل و باب البقیع واقع

<sup>۱</sup> - سنن نسائی، احادیث شماره ۲۸۹۷، ۲۸۹۸، ۶۹۱.

<sup>۲</sup> - سنن نسائی، ۳۵/۲ حدیث شماره ۶۹۵ و صحیح بخاری حدیث ۱۱۹۵ و صحیح مسلم حدیث ۱۳۹۰.



شده است و در شمال مسجد، باب عثمان، باب عمر بن خطاب، باب ملک عبدالعزيز و باب ملک سعود قرار گرفته است.

صفت: یعنی همان مکانی که مهاجران بدون سرپناه، شب‌ها را در آن می‌گذراندند که در میان باب جبرئیل و باب النساء قرار دارد و کتابخانه مسجدالنبی نیز که شامل چند بخش مطبوعات، کتب خطی، بخش صوتی و تصویری است در باب عمر و باب عثمان (رض) واقع شده است.

در توصیف مسجدالنبی (ص) به‌عنوان مرکز تأسیس حکومت اسلامی باید گفت: مکانی است که گارد حکومتی آن را یک ستون «حرس» تشکیل می‌داد و سالن اجلاس و کنفرانس آن «اسطوانة الوفود» یا ستون وفود بود و کاخ آن‌هم اسطوانة السریر (ستون سریر). مرکز حکومتی که دانشگاه آن‌هم در دل او بود که «صفت» اولین دانشگاه شبانه‌روزی اسلامی در آن واقع شده است.



رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»<sup>۱</sup> نازل شد و خداوند خود محافظت از جان رسولش را عهده دار شد.

**۳- ستون وفود:** وفود به معنای هیأت نمایندگی است، این مکان محل ملاقات پیامبر (ص) با سران قبایل بوده است.

**۴- ستون توبه:** یادآور خاطره ابولبابه است که پس از پشیمانی از رایزنی خود به یهود بنی قریظه و به روایتی بازماندن از غزوه تبوک، خود را به این ستون بست و خداوند ضمن آیه ۱۰۲ سوره توبه، توبه او را پذیرفت.<sup>۲</sup>

**۵- ستون عایشه:** که به ستون قرعه نیز معروف است. عایشه در فضل این ستون احادیثی روایت کرده است که اگر مردم فضیلت آن را می دانستند برای نماز خواندن در آنجا بین خود «قرعه» می انداختند.

**۶- ستون حنانه:** رسول خدا (ص) هنگام سخنرانی، ابتدا به تنه درخت خرمائی در سمت غرب محراب تکیه می زد و از آن به عنوان منبر استفاده می کرد. هنگامی که برای ایشان منبری ساخته شد، آن حضرت بر منبر نشستند. در این هنگام گویند، صدایی شبیه به ناله بلند شد که گویی درخت در فراق آن حضرت سر داده بود. به دستور پیامبر (ص) درخت در همان مکان دفن شد و ستونی در آن مکان بنا شد که به «اسطوانة الحنانه» معروف گردید.

مولوی داستان این واقعه تاریخی را چنین توصیف می کند:

ناله می زد همچو ارباب عقول	أُسْتُنِ حَنَانَهُ مِنْ هَجْرِ رَسُولِ
کز وی آگه گشت هر پیر و جوان	دَر مِیَانِ مَجْلِسِ وَعِظِ آن چنان
کز چه می نالد ستون باعرض و طول	دَر تَحِیْرِ مانده، اصحاب رسول

<sup>۱</sup> - سوره مانده، آیه ۶۷.

<sup>۲</sup> - «وَ آخَرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَ آخَرَ سَيِّئًا عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنْ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»

گفت: پیغمبر: چه خواهی ای ستون	گفت: جانم درفراقت گشته خون
مسندت من بودم، از من تافتی	بر سر منبر تو مسند ساختی
گفت: خواهی تا تورا نخلی کنند	شرقی و غربی ز تو میوه چند
یا در آن عالم، حقت سروی کند	تا تر و تازه بمانی تا ابد
گفت: آن خواهم که دائم شد بقاش	بشنو ای غافل، کم ازجویی مباش
آن ستون را دفن کرد اندر زمین	تا چو مردم حشر گردد یوم دین <sup>۱</sup>

**۷- ستون مخلّقه:** این ستون نزدیک محراب پیامبر (ص) است و چون برای معطر کردن فضای مسجد، عود و مواد خوشبو بر آن می‌سوزاندند، آن را «مخلّقه» نامیده‌اند.

## سایر مساجد تاریخی مدینه منوره

**۱- مسجد قبا:** در شش کیلومتری مسجدالنبی قرار دارد. این منطقه بر سر راه رسول خدا در هجرت از مکه به مدینه قرار داشت و آن حضرت چند روزی را در آنجا به سر برد تا حضرت علی (رض) و برخی از اعضای خانواده پیامبر به ایشان پیوستند.



در فضیلت مسجد قبا روایات زیادی است از جمله این که: «مَنْ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ أَتَى مَسْجِدَ قُبَا فَصَلَّى فِيهِ رَكَعَتَيْنِ كَانَ لَهُ كَأَجْرِ عُمْرَةٍ»<sup>۱</sup> یعنی: هرکس در خانه اش وضو گیرد و به مسجد قبا آید و در آن دو رکعت نماز گزارد، همانند عمره گزاردن پاداش دارد.

همچنین در کتب صحاح و سنن آمده است که رسول خدا هر شنبه با پای پیاده یا سواره به مسجد قبا می آمده و در آن نماز می گزاردند.<sup>۲</sup>

و مفسران شأن نزول این آیه را: «لَمَسْجِدِ أُسَسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ، فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ»<sup>۳</sup> در باب مسجد قبا و مسجد النبی (ص) دانسته اند.

**۲- مسجد ذوقبلتین:** مسأله تغییر قبله در نیمه شعبان سال دوم هجری طبق آیات ۱۴۲ تا ۱۵۰ سوره بقره در این مسجد روی داد، این حکم در وسط نماز ظهر اعلام شد. لذا پیامبر (ص) دو رکعت آخر نماز ظهر را رو به کعبه خواندند؛ که پس از آن به سبب نزول این آیات، این مسجد به «ذوقبلتین» مشهور شد.

«قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ...»<sup>۴</sup> نگاه های انتظار آمیز تو را به سوی آسمان برای تعیین قبله نهایی می بینیم. اکنون تو را به سوی قبله ای که از آن خوشنود باشی باز می گردانیم. پس روی خود را به سوی مسجد الحرام کن و هر جا باشید، روی خود را به سوی آن بگردانید و کسانی که کتاب آسمانی به آن ها داده شده، به خوبی می دانند این فرمان حقی است

<sup>۱</sup> - سنن ابن ماجه حدیث ۱۴۱۲ و تاریخ المدینة المنوره ۴۱/۱.

<sup>۲</sup> - صحیح بخاری حدیث شماره ۱۱۹۴ و صحیح مسلم حدیث شماره ۱۳۹۹ و سنن نسائی ۳۷/۲.

<sup>۳</sup> - سوره توبه، آیه ۱۰۸.

<sup>۴</sup> - سوره بقره، آیه ۱۴۴.

که از ناحیهٔ پروردگارشان صادر شده (و در کتاب‌های خود خوانده‌اند که پیامبر اسلام به‌سوی دو قبله نماز می‌خواند) و خداوند از اعمال آن‌ها (در مخفی داشتن این آیات) غافل نیست.

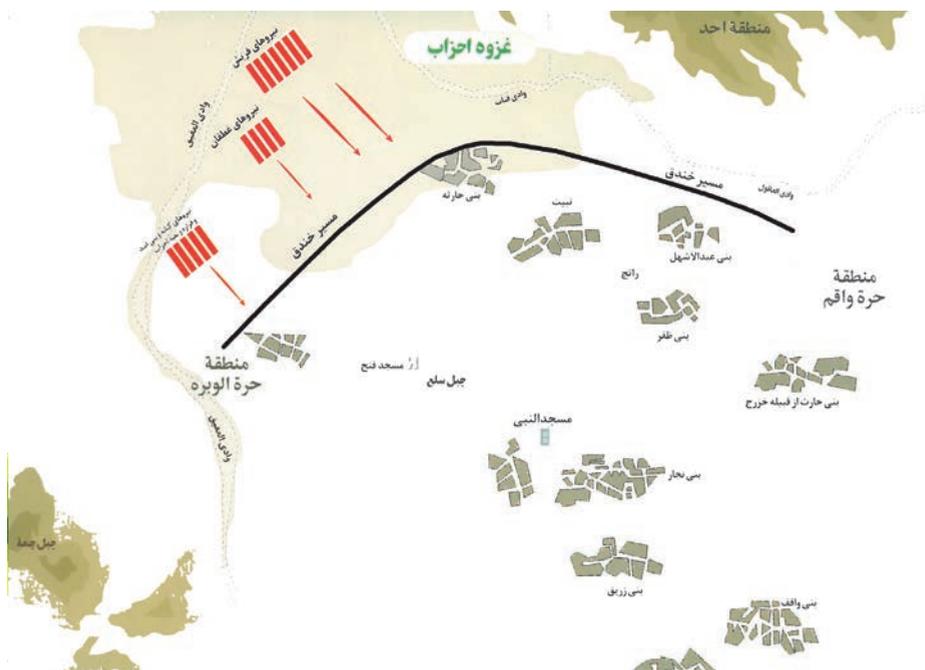


رضایت پیامبر (ص) از تغییر قبله، دلایلی داشت از جمله: ۱- کعبه اولین پایگاه توحید و قبلهٔ ابراهیم (ع) بود. ۲- استقلال مسلمانان به اثبات می‌رسید. ۳- مسلمانان از زخم‌زبان، تحقیر و استهزای یهود آسوده می‌شدند چون آن‌ها مرتب سرزنش می‌کردند که چه دینی است که به قبلهٔ ما اقتدا می‌کند.

۳- **مسجد غمامه (مصلی):** محل برگزاری نماز عید بوده است. به هنگام نماز باران، ابری بر بالای سر رسول خدا (ص) و مسلمین سایه می‌افکند و شروع به باریدن می‌نماید. بدین جهت غمامه نامیده شده است. در نزدیکی آن مسجدی به نام ابوبکر، عمر و علی (رض) و کمی دورتر مسجد بلال (رض) نیز وجود دارد که گفته شده این شخصیت‌ها در آنجا نماز عید را اقامه کرده‌اند.



۴- **مسجد فتح:** در شمال غربی مدینه، کوهی به نام «کوه سلع» می‌باشد که در پایین آن تعدادی مسجد وجود دارد که آن‌ها را «مساجد سبع» می‌خوانند و موقعیت قرار گرفتن شخصیت‌ها را در جنگ احزاب (خندق) نشان می‌دهد. عبارتند از: مسجد فتح، مسجد فاطمه، مسجد ابوبکر، مسجد عمر، مسجد علی، مسجد سلمان و مسجد قبلتین؛ که امروزه یک مسجد بزرگ در آنجا بنا شده است.



مسیر خندق به طول ده کیلومتر از نزدیکی مسجد «ذوقبلتین» در غرب آغاز و به صورت نیم دایره‌ای با عبور از کوه سلع تا «مسجد عبیر» در نزدیکی «مسجد الاجابه» کنونی امتداد می‌یافت. به این صورت نیمی از مدینه در محاصره خندق در آمده بود و کوه سلع نیز محل استقرار فرماندهی سپاهیان اسلام گردید. بزرگان سپاه در دامنه این کوه سنگ‌هایی داشتند که بعدها به یاد جان فشانی‌های آنان، مساجدی در آنجا ساختند که به نام آن صحابه معروف شد. در مرتفع‌ترین نقطه که پیامبر (ص) هدایت و فرماندهی را بر عهده داشت، سوره فتح و آیه «ان تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمْ الْفَتْحُ» بر پیامبر (ص) نازل شد در آنجا مسجد و بنای یادبودی ساختند که به نام مسجد فتح معروف گشت. آیات ۸ تا ۲۰ سوره احزاب بیانگر چگونگی حمله احزاب به مدینه است.



**۵- مسجد اجابه (مباهله):** مسجد اجابه می‌نامند چون دعای پیامبر (ص) در آن، مورد اجابت واقع می‌گردد. روزی پیامبر (ص) به مسجد بنو معاویه بن مالک یکی از طوایف قبیلهٔ اوس می‌روند و پس از نماز پیامبر (ص) دعا کردند که دو خواسته مورد اجابت قرار گرفت: پیامبر (ص) فرمودند یکی آن که امت اسلام را به قحطی هلاک نکند، که پذیرفت و دوم آن که خداوند مسلمانان را با غرق شدن نمیراند. آن را هم پذیرفت. سوم آن که مسلمانان به جان یکدیگر نیفتند اما این خواسته اجابت نشد.<sup>۱</sup> در منابع شیعی آن را مسجد مباهله نیز می‌نامند چون گویند مباهله با مسیحیان نجران در آن واقع شد. این مسجد در شمال شرقی بقیع کنار فندق الدخیل و در سمت راست خیابان ستین (ملک فیصل) قرار دارد.<sup>۲</sup>

**۶- مسجد شجره (ذو الحلیفه):** چون پیامبر (ص) زیر درختی در آنجا احرام بستند، شجره می‌نامند.



<sup>۱</sup> - صحیح مسلم حدیث ۲۸۹۰.

<sup>۲</sup> - آثار اسلامی مکه و مدینه، ۳۱۳.

مسجد شجره میقات احرام کسانی است که از مدینه عازم حج می‌شوند. در عمره سال هفتم و سفر سال هشتم هجری که منجر به امضای معاهده صلح حدیبیه شد و در حجة الوداع، پیامبر (ص) از این مسجد محرم شد و از زیباترین بناهای مذهبی مدینه پس از مسجد النبی است.

**۷- مسجد فضیح:** فضیح در لغت به معنای شراب انگور است. گفته می‌شود هنگامی که سپاهیان اسلام، همراه پیامبر (ص) برای «غزوه بنی نضیر» خارج شدند، در این مکان نماز می‌خواندند و آیات تحریم شراب نیز در همین مکان نازل شد. اکنون این مسجد در خیابان عوالی واقع شده است.

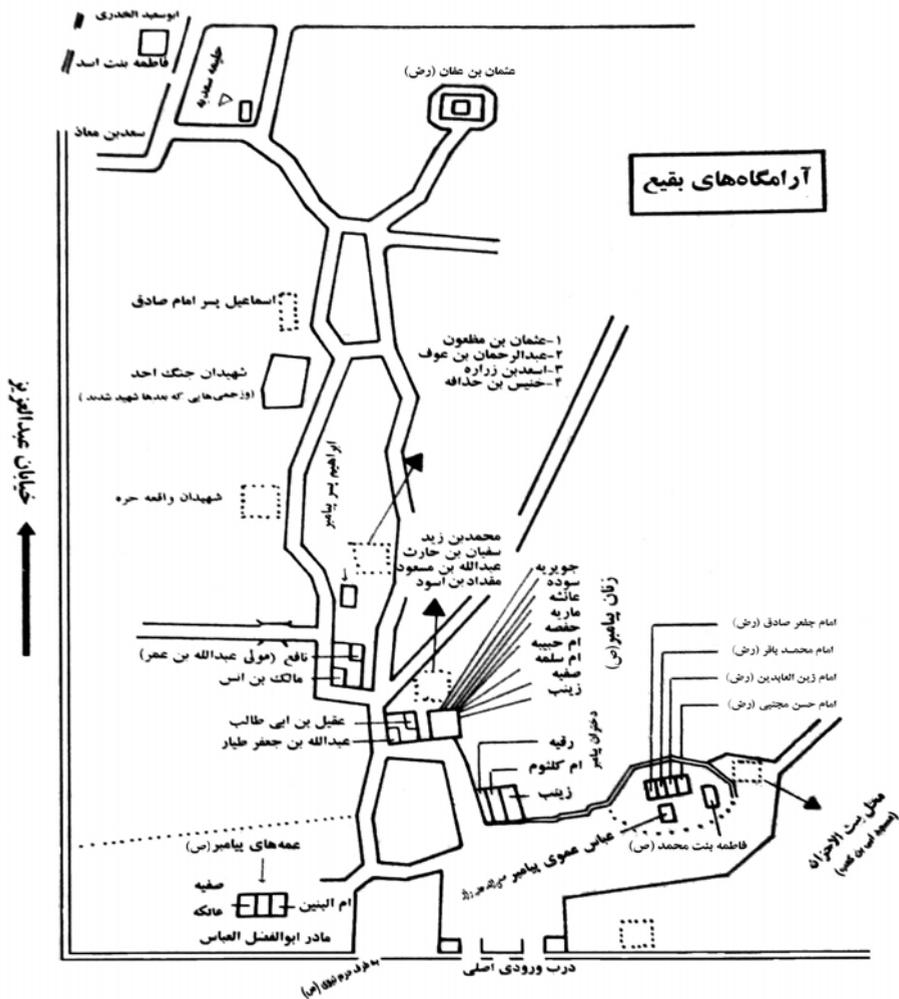
**۸- مسجد جمعه:** پیامبر (ص) در مسیر حرکت از قبا به مدینه در محل سکونت قبیلۀ «بنی سالم بن عوف» نماز جمعه را در مسجد آنان اقامه فرمودند که آن مسجد بعد از آن نماز به مسجد جمعه معروف گشت.

### قبرستان بقیع

بقیع در ناحیه شرقی مسجد النبی قرار گرفته است و خیابان‌های ستین، عبدالعزیز، ابی ذر و باب العوالی در اطراف آن است. برای بقیع معانی مختلفی ذکر کرده‌اند از جمله: به مکانی وسیع که در آن درخت و ریشه آن باشد گفته شده است. در این قبرستان نیز چون درختانی از نوع «غرقد» (خاردار) وجود داشتند معروف به «بقیع الغرقد» شده است.

بقیع از قبرستان‌هایی است که پیامبر (ص) برای اهل آن طلب بخشش و استغفار نموده و شبانه به زیارت قبور بقیع می‌رفته است. بقیع شماری از خاندان پیامبر (ص) و یاران آن حضرت را در دل خود دارد. چنان‌که مسعودی در «مروج الذهب» از سنگ

نشتهٔ خاندان پیامبر (ص) چنین یاد می‌کند که بر آن نوشته بود: «بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله مبيد الأُمم و مُحَيِّي الرُّمَمِ هذا قبر فاطمه بنتِ رَسُولِ الله و قبر الحسن بن علي بن ابيطالب و علي بن الحسين و محمد بن علي و جعفر بن محمد رضوان الله عليهم اجمعين»<sup>۱</sup>



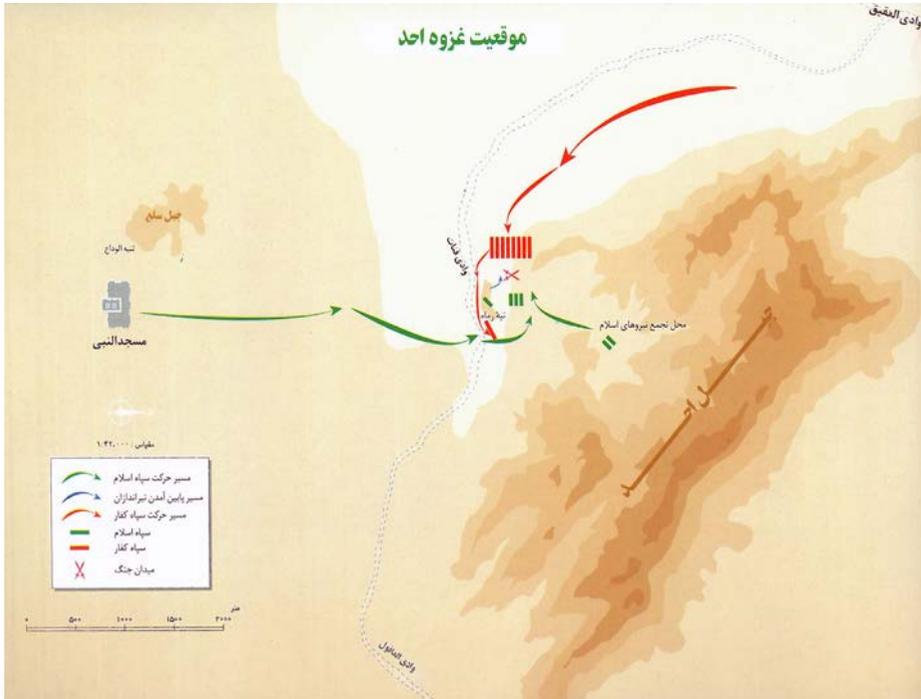
<sup>۱</sup> - تاریخ و آثار اسلامی مکه و مدینه، ۳۵۶ به نقل از مروح الذهب ۲/۲۸۸.

قبور همسران پیامبر (ص) به جز میمونه و خدیجه (رض)، سایر همسران پیامبر (ص): ام سلمه، عایشه، زینب، سوده، حفصه دختر عمر، ام حبیبه دختر ابوسفیان، صفیه، ماریه قبطیه و جویریة در کنار یکدیگر کمی بالاتر از قبور دختران پیامبر: رقیه، ام کلثوم و زینب (رض) می‌باشند.

قبور حضرت فاطمه دختر رسول خدا (ص)، عباس عموی پیامبر و حضرت حسن، علی بن حسین زین العابدین، محمد بن علی (امام باقر)، جعفر بن محمد (حضرت صادق) در سمت راست ورودی قبرستان واقع شده است.

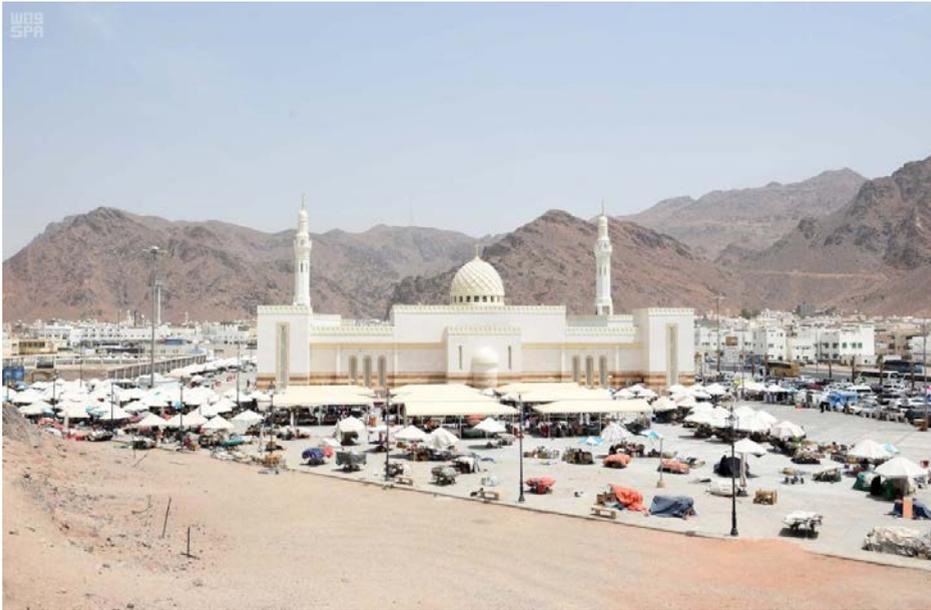
قبور حضرت عثمان، سعد بن معاذ، ابوسعید خدری، عبدالرحمن بن عوف، سعد بن ابی وقاص، عثمان بن مظعون، عبدالله بن مسعود، مالک بن انس، ابراهیم فرزند پیامبر (ص)، عبدالله بن جعفر، عقیل بن ابی طالب، حلیمه سعديه مادر رضاعی پیامبر (ص)، فاطمه بنت اسد مادر حضرت علی، صفیه و عاتکه عمه‌های پیامبر (ص)، شهدای احد و شهدای واقعه حَرّه در این قبرستان می‌باشد که در نقشه مشخص شده است.

## أحد



در ۵ کیلومتری شمال شرقی مدینه، رشته کوهی به طول تقریبی ۶ هزار متر از شرق به غرب کشیده شده که به دلیل جدایی از دیگر رشته کوه‌ها، احد خوانده می‌شود. پس از آنکه مشرکان در غزوه بدر دچار شکست شدند، تصمیم گرفتند تا در سال بعد از آن به جنگ مسلمانان بشتابند که پیامبر (ص) با جمعیتی قریب ۷۰۰ تن در برابر آنها قرار گرفت. کوه کوچک عینین یا جبل الرماة در پشت سر قرار داشت، رسول خدا ۵۰ تن از تیراندازان خود را به فرماندهی عبدالله بن جبیر بر آن گماشت تا از پشت سر، حمله‌ای به مسلمانان صورت نگیرد. پس از آشکار شدن علائم پیروزی و گریز مشرکان، تیراندازان برای جمع‌آوری غنائم پایین آمدند. سپاه قریش از این فرصت استفاده کرده و کوه را دور زده و ناگهانی بر سر مسلمانان هجوم آوردند که در اثر این

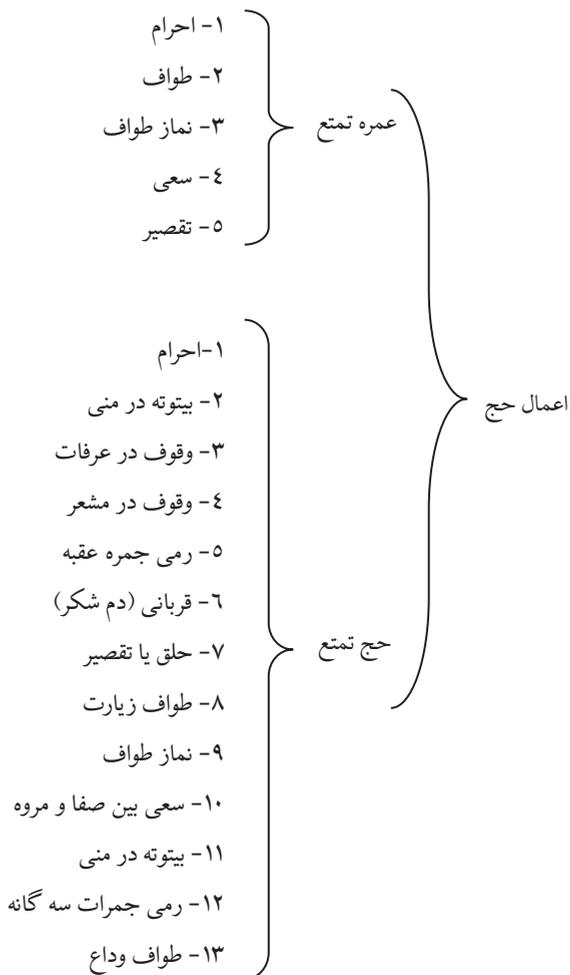
حملة ناگهانی، سپاه مسلمانان دچار شکست و ۷۰ نفر شهید شدند که از آن جمله: سید الشهداء «حمزه عموی پیامبر (ص)»، مصعب بن عمیر «اولین سفیر اسلام به مدینه» و حنظله غسیل الملائکه و عمرو بن جموح (رض) می‌باشند و مزارشان تا به حال زیارتگاه عاشقان ایثار و شهادت است و مسجدی به نام سیدالشهداء در آنجا بنا شده است.





## فصل چهارم

### احکام و مناسک عمره و حج







## شرایط وجوب حج

زمانی حج بر انسان واجب می‌گردد که شرایط زیر را دارا باشد:

۱- اسلام ۲- بلوغ ۳- عقل ۴- حریت و آزاد بودن ۵- استطاعت و توانایی بر ادای مناسک حج که شامل سلامت جسمانی، داشتن مخارج رفت و برگشت و نفقه اولاد و خانواده و امنیت راه و گرفتن مجوز قانونی می‌شود. بر شروط پنجگانه، تمام مذاهب اسلامی اتفاق نظر دارند.

در فقه احناف، دانش به وجوب حج و زمان حج (ماه‌های حج) نیز از شرایط وجوب حج شمرده می‌شود و سلامت بدن، امنیت راه، در عده وفات و طلاق نبودن، داشتن محرم امین و ممنوعیت قانونی نداشتن را از شرایط ادای حج می‌دانند. لذا اگر شرایط ادای حج برای کسی فراهم گردد ادای حج باید توسط خود فرد انجام شود و وصیت درست نیست لکن اگر شرایط اداء فراهم نباشد، جهت ادای حج، کسی را می‌تواند به نیابت بفرستد و چنانچه شرایط وجوب برایش فراهم گردد و حج نگزارد وصیت بر او لازم می‌گردد.

با وجود آن‌که استطاعت شرط وجوب حج است، لکن اگر فردی در صورت عدم استطاعت، حج بجا آورد نزد احناف، مالکیه و حنابله، چنانچه بعداً استطاعت پیدا کند، اعاده حج بر او واجب نمی‌گردد بلکه همان حج جایگزین حج واجبش می‌گردد. لکن نزد امامیه اعاده واجب است. در صورت فراهم شدن شرایط وجوب حج، نزد احناف، حنابله، مالکیه و امامیه، در اولین فرصت ممکن باید ادا شود لکن نزد امام شافعی، ادای حج در هر فرصتی ولو با تأخیر اشکالی ندارد.

اگر بچه، دیوانه یا برده و یا غیرمسلمانی حج بجا آورد حج فرضش ادا نمی‌شود و چنانچه بعداً مسلمان یا آزاد و یا بالغ و عاقل شد در صورت استطاعت حج خود را ادا کند.

و اگر شخص مسلمان که بالغ، عاقل و آزاد است صاحب استطاعت و توانایی شد ولی قبل از این که وقت حج فرا رسد فوت کرد در این حال حج بر او واجب نیست. داشتن محرم برای زن شرط استطاعت است و در صورتی که بدون محرم حج انجام داد حجش صحیح است و در نزد بعضی از فقها، با وجود امنیت، زن می‌تواند بدون محرم شرعی نیز برای سفر حج اقدام نماید و در صورت نبود محرم، همسفران امین زن کفایت می‌کند.

کسانی که در صورت وجود همسفران مورد اطمینان یا ایمن بودن راه، سفر زن را بدون همسر یا محرم جایز دانسته‌اند، به روایت امام بخاری از عدی بن حاتم استدلال کرده‌اند که گفت: درحالی که در خدمت پیامبر (ص) بودم مردی به حضور ایشان آمده و از فقر و فاقه شکوه نمود، سپس مردی دیگر آمد و از وجود راهزنان شکوه داشت. پیامبر (ص) گفت: ای عدی «حیره» را دیده‌ای؟ گفتم: آن را ندیده‌ام ولی از آن شنیده‌ام. پیامبر (ص) گفت: «فَإِنَّ طَالَتْ بِكَ حَيَاةٌ لِّتَرَيَنَّ الطَّعِينَةَ تَرْتَجِلُ مِنَ الْحَيْرَةِ حَتَّى تَطُوفَ بِالْكَعْبَةِ لَا تَخَافُ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ.»<sup>۱</sup> اگر عمرت طولانی باشد و عمرت وفا کند خواهید دید که زن کجاوه‌نشین از «حیره» راه می‌افتد تا این که خانه کعبه را طواف کند بدون آن که از چیزی به غیر خدا خوف داشته باشد؛ و همچنین به این استدلال کرده‌اند که زنان پیامبر (ص) در آخرین حج عمر بن خطاب (رض) با اجازه عمر به حج رفتند و عمر، عثمان بن عفان و عبدالرحمن بن عوف را همراه آنان نمود و عثمان ندا می‌داد که کسی به کجاوه زنان پیامبر نزدیک نشود.<sup>۲</sup>

مستحب است زن برای حج واجب از شوهر اجازه بگیرد و در صورت ممانعت شوهر، مخالفت با او در حج واجب رواست اما در حج نفلی روا نمی‌باشد.<sup>۳</sup> فقهای حنفیه، شافعیه، مالکیه و امامیه در سفر حج واجب، اجازه شوهر را شرط نمی‌دانند.

۱- صحیح بخاری روایت ۳۵۹۵.

۲- فقه السنه ۱۳۴/۲.

۳- الفقه الاسلامی، جلد ۳، ص ۲۰۸۶، جلد ۱ و فقه السنه، جلد ۱، ص ۵۵۹.

## حج و انواع آن

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ، فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ».<sup>۱</sup>

حج در لغت به معنای قصد و عزم و در اصطلاح شرع به معنای قصد و زیارت خانه خدا با بجا آوردن مناسک و مراسم مختص به آن در میقات و زمان خاص است. حج یکی از پنج رکن اسلام است که پس از فراهم شدن شرایط آن، ادایش بر هر مسلمان در طول عمر، یک مرتبه واجب می‌گردد. به دلیل آن که خداوند متعال می‌فرماید: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا»<sup>۲</sup> در اهمیت حج همین بس که در روایت آمده است: «اگر مسلمانی مستطیع شود و حج بجای نیاورد و بمیرد، شایسته نام مسلمانی نیست و یهودی یا نصرانی از دنیا خواهد رفت.»

به اتفاق مذاهب اسلامی حج بر سه نوع است:

**۱- حج افراد:** حاجی وقت سفر فقط نیت حج می‌کند و برای حج احرام می‌بندد و عمره را با حج جمع نمی‌کند. در این نوع حج، دم شکر بر حاجی واجب نمی‌گردد. بعد از حج می‌تواند عمره بجا آورد. در حج افراد اگر حاجی مستقیم به عرفات برود طواف قدوم از او ساقط می‌شود و در صورت ورود به مکه سنت است طواف قدوم را انجام دهد و در صورتی که سعی را هم انجام دهد از سعی پس از طواف زیارت معاف می‌گردد.

۱- سوره آل عمران، آیات ۹۷-۹۶.

۲- سوره آل عمران، آیه ۹۷.

**۲- حج تمتع:** حاجی در ماه‌های حج (شوال، ذی‌قعدة و دهه اول ذی‌حجه)، نخست احرام عمره می‌بندد و پس از انجام اعمال عمره از لباس احرام خارج و محرمات احرام بر او حلال می‌شود تا روز هشتم ذی‌حجه که دوباره لباس احرام می‌پوشد و مناسک حج را انجام می‌دهد. در این نوع حج، دم شکر بر حاجی واجب می‌گردد. از حج تمتع به حج افراد در صورت ضیق وقت و عذر عادت ماهیانه زنان می‌توان عدول کرد.

برای اهل مکه و اهل حل، حج تمتع و قران جایز نیست و در صورت انجام آن علاوه بر دم شکر، دم کفاره جهت جبران عمل خود باید بپردازند. زائر تمتع نباید به میقات حجش جهت احرام بازگردد، بلکه از حرم، احرام می‌بندد لکن زائر تمتع باید احرام عمره او در ماه‌های حج صورت گرفته باشد و طواف عمره یا بیشتر آن را در ماه‌های حج انجام داده باشد و در همان سفر و سالی که عمره انجام داده، حج را انجام دهد و عمره یا حجش فاسد نگردد و در فاصله بین عمره و حج، به شهرش باز نگردد و از اهالی حرم نیز نباشد. در صورتی که زائر تمتع، هدیه به همراه داشته باشد نباید پس از اعمال عمره از احرام خارج شود بلکه همچون زائر قران در احرام، باقی بماند و اعمال حج قران را انجام دهد.

برای صحت تمتع شرط نیست که در ماه‌های حج احرام بندد یا از میقات احرام بندد بلکه شرط است که طواف عمره تمتع در ماه‌های حج انجام شود لذا اگر زائر آفاقی قبل از ماه‌های حج احرام بست اما طواف را در ماه‌های حج انجام داد و یا بعد از گذشت از میقات احرام بست، احرام او صحیح است اما فدیة دم به دلیل عبور از میقات بدون احرام، بر او واجب می‌گردد.

متمتعی که هدی به همراه ندارد در صورت عدم تمایل به خروج از احرام، می‌تواند قبل از آن که از احرام عمره، با حلق یا تقصیر خارج گردد نیت احرام حج کند و در احرام باقی بماند.<sup>۱</sup>

متمتعی که هدی شکرانه به همراه دارد نمی‌تواند پس از پایان سعی، حلق یا تقصیر انجام دهد و اگر سرش را تراشید حلال نمی‌گردد بلکه باید فدیۀ دم به خاطر حلق قبل از یوم النحر بپردازد. تنها در یک صورت می‌تواند و آن هم در صورتی که اراده کند حج را انجام ندهد. چنین متمتعی اگر هدی خود را ذبح کرد و به وطنش برگشت و در همان سال حج را انجام داد، فدیۀ ای ندارد لکن اگر بعد از حلق یا تقصیر و ذبح، در مکه ماند و یا به خارج از میقات رفت اما به وطن خود نرفت و همان سال حج را انجام داد، متمتع می‌گردد و دو فدیۀ دم باید بپردازد، یکی برای هدی تمتع و دیگری را برای حلق قبل از یوم النحر.

به همین صورت متمتعی که هدی شکرانه به همراه نداشته، اگر بعد از اعمال عمره و خروج از احرام چنانچه به وطن خود برگردد و در همان سال، حج به‌جا آورد متمتع شمرده نمی‌شود لکن اگر از میقات خارج شد اما به وطن خود برنگشت نزد امام ابویوسف و امام محمد، متمتع باقی نمی‌ماند اما نزد امام ابوحنیفه متمتع باقی می‌ماند و دو فدیۀ دم باید بپردازد یکی برای هدی تمتع و دیگری را برای خروج از میقات.<sup>۲</sup> چنین زائری برای وقوف در عرفات باید به حرم آید و از حرم احرام بندد.

**۳- حج قران<sup>۳</sup>:** حاجی، اعمال عمره و حج را با یک نیت و یک احرام از میقات آغاز می‌کند و تا پایان حج از لباس احرام خارج نمی‌شود و تلبیه را نیز تا شروع

۱- ارشاد الساری، ۴۰۶.

۲- ارشاد الساری، ۲۶۲.

۳- قران به معنی اتصال و پیوست است.

رمی جمره عقبه قطع نمی‌کند. لذا از بدو ورود به مکه و انجام اعمال عمره و پس از آن انجام مناسک حج همچون وقوف در عرفات و مزدلفه تا انجام حلق یا تقصیر در روز عید قربان در لباس احرام باقی می‌ماند. در این حج نیز مانند حج تمتع دم شکر واجب می‌باشد. در صورتی که توانایی فدیة را نداشت ده روز را باید روزه بگیرد سه روز بعد از احرام عمره تمتع و حج تا روز عرفه و هفت روز بعد از اتمام حج یا بازگشت به خانه‌اش روزه بگیرد و اگر تا یوم نحر سه روز را روزه نگرفت، فدیة دم نزد امام ابوحنیفه واجب می‌گردد اما نزد امام شافعی و امام مالک می‌تواند بعد از ایام تشریق ده روز را روزه بگیرد.<sup>۱</sup> و اگر زائر تمتع و قران قبل از ذبح فدیة شکرانه، فوت کرد در صورتی که وصیت به فدیة دادن ننموده باشد ذبح فدیة از وی ساقط می‌شود.

بر ارتکاب هر کدام از محرمات احرام نزد احناف، در حج قران، دو دم لازم می‌آید و بر ترک هر یک از واجبات حج فقط یک دم واجب می‌گردد. در حج قران نزد احناف دو طواف و دو سعی باید انجام دهد، یک طواف و سعی برای عمره و یک طواف و سعی برای حج و یک طواف قدوم نیز بعد از طواف و سعی عمره که سنت می‌باشد. اما نزد شافعی، مالک و احمد بن حنبل، یک طواف و یک سعی کفایت می‌کند.

زائر حج قران و متمتعی که هدی به همراه داشته و از لباس احرام خارج نشده باشد، در فاصله بین عمره و حج می‌تواند با احرام به شهر خود مراجعه کند و جهت ادامه حج، مجدد به مکه باز آید؛ اما زائر حج تمتعی که بعد از انجام اعمال عمره تمتع از احرام خارج شده، در فاصله بین عمره تمتع و حج نمی‌تواند به شهر خود مراجعه کند و در صورت بازگشت، متمتع باقی نمی‌ماند و حج تمتع آن باطل می‌گردد.

زائر تمتع فقط می تواند در محدوده میقات از حرم خارج شود. «و إِذَا عَادَ الْمُتَمَتِّعَ إِلَى بَلَدِهِ بَعْدَ فِرَاقِهِ مِنَ الْعُمْرَةِ وَ لَمْ يَكُنْ سَاقِيَ الْهَدْيِ بَطَلَ تَمَتُّعُهُ لِأَنَّهُ أَلَمَ بِأَهْلِهِ فِيمَا بَيْنَ النَّسُكَيْنِ إِمَامًا صَحِيحًا وَ بِذَلِكَ يَبْطُلُ التَّمَتُّعُ وَإِذَا سَاقِيَ الْهَدْيَ فَالْمَامَهُ لَا يَكُونُ صَحِيحًا وَ لَا يَبْطُلُ تَمَتُّعُهُ عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ وَ أَبِي يُوسُفَ رَحِمَهُمَا اللَّهُ»<sup>۱</sup>

زائر حج قران، افراد و متمتعی که به همراه خود هدی دارد بعد از طواف و سعی از احرام خارج نمی شود و تلبیه را نیز تا شروع رمی جمره عقبه قطع نمی کند.

زائر قران و تمتع باید طواف عمره یا اکثر دورهای آن را در ماههای حج انجام دهد و اگر پیش از ماههای حج، عمره بجا آورد، زائر تمتع و قران شمرده نمی شود.

زائر قران، طواف عمره و یا بیشتر آن را باید پیش از وقوف به عرفات انجام دهد اما اگر بیشتر طواف عمره را پیش از وقوف به عرفات انجام داد می تواند باقی طواف عمره را پیش از طواف زیارت تکمیل کند.

زائر اگر به طور مبهم احرام بست و نوع حج را مشخص نکرده باشد برای قارن شدن باید پیش از طواف عمره یا انجام بیشتر دورهای آن نیت احرام حج نماید.

برای ادای حج قران نیز لازم است زائر، طواف عمره یا بیشتر دورهای آن را در ماههای حج و پیش از وقوف به عرفات انجام دهد و پیش از طواف عمره، نیت احرام حج کند، مقیم مکه نباشد، عمره را بر حج مقدم نماید و عمره یا حج را فاسد نگرداند و حش فوت نگردد.<sup>۲</sup>

زائر حج قران و تمتع اگر مستقیم به عرفات رود، دم قران و تمتع ساقط می شود اما دم رفض عمره را باید ادا کند و قضای عمره را نیز به جا آورد.<sup>۳</sup>

۱- شرح فتح القدير ابن همام على الهداية شرح بداية المبتدى مرغيناني. ۱۵/۲

۲- ارشاد الساری، باب القران ۳۶۸-۳۶۰.

۳- هدایه ۲۶۰/۱



امام ابوحنیفه (رح) حج قران را از حج تمتع افضل دانسته و حج تمتع را از حج افراد بهتر می‌داند. حال آنکه در فقه امام شافعی (رح) برعکس ابتدا حج افراد را افضل می‌دانند و پس از آن حج تمتع و در نهایت حج قران، در فقه مالکیه نیز ابتدا حج افراد، افضل دانسته شده و پس از آن، حج قران و در نهایت حج تمتع، اما در فقه حنابله و امامیه، حج تمتع را افضل می‌دانند و پس از آن حج افراد و قران را.

البته بر اهل مکه و اطراف آن، حج افراد واجب است و این بدان جهت است که با توجه به حضورشان در منطقه حرم، چندان مشکلی در احرام حج یا عمره نداشته و می‌توانند در هر زمانی برای حج یا عمره محرم شوند برخلاف کسانی که از راه دور می‌آیند لذا در یک سال می‌توانند عمره و حج را باهم جمع کنند چه به صورت قران و چه به صورت تمتع و از آنجا که برخی از آنها به جهت بعد مسافت و زمان طولانی احرام دچار مشکلات فراوانی می‌شوند و نیرو و فکرشان تحلیل می‌رود و شادابی لازم جهت انجام مناسک را از دست می‌دهند. لذا کسانی که بیرون از محدوده حرم زندگی می‌کنند می‌توانند علاوه بر حج قران، حج تمتع به جا آورند.

## عمره و اقسام آن

«وَأَيُّمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ»<sup>۱</sup>

عمره در لغت به معنای زیارت و قصد مکانی آباد را گویند و در اصطلاح شرع، قصد و آهنگ خانه خدا نمودن را گویند. انجام دادن عمره در مدت عمر یک بار لازم است؛ اما امام ابوحنیفه و امام مالک آن را سنت مؤکده می‌دانند و امام شافعی و امام احمد حکم آن را واجب می‌شمرند؛ و برای کسی که توانایی ندارد و مستطیع نیست، مستحب است!

۱- سوره بقره، آیه ۱۹۶

۲- المسالك في المناسك کرمانی، ۱/۶۱۰-۶۰۹.

عمره ماه مبارک رمضان از عمره سایر ماه‌های سال اولی و بهتر می‌باشد. چون پیامبر اکرم (ص) عمره در ماه رمضان را برابر یک حج دانسته‌اند: «عُمْرَةٌ فِي رَمَضَانَ تَعْدِلُ حَجَّةً»<sup>۱</sup> و فرموده‌اند: از یک عمره تا عمره دیگر، کفاره گناهان بین آن دو است: «الْعُمْرَةُ إِلَى الْعُمْرَةِ كَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهُمَا»<sup>۲</sup>

عمره در تمام سال صحیح است به جز در پنج روز «روز عرفه و روز عید قربان و ایام تشریق (سه روز پس از عید)» که انجام عمره در این ایام مکروه تحریمی است؛ و برای اهالی مکه نیز اگر اراده حج در آن سال را دارند انجام عمره در ماه‌های حج مکروه است.<sup>۳</sup>

امام احمد و امام مالک تکرار عمره در سال را مکروه می‌دانند لکن امام شافعی و امام ابوحنیفه تکرار عمره را در سال مکروه نمی‌دانند.<sup>۴</sup> با این تفاوت که احناف تکرار عمره را در غیر ماه‌های حج مکروه نمی‌دانند و در ماه‌های حج مکروه می‌دانند اما شوافع در ماه‌های حج هم تکرار عمره را مکروه نمی‌دانند.<sup>۵</sup> امامیه نیز در هر ماه یک مرتبه عمره را جایز می‌دانند.

عمره بر دو گونه است:

**الف - عمره مفرده:** به لحاظ زمانی مستقل از حج است و در طول تمام مدت سال می‌توان اعمال آن را به جا آورد.

**ب - عمره تمتع:** وقت عمره تمتع از اول شوال تا هفتم ذی‌الحجه است، معمولاً حاجیانی که برای انجام حج تمتع مشرف می‌شوند، ابتدا باید اعمال عمره تمتع را انجام

۱- صحیح مسلم، حدیث شماره ۱۲۵۶/

۲- صحیح بخاری، حدیث شماره ۱۷۷۳ و صحیح مسلم حدیث ۱۳۴۹.

۳- ارشاد الساری، ۶۵۵. «فصل: فی وقتها (وقت العمرة) أَلَسَنَةُ كُلُّهَا وَقْتُ لَهَا إِلَّا أَنَّهُ يَكْرَهُ تَحْرِيمًا أَنْشَاءَ إِحْرَامِهَا فِي الْأَيَّامِ

الْخَمْسَةِ وَإِنْ أَذَاهَا بِإِحْرَامِ سَابِقٍ لَا يَأْسُ وَيُسْتَحَبُّ أَنْ يُؤَخَّرَ حَتَّى تَمْضِيَ الْأَيَّامُ ثُمَّ يَفْعَلُهَا...»

۴- کتاب الايضاح، ۳۷۸ - ۳۷۹. المسالك في المناسك كرماني، ۶۰۹/۱ - ۶۱۲. البحر العميق في المناسك، ۱۹-۱۳

۵- ارشاد الساری، ۲۵۹.

دهند و سپس از احرام خارج شوند و در روز هشتم ذی‌الحجه مجدد لباس احرام بپوشند و اعمال حج را انجام دهند. اعمال عمره مفرده و تمتع فرقی ندارد، اما چون اعمال عمره در ماه‌های حج (شوال، ذی‌القعدة و ذی‌الحجه) صورت گرفته است جهت شکرانه‌ی ادای عمره و حج در یک سفر (دم‌الشکر) واجب می‌شود و یک دم شکر (قربانی) باید در روز عید قربان ذبح کند. در فاصله‌ی عمره تمتع و اعمال حج انجام عمره مجدد مکروه است و زائر تمتع نیز در صورت همراه داشتن هدی نمی‌تواند از احرام خارج شود. پس از عمره تمتع زائر نباید به وطن خود باز گردد.<sup>۱</sup>

اعمال عمره مفرده و عمره تمتع عبارت‌اند از:

- ۱- احرام ازمیقات
- (الف) غسل یا وضو
  - (ب) پوشیدن لباس احرام
  - (ج) خواندن دو رکعت نماز احرام
  - (د) نیت عمره: خدایا نیت عمره دارم از من بپذیر
  - (هـ) تلبیه گفتن: لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ
  - لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ.

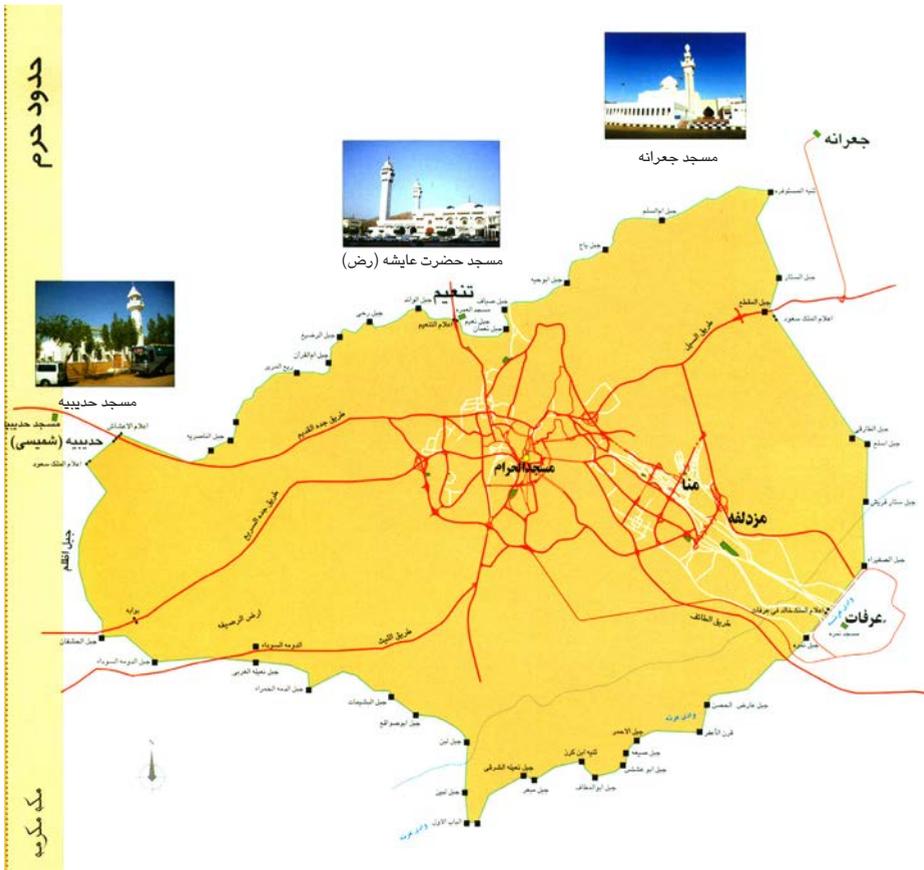
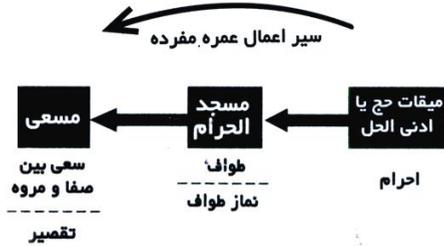
- ۲- طواف
- (الف) نیت طواف
  - (ب) ایستادن روبروی خانه خدا در مقابل حجرالاسود و استلام آن و آغاز طواف
  - (ج) تکمیل هفت دور طواف
  - (د) اضطباع: شانه راست را از زیر احرام بیرون آوردن (ویژه مردان)
  - (هـ) رمل: پهلوانانه راه رفتن (ویژه مردان)

### ۳- نماز طواف

پشت مقام ابراهیم (ع) افضل است و در هر جای دیگر مسجدالحرام و حرم رواست.

- ۴- سعی صفا و مروه
- (الف) نیت
  - (ب) شروع از کوه صفا و پایان در کوه مروه.
  - (ج) تکمیل کردن هفت مرتبه سعی
- ۵- حلق یا تقصیر
- (الف) تراشیدن سر برای مردان افضل است.
  - زنان باید به اندازه یک بند انگشت دست از موهای سر خود را اصلاح و کوتاه نمایند.

## بخش اول: اعمال عمره مفرده و تمتع



## ۱- احرام

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا أُمِّيْنَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا»<sup>۱</sup>.

احرام از باب افعال به معنای ممنوع ساختن و حرام کردن است و در اصطلاح شرع عبارت است از این که انسان به شیوه و برنامه خاص در میقات ورود به سرزمین حرم احرام می بندد و از محرمات احرام اجتناب می ورزد.

احرام در واقع به جواز داخل شدن در مرز حرم خدا با رعایت قوانین و هنجارهای خاص آن حرم را گویند که با پوشیدن لباس احرام و نیت عمره یا حج نمودن و لبیک گفتن تجلی می یابد. احرام را سایر مذاهب اسلامی رکن حج و عمره دانسته اند لکن احناف آن را شرط صحت ادای عمره و حج شمرده اند.

زمان و مکان بستن احرام را میقات می گویند. میقات مرز حرم خداست، همان گونه که انسانها در ارتباط با یکدیگر مرز دارند و نمی توانند در هر زمانی یا مکانی با هر نوع ظاهری یکدیگر را ملاقات کنند. لذا دیدار با خدا و زیارت حرم خدا نیز وقت مشخص «الْحَجُّ أَشْهُؤُ مَعْلُومَاتٌ»<sup>۲</sup> و مرز معینی دارد که بدون رعایت هنجارهای آن محدود نمی توان وارد بر آن شد. «فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ»<sup>۳</sup>.

۱- سوره مائده، آیه ۲. «ای مؤمنان حرمت شعائر الهی و ماههای حرام و قربانیهای بی نشان و نشان دار و زائران بیت الحرام را که از پروردگارشان جویای گشایش معاش و خشنودی او هستید، نگه دارید».

۲- سوره بقره، آیه ۱۹۷.

۳- سوره بقره، آیه ۱۹۷.

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْإِهْلَةِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيْتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ»<sup>۱</sup> درباره هلالها از تو

می‌پرسند، بگو آنها بیانگر اوقات برای مردم و تعیین کننده موسم حج است.

زمان احرام حج شوال، ذی‌قعدة و دهه اول ذی‌حجه است و زمان احرام عمره تمام سال به جز روز عرفه، روز عید قربان و ایام تشریق است؛ و اگر در این چند روز احرام عمره بست، مستحب است که ادای عمره را به تأخیر اندازد. انجام عمره در ماه‌های حج برای اهل مکه که اراده حج دارند نیز مکروه می‌باشد.<sup>۲</sup>

## میقات مکانی



میقات مکانی یعنی جایی که در آن احرام بسته می‌شود. اگرچه قبل از رسیدن به میقات نیز بستن احرام نزد مذاهب اسلامی به‌جز امامیه جایز است، میقات حج اهل

۱- سوره بقره، آیه ۱۸۹.

۲- ارشاد الساری ۶۵۶-۶۵۵.

مکه، حرم و خانه ایشان است و میقات عمره آنان ادنی الحل همچون تنعیم (مسجد عایشه) و جعرانه می باشد؛ اما میقات اهل حل (کسانی که منزلشان داخل میقات پنجگانه است) محل سکونت آن‌ها می باشد؛ و میقات آفاقی‌ها (کسانی که بیرون از محدوده میقات زندگی می کنند) میقات‌های پنج‌گانه زیر است:

۱- «ذوالخلیفه»: میقات مردم مدینه و کسانی است که از آن مسیر به حج می روند و مسجد شجره آنجاست. ۴۵۰ کیلومتر با مکه مکرمه فاصله دارد. دورترین میقات، میقات اهل مدینه است و در واقع حرم مکی به حرم مدنی وصل است.

۲- «جُحْفَه»: میقات اهل شام و مغرب و مصر و کسانی است که از جده به مکه می آیند. مردم امروزه از رابع احرام می بندند و رابع در فاصله ۱۸۳ کیلومتری مکه مکرمه واقع است.

۳- «قَرْنُ الْمَنَازِل»: میقات کسانی است که از مسیر کشورهای حاشیه خلیج فارس به مکه می آیند. امروزه به آن «السیل الکبیر» گفته می شود که ۷۵ کیلومتر با مکه مکرمه فاصله دارد.

۴- «ذاتُ عِرْق»: میقات کسانی است که از مسیر عراق وارد می شوند؛ و ۹۴ کیلومتر با مکه مکرمه فاصله دارد.

۵- «یَلَمَلَم»: میقات مردم یمن و کشورهای جنوب آسیا است؛ و امروز مردم از «السعدیه» که ۹۲ کیلومتر با مکه فاصله دارد احرام می بندند.

زائران ایرانی اگر مدینه قبل باشند، پس از زیارت مرقد نبی اکرم (ص) و حرکت به سمت مکه، در مسجد شجره محرم می شوند. بدین صورت که در هتل غسل نموده و لباس احرام را بپوشند و در مسجد شجره، نماز خوانند و نیت احرام کنند؛ و



اگر «مدینه بعد»<sup>۱</sup> باشند و مستقیماً از فرودگاه جده وارد مکه مکرمه می‌شوند، چون هنگام پرواز از میقات عبور می‌کنند و باید در آن لحظه محرم باشند، لذا بهتر است در فرودگاه مبدأ قبل از پرواز لباس احرام بپوشند و نیت عمره یا حج و تلبیه گفتن را در هنگامی که هواپیما پرواز نماید و به محدوده میقات حرم برسد، انجام دهند تا در صورت تأخیر یا عدم انجام پرواز دچار مشکل نشوند.

کیفیت احرام بدین صورت است که:

### ۱- ابتدا زائر اقدام به طهارت و نظافت خود می‌کند.

سنت است زائر قبل از احرام، غسل و استحمام کند و ناخن‌های خود را بگیرد و موهای زائد را از بین ببرد و در صورت نبود امکانات، وضو بگیرد و قبل از نیت احرام، سر و روی خود را شانه نماید و از مواد خوشبوکننده مانند عطر و ادکلن استفاده کند. چون رعایت نظافت، موجبات نشاط انسان در انجام مناسک را فراهم می‌کند.

غسل احرام، غسل نظافت است نه طهارت، به همین سبب زنانی که عذر شرعی دارند نیز موظف به غسل نظافت می‌باشند. چنان‌که اسماء بنت عمیس همسر ابوبکر (رض) در ذوالحلیفه، چون محمد بن ابوبکر را زایمان نمود، پیامبر (ص) فرمود: «اغْتَسِلِي وَاسْتَثْفِرِي بِثَوْبٍ وَ أَحْرِمِي»<sup>۲</sup> غسل کن و خود را با پارچه‌ای ببند (نوار بهداشتی) و نیت احرام کن.

### ۲- پس از آن اقدام به پوشیدن لباس احرام می‌نماید: مردان باید

لباس‌های دوخته شده حتی زیرپوش و شورت و جوراب را از تن بیرون آورند و دو پارچه ندوخته یا دو حوله را بر تن کنند که یکی را مانند لنگ بر کمر ببندند و دیگری را بر

۱- زائران مسلمان شیعه امامی به «جُحْفَه» رفته و در آنجا محرم می‌شوند. آنان احرام قبل از میقات را جایز نمی‌دانند و در صورت عبور از میقات و عدم رجوع، چنین احرام و حجی را باطل می‌دانند.

۲- صحیح مسلم، حدیث شماره ۱۲۱۸.

روی شانه‌ها اندازند. بهتر است لباس احرام سفید و تمیز باشد چون پیامبر (ص) فرمودند: لباس سفید بپوشید و مرده‌های خود را نیز در آن کفن نمایید.<sup>۱</sup> همچنین به‌جای کفش یک جفت دمپایی بپوشند به‌طوری که قوزک و برآمدگی روی پاها پوشیده نشود. مگر در صورتی که زائر بیت‌الله الحرام ازار یا نعلین نیافت می‌تواند بیجامه و موزه بپوشد چون پیامبر (ص) فرموده است: «إِذَا لَمْ يَجِدِ الْمُسْلِمُ إِزَارًا فَلْيَلْبَسِ السَّرَاوِيلَ وَإِذَا لَمْ يَجِدِ النَّعْلَيْنِ فَلْيَلْبَسِ الْخُفَّيْنِ»<sup>۲</sup> هر مسلمانی که ازار نیافت بیجامه بپوشد و اگر نعلین نیافت خف (موزه) بپوشد؛ که لازم است موزه به صورتی بریده شود تا پشت پا نمایان گردد. خانم‌ها برعکس آقایان می‌توانند لباس دوخته تمیز بپوشند و از کفش و جوراب استفاده کنند، بهتر است لباس احرام آنان نیز سفید باشد. فقط اجازه پوشاندن صورت خود را ندارند و اگر ضرورت استفاده از روبند به دلیل نگاه نامحرم پیش آمد، روبند نباید با پوست صورت آن‌ها تماس گیرد.

حالت حیض و نفاس مانع محرم شدن نمی‌شود بلکه زن حائض می‌تواند غسل کند و احرام ببندد و تمام مناسک حج را انجام دهد به‌جز ورود به مسجدالحرام، طواف کعبه و نماز گزاردن.

در مدینه منوره اگر زن عادت ماهیانه داشت، حق رفتن به مسجد النبی را ندارد و باید صبر کند تا پاک شود و پس از غسل و طهارت به زیارت مسجد النبی و مرقد مطهر حضرت رسول (ص) رود.

۱- ارشاد الساری، ۱۱۰ به نقل از سنن ابن ماجه، ۳۵۶۷. تفسیر ابن کثیر ۴۲/۳. الدر المنثور السیوطی ۷۹/۳.

۲- سنن ترمذی، حدیث ۸۴۳. و صحیح بخاری، حدیث ۱۸۴۱.

چون ایستادن زن حائض در مسجد شجره حرام است لذا خانم‌ها می‌توانند از هتل محل اقامت در مدینه، محرم شوند و یا در بیرون مسجد شجره، نیت حج یا عمره را نمایند و لبیک گفتن را شروع کنند.

زائر اگر از میقات بدون احرام عبور کرد و لباس احرام نپوشید یا نیت احرام ننمود در صورت امکان واجب است به میقات برگردد و از آنجا محرم شود و در غیر این صورت فدیة (دم) واجب می‌گردد. چنانچه زائری از میقات بگذرد و در مسیرش میقات دیگری نباشد دم لازم می‌گردد لکن اگر میقات دیگری در مسیر بود و از ارتکاب محرمات احرام نیز در امان نبود بهتر است احرام را تا میقات آخر به تأخیر اندازد.

### ۳- ادای دو رکعت نماز احرام: بعد از پوشیدن لباس احرام، دو رکعت نماز به

نیت سنت احرام ادا نماید. چون مستحب است که احرام بعد از نماز صورت پذیرد، فرقی ندارد که احرام پس از نمازهای پنج‌گانه باشد و یا دو رکعت نماز نافله به نیت احرام بخواند. نماز احرام در اوقات مکروه نزد فقهای مذاهب اسلامی به‌جز امامیه نارواست.

### ۴- نیت کردن: پس از ادای دو رکعت نماز، نیت احرام کرده و در نیت، نوع

حج یا عمره خود را مشخص نماید؛ و بهتر است علاوه بر اراده قلبی، نیت خود را به زبان آورد. لذا اگر نیت عمره دارد می‌گوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْعُمْرَةَ، فَيسِّرْهَا وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي» یعنی: خدایا، قصد زیارت عمره خانهات را دارم، بر من آسان کن و از من بپذیر. و اگر نیت حج افراد را دارد می‌گوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْحَجَّ، فَيسِّرْهُ لِي وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي» یعنی: خدایا، نیت زیارت حج خانهات را دارم، پس بر من آسان کن و از من بپذیر.

و اگر نیت «حج قران» را دارد می گوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْعُمْرَةَ وَالْحَجَّ، فَيسَّرْهُمَا لِي وَتَقَبَّلْهُمَا مِنِّي» یعنی: خدایا نیت عمره و حج خانهات را دارم، پس بر من این دو را آسان کن و از من بپذیر.

اگر نیت حج یا عمره از طرف دیگری دارد بگوید: نیت حج یا عمره نمودم از طرف فلانی.

لازم نیست نیت به زبان عربی باشد. لذا زائر می تواند با زبان بی زبانی خود نیز اراده اش را برای خالقش بیان کند.

شرط خروج از احرام به خاطر بیماری یا چیزی دیگر نزد امام شافعی و حنابله جایز است اما نزد امام ابوحنیفه و مالکیه جایز نمی باشد. چون در فقه امام ابوحنیفه، در صورت پیش آمدن مانع مانند بیماری و... زائر بدون شرط خروج از احرام می تواند از احرام خارج شود و نیازی به شرط خروج ندارد که در بحث «احصار» به آن پرداخته ایم.

اگر مطلق نیت احرام کرد و نوع حج یا عمره را مشخص ننمود، احرام جایز است لکن اگر این احرام در غیر ماه های حج باشد، عمره می گردد و اگر در ماه های حج بود باید نوع آن را مشخص نماید.

فسخ احرام حج و تبدیل آن به عمره قبل از شروع اعمال حج، نزد امام ابوحنیفه، امام مالک و امام شافعی جایز نیست اما نزد حنابله و امامیه جایز است.<sup>۱</sup>

اگر احرام عمره به تنهایی در ماه های حج بست اما قبل از شروع طواف، احرام حج نمود، احرامش درست است و حاجی قران می گردد؛ و در صورتی که اکثر طواف عمره را انجام داده باشد، با افزودن احرام حج، حاجی متمتع می گردد.<sup>۲</sup>

۱- ارشاد الساری، ص ۴۲۰.

۲- ارشاد الساری، ص ۴۱۶.

اگر نیت دو حج یا دو عمره نمود فقط یکی واجب می‌گردد و ادا می‌شود. اگر نیت حج کرد اما لیکن عمره گفت یا نیت عمره کرد اما لیکن حج گفت، آنچه نیت کرده درست است نه تلبیه‌ای که گفته است.

برای بیهوش یا خوابیده در اثر بیماری، همراه او می‌تواند نیت احرام کند و تلبیه گوید بعد از به هوش آمدن و بیدار شدن لازم است مناسک را خود فرد انجام دهد و اگر به هوش نیامد یا بعد از احرام بیهوش شد، لازم است به کمک همراه، وقوف در عرفات و طواف زیارت را انجام دهد و بقیه مناسک را به نیابت از او، همراهش انجام دهد.

**۵- تلبیه گفتن:** شخص محرم باید متصل به نیت، تلبیه گوید، چون تلبیه جزئی از نیت احرام است. گفتن یک مرتبه تلبیه فرض است و تکرار آن سنت است. «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ، لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ.»<sup>۱</sup> من در خدمت حاضر، پروردگارا من حاضر، تو شریک نداری، من حاضر، همه ستایش‌ها و نعمت و پادشاهی مخصوص توست، تو را شریکی نیست.

مستحب است که تلبیه به آواز بلند گفته شود ولی در جایی که اذیت دیگران را به دنبال داشته باشد مثلاً در مسجد که دیگران مشغول نمازند یا در مسیر راه که دیگران در حال استراحتند یا بیماری همراه است و همچنین برای خانم‌ها در حضور نامحرم لازم است که آهسته گفته شود.

زائر در حج واجب تا شروع رمی جمره عقبه، تلبیه گوید<sup>۲</sup> و زائر عمره گزار هنگامی که خانه خدا را دید و به روایتی در شروع طواف، باید لیکن گفتن را ترک کند. لکن نزد امامیه و مالکیه در عمره با دیدن کعبه و به روایتی با دیدن شهر مکه،

۱- صحیح بخاری، حدیث ۱۵۴۹.

۲- صحیح بخاری، حدیث ۱۶۸۵.

تلبیه را قطع می‌کنند و در حج واجب نیز در زوال روز عرفه، تلبیه گفتن را ترک می‌کند. به‌جای تلبیه گفتن، تکبیر و تسبیح نیز می‌توان گفت و تلبیه را هر زائر با زبان خود نیز می‌تواند ادا کند.

مستحب است که حاجی هر وقت از گفتن تلبیه فراغت حاصل کرد، بر پیامبر (ص) صلوات و درود بفرستد و دعا کند.

نیت و تعیین نوع احرام و یک‌مرته تلبیه گفتن از شرایط صحّت احرام است و احرام از میقات و ترک محرمات از واجبات احرام می‌باشد.

نزد امام شافعی و امام احمد، احرام با نیت منعقد می‌شود و گفتن تلبیه سنت است. اما نزد امام ابوحنیفه و امام مالک، تلبیه یا آنچه جایگزین آن می‌گردد مانند تسبیح یا هدی از شروط صحت احرام است. لذا اگر نیت احرام کرد اما تلبیه نگفت یا هدی به همراه نداشت، احرام او صحیح نیست چون احرام را مرکب از مجموع نیت و عملی از اعمال حج می‌دانند. لکن اگر نیت حج کرد و هدی به همراه داشت اگر تلبیه نگفت یا به تأخیر انداخت، دم واجب می‌گردد.

چون پیامبر (ص) گفت: جبرئیل (ع) نزد من آمد و گفت: «مُرْ أَصْحَابَكَ فَلْيَرَفَعُوا أَصْوَاتَهُمْ بِالتَّلْبِيَةِ فَإِنَّهَا مِنْ شَعَائِرِ الْحَجِّ»<sup>۱</sup> به یارانت بگو صدایشان را با گفتن تلبیه بلند کنند و آن را آشکار بگویند زیرا تلبیه از جمله شعائر و مراسم حج است.

۱- فقه السنة، ۱۶۵/۲، سنن ابن ماجه، حدیث شماره ۳۰۳۵، سلسلة الاحادیث البانی، حدیث ۸۳۰.

## محرمات احرام

«الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ»<sup>۱</sup>.

برای وارد شدن به حرم، تشریفات خاص و آداب ویژه‌ای است که بدون رعایت آنها، ورود به حرم ممنوع است؛ بنابراین هر کس بخواهد وارد این سرزمین مقدس شود ضمن آن که باید لباس احرام بپوشد و تلبیه گوید، از هرگونه محرمات احرام پرهیز نماید و حرمت حرم را نگه دارد و از هر آنچه مرضی خدا نیست و از آن نهی کرده اجتناب کند به ویژه از ظلم و تعدی به حقوق بندگان خدا پرهیزد. «وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ»<sup>۲</sup> چون هر کس بخواهد در این سرزمین از راه حق منحرف گردد و دست به ستم بیالاید، عذابی دردناک به او می‌چشانیم و این از ویژگی‌های این شهر است که خداوند بر اراده معصیت نیز انسان را مجازات می‌کند، آن گونه که اصحاب فیل چون اراده کردند کعبه را خراب کنند، خداوند آنها را عذاب کرد پیش از آن که کاری را انجام دهند.

پس از محرم شدن امور ذیل بر زائر حرام است:

۱) پوشیدن هر نوع لباس دوخته برای مردان مثل پیراهن، زیرپوش، شلوار و شورت و جوراب و ... چون پیامبر (ص) فرمود: «لَا يَلْبَسُ الْقَمِيصُ وَلَا الْعَمَائِمَ وَ

۱- سوره بقره، آیه ۱۹۷. موسم حج، ماههای معین و معلومی است پس هر کس که در آن ماهها عهده دار حج شود باید بداند که آمیزش جنسی و نافرمانی و مجادله در حج روا نیست. و هر خیری که انجام دهید خداوند آن را می‌داند و توشه برگزید و بدانید که بهترین توشه، تقوی است و ای خردمندان از من پروا کنید.

۲- سوره حج، آیه ۲۵. و هر کس در آن از سر ستمگری قصد کزروی کند به او عذابی دردناک می‌چشانیم.

لَا السَّرَاوِيَّاتِ وَ...<sup>۱</sup> محرم انواع پیراهن، دستار، شلوار، عبا و موزه را نپوشد مگر کسی که نعلین را نیابد می‌تواند از موزه استفاده کند و باید پاشنه‌های هر دو موزه را قطع نماید.

۲) پوشاندن سر و صورت برای مردان و پوشاندن صورت برای خانم‌ها در خواب و بیداری. چون پیامبر (ص) فرمود: «إِحْرَامُ الرَّجُلِ فِي رَأْسِهِ وَ وَجْهِهِ وَإِحْرَامُ الْمَرْأَةِ فِي وَجْهِهَا»<sup>۲</sup>

۳) پوشیدن کفشی که پشت پا و شتالنگ را برای آقایان بپوشاند. کفش دوخته ایرادی ندارد چون پیامبر (ص) فرمود: «... فَلْيَلْبَسِ الْخُفَّيْنِ وَ لِيَقْطَعْهُمَا أَسْفَلَ مِنَ الْكَعْبَيْنِ»<sup>۳</sup>

۴) کوتاه کردن، تراشیدن یا کندن موی سر و صورت و سایر اندام بدن و گرفتن ناخن به دلیل آیه «وَلَا تَحْلِقُوا رُؤُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ...»<sup>۴</sup> و آیه «ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ»<sup>۵</sup>

۵) آرایش کردن و استفاده از عطر و ادکلن و هر شیء معطر و خوشبوکننده مانند کرم، حنا و مالیدن روغن معطر بر عضو کامل چون پیامبر (ص) فرمود: «لَا تُخْمِرُوا رَأْسَهُ وَ لَا تُقْرِبُوهُ طَيِّبًا فَإِنَّهُ يَبْعَثُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُلَبَّبًا»<sup>۶</sup> سرش را نپوشانید و خوشبو نزنید چون در روز قیامت لبیک گویان برانگیخته می‌شود.

۱- بدایع الصنایع کاشانی، ۲/۲۷۲.

۲- بدایع الصنایع کاشانی، ۲/۲۷۸ و صحیح بخاری، حدیث ۱۵۴۲.

۳- صحیح بخاری، حدیث ۱۵۴۲ و صحیح مسلم حدیث ۲۸۵۰.

۴- سوره بقره، آیه ۱۹۶.

۵- سوره حج، آیه ۲۹.

۶- بدایع الصنایع، ۲/۲۸۴.



۶) استمناء و عمل زناشویی (جماع) و مقدمات آن از قبیل سخن گفتن از مسائل جنسی، بوسیدن و... عمل زناشویی قبل از وقوف در عرفات در حج و قبل از طواف در عمره، نزد امام ابوحنیفه (رض) حج و عمره را فاسد و باطل می‌گرداند.

۷) جدال، مناقشه و درگیری و نزاع با دیگران و ارتکاب معاصی همچون فحاشی، دروغ، غیبت و تهمت و... به دلیل آیه «فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ»<sup>۱</sup>

۸) شکارکردن و راهنمایی بر شکار حیوانات صحرائی اعم از چرنده و پرنده. لکن کشتن حیوانات موذی مانند مار و کژدم و... و ذبح حیوانات و پرندگان اهلی مانند گوسفند و مرغ و... و حیوانات دریایی اشکال ندارد. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ ... أَجَلٌ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ وَحُرْمٌ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا»<sup>۲</sup> به دلیل آنکه احرام و حرم در خشکی است. صید محرم مانند گوشت مرده برای هیچ کس حلال نیست لکن خوردن صید غیر محرم در صورتی که برای او و به اشاره محرم انجام نشده باشد جایز است.

۹) قطع و کندن درخت و گیاه حرم. (این امر اختصاص به محرم ندارد بر غیر محرم نیز حرام است). در حرمت صید و قطع درخت فرقی بین حرم مکه و مدینه وجود ندارد فقط برصید و قطع درخت و گیاه مدینه فدیة لازم نمی‌آید چون پیامبر (ص) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ مَكَّةَ ... لَا يُخْتَلَى خَلَاهَا وَلَا يُعْضَدُ شَجَرُهَا...»<sup>۳</sup>

«الْمَدِينَةُ حَرْمٌ مِّنْ كَذَا إِلَى كَذَا. لَا يُقَطَّعُ شَجَرُهَا...»<sup>۴</sup> مدینه از فلان نقطه تا فلان نقطه، حرم است، درخت آن بریده نشود و ظلم و تجاوزی در آنجا انجام نگیرد، هرکس در مدینه ظلم و تجاوز کند لعنت خدا، فرشتگان و همه مردم بر او باد.

۱- سوره بقره، آیه ۱۹۷.

۲- سوره مانده، آیات ۹۶-۹۵.

۳- صحیح بخاری حدیث ۱۸۳۳.

۴- صحیح بخاری حدیث ۱۸۶۷.

ارتکاب هر یک از محرمات به جز عمل زناشویی (که اگر در حج پیش از وقوف عرفات رخ دهد و در عمره پیش از طواف) حج و عمره را باطل می‌گرداند. سایر محرمات، مبطل حج و عمره نبوده بلکه با ارتکاب آن فدیة واجب می‌گردد.

لازم به ذکر است که احرام، محرمیت زندگی زناشویی را باطل نمی‌سازد و از بین نمی‌برد که نیاز به انجام عملی داشته باشد تا محرمیت دوباره به زندگی باز گردد بلکه زن و مرد مَحْرَم یکدیگر بوده و می‌توانند درطول احرام یاریگر و همیار یکدیگر باشند و فلسفه داشتنِ مَحْرَم برای بانوان نیز همین است.

فقط انجام عمل زناشویی یا هرگونه عملی که مقدمه آن محسوب می‌شود و موجبات غفلت از نام و یاد الهی را فراهم می‌سازد از محرمات احرام شمرده می‌شود که با پایان یافتن اعمال عمره و حج، آن نیز همچون بعضی از محرمات دیگر از انسان برداشته می‌شود و انسان می‌تواند عمل زناشویی داشته باشد و لباس معمولیش را بپوشد و از خوشبویی و زیبایی‌های طبیعت استفاده کند.

لکن بعضی از محرمات که بستر ساز اصلاح رفتار انسان است پس از خارج شدن از لباس احرام نیز حرام بوده، فقط ارتکاب آنها در بیرون لباس احرام، فدیة ندارد اما معصیت و گناه شمرده می‌شوند مانند فحاشی، ناسزاگویی، تهمت و غیبت یا آسیب رساندن به خود یا دیگران و طبیعت.

در فاصله بین عمره تمتع و حج، عمل زناشویی جایز است و نزد همه مذاهب رجوع به زن مطلقه برای مرد مَحْرَم جایز است.

شکار حیوانات و قطع درختان و گیاهان مدینه همچون مکه حرام است. چون پیامبر(ص) فرمود: ابراهیم (ع) مکه را حرم قرار داد و من مدینه را حرم قرار می‌دهم.<sup>۱</sup> غیر از این دو مکان حرمی در دنیا وجود ندارد.

۱- صحیح بخاری، حدیث شماره ۲۱۲۹، و صحیح مسلم حدیث شماره ۱۳۶۰.

## مباحات احرام

در فقه حنفی انجام امور ذیل اشکالی ندارد و برای مُحرم رواست تا آنها را انجام دهد:

- ۱- استحمام و دوش گرفتن، استحمام و غسل به خاطر جنابت واجب است و غسل برای انجام برخی از مناسک مانند ورود به مکه، ورود به عرفات و... سنت است.
- ۲- رعایت بهداشت فردی و اجتماعی و استفاده از لوازم بهداشتی در دستشویی و حمام مانند صابون، مایع دستشویی، شامپو (بدون بوی خوش) و خمیر دندان در مسواک زدن.
- ۳- پوشیدن ساعت، عینک و انگشتر و برای زنان، پوشیدن زیورآلات معمولی و همیشگی آنان.
- ۴- کشتن حیوانات و حشرات موذی مانند عقرب، کژدم، مار، موش، سگ هار، سوسک، پشه، مگس و...
- ۵- صید حیوانات دریایی و ذبح حیوانات و پرندگان اهلی.
- ۶- سخن گفتن و شعر سرودن، لکن بهتر است کمتر سخن گوید تا گرفتار لغویات و دروغ نشود.
- ۷- کشیدن سرمه ای که معطر نبوده و برای زینت نباشد. همچون قطره چشم رواست.
- ۸- نگاه در آینه، لکن نگاه در آینه برای زینت و آرایش کراهت دارد.
- ۹- زیر سایه رفتن و استفاده از چتر جهت صیانت از باران یا حرارت گرما در حرکت و توقف اشکالی ندارد لکن نزد امامیه زیر سایه رفتن مردان در حال حرکت حرام است؛ و نزد حنابله و مالکیه مکروه می باشد.

- ۱۰- کمر بند داشتن و گره زدن ازار به خاطر پوشیدن عورت. کمر بند دوخته نیز ایرادی ندارد.
- ۱۱- حمل سلاح و جنگ با دشمن در وقت ضرورت.
- ۱۲- گرفتن ناخن شکسته شده یا مژه چشم در صورتی که باعث اذیت محرم شده باشد.
- ۱۳- تزریق آمپول و گرفتن خون به دلیل بیماری.
- ۱۴- پانسمان زخم بدن و استفاده از جوراب و اریس در ساق و انواع زانو بند و... برای محرم به علت عذر اشکالی ندارد.
- ۱۵- حجامت، ختنه کردن و کشیدن دندان در صورت عذر.
- ۱۶- به نکاح گرفتن و به عقد نکاح درآوردن و شاهد بر عقد شدن. نزد امام ابوحنیفه، مالک، احمد اشکال ندارد و چنین عقدی صحیح است اما نزد شوافع و امامیه جایز نیست و نکاح نیز منعقد نمی گردد. نزد همه مذاهب، رجوع به زن مطلقه برای مرد محرم جایز است.
- ۱۷- پوشیدن دستکش برای زنان نزد احناف جایز ولی نزد سایر مذاهب جایز نیست.
- ۱۸- پوشاندن صورت زنان در صورت نیاز، مانند عبور از کنار مردان اجنبی جایز است به شرط آن که ساتر با صورت آنان تماس نداشته باشد.
- ۱۹- در صورتی که لباس احرام کثیف شده باشد زائر می تواند آن را بشوید و تمیز کند و یا تعویض کند.
- ۲۰- استفاده از پودر و پماد برای کسی که عرق سوز شده ایرادی ندارد اما استفاده از کرم ضد آفتاب در صورتی که بو داشته باشد نزد احناف جایز نیست لکن نزد شوافع مطلقاً جایز نمی باشد.

### سنن حج نزد احناف:

- ۱- غسل قبل از احرام
- ۲- استعمال خوشبویی قبل از احرام
- ۳- دو رکعت نماز احرام
- ۴- به کثرت لبیک گفتن پس از احرام
- ۵- ورود به مسجد الحرام از باب السلام
- ۶- طواف قدوم برای زائر آفاقی حج افراد و قران
- ۷- دعا کردن هنگام دیدن بیت الله الحرام، تکبیر و تهلیل گفتن
- ۸- استلام حجرالاسود
- ۹- نزدیک کعبه طواف کردن
- ۱۰- استلام رکن یمانی
- ۱۱- موالات در طواف و سعی و بین آن دو
- ۱۲- اضطباع: شانه راست را هنگام طواف عریان نمودن
- ۱۳- رمل یا پهلوانانه طواف نمودن در سه دور اول طوافی که بعد از آن سعی باشد و هروله (مقداری تندتر گام برداشتن) میان دو چراغ سبز در سعی برای مردان
- ۱۴- به ملتزم چسبیدن
- ۱۵- نوشیدن آب زمزم
- ۱۶- نگاه به بیت الله نمودن
- ۱۷- غسل کردن قبل از انجام برخی مناسک به ویژه هنگام ورود به مکه و عرفات
- ۱۸- خواندن یک خطبه روز هفتم جهت بیان احکام حج
- ۱۹- خروج از مکه به منی در روز هشتم و بیتوته در منی شب عرفه
- ۲۰- رفتن به عرفات بعد از طلوع خورشید روز نهم از منی

- ۲۱- جمع نماز ظهر و عصر در عرفات
- ۲۲- خواندن دو خطبه روز عرفه قبل از نماز ظهر و عصر
- ۲۳- نزدیک جبل الرحمة قرار گرفتن
- ۲۴- بیتوته شب دهم در مزدلفه و خارج شدن از آن قبل از طلوع خورشید
- ۲۵- رمی جمره عقبه در روز دهم بعد از طلوع خورشید تا زوال
- ۲۶- انجام طواف زیارت در روز دهم
- ۲۷- بیتوته در منی در شب های یازدهم و دوازدهم
- ۲۸- رمی جمرات سه گانه در روز یازدهم و دوازدهم بعد از زوال
- ۲۹- خواندن یک خطبه در روز یازدهم
- ۳۰- ترتیب رمی جمرات سه گانه

### مکروهات حج

- ترک هر واجب، مکروه تحریمی و ترک هر سنت مؤکده، کراهت تنزیهی است.
- ۱- احرام قبل از ماههای حج و قبل از میقات مکانی حج، چنانچه زائر بر نفس خود مسلط نباشد و نتواند محرمان را رعایت کند، مکروه می باشد.
- ۲- استحمام همراه با کیسه کشیدن جهت زدودن چرک و لوازم بهداشتی که خوشبویی بر آن غالب است، مکروه است.
- ۳- بوئیدن عطر و ادکلن و مواد خوشبویی مانند نشستن در عطر فروشی جهت بوئیدن
- ۴- شانه کردن سر و خاراندن آن به صورتی که منجر به کندن موی زیاد سر گردد.
- ۵- ترک هر کدام از سنن حج مانند ترک غسل قبل از احرام، ترک نماز احرام یا احرام در لباس سیاه و چرکین، سواره سعی کردن در صورت عدم عذر، یا فاصله زیاد بین دورهای طواف و سعی انداختن (ترک موالات)، خوردن در طواف، بیهوده سخن گفتن در طواف و سعی، خرید و فروش در طواف و سعی، بیتوته در

شب عرفه در غیر منا، تاخیر در وقوف در عرفه بدون عذر، خواندن خطبه قبل از زوال در عرفات، عدم مشغولیت به ذکر، دعا و تلبیه و تلاوت در هنگام وقوف، ترک بیتوته شب دهم در مزدلفه، بیتوته در بیرون از منا در شب های یازدهم و دوازدهم بدون عذر، وقوف در وادی عرنه و وادی محسر، زدن جمرات با سنگریزه ای که یک بار مصرف شده یا ناپاک باشد و یا از حد معمول بزرگتر باشد، اکتفا بر یک چهارم سر در حلق و تقصیر و تراشیدن تمام سر، رمی جمرات سه گانه قبل از زوال و بعد از غروب تا طلوع فجر و... مکروه می باشد.

## ۲- طواف

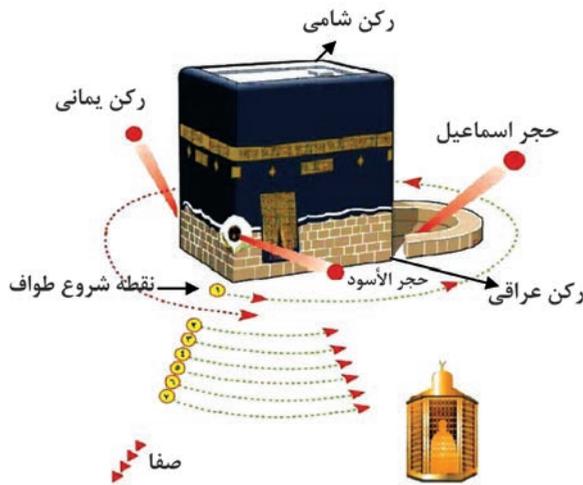
«وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ»<sup>۱</sup>

دومین عمل عمره طواف خانه خداست. کسی که برای انجام عمل عمره محرم می گردد و وارد مکه می شود باید به نیت طواف هفت مرتبه دور خانه کعبه بگردد که هر دور را یک شوط می نامند. واجب است طواف کننده با بدن و لباس پاک و تمیز اقدام به طواف کند در بدو ورود به مسجد الحرام، نماز نفل تحية المسجد نخواند بلکه باید طواف را آغاز کند و همین طواف در مسجد الحرام جایگزین نماز نفل می گردد و در صورتی که نگران از قضاء نماز فرض باشد یا جماعت در حال اقامه باشد طواف را پس از آن انجام دهد. طواف در تمام اوقات شبانه روز جایز است حتی در اوقاتی که نماز مکروه است، به جز وقت خطبه نماز جمعه و موقع نماز جماعت که در این دو وقت طواف مکروه است.

۱- سوره حج، آیه ۲۹ «و پیرامون بیت العتیق طواف کنند.»

زائر قبل از شروع طواف، مقابل حجرالاسود که روبروی آن چراغ سبزی است و در گذشته خط سیاهی به موازات آن کشیده شده بود، بایستد و چنین نیت طواف کند: «خدایا اراده طواف خانه کعبه را دارم، بر من آسان کن و از من بپذیر.»

پس از آن اگر استلام (بوسیدن) حجرالاسود ممکن بود استلام نماید و اگر آزار و اذیت دیگران را به دنبال داشته باشد، با دست به آن اشاره کند و بگوید: «بسم الله، الله اکبر و لله الحمد» و طواف خود را شروع نماید. چنان که حضرت سعد بن ابی وقاص (رض) به خانم‌ها می‌گفت: اگر فرجه‌ای فراهم شد استلام نمایید و در غیر این صورت تکبیر گویند و حرکت نمایند.<sup>۱</sup>



در حین طواف، کعبه در سمت چپ طواف کننده قرارگیرد. نقطه آغاز و پایان طواف حجرالاسود است، یعنی هفت دور طواف مقابل حجرالاسود به پایان می‌رسد. قطع طواف برای نماز جماعت جایز است و پس از خاتمه ی نماز از همان نقطه طواف خود را ادامه دهد و آن را به پایان رساند نشستن و قدری استراحت کردن برای رفع خستگی در طواف جایز است.

۱- السنن الكبرى للبيهقي ۸۱/۵، والام للشافعي ۱۸۸/۲ روایت ۹۵۹.



هنگام شک در دوره های طواف، باید بنا را بر اقل گذاشت.

مردان در حین شروع طواف، چادر احرام را از زیر بغل راست آورده و به شانه چپ اندازند که به آن «اضطباع» گویند لکن پس از پایان طواف، اضطباع را ترک کند و شانه ها را پوشانده و نماز طواف بخوانند. مردان در سه دور اول طوافی که بعد از آن سعی باشد، پهلوانانه طواف نمایند که به آن «رمل» گویند. در صورت ازدحام و اذیت دیگران «رمل» لازم نیست؛ و هر طوافی که بعد از آن سعی نباشد در آن «اضطباع» و «رمل» سنت نمی باشد. «اضطباع» و «رمل» برای طواف کنندگان زن جایز نیست. چون فلسفه دستور به پهلوانانه و رمل در سه دور اول طواف، پاسخ به شایعه روانی مشرکان مکه بود که گفتند: این ها را تب مدینه ناتوان کرده لذا پیامبر (ص) چنین دستوری داد و چون مشرکان مسلمانان را دیدند که با هروله می روند گفتند: اینان که شما می گفتید بر اثر تب مدینه ناتوان شده اند، از ما قوی ترند.<sup>۱</sup> و این گونه جنگ روانی مشرکان خنثی شد.

عبورکردن طواف کننده از فضای باز میان حجر اسماعیل جایز نیست، زیرا حجر اسماعیل (حطیم) جزء خانه ی خداست و اگر هنگام طواف از آنجا عبور کرد طواف او درست نمی باشد و باید آن را اعاده کند. خواندن نماز فرض نیز در آنجا در حین جماعت جایز نیست.

- مستحب است رکن یمانی را نیز با دست لمس کند. استلام رکن عراقی و رکن شامی جایز نیست چون بر مبنای ساخت ابراهیم (ع) نیستند و استلام حجرا لاسود و رکن یمانی برای زنان مستحب نیست به ویژه زمانی که با نامحرم برخورد می کنند.

- بسیاری از زائران در حال طواف یک نفر با صدای بلند دعا می خواند و سایرین با وی تکرار می کنند، چون این عمل موجب اخلال در اذکار و ادعیه دیگران می شود و معمولاً

هر زائری با زبان و لهجه ی خود دعا می کند و آنچه را که نیاز دارد از خداوند متعال طلب می کند لذا بهتر است که دعا با تضرع و آهسته صورت پذیرد.

بین رکن یمانی و رکن حجرالاسود این دعا را بخواند: <sup>۱</sup> «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» و روبروی درب کعبه: «اللَّهُمَّ هَذَا الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَ هَذَا الْحَرَمُ حَرَمُكَ وَ هَذَا الْأَمْنُ أَمْنُكَ، وَ هَذَا الْمَقَامُ مَقَامُ الْعَائِدُ بِكَ مِنَ النَّارِ» و روبروی ناودان کعبه: «اللَّهُمَّ أَظْلِنِي تَحْتَ ظِلِّ عَرْشِكَ، يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ وَ لَا بَاقِيَ إِلَّا وَجْهُكَ» و نزد رکن شامی: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ حَجًّا مَبْرُورًا، وَ سَعِيًّا مَشْكُورًا وَ ذَنْبًا مَغْفُورًا وَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَا يَا عَالِمُ مَا فِي الصُّدُورِ أَخْرِجْنِي مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ».

مستحب است زائر به مجرد وارد شدن به مکه، به طواف کعبه رود و در حین طواف تا حد امکان از برخورد و تماس با جنس مخالف، پرهیز کند و به کسی آزار و اذیت در حین طواف نرساند. برای خانم‌ها مستحب است طواف را در شب و کمی دورتر از کعبه به جا آورند تا با نامحرم برخورد نکنند.

در حین طواف از مکروهاتی همچون سخن گفتن بیهوده و بدون ضرورت، خرید و فروش، نگاه به نامحرم، خوردن، عجله و شتاب و... باید پرهیز کرد.

در طول سفر عمره و حج، طواف مستحبی و نفلی بهتر از عمره مجدد است و طواف وداع نیز هنگام خارج شدن از مکه در سفر حج، واجب و در سفر عمره، مستحب است.

در صورتی که خانمی از حیض پاک نشده باشد و امکان حضورش در مکه نیز نباشد، پس از غسل در حالت حیض طواف را انجام دهد و برای جبران آن در طواف عمره، ذبح یک گوسفند لازم است و در طواف رکن (زیارت حج) ذبح یک شتر واجب است.<sup>۲</sup> یا مطابق فتاوی محمود الفتاوی دارالعلوم زاهدان عمل نماید.

۱- سنن نسائی، حدیث ۳۹۳۴ و مسند احمد ۴۱۱/۳.

۲- الفقه الاسلامی ۲۲۲۲/۳، فتح القدیر ۲/۲۲۲، المغنی ۴/۶۱۳، ردالمختار ۳/۵۳۹.

**متن فتوا:** اگر زنی قبل از طواف زیارت حیض شود و برای وی در این زمان امکان اقامت تا پاک شدن از حیض وجود ندارد زیرا رفت و برگشت آن همراه با کاروان و پروازش با هواپیمای مشخصی است و توانایی ذبح شتر را ندارد تا که در حالت حیض طواف نماید و برای جبران آن شتری ذبح نماید.

حال بفرمایید فرد مذکور چکار کند؟ الجواب باسم ملهم الصواب در این مورد اقوال متعددی از فقها کرام منقول است که بشرح ذیل اند: ۱- شخصی دیگر را از طرف خود نیابتاً بفرستد تا بعد از انجام دادن طواف زیارت خود، از طرف او نیز طواف زیارت انجام دهد... «وفي الفتاوی الإسلامية: وتخریجاً علی هذا: يجوز للمرأة إذا فاجأها الحيض قبل طواف الافاضة ولم يمكنها البقاء في مكة إلى حين انقطاعه ان تيب غيرها في هذا الطواف علی أن يطوف عنها بعد طوافه عن نفسه وان ينوی الطواف عنها نائباً مودياً طوافها بكل شروطه».

[الفتاوي الإسلامية: ۲۹۲۶/۸]. یعنی همانگونه که در رمی جمرات نیابت جایز است و آن جزئی از احکام حج است نیابت در طواف نیز جایز است زیرا که این هم جزئی از آن است اگرچه در کتب احناف نیابت در طواف زیارت را درست قرار نداده اند اما این مشکل در زمانه آنها نبوده و امروزه که مشکلات زیادی وجود دارد و راه حلی وجود ندارد این قول نوشته شده است. ۲- یا داروئی که مانع حیض باشد استفاده نموده غسل و طواف بکند. « او ان تستعمل دواء لوقفه وتغتسل وتطوف». [الفتاوي الإسلامية: ۲۹۲۷/۸]. ۳- اگر در تمام روز خون ادامه ندارد بلکه گاه گاهی منقطع می شود، در حین انقطاع طواف کند زیرا یک قول از امام شافعی این است که انقطاع در ایام حیض در حکم طهر می باشد و این قول موافق مذهب امام مالک و امام احمد است.

۴- موضع دم را با پارچه ای بپیچد تا خون جاری نشود و غسل کرده طواف نماید بنا بر اعذارى که در سؤال مذکور است در این صورت طبق مذهب امام احمد بن حنبل و امام شافعی چیزی بر وی واجب نمی گردد.

«وقد أجاز بعض الفقهاء الحنابلة والشافعية للحائض دخول المسجد للطواف ... [الفتاوي الإسلامية: ۲۹۲۷/۸]. زنی که با مشکل حیض یا نفاس قبل از طواف زیارت مواجه شده است و امکان ماندن را ندارد می تواند هرکدام از روش های مذکور را که در توان اوست اختیار نماید. « فللمرأة الحاجة اللتي يفاجأها الحيض والنفاس ويحول بينها وبين طواف الافاضة مع تعذر البقاء بمكة حتى ارتفاع عذرها، ان تسلك أى طريق من هذه الطرق اللتي قال بها الفقهاء » هذا ملخص ما في الفتاوى الإسلامية من دارالافتاء المصرية المجلد الثامن: ص ۲۹۲۶، ۲۹۲۷. تذکر: با توجه به اینکه آنچه در سؤال نوشته از مسائلی است که بسیاری از زنها به آن مبتلا می شوند و امکان ماندن برای آنها تا پاک شدن از حیض وجود ندارد و ماندن در حال احرام تا سال آینده و برگشتن در سال بعدی امروزه از مشکلاتی است که قابل تصور نیست و « طبق گفته علامه مفتی محمد تقی عثمانی مدظله در درس ترمذی جلد سوم: در کتاب های مذهب حنفی راه حلی برای آن یافت نمی شود» لذا اگر در وقت ضرورت و نیاز شدید مطابق اقوالی که در جواب نوشته شده عمل شود شرعاً اشکالی ندارد. و الله أعلم بالصواب خدانظر - عفا الله عنه - دارالافتاء حوزه علمیه دارالعلوم زاهدان ۱۴۲۰/۷/۱۰ هـ.

## انواع طواف

- ۱- **طواف قدوم:** طواف قدوم بر زائری سنت است که آفاقی بوده و به نیت حج افراد و قران احرام بسته باشد؛ که بعد از طواف و سعی عمره، زائر قران، طواف قدوم را نیز انجام می‌دهد. بر زائر مکی، عمره گزار و تمتع طواف قدوم لازم نیست.
- ۲- **طواف زیارت (افاضه):** رکن حج است که پس از وقوف به عرفات از طلوع فجر روز عید تا پایان ایام نحر، نزد احناف واجب است آن را انجام دهد. حتی اگر خانمی به دلیل عذر شرعی در ایام نحر نتواند طواف زیارت را انجام دهد پس از آن باید طواف زیارت را انجام دهد و تا انجام ندهد از احرام خارج نشده است. نزد سایر مذاهب اسلامی و صاحبین امام ابوحنیفه یعنی امام ابویوسف و امام محمد، انجام طواف زیارت تا پایان ذی‌الحجه جایز است آن را انجام دهد و تا آن را انجام ندهد زناشویی برای زن و مرد حج گزار جایز نیست.
- ۳- **طواف عمره:** بر زائری است که به قصد عمره احرام بسته باشد و وارد مکه مکرمه شده باشد.
- ۴- **طواف وداع:** آخرین طوافی است که بر حجاج خانه خدا در هنگام ترک مکه واجب می‌باشد. زنانی که عذر شرعی داشته باشند طواف وداع از آنان ساقط شده و جهت وداع با بیت‌الله می‌توانند بر دروازه‌های آن حاضر شده و برای خود دعا کنند.
- ۵- **طواف نذری:** طوافی است که زائر با اراده خود، آن را بر خود واجب می‌گرداند.
- ۶- **طواف نفلی:** طوافی است که زائر آن را جهت تقرب به درگاه الهی انجام می‌دهد؛ و در صورتی که طواف را شروع کرد اتمام آن بر طواف کننده لازم است. در موارد زیر نباید طواف مستحبی بجای آورد: (۱) پس از احرام عمره، پیش از انجام دادن طواف عمره و بقیه اعمال. (۲) پس از اعمال منی، پیش از انجام طواف زیارت.
- ۷- **طواف تحیه:** طوافی است که به عوض نماز تحیه المسجد در وقت ورود به مسجد الحرام انجام می‌گیرد.
- ۸- **طواف نساء:** طوافی است که پیروان فقه امامیه بعد از انجام عمره مفرده و طواف زیارت حج انجام می‌دهند.

## جدول شروط، واجبات و سنن طواف

توضیحات	امامیه	حنابله	مالکیه	شافعیه	حنفیه	مذهب	شروط واجبات و سنن* طواف
طهارت بدن و لباس	واجب	واجب	واجب	واجب	واجب	واجب	طهارت بدن و لباس
ستر عورت (پوشاندن بدن)	واجب	واجب	واجب	واجب	واجب	واجب	ستر عورت (پوشاندن بدن)
نیت طواف کردن	واجب	واجب	واجب	واجب	واجب	واجب	نیت طواف کردن
از حجر الاسود شروع کردن	واجب	واجب	واجب	واجب	واجب	واجب	از حجر الاسود شروع کردن
با احرام بودن در طواف عمره و طواف زیارت حج	واجب	واجب	واجب	واجب	واجب	واجب	با احرام بودن در طواف عمره و طواف زیارت حج
کعبه در سمت چپ قرار گرفتن	واجب	واجب	واجب	واجب	واجب	واجب	کعبه در سمت چپ قرار گرفتن
هفت دور کامل طواف نمودن	واجب	واجب	واجب	واجب	واجب	واجب	هفت دور کامل طواف نمودن
طواف بیرون از حطیم و حجر اسماعیل	واجب	واجب	واجب	واجب	واجب	واجب	طواف بیرون از حطیم و حجر اسماعیل
طواف کامل دور خانه و در درون مسجد الحرام	واجب	واجب	واجب	واجب	واجب	واجب	طواف کامل دور خانه و در درون مسجد الحرام
پیاده طواف نمودن در صورت عدم عذر	واجب	واجب	واجب	واجب	واجب	واجب	پیاده طواف نمودن در صورت عدم عذر
انجام بیشتر از نصف دورهای طواف	واجب	واجب	واجب	واجب	واجب	واجب	انجام بیشتر از نصف دورهای طواف
انجام دادن طواف زیارت در ایام نحر	واجب	واجب	واجب	واجب	واجب	واجب	انجام دادن طواف زیارت در ایام نحر
نماز طواف	واجب	واجب	واجب	واجب	واجب	واجب	نماز طواف
رعایت موالات بین دورهای طواف	واجب	واجب	واجب	واجب	واجب	واجب	رعایت موالات بین دورهای طواف
زمان طواف زیارت	بعد از طلوع آفتاب روز عید	بعد از نصف شب روز عید	بعد از طلوع آفتاب روز عید	بعد از نصف شب روز عید	بعد از طلوع آفتاب روز عید	بعد از طلوع آفتاب روز عید	زمان طواف زیارت
استلام حجر الاسود	مستحب	سنت	سنت	سنت	سنت	سنت	استلام حجر الاسود
استلام رکن یمانی	مستحب	سنت	سنت	سنت	سنت	سنت	استلام رکن یمانی
دعا در حین طواف	مستحب	سنت	سنت	سنت	سنت	سنت	دعا در حین طواف
نزدیک خانه کعبه طواف نمودن	واجب	مستحب	سنت	سنت	سنت	سنت	نزدیک خانه کعبه طواف نمودن
رمل و بهلوانه رفتن ۳ دور اول برای مردان	واجب	سنت	سنت	سنت	سنت	سنت	رمل و بهلوانه رفتن ۳ دور اول برای مردان
اضطباع در هفت دور	واجب	سنت	سنت	سنت	سنت	سنت	اضطباع در هفت دور

\* فرائض، ارکان و شروط طواف: اموری که طواف بدون آنها تحقق نمی‌یابد و فوت هر یک از آنها باعث بطلان طواف گردیده و با کفار هم جبران نمی‌گردد. واجبات طواف: عبارت از اعمالی است که انجام دادن آن‌ها ضروری است و ترک اغلب واجبات طواف نیز همچون شروط طواف بطلان طواف را بدنبال دارد (واجباتی را که بعضی شرط دانسته‌اند) ولی ترک یکسری از واجبات باعث بطلان طواف نمی‌گردد بلکه با دادن فدیة قابل جبران است. سنن طواف: اعمالی است که انجام دادن آنها مطلوب بوده و ثواب دارد ولی ترک آنها نه طواف را باطل می‌کند و بر ترک آن دم یا صدقه نیز لازم نمی‌آید. مکروه: عملی است که کار انسان را با نقص مواجه می‌سازد و دوری کردن از آن بهتر است و ترک آن نیز ثواب دارد هر چند انجام دادنش مستلزم عقاب نیست و به تعبیری دیگر: آنچه مورد پسند نیست و خداوند ترک آن را دوست می‌دارد هر چند که بر انجام آن عقوبت نیست. ۱- چنانچه طواف زیارت حج را پس از حلق یا تقصیر انجام دهد، پوشیدن لباس احرام شرط نمی‌باشد.

### ۳- نماز طواف

«وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى»<sup>۱</sup>

بعد از اتمام طواف، خواندن دو رکعت نماز واجب است که باید بلافاصله بعد از طواف و قبل از سعی بخواند زیرا تأخیر آن بدون عذر مکروه است. مگر در اوقاتی که خواندن نماز در آن روا نمی باشد (وقت طلوع آفتاب، وقت غروب آفتاب و وقت زوال) و یا مکروه است (بعد از نماز صبح تا طلوع کامل آفتاب، بعد از ادای نماز عصر تا غروب کامل آفتاب) تأخیرش جایز است.

امام شافعی برخلاف امام ابوحنیفه و امام مالک، نماز در اوقات مکروه را در مسجدالحرام جایز می داند.<sup>۲</sup>

اگر کسی در وقت مکروه دو رکعت نماز طواف را ادا کند نماز ادا می شود، ولی بهتر است که آن را بعد از گذشت وقت مکروه اعاده کند.

و اگر کسی در وقت طلوع و زوال و غروب آفتاب که نماز خواندن اصلاً جایز نیست، نماز طواف را بخواند واجب است بعداً آن را اعاده کند.

اگر دو رکعت نماز طواف از کسی فوت شد هر وقت به یادش آمد آن را بخواند و نه تنها از تأخیر آن، بلکه بر ترک آن نیز چیزی بر وی لازم نمی گردد.

مکان نماز طواف پشت مقام ابراهیم (ع) است به گونه ای که مقام ابراهیم میان نمازگزار و خانه خدا قرار گیرد ولی اگر به خاطر ازدحام و شلوغی جمعیت امکان نماز خواندن پشت مقام ابراهیم میسر نشود، در هر مکانی از مسجدالحرام و حرم که ممکن است دو رکعت نماز را بخواند.

۱- سوره بقره، آیه ۱۲۵ «و هنگامی که خانه کعبه را مرجع مردم و محل امن قرار دادیم و از مقام ابراهیم مصلاتی برای خود انتخاب کنید...».

۲- کتاب الايضاح، ص ۳۹۱.

در دو رکعت نماز طواف بعد از حمد در رکعت اول خواندن سوره «کافرون» و در رکعت دوم خواندن سوره «اخلاص» مستحب است.

به آن قسمت از خانه خدا که در میان حجراسود و درب خانه خدا قرار گرفته است «ملتزم» گویند که دعا کردن در آنجا پس از طواف سنت است.

پس از خواندن نماز طواف، مستحب است از آب زمزم بنوشد و این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ»<sup>۱</sup> خدایا دانش سودمند، روزی گسترده و شفاء از هر بیماری را خواستارم.

#### ۴- سعی بین صفا و مروه

«إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنَ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ»<sup>۲</sup>

سعی یادگار مادری ایثارگر و فداکاری است که در جستجوی آب و سیراب کردن

یگانه فرزند نوزادش که جز او،

در کویر داغ مکه مونس

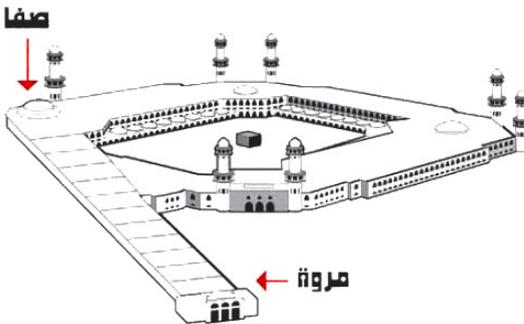
نداشت سراسیمه از کوه صفا

تا کوه مروه می‌دوید تا شاید

قطره‌آبی را بیابد این عمل با

ارزش حضرت هاجر، مورد

قبول خداوند قرار گرفت و

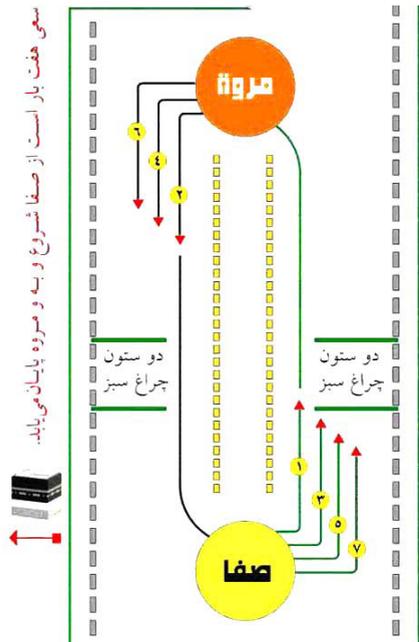


۱- المستدرک علی الصحیحین ۱/ ۴۷۳، و المصنّف لعبد الرزاق حدیث/ ۹۱۱۲

۲- سوره بقره، آیه ۱۵۸ «به راستی صفا و مروه از شعائر و نشانه‌های الهی است پس کسی که حج خانه کعبه یا عمره به جا آورد مانعی نیست که سعی بین صفا و مروه نیز به جا آورد و هر کس اعمال خیر انجام دهد، خداوند پاداش او را عنایت خواهد کرد و خداوند شکرگزار و آگاه است.»

چشمه زمزم را برایشان جاری ساخت و برای بزرگداشت این عمل آن را بر زائر خانه‌اش لازم گردانید. عمل سعی نزد احناف واجب است اما نزد سایر ائمه مذاهب رکن حج و عمره می‌باشد.

پس از انجام نماز طواف، باید هفت مرتبه (دور) فاصله بین «صفا» و «مروه» را - که اکنون به صورت سالن عظیمی در چند طبقه ساخته شده و در کنار مسجدالحرام قرار



سعی هفت بار است از صفا شروع و به مروه پایان می‌یابد.

و دویدن فقط برای مردان است نه برای زنان.

دارد بپیماید که به این عمل سعی بین صفا و مروه گویند. سعی از «صفا» شروع و به «مروه» ختم می‌شود.

حرکت از صفا به مروه یک دور و از مروه به صفا دور دوم محسوب می‌شود بنابراین هفت شوط (دور) سعی بر «مروه» ختم می‌شود.

عمل سعی را این‌گونه انجام دهد که با وارد شدن به کوه صفا، ابتدا نیت نماید بدین صورت که «خدایا اراده

سعی بین صفا و مروه دارم این عمل را بر من آسان نما و از من بپذیر.» سپس رو به خانه خدا نماید و دست‌ها را بالا برده و دعا نماید و پس از آن حرکت به مروه را آغاز کند. مردان هنگام رسیدن به چراغ‌های سبز مستحب است که با سرعت راه بروند که این عمل را «هروله» نامند و این عمل برای زنان مکروه است؛ و چنانچه این عمل برای سایرین مزاحمتی به دنبال داشته باشد پرهیز از آن واجب است و به همین صورت در مروه نیز دعا می‌خواند و حرکت به سمت صفا را آغاز می‌کند.



نشستن و استراحت کردن و رفع خستگی بر صفا و مروه و در بین آنها جایز است و اگر در بین سعی باشد، باید از همان جا که سعی را قطع کرده است، ادامه دهد.

اگرچه فقهای گذشته بر این باور بودند که سعی بین صفا و مروه لازم نیست با وضو و طهارت انجام شود و مستحب می‌دانستند که با طهارت باشد، اما از آنجا که در حال، محل سعی جزو مسجدالحرام گشته است طهارت لازم است.

پس از پایان سعی دو رکعت نماز نفل خواندن در مطاف یا گوشه‌ای از باب العمره یا هر کجا که میسر شد مستحب است. اگر زائر در اثنای عمل سعی بین صفا و مروه در تعداد دورها به شک افتاد، بنا را بر اقل بگذارد و یک بار دیگر از صفا به مروه سعی انجام دهد تا هفت بار کامل شود.

در صورتی که اعمال حج به ترتیب انجام گیرد احرام برای سعی که بعد از وقوف عرفات و طواف زیارت انجام می‌گیرد شرط نیست اما برای سعی پس از طواف عمره، احرام داشتن واجب است. سعی در طبقات دوم و سوم نزد مذاهب اربعه اهل سنت اشکال ندارد لکن نزد امامیه اشکال دارد.

انجام سعی بعد از طواف و در مکان صفا و مروه و شروع آن از صفا و ختم آن به مروه از جمله شرایط صحت سعی است. نیت سعی، هفت دور کامل سعی نمودن و پیاده سعی کردن در صورت عدم عذر و در لباس احرام بودن در سعی عمره از واجبات سعی است. لکن موالات بین طواف و سعی و موالات بین دورهای سعی، هروله بین دو میل، طهارت، ستر و پوشاندن بدن و دعا و ذکر از سنن سعی صفا و مروه می‌باشد.

## ۵- حلق یا تقصیر

«ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَ لِيُؤْفُوا نُذُورَهُمْ...»<sup>۱</sup>

آخرین عمل از اعمال عمره مفرده و عمره تمتع است. بعد از این که عمل سعی تمام شد زائر عمره مفرده و تمتع می‌بایست موی سر خود را بتراشد و یا کوتاه نماید؛ که برای مردان تراشیدن در عمره مفرده افضل است. نزد امام ابوحنیفه (رض) یک چهارم سر کفایت می‌کند اما نزد امام احمد و امام مالک تمام سر باید اصلاح یا تراشیده شود لکن نزد امام شافعی به چند مو اکتفا می‌شود. زنان نیز باید به مقدار یک بند انگشت از موهایشان را کوتاه کنند.

پس از تراشیدن یا کوتاه کردن مو، عمره به پایان می‌رسد و تمام چیزهایی که در حال احرام بر زائر حرام بود برایش حلال می‌گردد. در فاصله بین عمره تمتع و حج، انجام عمل زناشویی نزد همه مذاهب اسلامی حتی امامیه جایز است و زائران امامی مذهب نیازی به طواف نساء ندارند.

چون حرمت صید و کندن و بریدن درخت و گیاه حرم از احکام حرم است و اختصاص به محرم ندارد از این رو حرمت آن دو بین عمره تمتع و حج تمتع پابرجاست و جایز نیست از میقات خارج شوند<sup>۲</sup> و به‌جا آوردن عمره مفرده نیز برای این دسته از زائران جایز نیست. چون به خاطر جمع عمره و حج (قران و تمتع) زائران ملزم به پرداخت هدیه شکرانه می‌گردند و ساکنان مکه و داخل میقات نیز در سالی که اراده حج دارند از انجام عمره در ماه‌های حج می‌بایست پرهیز کنند<sup>۳</sup> و تنها در صورت عدم توفیق در جمع عمره با حج، یعنی انجام حج افراد، پیامبر اکرم (ص) اجازه عمره مجدد

۱- سوره حج، آیه ۲۹ «سپس باید آلودگی‌هایشان را بر طرف سازند و به نذرهای خود وفا کنند...»

۲- ارشاد الساری، ۲۶۲.

۳- ارشاد الساری، ۳۹۸.

را به همسرشان ام المومنین عایشه (رض) آن هم بعد از انجام اعمال حج را دادند و در هیچ روایتی ثبت نگردیده است که یاران پیامبر (ص) در سفر حج، چند عمره به جا آورده باشند، حتی عبدالرحمن بن ابی بکر (رض) که ام المومنین عایشه را به تنعیم برد اقدام به عمره مجدد نمود.

با این توجیه که آفاقی وارد حرم شده، تشنه است و نباید مانع او شد و به او باید رخصت داد نمی‌توان حکم به جواز امری داد و یا حتی بر مبنای استدلال مرحوم ملا علی قاری (متوفی ۱۰۱۴ ه.ق) که می‌گوید: مکی از به‌جا آوردن حج تمتع و قران نهی شده نه از عمره و آفاقی نیز از عمره نهی نشده لذا چون عبادت مستقلی مانند طواف است پس تکرار آن جایز است، نمی‌توان حکم به جواز داد. «و هذا بناءً على أن المكي ممنوع من العمرة المفردة أيضاً وقد سبق انه غير صحيح، بل إنه ممنوع من التمتع والقران، وهذا المتمتع آفاقي غير ممنوع من العمرة فجاز له تكرارها لأنها عبادة مستقلة أيضاً كالطواف»<sup>۱</sup> چون خود ایشان بر این باور است که اگر آفاقی عمره‌اش را فاسد کرد در حکم مکی است و نمی‌تواند در مکه احرام عمره و حج کند. «ولو دخل الآفاقي مكة في اشهر الحج بعمرة فأفسدها، ثم أحرم بمكة بعمرة و حجة رَفَضَ العمرة لأنه صار كالمكي (ای حکماً فی منعه من القران) و لو خرج الى الآفاق ففقرن كان قارناً»<sup>۲</sup> اگر آفاقی در ماه‌های حج به نیت عمره وارد مکه شده باشد و عمره خود را فاسد گرداند در مکه نمی‌تواند نیت عمره و حج کند بلکه باید عمره را ترک کند چون در حکم مکی است مگر آن که به خارج میقات برگردد و بعد بتواند نیت حج قران کند. و مگر ممکن است انسان عمل عبادی واجب را شروع کند و به پایان نرسانده، در میان آن عمل عبادی مستحب دیگری از همان جنس را آغاز کند.

۱- ارشاد الساری الی مناسک ملا علی قاری شرح لباب المناسک ملا رحمة الله سندی، ۴۰۸.

۲- ارشاد الساری، ۳۷۸.

علاوه بر آن فقهای گذشته، چنین جوازی نداده‌اند ملا رحمة الله سندی (متوفی ۹۹۳ ه.ق) صاحب کتاب لباب المناسک که جناب ملا علی قاری مناسک خود را با شرح بر آن نوشته، نظری مخالف دارد و می‌نویسد: «وَأَمَّا الممتع الذي لم يَسُق الهدى، إذا دخل مكة طاف لعمرته وسعى وحلق و ان اقام حراماً جاز (ان شاء احرم قبل ان يحل من عمرته) و ليس عليه طواف القدوم و يطوف بالبيت ما بدا له و لا يَعْتِمِرُ الممتع قبل الحج»<sup>۱</sup> ایشان نه تنها از انجام عمره در فاصله عمره تمتع و حج، نهی می‌کند بلکه می‌گوید: تمتع در زمان اقامت خود چه در ماه‌های حج و چه قبل از آن، نباید عمره به‌جا آورد و اگر انجام داد، کار بدی کرده و فدیة دم بر او واجب می‌گردد.

اما اگر تمتع نبود و فقط عمره گزار بود قبل از ماه‌های حج، هر چقدر ممکن بود عمره به‌جا آورد لکن عمره در ماه‌های حج برای هر کس که ساکن مکه و داخل میقات باشد اعم از مکی و آفاقی، مکروه است آن‌هم به دلیل آن که ممکن است در آن سال حج انجام دهد و به خاطر مخالفت با سنت پیامبر (ص) تمتع بد نگردد «وَلَا يَعْتَمِرُ الممتع مطلقاً حال اقامته بمكة فَإِنْ فَعَلَ أَسَاءَ و لَزِمَهُ دَمٌ سِوَاءَ كَانِ فِي اشْهَرِ الْحِجِّ أَوْ قَبْلَهَا... فَاِنْ لَمْ يَكُنْ مَتَمِّعاً بَلْ كَانْ مَعْتَمِراً، اعْتَمَرَ كَلَّمَا بَدَأَ لَهُ قَبْلَ اشْهَرِ الْحِجِّ... و يَكْرَهُ فِيهَا (فِي اشْهَرِ الْحِجِّ) الْاِعْتِمَارُ لِكُلِّ مَنْ كَانْ بِمَكَّةَ (سِوَاءَ يَكُونُ مَكِيّاً أَوْ آفَاقِيّاً سَكَنَ بِهَا، خَوْفاً مِنْ أَنْ يَحِجَّ بَعْدَهُ فِي تِلْكَ السَّنَةِ فَيَصِيرُ مَتَمِّعاً مَسِيئاً لِمُخَالَفَتِهِ السَّنَةَ) أَوْ دَاخِلِ الْمِيَقَاتِ»<sup>۲</sup>.

در زمان جاهلیت این فکر وجود داشت که در ماه‌های حج، عمره روا نیست لکن خداوند با نزول آیه ۱۹۶ سوره بقره «فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحِجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ

۱- ارشاد الساری ۴۰۸-۴۰۶.

۲- ارشاد الساری ۲۶۲-۲۵۸.

الهدی...» اجازه عمره را به اهل آفاق داد و در مقابل نیز به شکرانه آن که در یک سفر می‌توانند عمره و حج را انجام دهند باید هدیه شکرانه ذبح کنند. به همین سبب انجام عمره برای اهالی مکه نیز که قصد انجام حج در آن سال را دارند مکروه است و اگر چنین جوازی بود زائری که عمره‌اش فاسد شده می‌توانست عمره فاسد خود را قضا کند و متمتع باقی بماند و یا زائری که جهت انجام عمره مفرده قبل از ماه‌های حج، به حج آمده و پس از انجام اعمال عمره در مکه مانده، می‌توانست در ماه‌های حج مجدد احرام عمره تمتع و حج آن بنماید. چون آفاقی نیز زمانی که وارد مکه شود در حکم مکی شناخته می‌شود و لذا نمی‌تواند حج تمتع به‌جا آورد و چنین فردی در صورتی می‌تواند حج تمتع انجام دهد که به وطنش برگردد و مجدد جهت قضاء یا انجام مجدد عمره احرام بزند و بعد از آن حج به‌جا آورد.<sup>۱</sup>

شیخ الاسلام مرغینانی مولف هدایه می‌نویسد: ولو بقی بمکه (من افسد العمره) ولم يخرج الى البصره حتى اعتمر في اشهر الحج و حج من عامه لا يكون متمتعاً بالاتفاق لان عمرته مكيه و السفر الاول انتهى بالعمره الفاسده...<sup>۲</sup> پس از پایان حج مطابق کلام خدا، زائر باید مشغول ذکر، دعا و استغفار گردد و در دعا نیز آخرت را فراموش نکند و فقط دنیا را طلب ننماید فاذا قضيتم مناسككم فاذكروا الله... (سوره بقره آیه ۲۰۰) راجع به انجام عمره پس از پایان اعمال حج در فقه حنفی دو نظر وجود دارد برخی مانند امام ابی منصور محمد کرمانی حنفی و... جایز می‌دانند «فاذا فرغ الحاج من افعال الحج فالفضل له ان يأتي بالعمره عقيب الفراغ من افعال الحج و برخی مانند امام ابی البقاء محمد ضیاء مکی حنفی و... تکرار عمره پس از پایان حج را درست نمی‌دانند او گوید: گروهی در زمان ما به تکرار عمره رو آوردند در حدی که هیچ نیرویی جهت انجام طواف و عبادت برای آنها باقی نمی‌ماند و این خطای آشکار است چون مخالف سلف صالح عمل می‌کنند و تکرار عمره از پیامبر (ص) و صحابه و تابعین نقل نشده است. او طواف، محافظت بر نماز جماعت، روزه گرفتن و قرائت قرآن را بر تکرار عمره بعد از فراغت از حج ترجیح می‌دهد.<sup>۴</sup>

۱- بدائع الصنایع ۲/۲۵۷.

۲- المسالك في المناسك کرمانی، ۱/۶۰۹.

۳- هدایه، باب التمتع ۱/۲۶۵ و شرح فتح القدير ۲/۲۰۲

۴- البحر العمیق فی المناسک، ۱۳۱۹ - ۱۳۱۶

زائرانی که در میقات، احرام به حج افراد یا حج قران بسته باشند یا زائر متمتعی که هدی به همراه دارد، بعد از اتمام سعی، نباید حلق یا تقصیر کنند بلکه همچنان در لباس احرام می مانند تا روز عید قربان، پس از انجام رمی جمره عقبه و قربانی، حلق یا تقصیر را انجام می دهند. همچنین زائر حج افراد، قران و تمتع بعد از طواف عمره و قدوم تا پایان حج نمی تواند عمره مجدد به جا آورد.

اما زائر عمره مفرده قبل از ماه های حج می تواند بعد از خروج از احرام، عمره مجدد انجام دهد و عمره در ماه های حج برای هر کس که ساکن مکه و داخل میقات باشد و اراده حج داشته باشد مکروه است.<sup>۱</sup>

حلق یا تقصیر لازم است در محدوده حرم باشد لذا محرم می تواند آن را در مروه یا در هتل محل استراحت خود انجام دهد. پس از اتمام سعی هر زائر می تواند- زائری که سعی را انجام داده - موی سر زائر دیگر را بترشد و بر هیچ کدام جریمه ای نیست.

### جدول ارکان و واجبات عمره

امامیه	حنابله	مالکیه	شافعیه	حنفیه	
رکن	رکن	رکن	رکن	شرط	احرام
رکن	رکن	رکن	رکن	اکثر رکن و بقیه واجب	طواف
واجب	سنت	شرط	سنت	واجب	نماز طواف
رکن	رکن	رکن	رکن	واجب	سعی بین صفا و مروه
واجب	واجب	واجب	رکن	واجب	حلق یا تقصیر
واجب	واجب	واجب	رکن	واجب	ترتیب بین ارکان

## احکام مربوط به حرم

- ۱- طواف در همه اوقات جایز است اما نماز را امام شافعی در اوقات مکروه در مسجدالحرام جایز می‌داند لکن امام مالک و امام ابوحنیفه جایز نمی‌دانند.
- ۲- اشیاء گمشده و افتاده در حرم را نباید برداشت مگر جهت تحویل به محل اشیاء گمشده.
- ۳- اقامه نماز عید در مسجدالحرام مستحب است برعکس سایر شهرها که در مصلاهی خارج شهر مطلوب‌تر است.
- ۴- اقامه حدود برای جرم‌هایی که در حرم رخ داده نزد تمام فقهاء در حرم جایز است اما نزد احناف و امامیه بر مجرمی که بیرون حرم جرم انجام داده، در حرم اقامه نمی‌شود لذا باید شرایطی را فراهم کرد که از حرم خارج شود.
- ۵- تمام فقهاء مطلق ورود کافر را به حرم ناجائز می‌دانند اما امام ابوحنیفه (رض) ورود کافر معاهد را که قصد سکونت ندارد را جایز می‌داند.
- ۶- گذر و عبور از جلوی نمازگزار به‌ویژه در مطاف به خاطر شرایط خاص جایز است.
- ۷- برخورد با زنان نامحرم در غیر حرم گناه است اگر قصد و غرضی هم نداشته باشند، لیکن در حین طواف خانه کعبه در صورتی که قصدی در کار نباشد گناهی ندارد و هر دو می‌توانند به طواف خود ادامه دهند اما باید سعی شود تا حد امکان خود را از تماس با نامحرم حفاظت نمایند.
- ۸- بدون احرام نمی‌توان وارد حرم شد. مگر کسانی که رفت و آمد زیاد دارند و قصد عمره و حج ندارند.
- ۹- صید حرم بر مؤحرم و غیر محرم و اهل حرم، حرام است.

- ۱۰- قطع درخت و گیاه حرم بر محرم و غیر محرم و اهل حرم، حرام است.
- ۱۱- مجاورت اختیار کردن در مکه نزد امام ابوحنیفه مکروه، لکن امام احمد مجاورت را مستحب می‌داند.
- ۱۲- مستحب است که در هنگام نشستن در مسجدالحرام، چهره انسان به سمت کعبه باشد چون نگاه به کعبه عبادت است. برای انسان مسلمان در همه اماکن مستحب است که هنگام دعا، اذان گفتن، رسیدگی به شکایات، خطبه شنیدن، قربانی و ذبح حیوانات، پوشیدن لباس، خوابیدن، نشستن، زیارت قبور، و محتضر و مرده‌اش به سمت قبله باشد و از قضاء حاجت، آب دهان انداختن به سمت قبله و... پرهیز کند.
- ۱۳- نماز بر پشت بام کعبه جایز نیست.
- ۱۴- هنگام خروج از مسجدالحرام به حالت عادی خارج شود و در این حالت پشت به کعبه اشکالی ندارد.
- ۱۵- خاک حرم، پرده کعبه یا هر چیز دیگر را از حرم خارج کردن جهت تبرک، به جز آب زمزم جایز نیست.
- ۱۶- مستحباتی همچون صدقه دادن، روزه گرفتن، ختم قرآن، نیت اعتکاف در مسجدالحرام، نوشیدن آب زمزم، زیارت مشاعر مقدسه را انجام دادن، مطلوب است.



## بخش دوم: اعمال حج تمتع

۱- مکه:	احرام روز هشتم ذی‌الحجه از حرم
۲- منی:	بیتوته از ظهر روز هشتم تا صبح روز نهم
۳- عرفات:	وقوف از ظهر نهم تا غروب آفتاب
۴- مزدلفه:	وقوف شب دهم تا لحظاتی پس از طلوع فجر
۵- منی:	۱- رمی جمره عقبه روز دهم. ۲- قربانی (هدی شکرانه) روز دهم ۳- حلق یا تقصیر روز دهم
۶- مسجدالحرام:	۱- طواف زیارت روز دهم یا سایر ایام نحر نزد احناف و تا پایان ذی‌الحجه نزد سایر مذاهب ۲- نماز طواف روز دهم یا... پس از طواف زیارت ۳- سعی بین صفا و مروه روز دهم یا... پس از طواف زیارت در صورتی که مقدم نکرده باشد.
۷- منی:	۱- بیتوته در شب‌های یازدهم و دوازدهم ۲- رمی جمرات سه‌گانه در روزهای یازدهم و دوازدهم
۸- مسجدالحرام:	طواف وداع قبل از خروج از مکه

## اعمال حج تمتع

اعمال حج تمتع عبارتند از:

- ۱- احرام ۲- بیتوته در منی ۳- وقوف در عرفات ۴- وقوف در مشعرالحرام ۵- رمی جمره عقبه ۶- قربانی (هدی شکرانه) ۷- حلق یا تقصیر در منی روز دهم ۸- طواف زیارت ۹- نماز طواف ۱۰- سعی بین صفا و مروه ۱۱- بیتوته در منی ۱۲- رمی جمرات سه گانه روز یازدهم و دوازدهم ۱۳- طواف وداع

### از تقصیر عمره تا احرام حج

پس از پایان یافتن اعمال عمره‌ی تمتع، اعمالی که به سبب احرام حرام شده بود حلال می‌شود و در این فاصله تا روز هشتم به صورت عادی با لباس معمولی در نمازها شرکت می‌کند و می‌تواند در هر فرصت ممکن طواف کند اما روز هشتم ذی‌حجه که به «یوم الترویة»<sup>۱</sup> مشهور است زائر تمتع نیز با پوشیدن لباس احرام، مجدداً احرام می‌بندند و بعد از طلوع آفتاب از مکه خارج می‌شود و به منی می‌رود؛ اما حجاجی که به نیت حج افراد و قران وارد مکه شده چون از احرام خارج نشده‌اند با همان احرام، بعد از طلوع آفتاب روز هشتم به سمت منی حرکت می‌کنند و نماز ظهر، عصر، شام و عشا را در منی ادا می‌نمایند و شب را در منی می‌گذرانند و روز نهم، نماز صبح را به منی می‌خوانند و بعد از طلوع آفتاب، متوجه عرفات می‌شوند.

۱- در زمان قدیم از شهر مکه برای مشاعر مقدسه آب بر می‌داشتند. چون در سرزمین عرفات و مزدلفه و منی آبی وجود نداشت کار آب برداشتن در روز هشتم ذیحجه انجام می‌شد. لذا این روز را روز «ترویة» نامیده‌اند.

## ۱- احرام (اولین عمل از اعمال حج تمتع)

کیفیت احرام حج مانند احرام عمره است ولی در نیت تفاوت دارد، آنجا به نیت عمره محرم می‌شد و اینجا به نیت حج تمتع محرم می‌شود به این صورت که در هتل ابتدا غسل می‌کند و لباس احرام پوشیده و پس از خواندن دو رکعت نماز احرام، نیت حج می‌کند «اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْحَجَّ فَيَسِّرْهُ لِي وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي» خدایا اراده حج دارم انجام آن را بر من آسان نما و از من بپذیر و سپس تلبیه می‌گوید: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ، لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ.» با خواندن تلبیه احرام شروع می‌شود و رعایت همه‌ی محرمات احرام الزامی است. زمان احرام حج از روز هشتم ذی الحجه یا قبل از آن تا وقتی است که بتواند به وقوف در عرفات برسد. زائر حج تمتع اگر اراده تقدیم سعی صفا و مروه پس از طواف زیارت را داشته باشد، پس از احرام و قبل از حرکت به منی، در فقه حنفی و شافعی می‌تواند طواف نفلی انجام دهد و سعی را مقدم دارد. اگر چه سنت این است که سعی بعد از طواف زیارت انجام شود و در صورت تأخیر از ایام نحر فدیة ای لازم نمی‌گردد!

## ۲- بیتوته در منی

زائران پس از احرام باید به سمت منی حرکت کنند و شب نهم را در آنجا بمانند و روز نهم هنگام طلوع آفتاب به سوی عرفات حرکت نمایند. ماندن در منی در مذهب حنفی و سایر مذاهب اهل سنت، سنت است<sup>۲</sup> و بر ترک آن فدیة لازم نمی‌گردد. سنت است که نماز ظهر، عصر، مغرب و عشاء روز هشتم و فجر روز نهم ذی الحجه را زائر در منی همراه جماعت ادا نماید و پس از طلوع خورشید روز نهم به سمت عرفات جهت وقوف حرکت نماید.

۱- ارشاد الساری، ۴۰۹. البحر العمیق فی المناسک، ۷۵۱، ۱۲۹۸، ۱۸۳۱. المناسک فی المناسک، ۱ / ۴۲۴، ۴۸۲ - ۴۸۳  
 ۲- امامیه چون وقوف شب نهم را در منی سنت نمی‌دانند معمولاً روز هشتم ذیحجه از مکه مکرمه به سوی عرفات حرکت می‌کنند و شب را در آنجا می‌گذرانند.

### ۳- وقوف در عرفات

سومین عمل از اعمال حج، وقوف در صحرای عرفات است، امروزه حدود عرفات با تابلوهای زرد رنگ مشخص شده که سمت بیرونی آن نوشته شده: «بداية عرفات» یعنی آغاز عرفات و سمت درونی آن نوشته شده: «نهاية عرفات» یعنی پایان عرفات. زائران نباید از این حدود بگذرند. («وادی عُرنه») اگرچه جزئی از عرفات است اما موقوف به حساب نمی آید.

وقوف در عرفات از ارکان و فرائض حج است و لذا بدون وقوف در عرفات، حج ادا نمی گردد؛ و چنانچه کسی نتوانست در عرفات وقوف کند، حج او ادا نشده و واجب است حج را اعاده کند و برای خروج از احرام، اعمال عمره را انجام دهد، در فقه حنفی هدی لازم نیست اما طبق نظر امام شافعی و سایر فقها باید یک قربانی بکند.

زمان وقوف در صحرای عرفات از زوال آفتاب (ظهر) تا طلوع فجر روز دهم می باشد و اگر شخصی وقوف در عرفات را به هنگام روز آغاز کرده باشد پس باید وقوف در عرفات را وجوباً تا غروب آفتاب ادامه دهد.

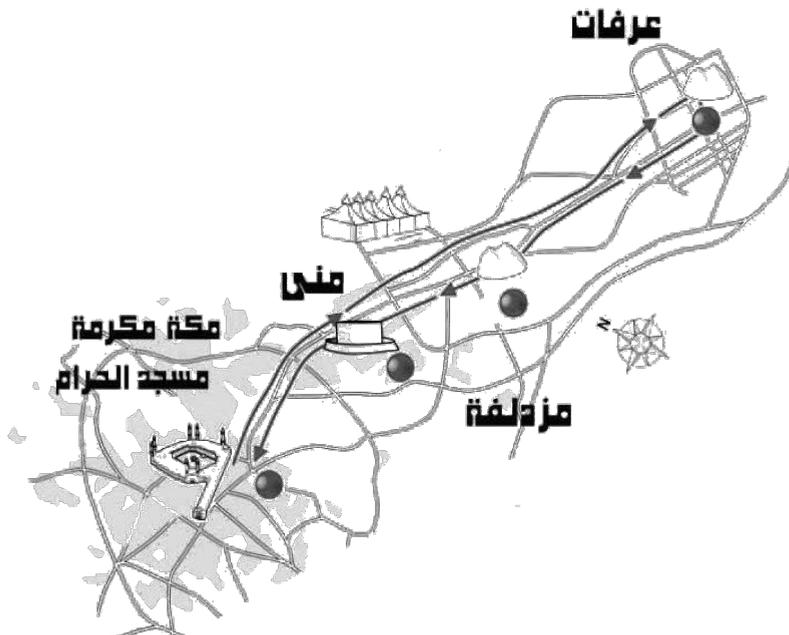
لذا پیش از غروب آفتاب نباید از عرفات خارج شد و اگر زائری پیش از غروب آفتاب خارج شد و برنگشت، ذبح گوسفند نزد امام ابوحنیفه، امام احمد و امام مالک بر او واجب می شود اما نزد امام شافعی دم واجب نمی گردد.

نیت وقوف در عرفات شرط نیست، نفس حضور در عرفات کفایت می کند اما بهتر آن است که چنین نیت کند: خدایا اراده وقوف در صحرای عرفات را جهت تقرب به تو را نمودم از من بپذیر و بر من آسان گردان. بیهوش و خوابیده را نیز باید به عرفات آورند تا وقوف را درک کند چون نیابت در وقوف عرفات جایز نیست.

مستحب است زائر روز نهم قبل از زوال غسل کند و اگر ممکن نباشد وضو بگیرد و به مسجد نمره برود و بعد از زوال و شنیدن دو خطبه روز عرفه، نماز ظهر و عصر را

باهم در وقت ظهر به جماعت با یک اذان و دو اقامه به جای آورد و در میان دو نماز از خواندن نماز سنت خودداری کند و اگر نماز را در مسجد نمره با امیرالحاج نخواند بلکه در چادر اقامه کرد، نزد امام شافعی و امام ابویوسف و امام محمد، جمع نماز ظهر و عصر جایز است اما نزد امام ابوحنیفه جمع جایز نیست و حکم قصر یا تمام خواندن نماز نیز به نیت اقامت در مکه فرد یا امام جماعت بستگی دارد که نیت اقامت نزد احناف پانزده روز و نزد شوافع پنج روز می باشد و پس از آن تا غروب روی به قبله به دعا و تضرع در بارگاه الهی پردازد و وقت را غنیمت شمرده و بیهوده از دست ندهد. سنت است رو به قبله همراه با طهارت، با تکبیر، تهلیل و قرائت قرآن و صلوات و استغفار و دعا به تنهایی یا جمعی، روز را به پایان برد.

اگر شخصی روز نهم ذی الحججه بنا به عذری تا غروب آفتاب نتواند خود را به عرفات برساند. بلکه در شب دهم تا پیش از صبح صادق خود را برای وقوف برساند فرض وقوف ادا می گردد.



#### ۴ - وقوف در مزدلفه

«فَإِذَا أَفْضُتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَادْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَادْكُرُوهُ كَمَا هَذَا كُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ»<sup>۱</sup>

چهارمین عمل از اعمال حج، وقوف در مزدلفه است. وقت آن بعد از غروب آفتاب روز نهم تا طلوع آفتاب روز دهم است به گونه‌ای که حجاج نماز مغرب را در عرفات نمی‌خوانند. بلکه پس از غروب از عرفات به سوی مزدلفه حرکت می‌کنند و در وقت عشاء، نماز مغرب و عشاء را باهم جمع می‌کنند. نزد مذاهب اربعه، صرف حضور در عرفات و مزدلفه کافی است و نیازی به نیت ندارد لکن نزد امامیه نیاز به نیت دارد.

جمع نماز مغرب و عشاء در مزدلفه واجب می‌باشد و برگزاری با جماعت شرط نیست حال آنکه در جمع نماز ظهر و عصر در عرفات جماعت به همراه امام اعظم حج نزد ابوحنیفه (رض) شرط است و خود این جمع نیز سنت است. لکن نزد شاگردانش امام ابویوسف و محمد (رض) شرط نمی‌باشد. در صورت عدم جمع نیز فدیهای لازم نمی‌آید.

پیش از جمع ظهر و عصر عرفه دو خطبه خوانده می‌شود و نماز با یک اذان و دو اقامه ادا می‌شود لکن در مزدلفه جمع مغرب و عشاء با اذان و اقامه واحد ادا می‌گردد و در بین هر دو، سنت نمی‌خوانند. لکن نزد امام شافعی و امام زفر از شاگردان امام ابوحنیفه، با دو اقامه ادا می‌شود.

در صورتی می‌توان نماز مغرب و عشا را بیرون از مزدلفه بخواند که ترس از طلوع فجر داشته باشد، لکن نزد شوافع بر زائر مکی واجب است که نماز مغرب را در

۱- سوره بقره، آیه ۱۹۸ «و چون از عرفات بازگشتید پس خدا را در مشعرالحرام یاد کنید و او را یاد کنید همانگونه که شما را راهنمایی نمود و شما پیش از آن، قطعاً از گمراهان بودید.»

وقت آن ادا کند لکن مسافر مخیر است که هر نماز را در وقتش بخواند یا نماز مغرب را با عشاء جمع کند.

ترک وقوف مزدلفه بدون عذر، نزد احناف، شوافع و حنابله مستوجب دم (قربانی) می‌گردد ولی زنان، بیماران، کودکان و پیران در صورت عدم وقوف در مزدلفه هیچ کفاره‌ای بر آنان لازم نمی‌شود و می‌توانند قبل از طلوع فجر به منی بروند و رمی جمره عقبه را بعد از طلوع فجر انجام دهند.<sup>۱</sup> رمی جمره عقبه قبل از طلوع فجر نزد احناف و مالکیه جایز نیست و قبل از طلوع خورشید نیز کراهت دارد و وقت سنت آن بعد از طلوع خورشید تا زوال آفتاب می‌باشد. لکن نزد شوافع و حنابله و امامیه بعد از نصف شب عید جایز است.

بیتوته در مزدلفه و حرکت از آنجا به منی قبل از طلوع خورشید نزد احناف سنت مؤکده است و وقوف در مشعرالحرام را در بین الطلوعین (طلوع فجر تا طلوع آفتاب) مستحب می‌دانند. اما وقوف در مزدلفه را بعد از طلوع فجر صادق قدر لحظه‌ای (به قدر خواندن نماز صبح) واجب می‌دانند اما شوافع بیتوته در مزدلفه را واجب و وقوف در مشعرالحرام را سنت می‌دانند. لکن امامیه بیتوته در مزدلفه را واجب نمی‌دانند اما وقوف در مشعرالحرام را در بین الطلوعین بعضی رکن و بعضی واجب می‌دانند و به روایتی وقوف مشعر را از وقوف عرفه بهتر دانسته و چنانچه زائری بجای وقوف عرفه وقوف مشعر را درک کند، حج او تمام می‌گردد؛ و اگر قبل از طلوع شمس از مشعر خارج گردد نزد آنان باید یک گوسفند کفاره بپردازد.

برای رمی جمرات مستحب است از مزدلفه حداقل چهل و نه سنگریزه و حداکثر هفتاد سنگریزه بردارد و در صورت عدم جمع‌آوری سنگریزه‌ها در مزدلفه، از منی یا هرجایی که ممکن بود می‌تواند جمع‌آوری کند، لکن نزد امامیه باید از

۱- شرح فتح القدير ابن همام ۴۸۳/۲.

سرزمین حرم باشد، استفاده از سنگریزه بزرگ، ناپاک و یا سنگریزه‌ای که دیگری رمی کرده کراهت دارد.

بعد از نماز صبح قبل از طلوع آفتاب به سمت منی باید حرکت کرد و از وادی «محسّر» که در میان مزدلفه و منی قرار دارد باید با سرعت گذشت و در آن توقف ننمود. چون وادی محسّر مکانی است که عذاب الهی بر سپاه ابرهه و اصحاب فیل نازل شد و در آنجا هلاک شدند؛ و چون این شکست مایه حسرت آن‌ها گردید، آن وادی را «محسّر» نامیدند که امروز فضای باز کنار دیوار بلند بین چادرهای منی و مزدلفه همان وادی محسّر است که نباید در آنجا توقف کرد.

محل رمی جمرات، در چند طبقه است، رمی جمرات از هر طبقه‌ای زده شود جایز است فقط زائر جهت سهولت امر، به علائم چراغ‌ها نگاه کند که وارد طبقه شلوغ نشود تا اذیت نگردد.

### ۵- رمی جمره عقبه

پنجمین عمل از اعمال حج، رمی جمره عقبه در منی است. در آخر منی سه ستون

سنگی وجود دارد که اولین

ستون، «جمره اولی» است

و دومین آن‌ها «جمره

وسطی» و سومی را

«جمره عقبه» یا «کبری»

می‌نامند. جمره عقبه در

آخر منی است و جمره



وسطی در میان و جمره اولی نزدیک مسجد خیف است.



اولین کار واجب در صبح عید قربان، به یاد ابراهیم (ع)، زدن هفت سنگریزه به جمره عقبه است. رمی جمره عقبه اگرچه بعد از طلوع فجر و قبل از طلوع خورشید نزد احناف و از نیمه شب نزد شوافع جایز است، اما وقت سنت، زدن هفت سنگریزه به جمره عقبه در روز دهم از طلوع خورشید تا زوال آفتاب است و بعد از آن تا غروب نیز جایز است و در صورت عذر و اضطرار تا قبل از طلوع فجر شب یازدهم نیز می تواند رمی کند.<sup>۱</sup>

مستحب است هر سنگریزه را با دست راست با گفتن بسم الله، الله اکبر بزند و این دعا را بخواند: «رَغَمًا لِلشَّيْطَانِ وَ رِضًى لِلرَّحْمَنِ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ حَجًّا مَبْرُورًا وَ سَعِيًّا مَشْكُورًا وَ ذَنْبًا مَغْفُورًا» این سنگریزه را برای ذلیل کردن شیطان و رضایت خدا می زنم، خدایا حجّم را بپذیر و کوششم را قبول فرما و گناهم را ببخش. با شروع رمی جمره عقبه، تلبیه را قطع می کند.

زائر در صورت عذر شرعی (بیماری، پیری و حبس) می تواند نائب و جانشین بگیرد تا از طرف او رمی جمرات را انجام دهد. خانم ها نیز در صورت ازدحام زیاد، جزو معذورین قرار می گیرند و می توانند نیابت بدهند. کسی که نیابت فرد معذوری را قبول می کند، افضل است که اول جمرات را از طرف خود و سپس برای معذور رمی کند و در صورتی که ازدحام باشد. هر جمره را اول به حساب خود و سپس به حساب نیابت انجام دهد.

چنانچه رمی جمره عقبه در روز دهم ذی الحجه تا طلوع فجر یازدهم انجام نگیرد قضا ندارد، فقط دم لازم می گردد و در صورتی که حداقل هفت سنگریزه را نزده باشد (سه و کمتر از آن) صدقه لازم می آید.

به اتفاق تمام مذاهب اسلامی، باید سنگ‌ها را یکی پس از دیگری پرتاب کند و چنانچه همه را با هم بیندازد، کافی نیست و یک سنگ‌ریزه محسوب می‌شود. در رمی جمره، طهارت شرط نیست پس زن حائض و شخص بی‌وضو هم می‌تواند رمی کند ولی مستحب است با طهارت باشد.

بعد از رمی جمره عقبه برای دعا توقف نکند و برای جمره اولی و وسطی بعد از رمی، برای دعا در صورت امکان توقف کند و همچون پیامبر (ص) که این دعا را بعد از رمی جمره اولی خواند «اللهم اغفر للحجاج و لمن استغفر له الحاج»<sup>۱</sup> برای خود و کسانی که التماس دعای خیر داشتند دعا کند.

### ۶- قربانی (دم شکر)

«فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَةَ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلَهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»<sup>۲</sup>

پس از سنگ زدن به جمره عقبه، زائران حج تمتع و قران برای انجام یکی دیگر از واجبات حج، به قربانگاه رفته و قربانی انجام می‌دهند که امروزه به نیابت از زائران چند نفر از هر کاروان این عمل را انجام می‌دهند لذا زائران باید صبر کنند تا خبر کشتن قربانی به آنان داده شود و بعد حلق و تقصیر کنند و از احرام خارج شوند. اگر زائر حج تمتع یا قران توان ادای دم شکرانه (قربانی)<sup>۳</sup> ندارد می‌تواند سه روز پیش از عرفه روزه گیرد و هفت روز دیگر را بعد از پایان اعمال حج در مکه یا هر جایی دیگر

۱- شرح فتح القدیر ۴۹۸/۲.

۲- سوره بقره، آیه ۱۹۶.

۳- هدی و دم شکرانه با قربانی که بر صاحب نصاب واجب می‌گردد متفاوت است و معمولاً چون قربانی بر مسافر صاحب نصاب واجب نمی‌باشد زائران نیز از انجام چنین قربانی معاف هستند اما زائر حج تمتع و قران ملزم به ادای هدی یا دم شکرانه است که در اصطلاح عامیانه به آن نیز قربانی می‌گویند.

بگیرد؛ و اگر سه روز پیش از عرفه روزه نگرفت انجام دم شکرانه (قربانی) نزد امام ابوحنیفه (رض) حتمی است. در فقه حنفی و امامیه پس از رمی جمره باید قربانی کند و سپس حلق یا تقصیر انجام دهد و تا قربانی را انجام نداده حلق یا قصر صحیح نیست و زائر نمی‌تواند با انجام آن‌ها از احرام خارج شود؛ اما در فقه امام شافعی، حنبله و مالکیه اولاً ترتیب فوق واجب نیست. ثانیاً تحلل اول به رمی جمره عقبه و حلق یا قصر قبل از قربانی حاصل می‌شود.

اگر زائر تمتع و قران پیش از قربانی، عمل حلق یا تقصیر را انجام دهد، قربانی دیگری نیز بر او واجب می‌شود. زمان قربانی (دم شکر) سه روز عید است. در صورت تأخیر، نزد امام ابوحنیفه قربانی دیگری نیز واجب می‌گردد. لکن نزد امام شافعی و سایر مذاهب چیزی لازم نمی‌آید.

زائر حج افراد می‌تواند بعد از رمی، اقدام به تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر خود نماید چون عمل قربانی بر او واجب نیست.

به اتفاق جمیع مذاهب اسلامی حیوان قربانی شرایطی دارد که از آن جمله باید: سالم باشد، خیلی پیر و لاغر نباشد، معیوب و ناقص‌العضو نباشد، مانند کوری یا لنگی یا شاخ شکسته و گوش بریده نباشد و سن آن کامل باشد اگر گوسفند است یک سال آن کامل شده باشد و اگر گاو است دو سال آن و اگر شتر است پنج سال آن کامل شده باشد.

قربانی در دو صورت واجب می‌گردد:

۱- بر زائر حج قران و تمتع که آن را هدی شکرانه نامند و خود زائر نیز می‌تواند از آن بخورد.

۲- در صورت ترک واجبی از واجبات حج یا ارتکاب یکی از محرمات احرام که آن را هدی جنایت می‌گویند و برای خود زائر جایز نیست از آن بخورد.

به اتفاق مذاهب اربعه اهل سنت، میان گوسفند با شتر و گاو تفاوت وجود دارد اگر گوسفند ذبح می‌کند، تنها برای یک نفر کافی است ولی شتر و گاو برای هفت نفر کفایت می‌کند. لکن نزد امامیه شرکت چند نفر در قربانی دم شکرانه و لو گاو یا شتر باشد جایز نیست، اگرچه همه مذاهب اسلامی از جهت بیشتر فدیة دادن، اتفاق نظر دارند که هر چه بیشتر ذبح کند افضل است.

## ۷- حلق یا تقصیر

«لَقَدْ صَدَّقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الْرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ...»<sup>۱</sup>

تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر هفتمین عمل از اعمال حج است که در روز دهم ذی‌الحجه، پس از قربانی بر زائر واجب است آن را انجام دهد و تا وقتی که آن را انجام ندهد نمی‌تواند از احرام خارج شود. اگرچه قربانی و حلق یا تقصیر را می‌تواند تا روز دوازدهم به تأخیر اندازد.

پیش از تراشیدن سر یا اصلاح آن نباید اقدام به گرفتن ناخن یا اصلاح ریش و... نماید اگرچه نزد امامیه با گرفتن ناخن نیز می‌تواند از احرام خارج شود.

پس از حلق یا تقصیر تمام محرمات احرام برداشته می‌شود و زائر می‌تواند از لباس احرام بیرون آید که به آن «تَحَلُّلُ أَوَّلٍ» می‌گویند. مگر مباشرت با همسر که پس از طواف زیارت، حلال می‌گردد و «تَحَلُّلُ دَوِّمٍ» نامیده شده است. نزد امامیه پس از طواف نساء «تَحَلُّلُ دَوِّمٍ» حاصل می‌شود.

۱- سوره فتح، آیه ۲۷ «به راستی که خداوند رؤیای پیامبرش را به حقیقت پیوست، که شما به خواست خدا با امنیت وارد مسجد الحرام می‌شوید [و کعبه را زیارت می‌کنید] و در حالی که سرهای خود را تراشیده یا کوتاه کرده اید و از هیچ کس ترس و وحشت ندارید...».

تراشیدن موی سر مخصوص مردهاست و برای آنان بهتر از اصلاح و کوتاه کردن است و سنت برای خانم‌ها، کوتاه کردن و اصلاح مو است که به اندازه یک بند انگشت از تمام اطراف سر کفایت می‌کند. در فقه امامیه نزد برخی حلق و تراشیدن سر در سفر اول لازم است و اگر کسی حلق نکند گذشته از معصیت، از احرام هم خارج نمی‌شود؛ و نزد بعضی از فقهاء ایشان افضل آن است که حلق کند.

زائر محرم هنگام خروج از احرام، می‌تواند سر خود و یا سر محرم دیگری را بتراشد و بر هیچ کدام از طرفین چیزی از «دم یا صدقه» لازم نمی‌آید.

تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر در سرزمین منی سنت است و در جاهای دیگر محدوده حرم جایز است.

تراشیدن تمام سر نزد امام مالک و امام احمد، واجب است اما نزد امام ابوحنیفه یک چهارم سر با کراهت کفایت می‌کند لکن نزد امام شافعی حداقل واجب تراشیدن سه تار موست اگرچه افضل تراشیدن تمام سر است.

پایان وقت واجب حلق، غروب آخرین روز ایام نحر است و تأخیر بعد از ایام نحر، فدیة دم را لازم می‌گرداند. رعایت ترتیب میان رمی جمره عقبه، قربانی و حلق نزد احناف واجب است. لکن در فقه شافعی، حنابله و مالکیه ترتیب واجب نیست و بعد از ایام نحر نیز می‌توان حلق یا تقصیر را انجام داد.

اگر به دلیل عذری که در سر دارد از تراشیدن سر معذور باشد، بدون تراشیدن و بدون فدیة می‌تواند از احرام خارج شود؛ و بر ترک حلق چیزی لازم نمی‌آید.

در تراشیدن یا اصلاح موی سر مستحب است که از طرف راست شروع گردد و رو به قبله باشد و بعد از فراغت، تکبیر و صلوات و درود بفرستد و ناخن و سیل و موهای زائد را از خود بزدايد.

## ۸- طواف زیارت یا طواف الافاضه

«لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُدُورَهُمْ وَ لِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ»<sup>۱</sup>

با طلوع فجر روز عید وقت طواف زیارت نزد احناف و از نیمه شب، شب عید قربان نزد شوافع و حنبله آغاز می شود و بهترین وقت برای طواف زیارت پیش از ظهر روز دهم ذی حجه است و زائر قبل از غروب آفتاب باید به منی بازگردد. طبق نظر مشهور در فقه حنفی اگر تا پیش از غروب آفتاب روز دوازدهم ادا گردد، جایز است<sup>۲</sup> و تأخیر در طواف زیارت پس از ایام نحر (دوازدهم) موجب لزوم کفاره می گردد ولی در فقه امامیه و سایر مذاهب فقهی اهل سنت و امام محمد و امام ابویوسف (از شاگردان امام ابوحنیفه) تا پایان ماه ذی حجه می تواند انجام دهد. چون انجام طواف زیارت در ایام تشریق نزد آنان مستحب است برخلاف فقه احناف که انجام طواف زیارت را در ایام نحر واجب می دانند. لذا اکثر طواف زیارت یعنی چهار دور آن می بایست در ایام نحر انجام شود.<sup>۳</sup>

اولی و افضل است که طواف زیارت بعد از رمی، قربانی و حلق ادا شود و اگر پیش از این سه عمل طواف زیارت انجام شود فرض ادا می گردد. چون رعایت ترتیب برای

۱- سوره حج، آیات ۲۹- ۲۸ «تا در منافعی که برای آنان هست حضور داشته باشند و نام خداوند را در روزهای معین بر چارپایان زبان بسته ای که روزیشان داده ایم، ببرند (و قربانی کنند) آنگاه از آن بخورید و به درمانده بینوا هم بخورانید. سپس باید آلودگی هایشان را برطرف سازند و به نذرهای خود وفا کنند و پیرامون بیت العتیق طواف کنند.»

۲- برخی از فقهای احناف بر این باورند که اگر تا آخر شب روز دوازدهم هم ادا گردد جایز است. چنانچه ملاعلی قاری در ارشاد الساری ص ۳۲۷ می نویسد: (اذا فرغ من الرمی و الذبح و الحلق یوم النحر فالأفضل ان یطوف للفرض فی یومه ذلک و الا ففی الثانی اوالثالث و کذا الحکم فی لیبالیها) همچنین صاحب الدرالمختار ۴/۷۷۷ می نویسد: (و طواف الزیارة اول وقتہ بعد طلوع الفجر یوم النحر و هو فیه، ای الطواف فی یوم النحر الاول أفضل و یمتد وقتہ الی آخر العمر... فان آخره عنها ای ایام النحر و لیبالیها کره تحریماً و وجب دم لترك الواجب.)

۳- بدایع الصنایع ۲/۲۰۰. در آیه فوق چون معطوف در حکم معطوف علیه است، طواف مقید به ایام نحر می گردد لذا طواف زیارت نزد امام ابوحنیفه نه مقدم بر ایام نحر جایز می باشد و نه متاخر از این ایام.

طواف زیارت واجب نمی‌باشد. چنانچه طواف زیارت را پیش از حلق انجام دهد نه تنها تحلل دوم حاصل نمی‌گردد بلکه تحلل اول نیز حاصل نمی‌گردد و تمام محرمات احرام را تا انجام حلق باید رعایت کند.

در صورتی که پیش از وقوف در عرفات، سعی به‌جا نیاورده باشد پس از طواف زیارت سعی میان صفا و مروه به‌جا آورد لذا بر زائری که حج «افراد» احرام بسته، سعی بعد از طواف زیارت لازم نیست اما بر زائر حج تمتع و قران که فقط سعی عمره را به‌جا آورده و برای حج سعی ننموده، باید پس از طواف زیارت، سعی را انجام دهد. در طواف زیارتی که در لباس احرام انجام شود، اضطباع و رمل در صورتی هست که بخواهد پس از طواف سعی نماید.

اگر کسی طواف زیارت را ترک کرد و به وطن خود برگشت انجام عمل زناشویی بر او حرام است مگر اینکه برگردد و شخصاً طواف زیارت را انجام دهد. نیابت در این طواف جایز نیست در برگشت نیاز به احرام مجدد ندارد و بر تأخیر آن نیز یک دم واجب می‌گردد که باید در سرزمین حرم ذبح شود.<sup>۱</sup>

چنانچه زائری بعد از وقوف در عرفه فوت کند و وصیت به اتمام حج نموده باشد به‌جای طواف زیارت او، یک شتر یا گاو ذبح نمایند.

زنانی که در ایام حج در عادت ماهیانه بسر می‌برند به‌جز طواف می‌توانند سایر اعمال حج را انجام دهند اما برای طواف زیارت باید صبر کنند تا پاک شوند، سپس غسل نموده و عمل طواف را انجام دهند و اگر طواف زیارت بدین سبب از ایام نحر (دهم، یازدهم و دوازدهم ذی‌حجه) هم به تأخیر افتاد، معذور بوده و کفاره‌ای بر او نیست. چنین زنی باید صبر کند تا پاک شده، آنگاه طواف زیارت را انجام دهد و بدون طواف زیارت به وطن خود باز نگردد؛ و اگر تا حین بازگشت به وطن، پاک

نشد می‌تواند پس از غسل، در همان حالت حیض، طواف را انجام دهد و برای کفاره آن در طواف زیارت، شتر قربانی کند و یا مطابق فتوای کتاب محمود الفتاوی عمل نماید که در صفحه ۲۱۸ همین کتاب ذکر شده است.

اگر زنی در بین طواف حج، حائض شد باید فوراً از مسجد خارج شود و چنانچه بعد از تمام شدن دور چهارم حائض شده است، کفایت می‌کند و برای شوط‌های بعدی صدقه بدهد؛ و اگر زنی بعد از طواف حائض شد هر وقت فرصت پیدا کرد دو رکعت نماز به نیت نماز طواف بخواند ولو این که در حرم نباشد و از آنجا که نزد احناف در گذشته مسعی جزو مسجد محسوب نمی‌شد، می‌توانستند سعی خود را ادامه دهند. لکن امروز مسعی جزو مسجد الحرام است لذا بهتر است سعی را انجام ندهد و بر عدم انجام آن نیز به دلیل عذر فدیهای لازم نمی‌آید.

بعد از انجام این طواف (زیارت یا افاضه)، کلیه محرمات از جمله مباشرت با همسر بر حاجی نزد مذاهب چهارگانه اهل سنت حلال می‌گردد. لکن در فقه امامیه بعضی همین طواف را طواف نساء می‌نامند. از امام صادق (رض) روایت شده که طواف زیارت، همان طواف نساء است. «عَنِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَام) إِنَّ طَوَافَ الزِّيَارَةِ هُوَ الطَّوَافُ النَّسَاءِ»<sup>۱</sup> لذا تحلل دَوم برای آنان تحقق می‌پذیرد. اما چون در روایت دیگری طواف وداع، طواف نساء نامیده شده، «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: لَوْ لَا مَا مَنَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى النَّاسِ مِنْ طَوَافِ الْوِدَاعِ لَرَجَعُوا إِلَى مَنَازِلِهِمْ وَلَا يَنْبَغِي لَهُمْ أَنْ يَمْسُوا نِسَاءَهُمْ»<sup>۲</sup> نزد اکثریت و جمهور فقهاء امامیه می‌بایست علاوه بر این طواف، طواف دیگری با نیت طواف نساء یعنی طواف زنان انجام دهد تا همسرش بر وی حلال گردد و تحلل دَوم تحقق یابد؛ و بر این باورند که در صورت ترک طواف نساء ولو با فراموشی و نادانی حتی کودکی که بالغ نشده،

۱- المسائل العبادية (الفقه المقارن)، ۲۴۰ به نقل از الکافی، ج ۴، ص ۲۹۸، و التهذيب، ج ۵ ص ۴۷

۲- المسائل العبادية (الفقه المقارن)، ۲۴۰ به نقل از وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۸۹.



ازدواج برای آن جایز نیست مگر آنکه آن را ادا کند یا ناییب بگیرد که آن را ادا نماید؛ و زن و مرد مزدوج نیز در صورت ترک آن بر یکدیگر حرام می‌گردند.

لازم به ذکر است طوافی که رکن حج نزد همه مذاهب اسلامی می‌باشد و صحت حج به انجام آن بستگی دارد، همین طواف زیارت و طواف اولی است که زائران پیش یا پس از رمی جمره عقبه، ذبح و حلق در روز دهم ذی حجه انجام می‌دهند.

طواف بعدی که زائران انجام می‌دهند، طواف واجبی است که امامیه آن را طواف نساء و مذاهب فقهی اهل سنت آن را طواف وداع می‌نامند. ترک و عدم انجام حتی طواف زیارت، عدم اتمام حج را در پی دارد نه ابطال زوجیت را که فرد نتواند ازدواج کند. نزد جمهور فقهای اهل سنت در صورت عدم انجام طواف زیارت و انجام طواف وداع، طواف وداع جایگزین طواف زیارت می‌گردد و بر ترک طواف وداع یک دم واجب می‌گردد.

نزد امامیه، بعد از وقوف به عرفه و مزدلفه و پیش از طواف نساء، زائر اگر جماع کند حج او باطل نمی‌گردد بلکه با دادن فدیة ذبح یک شتر یا گاو جبران می‌گردد. همان‌گونه که نزد احناف نیز بعد از وقوف در عرفه و پیش از طواف زیارت اگر جماع نماید، با دادن فدیة شتر یا گاو جبران می‌گردد. امید است مسلمانان در اختلافات جزئی که در بعضی از احکام به دلیل اختلاف روایات پیدا کرده‌اند، یکدیگر را متهم به امور ناروایی نکنند.

## ۹- نماز طواف

همان‌گونه که قبلاً ذکر شد، زائر باید بعد از هر طواف، دو رکعت نماز با نیت نماز طواف در پشت مقام ابراهیم یا نزدیک به آن ادا نماید.

طبق مذهب حنفی و مالکی و امامیه بعد از کلیة طواف‌ها خواندن نماز طواف واجب و بر اساس نظر فقهای شافعی و حنبلی سنت می‌باشد.

### ۱۰- سعی بین صفا و مروه

دهمین عمل از اعمال حج است. این عمل روز دهم پس از انجام طواف زیارت، بین صفا و مروه انجام می‌گیرد. همان‌گونه که برای عمره توضیح داده شد. چنانچه قبل از رفتن به منی در روز هشتم زائر قران یا تمتع، طواف قدوم یا طواف نفلی ادا کند و سعی بین صفا و مروه را نیز انجام دهد، در روز دهم پس از طواف زیارت، همچون زائر «حج افراد»، می‌تواند سعی بین صفا و مروه را انجام ندهد، برای آسانی اعمال در روز دهم همین روش تقدیم سعی با طواف قدوم یا نفلی مناسب است، چون اعمال روز دهم شامل حرکت از مزدلفه به منی و انجام اعمال رمی جمره عقبه، قربانی و حلق و از منی به مکه آمدن و انجام طواف زیارت و برگشت به منی قبل از غروب آفتاب قدری مشکل است.

در صورت تأخیر سعی به بعد از ایام نحر، در صورتی که طواف زیارت را در ایام نحر انجام داده باشد، فدیهای لازم نمی‌آید. لذا زائران حنفی مذهب می‌توانند سعی بین صفا و مروه را پس از ایام نحر انجام دهند در صورتی که سعی را انجام ندهند با فدیة دم نزد احناف قابل جبران است اما نزد سایر مذاهب چون سعی، رکن می‌باشد، با فدیة قابل جبران نیست و می‌بایست برگردد و کامل کند.

### ۱۱- بیتوته در منی

«وَأَذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ»<sup>۱</sup>

۱- سوره بقره، آیه ۲۰۳ «و خداوند را در روزهای معینی یاد کنید (روزهای ۱۱، ۱۲ و ۱۳ ماه ذی الحجّه) و هر کس شتاب کند و ذکر خدا را در دو روز انجام دهد (و روز سوم در منی نماند) گناهی بر او نیست و هر که تأخیر کند (و سه روز انجام دهد نیز) گناهی بر او نیست، برای کسی که تقوا پیشه کند و از خدا بپرهیزد، و بدانید شما به سوی او محشور خواهید شد»

یازدهمین عمل از اعمال حج، بیتوته و ماندن حجاج در شب‌های یازدهم و دوازدهم در سرزمین منی است که باید زائر به ذکر و عبادت خداوند متعال بپردازد. همهٔ مذاهب بیتوته در منی را در شب‌های یازدهم و دوازدهم واجب می‌دانند به جز امام ابوحنیفه (رض) که بیتوته در منی را سنت می‌داند و بر ترک آن چیزی را واجب نمی‌داند. اما سایر مذاهب بر ترک بیتوته یک شب در منی یا سه شب آن، یک دم لازم می‌دانند.

به اتفاق سایر مذاهب، اگر شخصی پیش از غروب آفتاب روز دوازدهم از منی خارج شود ماندن در محل منی در شب سیزدهم ذی‌حجه واجب نمی‌گردد. لکن اگر تا غروب روز دوازدهم رمی را انجام نداد یا تا قبل از غروب آفتاب از منی خارج نشد باید شب سیزدهم را نیز در منی بماند و روز سیزدهم مجدداً رمی نماید و آنگاه به مکه مراجعت کند. لکن نزد ما احناف، برای زائر جایز است که تا پیش از طلوع فجر شب سیزدهم از منی خارج شود اگرچه افضل آن است که قبل از غروب منی را ترک کند و اگر تا طلوع فجر شب سیزدهم در منی ماند، رمی جمرات این روز هم بر او واجب می‌شود؛ و رمی روز سیزدهم پیش از زوال نیز جایز است.

انسان بیمار و پرستار وی و کسی که ماندن در منی برایش سخت باشد و همچنین عوامل کاروان‌ها که برای تدارک کار زائران باید به کارهای خود در مکه بپردازند معذور محسوب و می‌توانند بیتوته در منی را ترک کنند بدون آن که کفاره‌ای بر آنان لازم آید. تکبیر گفتن پس از پایان هر نماز ایام وقوف در منی بدین صورت «الله اکبر، الله اکبر، لا اله الا الله و الله اکبر، الله اکبر و لله الحمد» واجب و نزد شوافع و حنابله سنت است.

تکبیرات تشریق بعد از نماز صبح روز عرفه شروع شده و تا عصر روز چهارم عید ادامه دارد؛ و علاوه بر این تکبیرات می‌تواند تسیحات زیر را بخواند: «الله اکبر

كَبِيرًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ صَدَقَ وَعْدُهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ».

برخلاف عرفات در منی، امیر مکه یا حجاز در صورت مصادف شدن با جمعه می‌تواند نماز جمعه اقامه کند.

## ۱۲- رمی جمرات سه گانه در روزهای یازدهم و دوازدهم

در روز یازدهم و دوازدهم ذی‌حجه، حجاج باید به هر یک از سه جمره، هفت عدد سنگریزه بزنند بدین‌صورت که ابتدا باید به جمره اولی سنگ زد و سپس به جمره وسطی و بعد از آن به جمره عقبه. رعایت این ترتیب در رمی جمرات سه گانه طبق مذهب حنفی، سنت است اما نزد سایر مذاهب واجب می‌باشد.

وقت سنت رمی جمرات طبق مذاهب اهل سنت، از زوال آفتاب تا غروب است. لکن نزد مذهب امامیه از طلوع آفتاب تا غروب می‌باشد. ولی قبل از زوال و بعد از



غروب تا طلوع فجر مکروه است. افراد معذور می‌توانند تا قبل از طلوع فجر روز بعد رمی جمرات را انجام دهند و در روز دوازدهم یا

سیزدهم یعنی سوم یا چهارم عید نیز اگر زائری قصد سفر داشت نزد امام ابوحنیفه می‌تواند قبل از ظهر، رمی جمرات نماید.<sup>۱</sup> علامه ملا رحمت الله سندی (متوفی ۹۹۳ ه.ق) در لباب المناسک می‌نویسد: «وقت رمی جمرات الثلاث فی الیوم الثانی و

۱- الفقه الاسلامی ۲۲۵۵/۳ و شرح فتح القدر ابن همام علی الهدایه ۲/۵۰۰-۴۹۹.

الثالث من ایام النحر بعد الزوال فلا يجوز قبله فی المشهور وقیل: يجوز الرمی فیهما قبل الزوال لما روی عن ابی حنیفة ان الافضل ان یرمی فیهما بعد الزوال فان رمی قبله «جاز»<sup>۱</sup>.

امام علاءالدین ابوبکر کاشانی (متوفی ۶۸۷ ه. ق) صاحب کتاب «بدائع الصنائع» می نویسد: و اما وقت الرمی من الیوم الاول والثانی من ایام التشریق و هو الیوم الثانی والثالث من ایام الرمی فبعد الزوال حتی لا يجوز الرمی فیهما قبل الزوال فی الروایة المشهورة عن ابی حنیفة و روی عن ابی حنیفة ان الافضل ان یرمی فی الیوم الثانی و الثالث بعد الزوال، فان رمی قبله جاز.<sup>۲</sup>

در شرایط فعلی و ازدحام جمعیت میلیونی زائران، پیروان تمام مذاهب اسلامی می بایست تا حد ممکن مطابق برنامه سازمان حج سعودی عمل نمایند و به خاطر عمل به افضل ها و اولی ها، نباید کاری کرد که امنیت خود و سایر زائران را به خطر انداخت. عبدالحمید محمود طهماز در کتاب الفقه الحنفی فی ثوبه الجدید (بازنگری جدید فقه حنفی) می نویسد: رمی جمرات در روز دوم از طلوع فجر آغاز می شود و تا طلوع فجر روز سوم ادامه می یابد. سنت این است که از زوال تا غروب آفتاب صورت گیرد قبل از زوال و در شب جمره زدن مکروه است؛ و در روز سوم نیز از طلوع فجر آغاز و تا طلوع فجر روز چهارم ادامه دارد و سنت همین است که از زوال تا غروب خورشید باشد و اما قبل از زوال و در شب جمره زدن مکروه است.<sup>۳</sup> اخیراً علمای مصر فتوی داده اند که هر روز پیش از زوال خورشید رمی جمرات جایز است.<sup>۴</sup>

۱- ارشاد الساری، ص ۳۳۴.

۲- بدائع الصنائع، ۲/۲۰۸.

۳- بازنگری جدید فقه حنفی ۲/۷۲.

۴- فقه السنه ۲/۲۴۵.

به نظر همه فقهای مذاهب اسلامی جز حنفیه، کسانی که در روز دوازدهم از منا کوچ نکنند و غروب شب سیزدهم را در منا درک کنند، باید شب سیزدهم را در منا بیتوته کنند ولی امام ابوحنیفه و فقهای حنفی معتقدند: تا طلوع فجر شب سیزدهم نشده، می‌توانند کوچ کنند اگرچه کراهت دارد.

چنانچه زائری تا قبل از طلوع فجر شب سیزدهم منی را ترک نکرده باشد گرچه رمی را در روزهای قبل به‌طور کامل انجام داده باشد باید روز سیزدهم نیز مجدداً رمی کند؛ و رمی روز سیزدهم نیز واجب می‌گردد و بدون زدن جمرات، خروج از منی جایز نیست و اگر بدون رمی خارج شد، دم واجب می‌شود. رمی روز سیزدهم پیش از زوال و کوچ از منا نزد احناف و امامیه نیز جایز است<sup>۱</sup> ولی بنا به نظر سه مذهب حنبلی، شافعی و مالکی باید پس از زوال خورشید، رمی نماید و سپس کوچ کند.

اگر زائری رمی جمرات یک روز را انجام ندهد ضمن آن که قضای آن را باید انجام دهد. نزد احناف کفاره دم نیز باید بپردازد و نزد شوافع در صورتی که قضای آن را انجام داد کفاره ندارد. با غروب آفتاب روز چهارم، وقت ادا و قضای رمی جمرات تمام می‌گردد و اگر رمی هر چهار روز را ترک کرده باشد، ذبح یک فدیة (دم) کفایت می‌کند.

بعد از رمی هر جمره، به‌ویژه جمره اولی و وسطی سنت است که توقف کرده و دعا کند و بعد از جمره عقبه بدون توقف دعا کند.

### ۱۳- طواف وداع

زائر پس از پایان اعمال روز دوازدهم به مکه بر می‌گردد و قبل از خروج از مکه انجام طواف وداع بر او واجب است. طواف وداع آخرین طواف و همچنین آخرین عملی است که زائر آفاقی برای اتمام حج خود انجام می‌دهد. این طواف فقط بر زائر حج اکبر واجب است و بر زائران عمره گذار مفروضه لازم نیست و از باب استحباب اگر عمره گزاران نیز طواف وداع را انجام دهند بهتر است؛ زیرا پیامبر (ص) می‌فرماید: «هیچ کس از شما بیرون نرود مگر این که برای آخرین بار کعبه را طواف نماید»<sup>۱</sup>

اگر زائری طواف وداع را ترک کرد، بر وی دم لازم می‌شود لکن زائر بعد از طواف زیارت، اگر طواف نقلی انجام داده باشد به جای طواف وداع قرار می‌گیرد و دم از وی ساقط می‌گردد.

مستحب است زائر آفاقی قبل از طواف وداع، اثاثیه خود را جمع و وقتی که آماده سفر شد، به طواف وداع و نماز طواف و دعا پردازد، وداع کننده با حالت عادی از حرم خارج شده و چیزی را از حرم مانند خاک آن و ... جز آب زمزم به نشان تبرک بر ندارد و از خدا بخواهد که این سفر را آخرین دیدار با خانه‌اش نگرداند.

اگر خانمی عادت ماهیانه داشت و بدون انجام طواف وداع، مکه را ترک گفت، کفاره‌ای بر او لازم نمی‌آید لکن مستحب است کنار یکی از دروازه‌های بیرون حرم آمده و در آنجا دعا نموده و خداحافظی و وداع نماید و اگر قبل از خروج از مکه پاک شد لازم است طواف وداع را انجام دهد. در طواف وداع، اضطباع، رمل و سعی بین صفا و مروه وجود ندارد. در صورت ترک طواف وداع در حج، دم واجب می‌گردد.

۱- صحیح بخاری، حدیث شماره ۱۷۶۰ و ۱۷۵۵، و صحیح مسلم حدیث ۱۳۲۷.

## جدول ارکان و فرائض حج

حنفیه <sup>۱</sup>	شافعیه	مالکیه	حنابله	امامیه
۱- احرام	۱- احرام	۱- احرام	۱- احرام	۱- احرام
۲- وقوف در عرفات	۲- وقوف در عرفات	۲- وقوف در عرفات	۲- وقوف در عرفات	۲- وقوف در عرفات
۳- اکثر طواف	۳- طواف	۳- طواف	۳- طواف	۳- وقوف در مشعرالحرام
زیارت (چهار دور و سه دور بعد واجب است)	زیارت	زیارت	زیارت	مشعرالحرام
۴- ترتیب بین ارکان	۴- سعی بین صفا و مروه	۴- سعی بین صفا و مروه	۴- سعی بین صفا و مروه	۴- طواف زیارت
	۵- حلق یا تقصیر			۵- سعی بین صفا و مروه
	۶- ترتیب بین ارکان			

۱- در فقه احناف، نیت حج، تلبیه، احرام، آن هم در ماههای حج، انجام هر فرض و رکنی در مکان و زمان خودش و ترتیب بین ارکان (طواف زیارت بعد از وقوف عرفات) نیز از فرائض حج محسوب می شود که تفاوتی با ارکان حج ندارد. حج فقط با انجام فرایض و ارکان آن صحیح است و اگر یک فرض یا رکن ترک گردد، حج صحیح نیست و با فدیة نیز جبران نمی گردد.



## جدول واجبات حج

امامیه	حنابله	مالکیه	شافعیه	حنفیه
۱- احرام از میقات ۲- استمرار وقوف در عرفات تا غروب آفتاب ۳- رمی جمره عقبه ۴- قربانی در حج تمتع و قران ۵- حلق یا تقصیر ۶- نماز طواف ۷- رمی جمرات سه گانه در ایام تشریق ۸- بیتوته در منا شب‌های یازدهم و دوازدهم ۹- رعایت ترتیب بین رمی جمره، قربانی و حلق در حج تمتع و قران ۱۰- طواف نساء ۱۱- نماز طواف نساء	۱- احرام از میقات ۲- استمرار وقوف در عرفات تا غروب آفتاب ۳- بیتوته در مزدلفه ۴- رمی جمره عقبه ۵- حلق یا تقصیر ۶- قربانی در حج تمتع و قران ۷- بیتوته در منی شب‌های یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ۸- رمی جمرات در روزهای یازدهم و دوازدهم ۹- طواف وداع	۱- طواف قدوم ۲- وقوف در مزدلفه ۳- رمی جمره عقبه ۴- نحر هدی (قربانی) در حج تمتع و قران ۵- حلق یا تقصیر ۶- بیتوته در منی شب‌های یازدهم و سیزدهم ذی حجه ۷- رمی جمرات در روزهای یازدهم و دوازدهم طواف وداع	۱- احرام از میقات ۲- وقوف در مزدلفه ۳- رمی جمره عقبه ۴- رمی جمرات سه گانه در ایام تشریق ۵- بیتوته در منی شب‌های یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذی حجه ۶- قربانی در حج تمتع و قران ۷- طواف وداع ۸- اجتناب از محرّمات احرام	۱- احرام از میقات ۲- سعی بین صفا و مروه ۳- استمرار وقوف در عرفات تا غروب آفتاب ۴- وقوف در مزدلفه بعد از طلوع فجر به قدر چند لحظه ۵- رمی جمره عقبه در روز عید ۶- قربانی در حج تمتع و قران ۷- حلق یا تقصیر یک‌چهارم سر در ایام نحر و در سرزمین حرم ۸- رعایت ترتیب بین رمی، ذبح و حلق ۹- رمی جمرات سه گانه در روزهای یازدهم و دوازدهم ۱۰- انجام طواف زیارت، حلق و قربانی در ایام نحر ۱۱- طواف وداع برای غیر مکی (آفاقی) ۱۲- نماز طواف ۱۳- جمع نماز مغرب و عشاء در مزدلفه دو مورد آخر فدیّه ندارد
ترک هر یک از واجبات با فدیّه قابل جبران است. فراموشی یا عمدی فرقی ندارد فقط با ترک عمدی، گنهگار نیز می‌گردد.				

## بخش سوم: جنایات

برای جبران هر جنایتی که زائر در سفر حج مرتکب شود شریعت اسلام متناسب با نوع خطا، مجازاتی را در نظر گرفته است. همان گونه که در خطاهای زندگی نیز متناسب با نوع خطا، فرد مجازات می شود و راه توبه و جبران برای او باز می باشد. از جنایات در حج تقسیم بندی های متفاوتی شده، بعضی جنایات را دو گونه دانسته اند: (۱) جنایت بر احرام: که شامل رعایت نکردن محرمات احرام و ترک واجبی از واجبات می گردد. (۲) جنایت بر حرم: که شامل تجاوز به حریم درخت، گیاه و حیوان موجود در حرم می شود.

### جنایات به اعتبار فدیة آنها پنج گونه می باشند:

- (۱) جنایاتی که بر ارتکاب آن ذبح بدنه «شتر یا گاوی» لازم می گردد مانند انجام تمام یا اکثر دوره های طواف زیارت در حال جنابت، حیض یا نفاس و یا جماع در احرام بعد از وقوف عرفه و پیش از تحلل اول. (پیش از آن که سر خود را بتراشد)
- (۲) جنایاتی که بر ارتکاب آن قربانی دو گوسفند «دم» لازم می گردد. برخلاف سایر مذاهب در فقه حنفی بر ارتکاب محرمات احرام بر حاجی قارن دو دم واجب می گردد اما در ترک واجبی از واجبات حج مانند عبور از میقات بدون احرام، پیاده طواف سعی نکردن در صورت عدم عذر، بدون طهارت طواف زیارت یا عمره را انجام دادن، قبل از غروب آفتاب از عرفات خارج شدن و ترک وقوف در مزدلفه یا ترک رمی جمرات و ترک سعی عمره یا حج و ترک طواف وداع و قطع درخت حرم و عدم رعایت ترتیب بین ذبح و حلق و تأخیر حلق و ذبح از ایام نحر و... فقط یک دم لازم می آید.<sup>۱</sup>

۳) جنایاتی که بر ارتکاب آنها توبه و استغفار لازم می‌گردد مانند ارتکاب فسوق و مجادله و...

۴) جنایاتی که بر ارتکاب آن ذبح یک گوسفند «دم» لازم می‌گردد:  
الف) یکی از محرمات احرام را بدون عذر مرتکب شدن که در صورت عذر بین صدقه، روزه و فدیة مختار می‌گردد.

ب) یکی از واجبات حج را بدون عذر ترک کردن که با عذر، فدیة ساقط می‌شود.

بر ترک محرمات و واجبات ذیل نزد احناف یک دم واجب می‌گردد که در ادامه به تشریح محرمات و واجبات از دیدگاه مذاهب مختلف اسلامی خواهیم پرداخت.

- عبور از میقات بدون احرام
- استعمال خوشبویی در عضو کامل
- حنا نمودن یا ژل زدن کامل سر یا عضو از بدن
- پوشیدن لباس دوخته شده به مدت یک روز یا یک شب
- پوشیدن سر یا صورت یک روز کامل
- تراشیدن کامل سر یا یک چهارم آن و همچنین یک عضو که دارای موی زائد است.

- گرفتن ناخن یک دست یا یک پا یا تمام آن
- طواف عمره و طواف زیارت را بدون وضو انجام دادن
- انجام طواف قدوم یا طواف وداع و نفلی در حال جنابت یا حیض
- طواف و سعی را بدون عذر، سواره انجام دادن
- ترک سعی بین صفا و مروه یا بیشتر آن

- ترک سه دور یا کمتر از طواف عمره یا طواف زیارت
- انجام طواف عمره و زیارت با کشف عورت
- جماع و زناشویی بعد از طواف عمره
- خروج از عرفات قبل از غروب و برنگشتن به آن تا قبل از غروب
- ترک وقوف مزدلفه بعد از طلوع فجر به قدر چند لحظه بدون عذر
- ترک رمی جمرات یا اکثر آن‌ها در یک روز
- عدم رعایت ترتیب بین رمی، هدی و حلق
- حلق نمودن در خارج حرم یا به تأخیر انداختن آن به بعد از ایام نحر
- تأخیر طواف زیارت به بعد از ایام نحر
- استمناء و هرگونه تماس شهوت‌آلود با زن ولو انزال نشود
- هم‌بستر شدن بعد از وقوف عرفات و حلق پیش از طواف زیارت
- زناشویی قبل از حلق بعد از طواف زیارت
- زناشویی قبل از طواف عمره و قبل از وقوف به عرفات که فساد عمره و حج را نیز در پی دارد.

- ترک طواف وداع بدون عذر برای زائر آفاقی

**الف) محرمات احرام را بدون عذر انجام دادن و مرتکب شدن:** که در این حالت کفاره آن یک دم (ذبیح یک گوسفند) است و در صورت عذر، مانند سرما، گرما، بیماری‌هایی همچون تب، سردرد و... فدیة ساقط نمی‌شود بلکه اختیار دارد که سه روز، روزه بگیرد یا شش فقیر را طعام دهد و یا یک گوسفند قربانی کند. «فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ، فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ»<sup>۱</sup> لازم به ذکر است خطا و فراموشی و اکراه نزد احناف و مالکیه عذر

۱- سوره بقره، آیه ۱۹۶.

شمرده نمی‌شود؛ اما در نزد امام شافعی و امام احمد در صورت فراموشی و اجبار، فدیة ساقط می‌شود و در نزد امامیه نیز هیچ‌کدام از محرمات احرام در صورت ارتکاب سهوی یا با اکراه کفاره ندارد به‌جز صید و شکار که کفاره دارد.

### جماع و مقدمات آن:

جماع (آمیزش با همسر) قبل از طواف در عمره، عمره را فاسد می‌کند. ضمن آن که همین عمره فاسد را باید به اتمام برساند باید قضای آن را نیز به‌جا آورد و گوسفندی را نیز ذبح کند و بین فقرا تقسیم کند. لکن اگر بعد از چهار دور طواف جماع نماید بر وی دم واجب می‌گردد ولی عمره او فاسد و باطل نمی‌شود. اما در فقه مالکیه و حنابله قبل از اتمام سعی و در فقه شافعیه و امامیه قبل از حلال شدن هر زمان جماع کرد، عمره، فاسد می‌شود مگر آن که جماع در حالت اجبار و فراموشی صورت پذیرد که در این صورت نزد شافعیه و امامیه عمره باطل و فاسد نمی‌گردد.

جماع قبل از وقوف به عرفه، حج را فاسد می‌کند و بر هر کدام، دم و قضای سال بعد را واجب می‌سازد. اگرچه حجتان نفلی بوده، باز هم قضای آن واجب است که نزد مالکیه و حنابله و امامیه فوراً باید قضا را انجام دهد اما نزد احناف و شوافع در زمان ممکن قضا واجب است؛ و به سبب فساد حج، ترک انجام مناسک حج جایز نیست و مانند دیگران مناسک را انجام دهد. لکن نزد سایر مذاهب اعم از شافعیه، مالکیه، حنابله و امامیه قبل از تحلیل اول هر زمان عمل زناشویی انجام شود حج فاسد می‌گردد؛ و در قضای چنین حجتی نزد امامیه، مالکیه و حنابله واجب است زن و مرد از هم جدا باشند لکن نزد احناف و شوافع مستحب است که با یکدیگر نباشند. فدیة دم واجب شده نزد امام شافعی، امام مالک و امام احمد حنبل یک بدنه است و نزد امام ابوحنیفه یک گوسفند، مگر بر زائر قران که دو دم واجب می‌گردد.

همان‌گونه که ذکر شد جماع بعد از وقوف به عرفه و قبل از حلق که هنوز حاجی در حال احرام است طبق فقه شافعی و حنابله و امامیه و مالکیه موجب فساد حج می‌شود اما مطابق نظر امام ابوحنیفه (رض) موجب بطلان حج نمی‌گردد بلکه ذبح یک گاو یا شتر را واجب می‌نماید؛ اما جماع بعد از حلق و قبل از طواف زیارت (بعد از تحلل اول) نزد همه مذاهب موجب بطلان حج نمی‌گردد بلکه فقط موجب ذبح یک گوسفند نزد احناف و مالکیه و ذبح یک شتر یا گاو نزد شافعیه و امامیه می‌شود. در فقه شوافع و امامیه در تمام این حالات اگر جماع در حالت اجبار و فراموشی صورت پذیرد حج باطل نمی‌گردد.

بازی کردن و بوسیدن زن و مرد یکدیگر را به قصد شهوت، اگر انزال نشوند نزد همه مذاهب ذبح یک دم را واجب می‌گرداند و حج صحیح است و اگر انزال شود نزد امام مالک حش فاسد می‌شود اما نزد سایر مذاهب حج فاسد نشده و صحیح می‌باشد بلکه فقط کفار و واجب می‌گردد با این تفاوت که نزد حنابله و امامیه کفاره آن ذبح یک گاو یا شتر است اما نزد احناف و شوافع ذبح یک گوسفند واجب می‌گردد.

اگر در اثر نگاه به زن دچار انزال شد، هیچ‌گونه فدیهای نزد ابوحنیفه، مالک و شافعی واجب نمی‌گردد و در روایتی نزد حنابله ذبح بدنه واجب می‌گردد و نزد امام شافعی حج، فاسد می‌گردد.<sup>۱</sup>

اگر با استمناء یا معامعت با حیوان، دچار انزال شود، حج فاسد نمی‌شود لکن فدیة دم واجب می‌گردد. اگر خانم یا هر زن محرمی را به قصد خداحافظی و نه شهوت بوسد فدیة ای لازم نمی‌آید.

اگر حاجی قران، قبل از طواف عمره و وقوف به عرفه جماع نمود حج و عمره‌اش باطل می‌گردد و لازم است دو فدیة پیردازد و قضای عمره و حج را به‌جا آورد. لکن دم شکرانه قران ساقط می‌شود.

اگر حاجی قران، بعد از طواف و سعی عمره جماع نمود، حجش فاسد می‌گردد و از پرداخت دم شکرانه قران معاف می‌گردد لکن دو فدیة باید پیردازد فدیة‌ای برای فساد حج و فدیة‌ای جهت جماع در احرام عمره، این فرد قضای حج را باید به‌جا آورد. لکن اگر حاجی قران، بعد از طواف عمره و وقوف در عرفه قبل از حلق جماع نمود حج و عمره‌اش فاسد نشده و دم شکرانه قران نیز ساقط نمی‌گردد شتر و گوسفندی را نیز به خاطر جنایتی که مرتکب شده است ذبح نماید.

اگر کسی که وقوف در عرفه را از دست بدهد قبل از عمره تحلل جماع کند، یک دم لازم است پیردازد و قضای حج فوتی را بجا آورد لکن لازم نیست قضای عمره‌ای که جهت تحلل انجام می‌داده را انجام دهد.<sup>۱</sup>

نکته‌ای که جهت حیثیت و آبروی زائران لحاظ شده این است که اگر زائری وقوف در عرفه را از دست بدهد با انجام اعمال عمره، از احرام خارج می‌شود اما زائری که به دلیل ارتکاب مجامعت، حجش فاسد شده و آبرویش در خطر است، درعین حال تمام اعمال حج را انجام می‌دهد تا کسی متوجه خطایش نشود.

### عقد نکاح و شاهد بر عقد شدن:

نزد امام ابوحنیفه، امام مالک و امام احمد حنبل جایز است و چنین عقدی نیز صحیح است. لکن نزد شوافع و امامیه جایز نیست و نکاح نیز منعقد نمی‌گردد در نزد امامیه در صورت علم به حرمت آن، زن برای همیشه بر آن مرد حرام می‌گردد. نزد

۱- ارشاد الساری الی مناسک ملا علی قاری ۴۸۷-۴۷۹

همه مذاهب، رجوع به زنی که طلاق رجعی داده شده است، برای مرد محرم جایز است و دلیل جواز عقد نکاح نزد امام ابوحنیفه و سایر مذاهب اهل سنت، علاوه بر روایت ازدواج پیامبر (ص) با حضرت میمونه، قداست خانواده و سازنده شدن روابط متقابل انسان‌هاست.

### قطع گیاهان و درختان حرم و شکار حیوانات:

کندن و قطع درختان و گیاهانی که در محدوده حرم روئیده است بر محرم و غیر محرم حرام است و این از محرمات مخصوص حرم مکی و حرم مدنی است. نزد امام ابوحنیفه سبزیجات و گیاهانی که توسط انسان کاشته می‌شود چیدن و قطع آنها توسط محرم و غیر محرم رواست اما نزد امام شافعی و امام احمد چیدنشان جایز نیست و بر قطع درخت بزرگ، یک گاو و بر کوچک‌تر از آن یک گوسفند ذبح کند لکن نزد احناف اگر شخص محرم، درخت یا گیاه حرم را که خودش روئیده، قطع کند باید معادل قیمت آن صدقه دهد.

در صورتی که درخت یا گیاه در ملکیت شخصی باشد دو جزا لازم است بپردازد، قیمتی برای مالک و قیمتی هم جهت حکم شرع که به فقرا بدهد. استفاده از خار و خاشاک خشک یا درخت خشک حرم جهت آتش و... ایرادی ندارد. در صورت قطع درخت حرم توسط زائر قران نیز یک فدیة لازم می‌گردد.

ذبح حیوانات اهلی و دریایی برای شخص محرم جایز است لکن شکار حیوانات وحشی صحرائی و پرندگان برای محرم و غیر محرم در حرم حرام است و اگر اقدام به شکار نمودند باید معادل قیمت آن را به فقرا صدقه دهد که اگر حیوان وحشی حلال گوشت باشد هرچقدر قیمت داشت و دو انسان عادل قیمت‌گذاری نمودند، باید بپردازد لکن در حیوانات حرام گوشت، قیمت آن از یک گوسفند بیشتر نگردد؛ اما نزد شافعی، مالک و احمد و امامیه شبیه آن لازم می‌گردد که برای شکار



کوچک، گوسفند و برای شکار بزرگ، شتر یا گاو باید فدیة دهد. اگر قیمت صید به اندازه یک هدی رسیده اجازه دارد حیوانی را خریده و ذبح نماید و یا خوراک گرفته و صدقه بدهد و یا روزه بگیرد و هر سه را نیز می‌تواند انجام دهد. روزه در صید حرم برای محرم جایز است اما برای غیر محرم جایز نیست، حداقل به هر نیازمند نصف صاع یا معادل آن پول نقد بدهد و در صورتی که خواست روزه بگیرد عوض هر نصف صاع، یک روز روزه بگیرد.

اگر محرم شکاری را ذبح کند نزد امام ابوحنیفه (رض) خوردن چنین ذبیحه‌ای جایز نیست اما نزد امام شافعی (رض) رواست. محرم در صورتی می‌تواند از گوشت شکار خشکی بخورد که خودش آن را شکار نکرده باشد و یا به اشاره او و برای او شکار نشده باشد و توسط غیر محرم و در غیر حرم شکار شده باشد. چون پیامبر (ص) در پاسخ به جماعت محرمی که از شکار ابوقتاده (رض) نخورده بودند فرمود: «فَكُلُوا مَا بَقِيَ مِنْ لَحْمِهَا»<sup>۱</sup> و فرمود: «صَيْدُ الْبَرِّ لَكُمْ حَلَالٌ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ مَا لَمْ تَصِيدُوهُ أَوْ يُصَدَّ لَكُمْ» شکار خشکی برای شما حلال است در حالی که در احرام باشید مشروط بر آن که خود آن را شکار نکرده یا برای شما شکار نشده باشد.<sup>۲</sup> لذا شکار در حرم توسط محرم و غیر محرم در حکم مرده است و خوردن آن جایز نمی‌باشد.

اگر محرم شکار را در حرم گرفت و به بیرون حرم بفرستد که ذبح کنند، برگیرنده و کشته، جزای جداگانه واجب می‌گردد همان گونه که اگر محرم اشاره به شکار کند نیز ضامن می‌گردد.

معامله مرده و زنده صید در حل و حرم توسط محرم جایز نیست و واجب است آن را رها کند. معامله مرده و زنده صید در حرم برای غیر محرم نیز جایز نمی‌باشد.

۱- پس باقیمانده گوشت آن را بخورید. صحیح بخاری، حدیث ۱۸۲۴، صحیح مسلم، حدیث ۲۹۰۸، سنن ترمذی، حدیث ۸۵۷.

۲- سنن ترمذی، حدیث ۸۵۶.

اگر مُحرم حج قران باشد دو جزا و فدیة باید بپردازد. اگر چند محرم با مشارکت یکدیگر اقدام به شکار نمایند بر هر کدام جزای جداگانه لازم می‌گردد لکن اگر جماعتی بدون احرام باهم اقدام به شکار نمودند باهم یک جزاء بپردازند. در صورتی که حیوان شکار شده مالک داشته باشد مانند حیوانات شکاری آموزش دیده مثل سگ و شاهین و باز و... دو قیمت باید بپردازد قیمتی به مالک حیوان و قیمتی را نیز صدقه به فقرا دهد.

اگر شخص محرم اقدام به کشتن ملخ یا حیوانی در سطح آن نمود باید در ازای هر یک به اندازه یک مشت گندم صدقه دهد اما اگر بیش از سه عدد را کشت باید صدقه کامل بدهد که در شرایط امروزی حدود چهار ریال سعودی بپردازد.

برکشتن حیوانات موذی مانند سگ هار، کلاغ لاشخور، مار، کژدم، عقرب، موش و... و همچنین حشرات موذی مانند زنبور، کنه، کک، پشه و سوسک و... فدیةای بر زائر واجب نمی‌گردد.<sup>۱</sup> بر کشتن هر حیوان درنده‌ای مانند گرگ، شیر و پلنگ که به انسان حمله‌ور شود، فدیةای لازم نمی‌گردد. کشتن جانوری که در بدن انسان ساکن می‌شود کفاره آن صدقه است.

### پوشیدنی‌ها:

نزد احناف اگر مرد محرم، لباس دوخته‌ای مانند پیراهن، زیر پیراهن، شلوار یا حتی شورت را و یا تمام آن‌ها بیش از ۱۲ ساعت پوشید، (روز کامل و یا یک شب کامل) فدیةای آن ذبح یک گوسفند است و بر کمتر از دوازده ساعت، صدقه بپردازد. لکن نزد حنابله، شوافع و امامیه به مجرد پوشیدن، دم واجب می‌گردد.

اگر مکرر پوشید و تکرار پوشش به خاطر عذری باشد یک کفاره کفایت می‌کند و در غیر این صورت برای هر مرتبه یک کفاره لازم می‌آید.

۱- سنن ابن ماجه، حدیث ۳۰۸۷، صحیح مسلم ۱۷/۴، صحیح بخاری ۲۱۲/۴.

اگر مرد محرم اکثر اعمال عمره را با لباس دوخته یا با سر پوشیده انجام دهد بر وی ذبح یک گوسفند واجب می‌شود و بر کمتر از آن صدقه واجب می‌شود.

اگر مرد محرم یک چهارم یا تمام سر و صورت خود را و زن احرام دار صورت خود را بیش از دوازده ساعت بپوشاند جریمه‌ی آن ذبح یک گوسفند است؛ و بر کمتر از آن صدقه پیردازد؛ و اگر چیزی بر روی سرش گذاشت که پوشش به حساب نیاید مانند ظرف، فدیهای لازم نمی‌آید.

اگر مرد محرم کفشی را بیش از دوازده ساعت پوشید که پشت پا و شتالنگ‌ها را بپوشاند جریمه‌ی آن ذبح یک گوسفند است و بر کمتر از آن صدقه لازم می‌آید.

اگر زن محرم نیز صورتش را یک روز کامل پوشاند یک دم لازم می‌آید و بر کمتر از آن صدقه لازم می‌گردد.<sup>۱</sup> اگر پس از سعی در عمره و پس از رمی جمره عقبه و ذبح هدی شکرانه در حج، چنانچه زائری پیش از حلق یا تقصیر لباس پوشید بر کمتر از یک روز یا یک شب، فدیۀ صدقه و اگر یک روز یا یک شب کامل پوشش ادامه داشت و بعد از آن اقدام به حلق و تقصیر جهت خروج از احرام نمود، فدیۀ دم لازم می‌گردد.

#### استعمال مواد خوشبو کنندہ:

اگر شخص محرم عطر یا هرگونه مواد خوشبویی را در یک عضو کامل از بدن خود استفاده نماید ولو این که به مدت یک لحظه هم باشد بر وی دم (ذبح یک گوسفند) واجب می‌شود و بر کمتر از یک عضو، یا عضو کوچک مانند انگشت صدقه واجب می‌گردد.

اگر شخص محرم دست یا پا، سر و یا ریش خود را رنگ یا حنا کند و یا ژل و واکس زند، جریمه آن نزد احناف و مالکیه ذبح یک گوسفند است؛ اما نزد شوافع فدیة‌ای واجب نمی‌گردد.

استفاده از سرمهٔ خوشبو در صورت تکرار زیاد، دم لازم می‌گردد و بر استفادهٔ یک یا دو مرتبه، صدقه لازم می‌آید.

حنفیه و مالکیه ایستادن در مکان مواد خوشبو مانند عطاری‌ها را مکروه می‌دانند اما نزدیک کعبه ایرادی ندارد. شخص مُحرم می‌تواند عطر و ادکلن و مواد خوشبو را در ظرف حمل کند و فدیة‌ای هم لازم نمی‌آید.

استفاده از کرم یا روغن خوشبو جهت آرایش در عضو کامل، فدیة دم را لازم می‌آورد و بر کمتر آن، صدقه پردازد.

استفاده از روغن جهت تداوی مانند استفاده از قطره و... یا خوردن مانند روغن زیتون و خوردن میوه‌های خوشبو مانند سیب، پرتغال و... اشکالی ندارد. استفاده از ادویه‌جات خوشبو و سبزیجات در غذا و نوشیدنی‌ها نیز ایرادی ندارد.

استفاده از مایع دستشویی، صابون و شامپو و خمیردندان که خوشبو کننده ندارد جهت نظافت در دستشویی و غسل جایز است.

اگر عطر یا مواد خوشبویی بر لباس محرم ریخته شود و سریع بشوید هیچ فدیة‌ای لازم نمی‌آید مگر آن‌که باقی‌گذارند که بر کمتر از یک روز صدقه و در صورت دوام یک روز، فدیة دم واجب می‌گردد.

اگر شخص محرم، دیگری را روغن مالید یا خوشبویی زد، بر وی چیزی لازم نمی‌آید و اگر دیگری محرم باشد فدیة بر وی لازم می‌گردد.<sup>۱</sup>

**گرفتن ناخن دست و پا:**

اگر شخص مُحرم ناخن یک دست و یا یک پا و یا تمام آنها را در یک مجلس بچیند، بر وی دم واجب می‌شود. و بر کمتر از پنج ناخن یک صدقه کامل واجب می‌گردد.

**تراشیدن و اصلاح موی سر و سایر اعضای بدن:**

اگر شخص محرم یک چهارم موی سر یا یک چهارم ریش خود را بتراشد و یا کوتاه کند، بر وی دم واجب می‌شود و اگر کمتر از یک چهارم باشد صدقه واجب می‌گردد و اگر موهای کامل عضوی را بتراشد که تراشیدن موی کامل آن عادتاً مقصود باشد، دم واجب می‌شود و بر کمتر از آن صدقه واجب می‌گردد.

در صورتی که به خاطر عذری، مو را زایل نمود اختیار دارد که سه روز، روزه بگیرد یا شش مسکین را طعام دهد و یا گوسفندی را ذبح کند.

اگر تمام اعضای بدن را در یک مجلس تراشید، یک فدیة لازم می‌آید و اگر جداگانه تراشید بر هر کدام، فدیة‌ای جداگانه لازم می‌آید.

اگر شخص محرم سر دیگری را بتراشد چه آن که محرم باشد یا غیر محرم، بر تراشنده صدقه واجب می‌شود، مگر این که همه اعمال را انجام داده و فقط حلق یا تقصیر مانده باشد. در این صورت مانعی ندارد که سر دیگری را بتراشد.

**ب) ترک واجبی از واجبات حج و عمره:** بر ترک واجبی از واجبات حج و عمره نیز اگر بدون عذر شرعی ترک نماید یک دم «قربانی» لازم می‌گردد؛ و اگر واجبی از واجبات حج و عمره را به سبب عذر شرعی مانند بیماری ترک کرده گنہکار بوده و نه چیزی از «دم» یا «صدقه» بر او لازم می‌گردد؛ مانند پیاده طواف و سعی نکردن به سبب بیماری یا ترک سعی به خاطر عذر، یا تأخیر طواف زیارت تا بعد از ایام نحر و همچنین ترک طواف وداع به سبب عادت ماهیانه، بیماری و بازداشت و...

و یا ترک وقوف به مزدلفه از ترس ازدحام در مسیر منی برای پیران، زنان و بیماران یا ترک حلق به سبب عذری که در سر دارد. قال فی البدائع: إِنَّ الْوَاجِبَاتِ كُلَّهَا إِنْ تَرَكَهَا لِعُذْرٍ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ وَ مِمَّا صَرَّحُوا بِثُبُوتِ الْعُذْرِ فِيهِ، تَرَكَ الْمَشْيَ فِي الطَّوَافِ وَالسَّعْيَ لِمَرَضٍ وَ تَرَكَ السَّعْيَ لِعُذْرٍ وَ تَأْخِيرُ طَوَافِ الزِّيَارَةِ عَنِ أَيَّامِهِ (عند الامام) لِحَيْضٍ أَوْ نَفَاسٍ (وَ كَذَا لِحَبِيسٍ أَوْ مَرَضٍ وَ لَمْ يُوجَدْ لَهُ حَامِلٌ أَوْ لَمْ يَتَحَمَّلِ الْحَمْلَ) وَ تَرَكَ طَوَافِ الصَّدْرِ لهُمَا وَ تَرَكَ الْوُقُوفَ بِمُزْدَلِفَةَ (بِالذَّهَابِ إِلَى مَنَى فِي اللَّيْلِ) لِحُوفِ الرَّحْمَةِ (ازدحام الناس) وَالضَّعْفِ (وَضَعْفِ الْبُنْيَةِ مِنَ الشَّيْخِ وَالنَّسْوَةِ)<sup>۱</sup>.

در صورتی که واجب ترک شده را جبران کرد و اعاده نمود، قربانی از گردن او ساقط می شود و اگر ترک واجب از روی قصد باشد علاوه بر آن که دم لازم می گردد شخص، گنهگار نیز می گردد. ولی اگر از روی سهو و خطا صورت پذیرد فقط دم واجب می گردد و بر فرد گناهی نیست.

واجباتی که بر ترک هر کدام، قربانی کردن یک گوسفند لازم می گردد.

- ۱- احرام بستن از میقات.
- ۲- پوشیدن لباس احرام.
- ۳- تلبیه گفتن.
- ۴- طهارت بدن و لباس در طواف.
- ۵- پوشاندن عورت هنگام طواف.
- ۶- پیاده طواف نمودن در صورت عدم عذر.
- ۷- هفت دور کامل طواف نمودن.
- ۸- انجام دادن طواف زیارت در ایام نحر.
- ۹- طواف وداع بر آفاقی.

۱- ارشاد الساری الی مناسک ملا علی قاری، ۱۰۳.

- ۱۰- سعی بین صفا و مروه.
- ۱۱- آغاز سعی از صفا و ختم آن به مروه.
- ۱۲- پیاده سعی نمودن در صورت عدم عذر.
- ۱۳- احرام داشتن در سعی عمره.
- ۱۴- استمرار وقوف در عرفه تا غروب آفتاب.
- ۱۵- وقوف در مزدلفه بعد از طلوع فجر در شب عید قربان به قدر چند دقیقه.
- ۱۶- رمی جمرة عقبه در روز عید.
- ۱۷- حلق یا تقصیر یک چهارم سر پس از رمی در ایام نحر و در سرزمین حرم.
- ۱۸- رعایت ترتیب بین رمی جمرة عقبه، ذبح و تراشیدن سر.
- ۱۹- رمی هر سه جمره در روز دوم و سوم عید.
- ۲۰- انجام ذبح در ایام نحر برای زائر حج تمتع و قران.
- ۲۱- واقع شدن ذبح در سرزمین حرم.

### جرائم طواف

هر طوافی که بر تمام آن فدیة دم لازم می‌آید بر حداکثر آن نیز دم و بر حداقل آن صدقه لازم می‌آید مگر طواف عمره که کم و زیاد آن یکسان است.

ترک طواف یا ترک بیشتر دورهای طواف عمره، بطلان عمره را در پی دارد؛ و زائر علاوه بر دادن فدیة باید قضای آن را نیز به‌جا آورد؛ اما ترک کمتر دورهای طواف، بطلان عمره را در پی ندارد. بلکه با دادن فدیة قابل جبران است؛ و اگر در وقت اعاده شود فدیة (دم) ساقط می‌گردد.

اگر تمام طواف عمره یا حداکثر و یا حداقل آن را در حال جنابت، حیض یا بی‌وضوبی و... انجام داد، فدیة یک دم لازم است پردازد. بین بی‌وضوبی و جنب بودن و حداکثر و حداقل آن برخلاف طواف زیارت، تفاوتی وجود ندارد.<sup>۱</sup>

اگر طواف و سعی عمره مفرده را بی‌وضو انجام داده باشد و از احرام خارج شده باشد تا زمانی که در مکه باشد اگر آن را با وضو اعاده کرد فدیة ساقط می‌شود، جهت اعاده طواف و سعی لازم نیست احرام داشته باشد. «وَمَنْ طَافَ لِعُمْرَتِهِ وَ سَعَى عَلَيَّ غَيْرِ وُضوءٍ وَ حَلَّ (خَرَجَ مِنَ الْاِحْرَامِ) فَمَا دَامَ بِمَكَّةَ يُعِيدُهُمَا وَ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ وَ اِنْ رَجَعَ اِلَى اَهْلِهِ قَبْلَ اَنْ يُعِيدَ فَعَلَيْهِ دَمٌ»<sup>۲</sup>

اگر زائر قران، طواف و سعی عمره و قدومش را بی‌وضو انجام داده باشد تا قبل از روز عید می‌تواند طواف عمره را اعاده کند و اگر تا طلوع فجر یوم نحر، اعاده نکرد، یک دم واجب می‌گردد و وقت قضا از دست می‌رود. چنین زائری بهتر است بعد از طواف زیارت، سعی صفا و مروه را استحباباً انجام دهد و اگر سعی ننمود، فدیة‌ای لازم نمی‌گردد مگر در صورتی که طواف عمره را در حال جنابت انجام داده باشد که در صورت عدم اعاده سعی، دم واجب می‌گردد.<sup>۳</sup>

شروع طواف زیارت از طلوع فجر یوم نحر است و پایانی ندارد لکن انجام آن در ایام نحر نزد امام ابوحنیفه واجب است و نزد سایر ائمه مذاهب اسلامی و امام محمد و امام ابویوسف از شاگردان امام ابوحنیفه تا پایان ذی‌الحجه جایز است. تأخیر از ایام نحر بدون عذر نزد امام ابوحنیفه یک دم را لازم می‌گرداند.

در صورت ترک تمام طواف زیارت یا حداکثر آن، لازم است حتماً آن را انجام دهد حتی اگر به وطنش نیز برگشته باشد باید بدون احرام برگردد و طواف

۱- ارشاد الساری، ۵۰۳-۴۹۹.

۲- هدایه، ۲۷۴/۱، شرح فتح القدیر ۵۷/۳.

۳- ارشاد الساری، ص ۵۰۰، شرح فتح القدیر ۵۴/۳.



زیارت حج خود را انجام دهد تا زناشویی با همسر برایش جایز گردد. هیچ بدلی مانند ذبح شتر و... جایگزین آن نمی‌گردد<sup>۱</sup> و حتی نیابت نیز جایز نیست. تنها در یک حالت جایگزین رواست و آن‌هم در صورتی که زائر بعد از وقوف در عرفات، فوت کند و وصیت به اتمام حج نماید که در این حالت یک شتر جایگزین طواف زیارت می‌گردد.<sup>۲</sup>

اگر حداقل دورهای طواف زیارت را انجام نداده باشد فدیة دم واجب می‌گردد که اگر در وقت انجام داد، فدیة دم ساقط می‌شود. اگر اکثر دورهای طواف زیارت از ایام نحر به تأخیر افتد نزد امام ابوحنیفه فدیة دم واجب می‌گردد و اگر حداقل دورهای طواف به تأخیر افتد عوض هر دور صدقه بپردازد.<sup>۳</sup>

چون طواف وداع واجب است، اگر کسی چهار شوط از طواف وداع را ترک کند، باید فدیة (دم) بپردازد و کسی که کمتر از آن را ترک کند باید برای هر شوط صدقه بدهد. بر ترک طواف قدوم هیچ فدیة‌ای لازم نمی‌آید چون واجب نیست فقط با ترک سنت، مرتکب بی‌ادبی می‌گردد.

اگر تمام یا اکثر دورهای طواف زیارت را بی‌وضو انجام داده باشد ذبح یک گوسفند واجب می‌گردد و اگر طواف قدوم یا طواف وداع یا طواف نفلی و یا کمتر از نصف طواف زیارت را بی‌وضو به‌جا آورد عوض هر دور به‌اندازه صدقه فطر، صدقه دهد و اگر در تمام صور فوق وضو گرفت و طواف را اعاده نمود کفاره صدقه و دم ساقط می‌گردد.

اگر تمام یا اکثر دورهای طواف زیارت را در حال جنابت یا حیض و نفاس بجا آورد ذبح بُدنه (یک شتر یا گاو) واجب است و اگر تمام یا اکثر طواف قدوم یا طواف

۱- ارشاد الساری، ۴۹۰ و بدایع الصنایع ۲۰۱/۲.

۲- ارشاد الساری، ۳۲۹.

۳- ارشاد الساری، ۴۹۳.

وداع و یا طواف نفلی را در حال جنابت یا حیض و نفاس انجام داد ذبح یک گوسفند لازم می‌آید و بر کمتر دوره‌های طواف حتی طواف زیارت صدقه واجب می‌گردد که برای هر دور صدقه بپردازد اما در تمام این حالات اگر طواف را با طهارت اعاده کند فدیۀ دم و صدقه ساقط می‌گردد. اعاده در چنین ناپاکی (حدث اکبر) واجب است لذا حتی اگر به وطنش برگشته باشد بهتر است با احرام مجدد برگردد و طواف زیارت را پس از طواف عمره، اعاده کند.<sup>۱</sup>

در صورتی که طواف زیارت را بدون وضو یا در حال جنابت و... انجام داده باشد و در همان ایام نحر طواف وداع را با وضو و پاکی بجا آورد این طواف، جایگزین طواف زیارت محسوب می‌شود؛ و اگر طواف وداع را دو مرتبه انجام داد فدیۀ ساقط و در غیر این صورت یک فدیۀ لازم می‌گردد. اگر طواف زیارت یا ذبح و حلق را از ایام نحر تأخیر نمود، بر تأخیر هر کدام یک دم لازم می‌گردد.

اگر طواف زیارت را که بی وضو انجام داده، بعد از ایام نحر اعاده نمود، سه نظر وجود دارد: (۱) فدیۀ ای ندارد.<sup>۲</sup> (۲) عوض هر دور صدقه بپردازد. (۳) دم لازم می‌آید. همان گونه که اگر طواف زیارت را در جنابت و حیض انجام داده باشد و بعد از ایام نحر اعاده کند، فدیۀ بدنه ساقط می‌گردد اما فدیۀ دم لازم می‌گردد.<sup>۳</sup>

### جرائم سعی

اگر زائر سعی بین صفا و مروه را در عمره و حج انجام نداد مطابق فقه حنفی عمره و حج او صحیح است و فقط ذبح یک گوسفند بر او واجب می‌شود. ولی مطابق فقه امام شافعی و سایر مذاهب، عمره و حج او باطل است و عمره و حج را باید

۱- بدائع الصنائع، ۲۰۱/۲ و شرح فتح القدیر، ۵۴/۳.

۲- شرح فتح القدیر ابن همام، ۵۳/۳.

۳- ارشاد الساری، ص ۴۸۸.

دوباره انجام دهد و اگر کمتر دورهای سعی را ترک کرد در عوض هر شوط یا دور صدقه لازم می‌شود؛ و اگر به دلیل عذر، مانند زمین‌گیری که کسی نیست او را حمل کند، سعی صفا و مروه را انجام نداد هیچ چیزی بر او لازم نمی‌گردد.

اگر انسان سالم عمداً سعی را سواره انجام داد، طبق فقه حنفی عمره و حج او صحیح است و یک دم بر او واجب می‌گردد اما مطابق فقه شافعی آن سعی باطل است؛ و اگر کمتر دورهای سعی را بدون عذر، سواره انجام داد، صدقه لازم می‌آید. اگر سعی از ایام نحر به تأخیر افتد چیزی بر او لازم نمی‌آید.<sup>۱</sup> زائر در عمره، اگر سعی را انجام نداده و بعد از طواف، حلق انجام داد دم واجب می‌گردد و با اعاده آن، دم ساقط نمی‌شود لکن زائر حج اگر سعی را بعد از طواف زیارت ترک کرد و به وطن خود برگشت، جهت اعاده آن لازم است با احرام مجدد عمره، به حرم آید؛ و پس از انجام طواف و سعی عمره، سعی ترک شده را اعاده کند که به نظر امام ابوحنیفه (رض) ذبح دم از برگشتن به مکه و اعاده سعی بهتر است.

### جرائم وقوف در عرفات و مزدلفه و...

اگر وقوف در مزدلفه را نیز بدون عذر ترک کند دم لازم می‌گردد. لکن زنان، بیماران و پیران چنانچه وقوف را ترک نمایند معذور به حساب آمده و چیزی بر آنها واجب نمی‌گردد. لکن اگر بیتوته در مزدلفه را افراد سالم هم ترک نمایند کفاره‌ای واجب نمی‌گردد. «لَوْ تَرَكَ الْوُقُوفَ بِالْمُزْدَلِفَةِ بِلَا عَذْرٍ، لَزِمَهُ دَمٌ وَإِنْ تَرَكَهَ بَعْدَ بَأْنِ كَانَتْ بِهِ عَلَّةٌ (مرض) أَوْ ضَعْفٌ أَوْ كَانَتْ إِمْرَأَةً تَخَافُ الزَّحَامَ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ وَ لَوْ تَرَكَ الْمَبِيتَ بِهَا لَمْ يَلْزَمْهُ شَيْءٌ»<sup>۲</sup>

۱- ارشاد الساری، ص ۵۰۴ و بدایع الصنائع، ۱۳۴/۲.

۲- ارشاد الساری، ص ۵۰۵ و هدایة، ۲۴۸/۱.

اگر زائر قبل از غروب آفتاب از حدود عرفات خارج شد ذبح یک گوسفند واجب می‌گردد لکن اگر قبل از غروب آفتاب دوباره به عرفات برگشت دم ساقط می‌شود. اگر ترتیب را در مناسک روز دهم (رمی، ذبح و حلق) رعایت نکرد، ذبح یک گوسفند لازم می‌گردد. اگر تمام یک روز یا زدن اکثر سنگریزه‌ها را در یک روز یا تمام روزها را ترک نماید، یک دم و قضای آن واجب می‌گردد و بر ترک کمتر سنگریزه‌ها یا ترک یکی از جمرات در روز پرداخت صدقه لازم می‌آید؛ و بر تأخیر هر کدام از طواف، رمی، ذبح و حلق از ایام نحر، نزد امام ابوحنیفه یک دم واجب می‌گردد؛ اما نزد امام شافعی و شاگردان امام ابوحنیفه (امام محمد و امام ابویوسف) بر تأخیر از ایام نحر و عدم رعایت ترتیب، هیچ چیز واجب نمی‌گردد.<sup>۱</sup>

اگر به دلیل فقر و ناداری پرداخت صدقه و ذبح گوسفند ممکن نشد بر ذمه فرد باقی می‌ماند تا شرایط فراهم شود و با گرفتن روزه ادا نمی‌شود.

**۵) جنایاتی که بر ارتکاب آن صدقه لازم می‌گردد مانند:** کمتر از ربع سر یا ریش را تراشیدن، تراشیدن سر دیگری، کمتر از پنج ناخن را کوتاه کردن، کمتر از ۱۲ ساعت چیزی را پوشیدن، کمتر از یک عضو را خوشبویی زدن، ترک حداقل دوره‌های طواف وداع، ترک حداقل دوره‌های سعی صفا و مروه، طواف قدوم یا وداع و یا هر طواف نفلی و حداقل طواف زیارت را بی‌وضو انجام دادن و یا سنگریزه‌ای کمتر زدن در جمرات و حداکثر زدن و حداقل طواف قدوم، طواف وداع و طواف زیارت را در حال جنابت یا حیض انجام دادن.

پرداخت کفارات در اولین فرصت بهتر است لکن تا پایان عمر، هر زمان که توانایی مالی داشته باشد می‌تواند کفارات را پرداخت کند حتی می‌توان وصیت کرد که بعد از فوت از ثروت باقی مانده پرداخت نمایند.

۱- بدائع الصنائع، ۲/۲۰۰ و شرح فتح القدیر، ۳/۶۱.

فدیة دم مختص سرزمین حرم است لکن بعد از انجام ذبح فدیة در حرم، گوشت آن را می‌تواند به فقرای خارج حرم نیز بدهد.

فدیة صدقه را در هر کجا می‌توان پرداخت. کفارة صدقه را والدین و فرزندان، زن و شوهر نمی‌توانند به یکدیگر بدهند اما به برادر، خواهر و سایر خویشاوندان فقیر خود می‌توانند بدهند.

منظور از کفارة صدقه، نصف صاع می‌باشد که حدود دو کیلوگرم گندم یا معادل قیمت آن مانند فطریه است.

کفارة روزه را نیز در هر کجا و هر زمانی می‌توان با نیت گرفت.

بر مسافر و زائر بیت‌الله الحرام قربانی واجب نیست همان‌گونه که نماز عید بر آنان واجب نیست.

معمولاً ارتکاب همهٔ محرمات احرام فدیة ندارد و بر ارتکاب همهٔ آنها، انسان گناهکار نمی‌گردد. لذا در یک تقسیم‌بندی کلی محرمات احرام چهارگانه می‌گردند:

(۱) محرماتی که انجام آن گناه است ولی فدیة ندارد مانند جدال و فسوق و ناسزا گفتن، نظر به شهوت.

(۲) آنچه مباشرت آن فدیة دارد ولی گناه نیست مانند سر را به سبب عذر موجه پوشاندن.

(۳) آنچه ارتکابش نه گناه است و نه فدیة دارد مانند گرفتن ناخن شکسته.

(۴) آنچه ارتکابش هم گناه است و هم فدیة دارد مانند ارتکاب جنایات بدون عذر و از روی قصد که فرد علاوه بر دادن فدیة، باید توبه کند.

## جدول محرّمات احرام و آنچه بر ترک آن لازم می‌آید

آنچه بر ترک آن لازم دانند	امامیه	حنابله	مالکیه	شافعیه	حنفیه	
یک گوسفند قربانی کند	+	+	+	+	+	پوشیدن هر نوع لباس دوخته برای مردان
یک گوسفند قربانی کند	+	+	+	+	+	پوشاندن سر و صورت برای مردان
یک گوسفند قربانی کند	+	+	+	+	+	پوشیدن کفش یا چیزی که تمام پشت پا را بگیرد
یک گوسفند قربانی کند - نزد امامیه کفاره ندارد، همه مذاهب در صورتی که رویند به صورت نجسبند جایز می‌دانند.	+	+	+	+	+	پوشاندن صورت برای زنان
یک گوسفند قربانی کند	+	+	+	+	+	اصلاح یا تراشیدن سر
یک گوسفند قربانی کند	+	+	+	+	+	زدودن موی هر عضو از بدن
یک گوسفند قربانی کند	+	+	+	+	+	استعمال خوشبوئی بر عضو کامل
یک گوسفند قربانی کند	+	+	+	+	+	گرفتن ناخن دست یا پا
یک گوسفند قربانی کند	+	+	+	+	+	گرفتن تمام ناخنها
نزد احناف قیمت آن را بپردازد؛ اما نزد حنابله و شافعیه و امامیه بر درخت کوچک ذبح یک گوسفند و بر درخت بزرگ ذبح گاو لازم است.	+	+	+	+	+	قطع و کندن درخت حرم
نزد فقهاء اهل سنت کفاره ندارد اما نزد امامیه بر قسم راست یک گوسفند و بر قسم دروغ گاو یا شتر لازم است.	+	+	+	+	+	قسم خوردن
نزد فقهاء امامیه یک گوسفند قربانی کند.	+	-	-	-	-	کندن دندان
پیش از این به تفصیل توضیح داده شد.	+	+	+	+	+	جماع (آمیزش) و استمناء
یک گوسفند قربانی کند.	+	-	+	-	+	رنگ و حنا زدن سر یا پا یا سایر اعضا
قیمت آنرا بپردازد.	+	+	+	+	+	کشتن حیوانات صحرائی
صدقه	+	+	+	+	+	کشتن ملخ
کفاره ای ندارد	+	+	+	+	+	مجادله
نزد امامیه یک گوسفند ذبح کند.	+	-	+	-	-	حجامت و خون گرفتن
کفاره ای ندارد.	+	+	+	+	+	ناسزا گفتن
نزد امامیه یک گوسفند قربانی کند.	+	-	-	-	-	زیرسایه رفتن در حال حرکت برای مردان
حتی نزد امامیه کفاره ندارد	+	-	+	-	-	سرمه کشیدن
حتی نزد امامیه کفاره ای ندارد.	+	به قصد زینت مکروه می‌دانند		-	-	نگاه کردن در آینه
شافعیه و امامیه جزو محرّمات شمرده و عقد را باطل می‌دانند. لکن کفاره ندارد.	+	-	-	+	-	ازدواج و شاهد عقد شدن و عقد کردن

علامت (+) نظر موافق با حرمت دارد و علامت (-) یعنی آنکه جزو محرّمات نمی‌داند.

### بخش چهارم: احکام متفرقه حج و عمره

یکی از ویژگی‌های مهم احکام دین، تناسب آن‌ها با توانایی افراد است؛ یعنی وظیفه هر یک از افراد نسبت به مسائل شرعی متناسب با قدرت و توانایی او مشخص شده است؛ بنابراین در اعمال عمره و حج، کسانی که عذری دارند و از به‌جا آوردن برخی از اعمال معذورند یا هنوز مستطیع نشده که حج بر آن‌ها واجب گردد، احکام آنان نیز به‌طور واضح مشخص شده است که در این بخش به بیان وظیفه این دسته از زائران می‌پردازیم.

#### «احصار»<sup>۱</sup>

«وَأَتَمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُخْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُؤُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ»<sup>۲</sup>

ممکن است بعد از احرام مانعی برای حج گزار پیش بیاید و او را از حج یا عمره باز دارد که در اصطلاح شرع با عنوان «احصار» یاد می‌شود. از جمله این موانع می‌توان از بیماری، لغو پرواز، دشمن، بازداشت، گم‌شدن، از دست دادن توشه راه، عده طلاق و مانع شدن شوهر یا مالک، همسر یا بنده خود را می‌توان نام برد.

اگر زائر بداند که مانع احرام برطرف می‌شود جایز نیست که از احرام خارج شود. لذا باید صبر کند تا عذر او برطرف شود مثلاً بیماری رفع شود. هرکس از

۱- احصار در لغت به معنای «منع و بازداشتن» است و معنای شرعی آن در نزد تمام مذاهب، جز حنفیه عبارتست از بازداشتن شخص محرم از اتمام ارکان حج و عمره توسط دشمن، نه توسط بیماری یا ... لکن نزد حنفیه همان گونه که در متن توضیح دادیم، همه موانع را شامل می‌شود.

۲- سوره بقره، آیه ۱۹۶.

احرام درآید واجب است مطابق مذهب امام شافعی و امام احمد، در همان جا که منع شده یا بیمار گشته است حیوانی را قربانی کند و در صورتی که شخص بتواند حیوان قربانی را به مکه مکرمه بفرستد سنت است این کار را بکند لکن باید از ذبح قربانی مطمئن شود آنگاه با تراشیدن سر از احرام بیرون آید؛ اما طبق نظر امام ابوحنیفه ذبح حیوان فقط در حرم صورت گیرد، در صورتی که زائر از عمره یا حج باز ماند به جز حج واجب نزد جمهور فقها، قضا ندارد اما نزد امام ابوحنیفه (رح)، بیرون آمدن از هر احرامی قضا دارد. مگر محصری که مانع آن برطرف نگردد.

بر خارج شدن از احرام نزد شافعیه و حنابله و امامیه یک دم لازم می آید اگرچه احرام حج قران بسته شده باشد؛ اما نزد امام ابوحنیفه بر خارج شدن از احرام حج قران، دو دم لازم می آید. نزد احناف و مالکیه جایگزین دم و هدی چیزی دیگر نمی گردد؛ اما نزد حنابله و امام ابویوسف (شاگرد امام ابوحنیفه) روزه ده روز و نزد شافعیه اطعام نیز جایگزین می گردد، اگر هدی به همراه نداشته باشد.

با دستور مرد به همسرش که از احرام حج نفلی بیرون آید، در صورت بیرون آمدن زن از احرام نزد امام ابوحنیفه ذبح لازم نیست اما نزد امام شافعی فدیة دم لازم می گردد.

### فوات (فوت شدن حج)

اگر کسی حج را از دست داد و وقوف در عرفه را تا آخرین لحظات شب عید نداشت، اعمال عمره را به جا آورده و در سال بعد، قضای حج را به جا آورد. بر شخصی که حجش فوت گردیده، نزد احناف دم لازم نمی گردد، اما نزد جمهور فقها دادن قربانی لازم است که تا زمان قضای حج، فدیة دم را نزد امام شافعی می تواند به تأخیر اندازند.



قضای حج در دو صورت واجب می‌باشد: ۱- فوت حج (عدم وقوف به عرفه) ۲- فاسد شدن حج به دلیل جماع پیش از وقوف در عرفه. در صورتی که زنی احرام تمتع بسته باشد اما پیش از طواف عمره دچار عادت ماهیانه شد و ترس فوت حج را داشت نزد جمهور فقها نیت حج قران نماید؛ اما نزد امام ابوحنیفه (رح) عمره را رها کند و اقدام به حج افراد نماید.

## اطفال و کودکان

از آنجا که یکی از شرایط وجوب حج بلوغ است و حج و عمره بر اطفال و کودکان واجب نیست؛ اما پدر و مادر می‌توانند احرام کودک را ببندند و از طرف او لبیک بگویند و از ممنوعات احرام او را بازدارند و بعضی از اعمال را که نمی‌تواند انجام دهد، از طرف او انجام دهند و چنانچه مرتکب خلافی شود هیچ چیزی بر وی یا ولی وی از صدقه و دم لازم نیست چون احرام اطفال، آموزشی می‌باشد. در صورتی که در اثنای احرام قبل از وقوف به عرفه بالغ شد می‌تواند مجدد احرام بندد و حج واجبش را ادا کند.

## بیماران

هرچند بیماری که از بجا آوردن اعمال عمره و حج عاجزند، مستطیع نیستند و حج بر آنها واجب نیست، اما چنانچه به حج رفتند یا در اثنای اعمال بیمار شدند، وظیفه آنها بدین شرح است:

- احرام، طواف و وقوف در عرفه را باید به کمک دیگران، خودشان به جا بیاورند. مگر خوابیده و بیهوشی که قبل از احرام دچار بیهوشی شده یا به خواب فرو رود همراه او به نیابت از او می‌تواند نیت احرام ببندد و لبیک بگوید و این‌طور بگوید: پروردگارا فلانی اراده حج را دارد پس آن را بر او

آسان بگردان و آن را از او بپذیر، لبیک از عوض فلان و نام او را بگیرد. احرام بیهوش و خوابیده صحیح خواهد بود.

- اگر شخص بیهوش یا به خواب فرو رفته بعد از احرام بهبود یابد بقیه اعمال حج را باید خودش انجام دهد و اگر خوب نشد او را به عرفات برند و در صورتی که حمل او ممکن نبود به نیابت از او طواف و سعی انجام دهد.<sup>۱</sup>

- بقیه اعمال را چنانچه نتوانند با کمک دیگران به جا بیاورند، نایب بگیرند.

## زنان و بانوان

زن در همه امور مانند مرد است مگر آن که در احرام می تواند لباس دوخته و کفش بپوشد و سرش را باید پوشیده دارد و فقط صورتش را نپوشد و هنگام تلبیه گفتن به آواز بلند تلبیه نگوید و در طواف برخلاف مردان رمل و اضطباع نکند و هروله بین دو میل سبز در سعی انجام ندهد و در هنگام خروج از احرام، سرش را تراشد بلکه اصلاح و کوتاه نماید؛ و از استلام حجر اسود و نماز در نزدیکی مقام ابراهیم (ع) در هنگام مزاحمت پرهیز کند. اگر برای بانوان عذر شرعی پیش آید یعنی دچار عادت ماهیانه شوند، تمام اعمال حج به جز طواف و نماز طواف و وارد شدن به مسجدالحرام و توقف در مسجد شجره برای احرام را می توانند انجام دهند چون در آنها طهارت شرط نیست. لذا برای احرام در مدینه از هتل محل اقامت محرم شده و یا در بیرون مسجد شجره نیت احرام نمایند و از وارد شدن به داخل مسجد خودداری کنند.

احکام متعلق به این مسئله به شرح زیر است:

۱) اگر زن هنگام نیت احرام، دچار عادت ماهیانه و ... بود مستحب است که غسل نماید و با سایر حجاج از میقات نیت احرام کند.

۲) اگر بعد از احرام بستن دچار عادت ماهیانه و... شد در صورتی که برای حج افراد یا قران احرام بسته باشد و عارضه‌اش پیش از حرکت به سوی منی در روز هشتم ذی حجه برطرف شد، پس از غسل، احرام بسته و همه مناسک حج را مانند سایر حجج انجام دهد و اگر عارضه‌اش برطرف نشد تمام اعمال حج مانند وقوف در عرفه، مزدلفه، منی، رمی جمرات، قربانی و اصلاح مو را انجام دهد و طواف و سعی را به تأخیر اندازد تا پاک شود. پس از پاک شدن و غسل، اگر نیت حج افراد کرده باشد فقط یک طواف و یک سعی و اگر نیت حج قران داشته، دو طواف و دو سعی انجام دهد. در صورتی که نیت حج تمتع داشته باشد و پیش از انجام مراسم عمره دچار عادت ماهیانه شد، اگر وقت اجازه می‌داد، صبر کند تا پاک شود. سپس غسل کند و اعمال عمره خود را انجام دهد و بعد از آن در روز هشتم ذی حجه مانند دیگر زائران، احرام بسته و مناسک حج را به جا آورد؛ و اگر وقت کافی نبود، بدون بیرون شدن از احرام، نیت عمره خود را به حج تبدیل نموده و مراسم حج را به استثنای طواف و سعی به جا آورد و پس از پاک شدن، طواف و سعی حج خود را ادا کند. (حج تمتع به حج افراد تبدیل می‌شود)

۳) اگر در بین طواف عمره تمتع، حیض شود، باید فوراً از مسجد الحرام خارج شود در این صورت، مسئله دو صورت دارد: اگر بعد از انجام چهار دور طواف بوده، عمره او صحیح است و الا باید ادامه مناسک را با نیت حج افراد انجام دهد و بر تأخیر طواف زیارت از ایام نحر به دلیل عذر، فدیهای لازم نمی‌آید، مگر برای بانوانی که در روز عید بعد از رمی جمره عقبه، فرصت کافی برای طواف زیارت داشته باشند لکن طواف را انجام نداده و

پس از آن دچار عادت ماهیانه شده باشند بر تأخیر آنان ذبح یک گوسفند لازم می‌گردد. در حال که با کاروان حرکت می‌کنند و زائر به‌تنهایی نمی‌تواند اقدام کند در صورت تأخیر فدیة‌ای لازم نمی‌گردد.

پیش از این نیز اشاره شد اگر خانمی در هنگام ترک مکه دچار عادت ماهیانه باشد، طواف وداع از وی ساقط می‌گردد و فدیة و گناهی بر وی نیست. لکن مستحب است کنار یکی از دروازه‌های مسجدالحرام آید و برای خود دعا کند.

استعمال قرص‌های جلوگیری از عادت ماهیانه در صورتی که ضرر نداشته باشد جایز است تا این که اعمال حج یا عمره را به انجام برساند.

اگر خون استحاضه به مدت یک وقت نماز ادامه داشته باشد، می‌تواند وضو بگیرد و طواف کند و اگر کمتر باشد صبر کند تا قطع شود سپس وضو بگیرد و طواف کند و نماز طواف بخواند. برای استحاضه غسل لازم نیست.

### حج یا عمره نیابتی

حج یا عمره نیابتی مثل حج و عمره اصلی و واقعی خود فرد است. مگر در نیت تفاوت دارد که نایب هنگام احرام می‌گوید: اراده حج یا عمره دارم به نیابت از فلانی، خدایا این حج و عمره را قبول فرما.

عبادات سه گونه‌اند: ۱- بعضی عبادت‌ها بدنی محض هستند همانند نماز و روزه که نزد مذاهب اربعه اهل سنت نایب گرفتن برای زنده و مرده جایز نیست اما فقهای امامیه نیابت برای مردگان را جایز می‌شمرند لکن برای زنده جایز نیست که به نیابت از او کسی نماز بخواند یا روزه بگیرد. جایز است کفاره ترک نماز و روزه و... در صورت وصیت از مال متوفی پرداخت گردد. ۲- بعضی عبادت‌ها فقط مالی هستند مانند زکات که به اتفاق نزد همه مذاهب اسلامی جایز است که مالک، وکیلی را بگیرد تا زکات اموالش را بپردازد. ۳- بعضی عبادت‌ها ترکیبی از بدنی و

مالی هستند مانند حج و عمره که انجام سفر نیاز به سرمایه دارد و از طرفی اعمالی را مانند طواف، سعی، وقوف در عرفات و... را زائر خود باید انجام دهد. کسی که توانایی انجام اعمال حج واجب را دارد و از سلامت جسمی برخوردار است به اتفاق همه مذاهب اسلامی، باید فرد خودش، عمل عبادی حج را انجام دهد و نایب گرفتن برای او جایز نیست و در صورتی که نایب گرفت، حج واجب از او ساقط نمی‌گردد.

لذا انسان زمانی می‌تواند به نیابت کسی را به حج بفرستد که:

۱- بر وی حج فرض شده باشد.

۲- نائب اهلیت کامل داشته باشد؛ یعنی مسلمان، عاقل و بالغ و امین باشد.

۳- انسان کامل از ادای حج ناتوان باشد یا وصیت برای پس از فوتش نموده باشد.

درواقع نیابت در حج از طرف شخص زنده که فاقد سلامتی یا... است و همچنین نیابت از مرده‌ای که وصیت کرده باشد، جایز است. اگرچه شخص امام ابوحنیفه (رض) سلامتی را شرط فرضیت حج می‌داند، لذا انسانی که بیمار باشد حج بر او واجب نمی‌گردد تا نائب بگیرد؛ اما در فقه احناف رأی برتر نظر امام ابو یوسف و امام محمد است که معتقدند سلامتی شرط ادای حج است نه شرط فرضیت آن. لذا فرد بیمار می‌تواند نایب بگیرد. نیابت از زنده فقط نزد امام مالک صحیح نیست و نزد سایر فقها صحیح می‌باشد و حج از متوفی نیز نزد امام ابوحنیفه و امام مالک در صورت وصیت از ثلث مال ادا می‌گردد؛ اما نزد شافعیه، حنبله و امامیه بدون وصیت نیز باید در صورت وجوب حج بر متوفی، از مال او ادا گردد.

نائب می‌بایست از میقات آمر احرام حج یا عمره را ببندد و مخالف با دستور صاحب حج یا عمره عمل نکند. مثلاً اگر به نائب دستور حج افراد بدهد و او حج قرآن بجا آورد نزد امام ابوحنیفه ضامن می‌گردد، اما نزد امام ابو یوسف و امام شافعی و امام احمد ضامن نمی‌گردد و حج صحیح می‌باشد چون قرآن افضل است و نائب،

حج بهتر را انجام داده است. برخلاف تمتع، چون سفر برای عمره واقع می‌شود و دستور آمر به حج افراد، احرام از میقات آفاقی را لازم می‌گرداند حال آنکه تمتع از داخل مکه احرام می‌بندد و محرم می‌شود و این عمره از طرف آمر نمی‌گردد چون او به وی دستور نداده است. به همین صورت اگر به نائب سفارش حج تمتع داد لکن او حج افراد یا حج قران بجا آورد بازهم ضامن می‌گردد. لکن اگر امر به عمره شد و او عمره بجا آورد سپس برای خودش حج بجا آورد یا امر به حج شد و حج را به نیابت انجام داد و سپس برای خودش عمره بجا آورد، جایز است و فقط می‌بایست هزینه اقامت زمان حج یا عمره‌ای که برای خود انجام داده است را از مال خود بپردازد لکن عکس آن جایز نیست مثلاً امر به حج شده، اما ابتدا عمره برای خود انجام بدهد و پس از آن حج برای آمر انجام دهد، جایز نیست.

لذا نایب ملزم به ادای نوع حجی است که صاحب حج به او دستور داده است. اگرچه دم احصار و هدی تمتع بر مال آمر است، اما کفاره جنایات کاملاً بر ذمه و عهده نایب است حتی اگر حج فاسد شود کل هزینه حج را باید نائب بپردازد.

در صورتی که نائب بدون عذر شرعی نتوانست حج را بجا آورد ضامن است و در غیر این صورت ضمانتی بر او نیست و تمام مصارف حج بر عهده صاحب حج است.

در صورتی که نائب از طرف خودش حج نرفته باشد، به نیابت حج رفتن در فقه حنفیه و مالکیه با کراهت اشکالی ندارد اما در فقه سایر مذاهب صحیح نیست. اگر صاحب حج، نائب را مشخص کرده باشد به جز نائب مورد نظر کسی دیگر نمی‌تواند حج نیابتی را بجا آورد، مگر آن که اجازه انجام آن را به دیگری بدهد.

فرزند بدون دستور و اجازه والدین می‌تواند از طرف آنان حج انجام دهد لذا مستحب است که ابتدا برای مادرش حج واجب یا نفلی انجام دهد مگر آن که حج

واجب بر پدر باشد آنگاه ابتدا برای پدر انجام دهد و پس از آن برای مادرش حج انجام دهد. در این حالت هر نوع حجبی را می‌تواند انجام دهد.<sup>۱</sup>

نیابت در حج و عمره نفعی باوجود داشتن توانایی نزد احناف جایز است اما شوافع درست نمی‌دانند.

جایز است انسان ثواب عملش را اعم از صدقه دادن، قربانی کردن، نماز خواندن، روزه گرفتن، حج نمودن، طواف کردن، قرآن خواندن و... را به دیگری (زنده یا مرده) ببخشد که طرف مقابل از این ایصال ثواب برخوردار می‌گردد.

### زیارت مدینه منوره

زیارت مرقد مطهر رسول اکرم (ص) در هر زمانی سنت است اما بعد از حج یا عمره اهمیت بیشتری دارد. اگر خداوند به کسی توفیق داد و برایش میسر نمود که به سرزمین حرمین شریفین برود، سنت است که به مدینه برود و در مسجدالنبی نماز بخواند، زیرا یک رکعت نماز خواندن در آن از هزار نماز در مساجد دیگر بهتر است به جز مسجدالحرام چون نماز در مسجدالحرام برابر با صد هزار نماز در مساجد دیگر است. «صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي هَذَا أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ صَلَاةٍ فِيْمَا سِوَاهُ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ، وَ صَلَاةٌ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَفْضَلُ مِنْ مِائَةِ أَلْفِ صَلَاةٍ فِيْمَا سِوَاهُ»<sup>۲</sup>

در مکه در بدو ورود به مسجدالحرام، ابتدا کعبه را طواف می‌کنیم، اما در بدو ورود به مسجدالنبی در مدینه، ابتدا دو رکعت نماز تحیت المسجد می‌خوانیم و آنگاه به زیارت مرقد مطهر رسول خدا (ص) به سمت روضه مبارکه می‌رویم، زیارتی با کمال ادب و فروتنی و بدون صدا بلندی یا زور و فشار و هل دادن دیگران.

۱- شرح فتح القدير، ۱۵۳/۳، و الفقه الاسلامی، ۲۱۰۸/۳، و الفقه على المذاهب الاربعه، ۷۰۸/۱.

۲- صحیح بخاری، حدیث شماره ۱۱۹۰ و صحیح مسلم، حدیث شماره ۱۳۹۵ و مسند احمد، حدیث ۱۵۶۸۵.

روبروی سر مبارک حضرت و پشت به قبله، ابتدا به رسول خدا (ص) سلام می‌کنیم و پس از آن گامی جلوتر برمی‌داریم و بر نخستین خلیفه‌اش ابوبکر صدیق (رض) سلام می‌فرستیم و با برداشتن گامی دیگر بر خلیفه دوم، عمر بن خطاب (رض) سلام می‌نماییم. سپس در محضر پیامبر (ص) فرصت را مغتنم شمارید و از او بخواهید که برایمان از خدا طلب آمرزش کند؛ زیرا اینجا محل مغفرت و آمرزش است و وعده تحقق چنین مغفرتی را خداوند سبحان داده است: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا»<sup>۱</sup> و اگر آنان وقتی به خود ستم کرده بودند پیش تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر (ص) نیز برای آنان طلب آمرزش می‌کرد، قطعاً خدا را توبه پذیر و مهربان می‌یافتند.

زیارت قبور مؤمنین به‌ویژه قبرستان بقیع از مستحبات است و پیامبر (ص) نیز سفارش به زیارت نموده است: «كُنْتُ نَهَيْتُكُمْ عَنِ زِيَارَةِ الْقُبُورِ، فَرُزُّوْهَا فَإِنَّهَا تُذَكِّرُ الْآخِرَةَ أَوْ الْمَوْتَ»<sup>۲</sup>

زیارت قبور آثار تربیتی به دنبال دارد که از آن جمله:

۱- پندآموزی و عبرت گرفتن

۲- به یاد آخرت و مرگ افتادن

۳- کاهش طمع انسان نسبت به مال و ثروت و برانگیختن عواطف انسانی.

برای دست یافتن به آثار تربیتی زیارت قبور، باید آداب آن را رعایت کرد و از اعمالی چون: طواف قبور، درخواست از مردگان و نماز خواندن در قبرستان و... دوری جست و فقط با سلام گفتن بر اصحاب قبور، برای خود و آنان دعای مغفرت نمود.

۱- سوره نساء، آیه ۶۴.

۲- صحیح مسلم، حدیث ۹۷۷ و سنن ترمذی، حدیث ۱۰۵۴.



علاوه بر آن برای زائر، سنت است که: ۱- به زیارت قبور شهدای احد که یکی از آنها سیدالشهداء حمزه بن عبدالمطلب (رض) می‌باشد، برود و برای آنها دعا کند. ۲- سنت است که روز شنبه وضو بگیرد و به مسجد قبا برود و در آن نماز بخواند. مسجد قبا اولین مسجدی است که در اسلام بنا شده است و پیامبر (ص) سواره و پیاده به مسجد قبا می‌رفت و در آن دو رکعت نماز می‌خواند و می‌فرمود: هرکس در خانه‌اش طهارت کند سپس به مسجد قبا بیاید و در آن نماز بخواند به اندازه ثواب یک عمره به او پاداش می‌رسد.<sup>۱</sup>

در طول مدت اقامت در مدینه، باید حرمت حرم رسول خدا (ص) را نگه داشت و با درود و سلام فرستادن به رسول خدا (ص) و تمرین فرمان‌بری از رسول خدا (ص) با عبادت و استغفار در مسجدالنبی کمال بهره را برد.

«إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا.»<sup>۲</sup> همانا خداوند و فرشتگان او بر پیامبر درود می‌فرستند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شما نیز بر او درود فرستید و به او سلام کنید، سلامی همراه با تسلیم (و فرمان‌بری). چرا که «مَنْ يُطِيعَ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ...»<sup>۳</sup> هر کس پیامبر (ص) را پیروی کند بی‌شک خداوند را اطاعت کرده است؛ و برکت حضورش مانع نزول عذاب بر امت بود و تنها مانع موجود نیز استغفار به درگاه الهی است. «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ»<sup>۴</sup>

زائر در هنگام ترک مدینه نیز به مسجدالنبی رفته و پس از ادای دو رکعت نماز به سمت روضه پیامبر آمده و با تقدیم سلام، از خداوند بخواهد که این زیارت را

۱- صحیح بخاری، حدیث شماره ۱۱۹۴، و سنن ابن ماجه، حدیث ۱۴۱۲.

۲- سوره احزاب، آیه ۵۶.

۳- سوره نساء، آیه ۸۰.

۴- سوره انفال، آیه ۳۳.

آخرین دیدار با حرم پیامبر (ص) نگرداند و با مرقد مطهر وداع نماید؛ و از خداوند متعال همچون خلیفه راشد پیامبر (ص) حضرت عمر فاروق (رض) بخواهیم: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَهَادَةً فِي سَبِيلِكَ وَاجْعَلْ مَوْتِي فِي بَلَدِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»<sup>۱</sup> شهادت در راهش و مرگ در حرم شریف رسولش را نصیب ما بگرداند.

## جدول خلاصه احکام «عمره» مطابق با مذاهب اسلامی

عنوان و موضوع	مذهب	حنفیه	شافعیه	مالکیه	حنابله	شیعه امامیه
انجام عمره یکبار در طول عمر	سنت	سنت	واجب	سنت مؤکده	واجب فوری	واجب فوری
احرام عمره (نیت داخل شدن در عمره)	شرط	شرط	رکن	رکن	رکن	رکن
غسل احرام	سنت	سنت	سنت	سنت	سنت	مستحب
نیت احرام و تعیین نوع احرام	واجب	واجب	واجب	واجب	واجب	واجب
پوشیدن لباس احرام	واجب	واجب	واجب	واجب	واجب	واجب
احرام از میقات	واجب	واجب	واجب	واجب	واجب	واجب
تلبیه و لبیک گفتن یک مرتبه	واجب	واجب	سنت	واجب	سنت	واجب
همراه کردن احرام با تلبیه	واجب	واجب	سنت	واجب	سنت	واجب
طواف عمره	رکن	رکن	رکن	رکن	رکن	رکن
نماز طواف	واجب/سنت مؤکد	واجب/سنت	سنت	واجب	سنت	واجب
سعی بین صفا و مروه	واجب	واجب	رکن	رکن	رکن	رکن
نیت سعی	واجب	واجب	شرط	شرط	شرط	واجب/شرط ط
انجام سعی پس از طواف	واجب/شرط	واجب/شرط	واجب/شرط	واجب	شرط	واجب
موالات بین سعی و طواف	سنت	سنت	سنت	واجب	شرط	مستحب
طهارت در سعی	سنت	سنت	سنت	سنت	سنت	مستحب
شروع سعی از صفا و ختم آن به مروه	واجب/شرط	واجب/شرط	شرط/واجب	شرط	شرط	واجب
هفت دور سعی را کامل نمودن	واجب	واجب	شرط/واجب	شرط	شرط	واجب
موالات بین هفت دور سعی	سنت	سنت	سنت	شرط	شرط	مستحب
پیاده سعی نمودن در صورت عدم عذر	واجب	واجب	سنت	واجب	شرط	مستحب
تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر	واجب	واجب	رکن	واجب	واجب	واجب
ترتیب بین ارکان	واجب	واجب	رکن	واجب	واجب	واجب

\* ارکان، فرائض و شروط عمره و حج: عبارت از اموری است که صحت عمره و حج بدون آن تحقق نمی یابد و رکن عبارت از اموری است که عمره و حج بدون آن تحقق نمی یابد ترک هر یک از فرائض، شروط و ارکان عمره و حج، بطلان حج و عمره را به دنبال دارد و با فدیة قابل جبران نیست.

واجبات عمره و حج: عبارت از اموری است که انجام دادن آن ها ضروری است ولی ترک آن ها باعث بطلان عمره و حج نمی گردد بلکه با دادن فدیة قابل جبران است.

سنتن حج و عمره: عبارت از اعمالی است که انجام دادن آن ها مطلوب بوده و ثواب دارد ولی ترک آن ها نه تنها عمره و حج را باطل نمی کند بلکه بر ترک آن فدیة ای نیز لازم نمی آید. حکم مستحب نزد امامیه مترادف حکم سنت نزد مذاهب اهل سنت است. ترک سنت بی ادبی محسوب می شود ولی ترک مستحب بی ادبی محسوب نمی شود.

## جدول خلاصه احکام «حج» مطابق با مذاهب اسلامی

عنوان و موضوع	مذهب	حنفیه	شافعیه	مالکیه	حنابله	امامیه
حکم حج در صورت استطاعت	حکم حج در صورت استطاعت	فرض فوری	فرض با تأخیر	فرض فوری	فرض فوری	فرض فوری
احرام حج (نیت داخل شدن در اعمال حج)	احرام حج (نیت داخل شدن در اعمال حج)	شرط صحت حج است	رکن	رکن	رکن	رکن
طواف قدوم برای حاجی مفرد و قارن	طواف قدوم برای حاجی مفرد و قارن	سنت	سنت	واجب	سنت	مستحب
بیتوته در منی شب عرفه	بیتوته در منی شب عرفه	سنت	سنت	سنت	سنت	مستحب لزومی ندارد
وقوف در صحرائ عرفات	وقوف در صحرائ عرفات	رکن	رکن	رکن	رکن	رکن
استمرار وقوف در عرفه تا غروب آفتاب	استمرار وقوف در عرفه تا غروب آفتاب	واجب	سنت	واجب	واجب	واجب
جمع نماز ظهر و عصر روز عرفه	جمع نماز ظهر و عصر روز عرفه	سنت	سنت	سنت	سنت	مستحب
بیتوته شب عید در مزدلفه	بیتوته شب عید در مزدلفه	سنت موکد	پیش از نصف شب واجب	سنت	پیش از نصف شب واجب	مستحب/ واجب
وقوف در مزدلفه شب عید قربان	وقوف در مزدلفه شب عید قربان	واجب	واجب	واجب	واجب	واجب
وقوف در مشعر الحرام از طلوع فجر روز عید تا طلوع آفتاب	وقوف در مشعر الحرام از طلوع فجر روز عید تا طلوع آفتاب	قدر لحظه ای واجب و مابقی مستحب است	سنت	سنت	سنت	رکن
جمع نماز مغرب و عشا در مزدلفه	جمع نماز مغرب و عشا در مزدلفه	واجب	سنت	سنت	واجب/سنت	مستحب/واجب
خروج از مشعر قبل از طلوع فجر رمی جمره عقبه در روز عید	خروج از مشعر قبل از طلوع فجر رمی جمره عقبه در روز عید	جایز نیست	جایز است	جایز است	جایز است	جایز نیست
زمان رمی جمره عقبه در روز دهم	زمان رمی جمره عقبه در روز دهم	از طلوع فجر روز بعد	بعد از نیمه شب عید تا آخرایام تشریق	از طلوع آفتاب تا ظهر و بعد از آن مکروه است	بعد از نیمه شب عید تا آخر ایام تشریق	از طلوع آفتاب تا غروب
حلق یا تقصیر در منی روز عید	حلق یا تقصیر در منی روز عید	واجب	رکن	واجب	واجب	واجب
مکان حلق یا تقصیر	مکان حلق یا تقصیر	در حرم واجب است	در حرم مستحب است	در حرم سنت است	در حرم سنت است	محل آن مناسبت
مقدار حلق	مقدار حلق	یک چهارم سر واجب	سه مو رکن است	تمام یا اکثر سر	تمام سر واجب	تمام سر واجب
قربانی در حج تمتع و قران	قربانی در حج تمتع و قران	واجب	واجب	واجب	واجب	واجب
قربانی در حج افراد	قربانی در حج افراد	مستحب	مستحب	مستحب	مستحب	مستحب
رعایت ترتیب بین رمی جمره، قربانی و حلق در حج تمتع و قران	رعایت ترتیب بین رمی جمره، قربانی و حلق در حج تمتع و قران	واجب	سنت	سنت	سنت	احتیاط واجب
انجام ذبیح و حلق قبل از ظهر یوم نحر	انجام ذبیح و حلق قبل از ظهر یوم نحر	سنت	سنت	سنت	سنت	مستحب
طواف زیارت	طواف زیارت	اکثر رکن و بقیه واجب	رکن	رکن	رکن	رکن
انجام طواف زیارت در ایام نحر	انجام طواف زیارت در ایام نحر	واجب	سنت	واجب در ذی الحجه	سنت	مستحب
تأخیر طواف زیارت از رمی جمره عقبه	تأخیر طواف زیارت از رمی جمره عقبه	سنت	سنت	واجب	سنت	واجب

واجب	سنت	واجب	سنت	واجب / سنت موکد	نماز طواف
رکن	رکن	رکن	رکن	واجب	سعی بین صفا و مروه
واجب	واجب	واجب	واجب	واجب	رمی جمرات سه گانه در منی در ایام تشریق
از طلوع آفتاب تا غروب	از زوال خورشید تا غروب	از زوال خورشید تا غروب	از زوال خورشید تا غروب	از زوال خورشید تا غروب	زمان رمی جمرات
واجب	واجب / شرط	واجب	واجب	سنت	رعایت ترتیب بین رمی جمرات
واجب	واجب	واجب	واجب	سنت مؤکده	بیتوته در منی در شبهای یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذیحجه
مستحب	واجب	سنت	واجب	واجب	طواف وداع
بعد از اتمام اعمال حج رواست	بدون کراهت رواست	صحیح نیست	بعد از اتمام اعمال حج رواست	مکروه تحریمی	۱۵ء عمره در ایام تشریق

## فصل پنجم

اذکار و ادعیه حج و عمره





### کیفیت نیت عمره و حج

اگر تنها اراده حج دارد حاجی مفرد چنین نیت کند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْحَجَّ فَيَسِّرْهُ لِيْ وَ تَقَبَّلْهُ مِنِّيْ.  
بارالها من تصمیم حج دارم. تو آن را بر من آسان گردان و از من بپذیر.

اگر اراده عمره و حج با یکدیگر دارد، نیت احرام اولش این است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْعُمْرَةَ فَيَسِّرْهَا لِيْ وَ تَقَبَّلَهَا مِنِّيْ.  
بارالها من تصمیم عمره دارم تو آن را بر من آسان گردان و از من بپذیر.

اگر تصمیم دارد که با یک احرام عمره و حج را ادا کند حاجی قارن گفته می شود که چنین باید نیت کند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ فَيَسِّرْهُمَا لِيْ وَ تَقَبَّلَهُمَا مِنِّيْ.  
بارالها من تصمیم حج و عمره دارم. تو آن دو را بر من آسان گردان و از من بپذیر.

بعد از نیت هر سه نوع حج بگویند:

لِيَّكَ اللَّهُمَّ لِيَّيْكَ ، لِيَّيْكَ لَا شَرِيْكَ لَكَ لِيَّيْكَ ، اِنَّ الْحَمْدَ وَ النُّعْمَةَ لَكَ وَ الْمُلْكَ  
من حاضرم ، پروردگارا حاضرم ، تو شریک نداری ، من حاضرم ، همه ستایشها و نعمتها و پادشاهی  
لا شَرِيْكَ لَكَ .

مخصوص توست ، تو را شریکی نیست.



### دعای ورود به مکه مکرمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْحَرَمَ حَرْمُكَ وَالْبَلَدَ بَلَدُكَ وَالْأَمْنَ أَمْنُكَ وَالْعَبْدَ عَبْدُكَ ، جَنَّتِكَ مِنْ

خدایا این حرم، حرم توست و این شهر، شهر تو، و این حرم، حرم امن توست و بنده، بنده توست، بسوی تو آمده‌ام از بلاد بعیده بذنوب کثیره و اعمال سیئه اسئلك مسأله المضطر الیک ، المَشْفِقِ

بلاد دور با باری ازگناه و اعمال نامطلوب از تو می‌خواهم همانند خواستن کسی که هیچ پناهی جز تو ندارد و نیازمند به من عذابک ، أَنْ تَسْتَقْبِلَنِي بِمَحْضِ عَفْوِكَ وَأَنْ تَتَجَاوَزَ عَنِّي بِرَحْمَتِكَ وَأَنْ تُدْخِلَنِي

رحمت تو و بیمناک از عذاب توست. امید است مرا بپذیری به عفو خود و به رحمت خود از من بگذری و مرا داخل جنتک، اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا حَرْمُكَ وَ حَرْمَ رَسُولِكَ فَحَرِّمْ لِحِمِّي وَ دَمِي وَ عَظْمِي عَلَى النَّارِ

بهشت خود گردانی. خدایا این حرم تو و حرم رسول توست پس گوشت و خون و استخوانم را بر آتش جهنم حرام گردان اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي بِهَا قَرَارًا وَارْزُقْنِي فِيهَا رِزْقًا حَلَالًا، اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي وَأَنَا عَبْدُكَ

خدایا بگردان در این شهر برایم آرامش و روزی حلال نصیب گردان ، خدایا تو پروردگار منی و من بنده تو جئتُ لَدَيْكَ فَرَضَكَ وَأَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَالْتَمِسُ رِضَاكَ مُتَبِعًا لَأَمْرِكَ، رَاضِيًا بِقَضَائِكَ

آمده‌ام تا فرض تو را ادا کنم و رحمت تو را می‌جویم و رضایت تو را می‌پویم و پیرو امر تو هستم ، راضی به قضاء اسئلك مسأله المضطرين الیک المَشْفِقِينَ مِنْ عَذَابِكَ أَنْ تَسْتَقْبِلَنِي الْيَوْمَ

تو هستم، از تو می‌خواهم همانند خواستن کسانی که هیچ پناهی جز تو ندارند و بیمناکند از عذاب تو امیدست امروز مرا بِعَفْوِكَ وَ تَحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ وَ تَتَجَاوَزَ عَنِّي بِمَغْفِرَتِكَ وَ تُعِينَنِي عَلَى آدَاءِ فَرَائِضِكَ.

بپذیری به عفو خود و برحمت خود در امانم داری و به آمرزش خویش از من درگذری و یارییم ده بر اداء فرایضت. اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ ادْخِلْنِي فِيهَا وَ اعْذِنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.

خدایا درهای رحمت خود را بر من بگشا و مرا به آن در آر و پناهم ده از آسیب شیطان رانده شده.

### دعای ورود به مسجد الحرام

اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ وَالِإِيكَ السَّلَامُ وَالِإِيكَ يَرْجِعُ السَّلَامُ فَحِينَارَبْنَا بِالسَّلَامِ

خدایا تو نگهبان سلامتی هستی و هر سلامتی از توست و بسوی توست و سلامتی بتو برمی گردد پس ما را به سلام و رحمت

وَأَدْخَلْنَا الْجَنَّةَ دَارَكَ دَارَ السَّلَامِ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

زنده بدار و داخل بهشت، خانه تو که خانه سلامتی است بگردان به آن برکت و رفعت بخشیدی ای صاحب جلال و اکرام.

اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَأَدْخِلْنِي فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ

خدایا درهای رحمت و مغفرت خود را بر من بگشا و مرا در آن داخل نما به نام خدا و سپاس برای خدا و درود

عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص). اللَّهُمَّ زِدْ بَيْتَكَ هَذَا تَشْرِيفًا وَتَكْرِيمًا وَتَعْظِيمًا وَمَهَابَةً وَرَفْعَةً

بر رسول خدا (ص). خدایا بیفزای بر این خانه شرف، بزرگی، سرفرازی، عزت و شکوه

وَبِرًّا وَزِدْ يَارَبِّ مَنْ كَرَّمَهُ وَشَرَّفَهُ وَعَظَّمَهُ تَشْرِيفًا وَتَكْرِيمًا وَتَعْظِيمًا وَمَهَابَةً وَرَفْعَةً وَبِرًّا

و نیکی و بیفزای ای خدا بر کسی که این خانه را عزیز و گرامی و بزرگ می دارد با تکریم و تعظیم و نیکی.

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَا. رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ

پروردگارا من و فرزندانم را نمازگزار بگردان. پروردگارا دعای مرا بپذیر. پروردگارا مرا توفیق ده تا بر نعمت که

الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي وَ

بر من و بر پدر و مادرم ارزانی داشتهی سپاس بگزارم و کاری نیک کنم که آن را پسندی و فرزندانم را نیز برای

أَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ. رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ أَمِنًا وَأَجْنِبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ

من شایسته بدار و مرا برحمت در زمره بندگان شایسته ات در آور. خدایا این شهر را امن بگردان و مرا و فرزندانم را از

نَعْبَدَ الْأَصْنَامَ.

پرستش بتان دور بدار

## ادعیه طواف

طواف در اعمال حج علاوه بر وجوب از جایگاه بلندی در زیارت بیت‌الله الحرام برخوردار است. هفت دور (شوط) گشتن دور کعبه را یک طواف کامل گویند. قبل از شروع طواف بهتر است در مقابل حجرالاسود ایستاد و این دعا را خواند:

بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُ أَكْبَرُ إِيمَانًا بِاللَّهِ وَ تَصَدِيقًا بِمَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ<sup>(ص)</sup> لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ.

بنام خداوند بزرگ، ایمان آوردم بخدا و به آنچه محمد<sup>(ص)</sup> آورده باور دارم، نیست خدایی غیر او و خداوند بزرگ است

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَطْتُ يَدِي وَ فِيمَا عِنْدَكَ عَظُمَتْ رَغْبَتِي، فَاقْبَلْ سُبْحَتِي وَ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي

خدایا بسویت دراز کرده‌ام دستم را و بدانچه نزدتوست فراوان است رغبتم پس بپذیر تسیحم را و بیامرزم و رحم کن به من

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَ الْفَقْرِ وَ مَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ .

خدایا من پناه می‌برم به تو از کفر و فقر و عوامل خواری در دنیا و آخرت .

برای این که طواف کننده در تعداد دورهای طواف شک نکند، می‌تواند دعاهای وارده را که هفت قسمت شده است در هر دور به قصد رجا بخواند و اگر تکرار هم کند مانعی ندارد.

## دعای دور اول طواف

بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ.

به نام خداوند بزرگ ، نیست خدایی غیر از او ، همه ستایشها برای خداوند است و درود و سلام برای رسول او باد.

اللَّهُمَّ اِيْمَانًا بِكَ وَتَصَدِيقًا بِكِتَابِكَ وَفَاءً بِعَهْدِكَ وَاتِّبَاعًا لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ وَحَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ (ص)

خدایا به توایمان آوردم و کتب آسمانیت را پذیرفتم و به عهد تو وفا کردم و از سنت پیامبرت محمد(ص) پیروی کردم

اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْمَعَاوَةَ الدَّائِمَةَ فِي الدِّينِ وَالْدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

خدایا من از تو بخشش و عافیت و گذشت همیشگی در دین و دنیا و آخرت می‌طلبم

وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ.

و از تو توفیق دستیابی به بهشت و نجات از آتش دوزخ را مسئلت دارم

رَبَّنَا اٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَاَدْخِلْنَا الْجَنَّةَ مَعَ

پروردگارا عطا کن به ما در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و حفظ فرما از عذاب آتش و ما را با نیکان داخل بهشت

الْاَبْرَارِ بِرَحْمَتِكَ يَا عَزِيزُ يَا غَفَّارُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

بگردان ای عزیز و ای آمرزنده و ای پروردگار جهان.

## دعای دور دوم طواف

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْبَيْتَ بَيْتِكَ وَالْحَرَمَ حَرَمُكَ وَالْأَمْنَ أَمْنُكَ وَالْعَبْدَ عَبْدُكَ وَأَنَا

پروردگارا بی شک این خانه، خانه توست و این حرم، حرم محترم و امن توست و این بنده، بنده توست و من بنده توام

عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ فَحَرِّمِ لِحُومَنَا وَبَشَرَّتَنَا عَلَى النَّارِ

و فرزند بنده تو و اینجایگاه کسی است که از آتش جهنم بسویت پناهنده شده پس گوشت و پوست ما را بر آتش حرام کن

اللَّهُمَّ حَبِّبِ الْإِيمَانَ وَزِينَهُ فِي قُلُوبِنَا وَكَرِهِ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ

پروردگارا محبت ایمان را نصیب ما کن و دلهای ما را به نور ایمان زینت بخش و زشت گردان در نظر ما کفر و بدیها

وَالْعِصْيَانَ وَاجْعَلْنَا مِنَ الرَّاشِدِينَ، اللَّهُمَّ قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ

و نافرمانیها را و قرارده ما را از هدایت یافته گان، پروردگارا ما را از عذاب خود نجات ده در روزی که بندگانت را زنده میکنی

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ. اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي فِتْنَةً لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَنَجِّنِي بِرَحْمَتِكَ

پروردگارا ما را بدون حساب و کتاب وارد بهشت کن. خدایا مرا گرفتار طایفه ظالم مگردان و به رحمت خود

مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ.

مرا از کافران نجات بخش.

## دعای دور سوّم طواف

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّكِّ وَالشَّرِكِّ وَالشَّقَاقِ وَالنَّفَاقِ وَ سُوءِ الْأَخْلَاقِ وَ سُوءِ الْمَنْظَرِ

خدایا، به تو پناه می‌برم از شک و شرک و اختلاف و نفاق و بد خلقی و نگاه بد

وَالْمُنْقَلَبِ فِي الْمَالِ وَالْأَهْلِ وَالْوَلَدِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ رِضَاكَ وَالْجَنَّةَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ سَخَطِكَ

و تباہی در اموال، زن و فرزند خدایا رضایت تو و بهشت را می‌جویم، و به تو پناه می‌برم از ناراحتی تو و

وَالنَّارِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْقَبْرِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَ الْمَمَاتِ

آتش جهنم. بارالها من به تو پناه می‌برم از عذاب قبر و پناه می‌برم به تو از فتنه زندگی و مرگ

وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْمَأْثَمِ وَالْمَغْرَمِ.

و بتو پناه می‌برم از فتنه مسیح دجال خدایا بتو پناه می‌برم از آنچه که انسان را به گناه می‌کشاند و نیز بدهکاری.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَ مَا أَخَّرْتُ وَ مَا أَسْرَرْتُ وَ مَا أَعْلَنْتُ وَ مَا أَسْرَفْتُ وَ مَا أَنْتَ

خداوندا گناهان گذشته و آینده و نهان و آشکار و اسرافم را (زیاده روی مرا در کارها) ببخشای و نیز آن گناهانم

أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي. أَنْتَ الْمُقَدَّمُ وَ أَنْتَ الْمُؤَخَّرُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.

راکه تو به آن از من آگاهتری. تو پیش اندازنده و واپس دارنده ای که معبود راستین جز تو نیست.

## دعای دور چهارم طواف

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ حَجًّا مَبْرُورًا وَ سَعِيًّا مَشْكُورًا وَ ذَنْبًا مَغْفُورًا وَ عَمَلًا صَالِحًا مَقْبُولًا

پروردگارا بگردان این حج را حج نیک و مقبول و کوشش قابل تقدیر و گناه بخشیده و عمل شایسته مقبول

وَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ، يَا عَالَمَ مَا فِي الصُّدُورِ، أَخْرِجْنِي يَا اللَّهُ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ.

و تجارتی که نقصان نداشته باشد، ای داندۀ آنچه در دلهاست ای خدا مرا از تاریکیهای زندگی بسوی نور ایمان بیرون بیاور

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ وَ عَزَائِمِ مَغْفِرَتِكَ وَ السَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ آثَمٍ

پروردگارا من از تو درخواست میکنم آنچه را که موجب رحمت و مغفرت تو هستند و از تومی خواهم سلامتی از هر گناه

وَ الْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بَرٍّ وَ الْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَ النَّجَاةَ مِنَ النَّارِ، رَبِّ قَنَعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي

و به هر نیکی کامیاب گردانی و به بهشت رستگار کنی و از جهنم نجات دهی، خدایا قانع بگردان مرا

وَ بَارِكْ لِي فِيمَا أَعْطَيْتَنِي وَ اخْلُفْ عَلَيَّ كُلَّ غَائِبَةٍ لِي مِنْكَ بِخَيْرٍ .

به آنچه روزی دادی و برکت ده به نعمتهایی که به من عطا کردی و در هر نقصان بهترین عوض را به من عنایت کن.

## دعای دور پنجم طواف

اللَّهُمَّ أَظْلَنِي تَحْتَ ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ وَلَا بَاقِيَ إِلَّا وَجْهَكَ

پروردگارا مرا زیر سایه عرش خود قرارده در آنروز که جز سایه عرشت سایه دیگری نباشد و غیر از ذات تو کسی باقی نماند

وَ اسْقِنِي مِنْ حَوْضِ نَبِيِّكَ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ (ص) شَرْبَةَ هَنِيئَةٍ مَرِيئَةٍ لَا نَظْمًا بَعْدَهَا أَبَدًا

و بنوشان مرا از حوض پیامبرت محمد (ص) (حوض کوثر) شربتی خوشگوار و خوش ذائقه‌ای که بعد از آن هرگز تشنه نشوم.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلَكَ مِنْهُ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٌ نَبِيِّكَ (ص) وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ

خدایا من نیز همه خوبیهای را که پیامبر ما محمد (ص) از تو خواسته است می‌خواهم و پناه می‌برم به تو از

شَرِّ مَا اسْتَعَاذَكَ مِنْهُ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٌ نَبِيِّكَ (ص). اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ وَ نَعِيمَهَا وَ مَا

تمام بدیهایی که پناه برده است به تو پیامبرمان محمد (ص). پروردگارا بهشت را می‌خواهم و نعمتهای آنرا و آنچه

يُقَرِّبُنِي إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ أَوْ عَمَلٍ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ وَ مَا يُقَرِّبُنِي إِلَيْهَا

مرا به آن نزدیک می‌گرداند از گفتار و فعل و عمل و به تو پناه می‌برم از آتش جهنم و آنچه مرا به آن نزدیک می‌کند

مِنْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ أَوْ عَمَلٍ.

از گفتار و فعل یا عمل.



## دعای دور ششم طواف

اَللّٰهُمَّ اِنَّ لَكَ عَلٰى حَقُوْقًا كَثِيْرَةً فَيَمَا بَيْنِيْ وَبَيْنِكَ وَحَقُوْقًا كَثِيْرَةً فَيَمَا بَيْنِيْ وَبَيْنَ خَلْقِكَ

خدایا بدون شک تو بر من حقوق بسیاری داری که میان من و توست و حقوق بسیار دیگری است که میان من و مخلوق توست

اَللّٰهُمَّ مَا كَانَ لَكَ مِنْهَا فَاغْفِرْهُ لِيْ وَمَا كَانَ مِنْهَا لِخَلْقِكَ فَتَحَمَلْهُ عَنِّيْ وَاَعْنِنِيْ بِحَلَالِكَ

خدایا آنچه از حقوق توست بر من ببخش و آنچه حقوق مخلوق توست پس آن را از من بردار و جبران کن و مرا به رزق

عَنْ حَرَامِكَ وَبِطَاعَتِكَ عَنْ مَعْصِيَتِكَ وَبِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ يَا

حلالیت از حرام حفظ فرما و به توفیق طاعتت مرا از نافرمانی نجات ده و به فضل و کرمت مرا از غیر خود بی نیاز گردان ای

وَاسِعِ الْمَغْفِرَةِ . اَللّٰهُمَّ اِنَّ بَيْتَكَ عَظِيْمٌ وَوَجْهَكَ كَرِيْمٌ وَاَنْتَ يَا اِلٰهَ حَلِيْمٌ

آن که بخشش خیلی وسیع است. خدایا خانه تو بزرگ است و شخصیت تو بزرگوار، بارالها بی شک تو بسیار بردبار

كَرِيْمٌ عَظِيْمٌ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّيْ .

و کرم کننده و با عظمتی و گذشت را دوست داری پس از من درگذر.

## دعای دور هفتم طواف

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ اِیْمَانًا کَامِلًا وَّ یَقِیْنًا صَادِقًا وَّ رِزْقًا وَّاسِعًا وَّ قَلْبًا خَاشِعًا

خدایا من از تو می‌خواهم که به من ایمان کامل و یقین درست و روزی فراخ و قلب خاشع و

وَلِسَانًا ذَاکِرًا وَّ رِزْقًا حَلَالًا طَیِّبًا وَّ تَوْبَةً نَّصُوْحًا وَّ تَوْبَةً قَبْلَ الْمَوْتِ، وَّ رَاحَةً عِنْدَ الْمَوْتِ

زبان ذکرکننده و رزق حلال و پاکیزه دهی و توفیق توبه خالص و پیش از مرگ به من عنایت کنی، و مرگ را آسان گردانی

وَّ مَغْفِرَةً بَعْدَ الْمَوْتِ وَّ الْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ، وَّ الْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَّ النَّجَاةَ مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِکَ

و بعد از مرگ بیامرزی و در روز حساب ببخشی و به بهشت رستگار کنی و از جهنم نجاتم ببخشی به طفیل

یَا عَزِیْزُ یَا غَفَّارُ، رَبِّ زِدْنِیْ عِلْمًا وَّ اَحْقِنِیْ بِالصَّالِحِیْنَ.

رحمت خود ای غالب و بسیار بخشنده، خدایا بر دانشم بیفزای و مرا در زمره صالحان قرار ده.

## دعای ملتزم

اللَّهُمَّ يَا رَبَّ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ، أَعْتَقْ رِقَابَنَا وَ رِقَابَ آبَائِنَا وَ أُمَّهَاتِنَا وَ جِيرَانِنَا مِنَ النَّارِ

پروردگارا، ای مالک خانه قدیمی، گردن ما و گردنهای پدران و مادران و همسایگان ما را از آتش جهنم نجات بده

يَا ذَا الْجُودِ وَ الْكِرَمِ وَ الْفَضْلِ وَ الْمَنِّ وَ الْعَطَاءِ وَ الْإِحْسَانِ، اللَّهُمَّ أَحْسِنْ عَاقِبَتَنَا

ای صاحب سخاوت و کرم و فضل و منت و بخشش و احسان، خدایا خوب گردان سرانجام همه

فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا وَ اجْرِنَا مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَ عَذَابِ الْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ أَنِّي عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ

کارهای ما را و نجات بده ما را از رسوایی دنیا و آخرت، ای خدا من بنده و فرزند بندهات هستم که اکنون

وَاقِفٌ تَحْتَ بَابِكَ، مُلْتَمِزٌ بِاعْتَابِكَ، مُتَدَلِّلٌ بَيْنَ يَدَيْكَ، أَرْجُو رَحْمَتَكَ وَ أَخْشَى

زیر دروازه خانه مقدس ایستاده، به چارچوب آن چسبیده، خوار و افتاده پیش رویت، رحمت تو را می‌خواهم و از

عَذَابِكَ يَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ. اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَرْفَعَ ذِكْرِي وَ تَضَعَ وَزْرِي وَ

عذاب تو می‌ترسم ای آن که احسانت سابقه دارد. پروردگارا از تو می‌خواهم که عبادتم را بلند کنی و گناهم را از

تُصَلِّحَ أَمْرِي وَ تُطَهِّرَ قَلْبِي وَ تَنْوِّرَ لِي فِي قَبْرِي وَ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِي وَ أَسْأَلُكَ الدَّرَجَاتِ

دوشم برداری و کارم را شایسته گردانی و قلبم را پاک و قبرم را نورانی و گناهم را ببخشی و بالاترین مرتبه را در

الْعُلَى مِنَ الْجَنَّةِ

بهشت نصیب گردان.

### دعای مقام ابراهیم (ع)

اللَّهُمَّ أَنْتَ تَعْلَمُ سِرِّي وَ عَلَانِيَتِي فَأَقْبِلْ مَعْذِرَتِي وَ تَعَلَّمْ حَاجَتِي فَأَعْطِنِي سُؤْلِي  
خدایا، بر نهان و آشکار من آگاهی، پس معذرت‌م را بپذیر و بر نیازم آگاهی پس نیازم را برآورده ساز

وَ تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي فَأَغْفِرْ لِي ذُنُوبِي ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا يُبَاشِرُ قَلْبِي وَ يَقِينًا  
و از احوال دل من مطلع هستی پس گناهانم را ببخش. خدایا از تو ایمانی می‌خواهم که در قلبم جای گیرد و یقین

صَادِقًا حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّهُ لَا يُصِيبُنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي ، رِضًا مِنْكَ بِمَا قَسَمْتَ لِي  
درستی تا باور کنم که هیچ مصیبتی به من نخواهد رسید مگر آنچه در تقدیرم نوشته‌ای و راضی به آن تقدیر شوم.

أَنْتَ وَ لِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ ، تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَ الْوَحْفَنِي بِالصَّالِحِينَ اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ لَنَا فِي  
تو در دنیا و آخرت کارساز من هستی، خدایا مرا مسلمان بمیران و از نیکوکاران بگردان. خدایا در این مکان مقدس گناه

مَقَامِنَا هَذَا ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ وَ لَا هَمًّا إِلَّا فَرَجْتَهُ وَ لَا حَاجَةً إِلَّا قَضَيْتَهَا وَ يَسِّرَتَهَا  
بخشوده نشده برای ما مگذار و همه گناهان ما را ببخش و پریشانی‌های ما را دور کن و نیازمندیهای ما را برآورده ساز

فَيَسِّرْ أُمُورَنَا وَ اشْرَحْ صُدُورَنَا وَ نَوِّرْ قُلُوبَنَا وَ اخْتِمِ بِالصَّالِحَاتِ أَعْمَالَنَا  
و مشکلات ما را حل کن و سینه‌های ما را گشاده و دل‌های ما را نورانی کن و خاتمه همه کارهای ما را بخیر گردان.

اللَّهُمَّ ، تَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ وَ الْوَحِقْنَا بِالصَّالِحِينَ غَيْرِ خَزَايَا وَ لَا نَادِمِينَ ، آمِينَ .  
خدایا ما را مسلمان بمیران و از بندگان صالح خود قرار بده و از رسوایی و فتنه‌های دین و دنیا محفوظ بدار. خدایا این  
دعاها را قبول فرما.

### دعای حجر اسماعیل (ع)

اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، خَلَقْتَنِي وَ أَنَا عَبْدُكَ وَ أَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَ وَعْدِكَ  
 خدایا تو پروردگار منی هیچ معبودی جز تو نیست، تو مرا آفریده‌ای و من بنده توام و در حد توان بر پیمان و وعده تو  
 مَا اسْتَطَعْتُ ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعَتْ أَبْوَاءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَ أَبْوَاءُ بِذَنْبِي  
 هستم، به تو پناه می‌برم از شر آن چیزی که انجام داده‌ام اعتراف به نعمت تو بر خود دارم و معترف به گناهم  
 فَاعْفِرْ لِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلَكَ بِهِ  
 پس گناهانم را ببخش ، نمی‌آموزد گناهان را جز تو . خدایا از تو می‌خواهم بهترین چیزی را که  
 عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذَكَ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ  
 بندگان صالحت خواستند و به تو پناه می‌برم از بدی که بندگان صالحت به تو پناه بردند  
 اللَّهُمَّ بِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى وَ صِفَاتِكَ الْعُلْيَا طَهَّرْ قُلُوبَنَا مِنْ كُلِّ وَصْفٍ يُبَاعِدُنَا عَنْ  
 خدایا به اسماء حسنایت و صفات برترت پاک گردان دلهای ما را از هر چیزی که از  
 مُشَاهَدَتِكَ وَ مَحَبَّتِكَ وَ آمَنَّا عَلَى السُّنَّةِ وَ الْجَمَاعَةِ وَ الشُّوقِ إِلَى لِقَائِكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ  
 دیدنت و دوستیت دورمی گرداند و بپیران ما را بر مذهب اهل سنت و جماعت و اشتیاق به دیدارت ای صاحب جلال و اکرام  
 اللَّهُمَّ نَوِّرْ بِالْعِلْمِ قَلْبِي وَ اسْتَعْمِلْ بِطَاعَتِكَ بَدَنِي وَ خَلِّصْ مِنَ الْفِتَنِ سِرِّي وَ اشْغَلْ  
 خدایا با دانش دلم را روشن بگردان و بدنم را به طاعت خود مشغول ساز و نهمانم را از فتنه‌ها رها ساز  
 بِالْإِعْتِبَارِ فِكْرِي وَ قِنِي شَرَّ وَ سَاوِسِ الشَّيْطَانِ وَ اجْرِنِي مِنْهُ يَا رَحْمَنُ ، حَتَّى لَا يَكُونَ  
 و فکرم را به اندیشیدن مشغول نما و از آسیب و وسوسه‌های شیطان ، حفظم کن و مرا مأجور کن ای ذات بخشنده  
 لَهُ عَلَى سُلْطَانِ رَبَّنَا إِنَّا آمَنَّا فَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ  
 تاشیطان را تسلط بر من نماند. پروردگار ما، ما ایمان آوردیم پس گناهانمان را بپارم از عذاب آتش جهنم حفظمان کن.



## دعای سعی - دور اول از صفا به مروه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا وَسُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ الْكَرِيمِ بُكْرَةً

خدا بزرگتر است به بزرگی خود و حمد فراوان برای خداست و منزه است خدای بزرگ و سپاس خدای کریم راهر صبح

و اَصِيلًا، وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

و شام سزاست و پاره‌ای از شب او را سجده کن و تسبیح گوی او را شب به مدت طولانی، نیست خدایی جز خدای

وَحَدَّهُ أَنْجَزَ وَعَدَّهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحَدَّهُ لَا شَيْءَ قَبْلَهُ

یکتا، انجام داد وعده‌اش را و یاری کرد بنده‌اش را و نابود کرد گروه‌های کفر و نفاق را به تنهایی، نیست چیزی قبل از او

وَلَا بَعْدَهُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ وَلَا يَفُوتُ أَبَدًا الْخَيْرُ

و بعد از او، زنده می‌کند و می‌میراند و او زنده‌ای است که نمی‌میرد و از بین نمی‌رود هرگز، در دست اوست خیر

وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. رَبِّ اغْفِرْ وَأَرْحَمْ وَأَعْفُ وَتَكْرَمُ وَتَجَاوَزُ

و به سوی اوست بازگشت همه و او بر هر چیزی تواناست. خدایا مرا بپامرز و رحم کن و عفو نما و لطف فرما و بگذر

عَمَّا تَعْلَمُ أَنْكَ تَعْلَمُ مَا لَا نَعْلَمُ، أَنْكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ، رَبَّنَا نَجِّنَا مِنْ

از آنچه از اعمالم می‌دانی بدرستی که تو میدانی آنچه ما نمیدانیم به راستی که تو خدای عزیز و بزرگوار، پروردگارانجات

النَّارِ سَالِمِينَ غَانِمِينَ فَرِحِينَ مُسْتَبْشِرِينَ مَعَ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ

بده ما را از آتش درحالی که سالم و بهره‌مند و شاد هستیم و مزده بهشت را به ما میدهند باینندگان صالح تو به همراه کسانی که نعمت داده

عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا، ذَلِكَ الْفَضْلُ

خداوند آنها را از پیامبران و راستگویان و شهدا و صالحان و اینها چه خوب رفقای هستند و آن فضلی است از

مِنَ اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ عَلِيمًا. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ

جانب خدا و کافی است خدا که داناتر است. نیست خدایی جز خدای یکتای برحق برحق، نیست معبودی جز الله و نمی‌پرستیم جز او

مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ. إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ

راخالصانه، دینش را پروریم هر چند خوش نیاید کافران را. صفا و مروه از شعائر خداست پس کسی که حج خانه را بجا می‌آورد

أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ.

یا عمره می‌گذارد گناهی نیست بر او اگر طواف کند بر آن دو پس هر که به رغبت انجام دهد کار نیکی را بداند خدا

شکرگزار داناست.

### دعای سعی – دور دوم از مروه به صفا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الْقَرْدُ  
 خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، و برای خداست حمد، نیست خدایی جز الله واحد و تنهای یگانه  
 الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَكَلْدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ  
 بی‌نیازی که هرگز نگرفت همسری و نه فرزندی و هرگز نیست برای او شریکی در فرمانروایی و نیست هرگز برای او  
 وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَ كَبْرَهُ تَكْبِيرًا، اللَّهُمَّ أَنْتَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ: ادْعُونِي أَسْتَجِبْ  
 یاری از روی مذلت و تکبیر گوی او را تکبیری شایسته، خدایا فرمودی در کتاب نازل شده‌ات: بخوانید مرا تا اجابت کنم  
 لَكُمْ، دَعُونََا رَبَّنَا فَاعْفِرْنَا كَمَا أَمَرْتَنَا أَنْتَ لَا تُخَلِّفُ الْمِيعَادَ. رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا  
 شمارا، تورامی خوانیم خدایا پس بیامرز ما را چنانکه امر کردی بما بدرستی که تو خلاف وعده نمی کنی خدایا ما شنیدیم  
 مُنَادِيًا يَنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا، رَبَّنَا فَاعْفِرْنَا ذُنُوبَنَا وَ كَفِّرْ  
 ندای آن ندادهنده به ایمانرا که «ایمان آرید به پروردگارتان» پس ایمان آوردیم خدایا پس بیامرز گناهان ما را و چشم‌پوشی  
 عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَ تَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ، رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَ لَا تُخْزِنَا يَوْمَ  
 کن از بدیهایمان و بمیران در سلک نیکان، خدایا عطا کن بر ما آنچه وعده داده‌ای بوسیله پیامبرانت و خوارمساز ما را روز  
 الْقِيَامَةِ أَنْتَ لَا تُخَلِّفُ الْمِيعَادَ. رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَ الْيَكِ أَنْبَا وَ الْيَكِ الْمَصِيرُ  
 قیامت که تو خلاف نمی کنی در وعده‌ات. خدایا به تو توکل میکنیم و بسوی تو توبه میکنیم و بسوی توست بازگشتمان  
 رَبَّنَا اغْفِرْنَا وَ لِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَ لَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا.  
 خدایا بیامرز ما را و برادران ما را آنان که پیشی گرفتند بر ما در ایمان و قرارمده در دل‌های ما کینه کسانی که ایمان آوردند  
 رَبَّنَا أَنْتَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ. رَبِّ اغْفِرْ وَ أَرْحَمُ وَ أَعْفُ وَ تَكْرَمُ وَ تَجَاوِزُ عَمَّا تَعْلَمُ أَنْتَ  
 خدایا تو رؤوف و رحیمی خدایا بیامرز و رحم نما و عفو فرما و کرامت‌نما و بگذر از آنچه در حقم میدانی بدرستی که تو  
 تَعْلَمُ مَا لَا نَعْلَمُ أَنْتَ اللَّهُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ. إِنَّ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ  
 می دانی آنچه ما نمی دانیم همانا تو خدای بسیار عزیز و بزرگواری. صفا و مروه از شعائر خداست پس کسی که حج  
 الْبَيْتِ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ.  
 خانه بجا می آورد یا عمره می گزارد گناهی نیست بر او اگر طواف کند بر آن دو پس هر که به رغبت کار نیکی را انجام  
 دهد بداند که خدا شکرگزار داناست



### دعای سعی - دور سوم از صفا به مروه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ، رَبَّنَا أَتِمِّمْ لَنَا نُورَنَا

خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، و برای خداست حمد، خدایا کامل کن بر ما نور ما را

وَ اغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْخَيْرَ كُلَّهُ عَاجِلَهُ وَ آجَلَهُ وَ اسْتَغْفِرُكَ

و بیامرزم ما را که تو بر هر چیز توانایی. خدایا من می‌طلبم از تو نیکی تمام دنیا و آخرت را و آمرزش می‌خواهم از

لذنبی و اسئلك رحمتك يا ارحم الراحمين. رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَعْفُ وَتَكْرَمْ وَتَجَاوَزْ

گناهانم و خواهانم رحمت را ای مهربانترین مهربانان. خدایا بیامرزم و رحم نما و عفو فرما و لطف نما و بگذر

عَمَّا تَعَلَّمَ إِنَّكَ تَعَلَّمُ مَا لَا نَعْلَمُ إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ. رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا

از آنچه از اعمالم میدانی که تو می‌دانی آنچه ما نمی‌دانیم که تویی خدای بسیار عزیز و بزرگوار. خدایا زیاد کن علمم را

وَ لَا تَزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ.

و ملغزان قلبم را بعد از آن که هدایت کردی مرا و ببخش به من از جانب خودت رحمتی که تویی بسیار بخشنده.

اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي سَمْعِي وَ بَصَرِي. لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ.

خدایا ایمن بدار گوشم و چشمم را. نیست هیچ معبودی جز تو، منزهی تو من به خود ظلم کرده‌ام.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ

خدایا من پناه می‌برم به تو از عذاب قبر، خدایا من پناه می‌برم به تو از کفر و فقر. خدایا من پناه می‌برم

بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَبِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لَا أُحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ

به رضای تو از خشم تو و به عفو تو از مجازات تو و پناه می‌برم به تو از ناتوانی در شمارش ثنای تو

أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ فَ لَكَ الْحَمْدُ حَتَّى تَرْضَى. إِنَّ الصَّافَا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ

که تو همان گونه هستی که ستودی خودت را، پس برای تو باد حمد تا خشود گردی. صفا و مروه از شعائر خداست

اللَّهُ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَ مَنْ تَطَوَّعَ

پس کسی که حج خانه را بجا می‌آورد یا عمره می‌گزارد گناهی نیست بر او اگر طواف کند بر آن دو پس هر که به رغبت

خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ.

انجام‌دهد کار نیکی را بداند که خدا شکرگزار داناست.

### دعای سعی - دور چهارم از مروه به صفا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، وَلِلَّهِ الْحَمْدُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا تَعْلَمُ

خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است، و برای خداست حمد، خدایا من از تو می خواهم آنچه برایم خیر  
و اَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَعْلَمُ وَاَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ مَا تَعْلَمُ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ .

می دانی و پناه می برم بتو از آنچه برایم شر می دانی و آمرزش می طلبم از تمام آنچه درباره من می دانی که تویی داننده  
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ. مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ الصَّادِقُ الْوَعْدُ الْأَمِينُ. اللَّهُمَّ إِنِّي

غیبهایی نیست خدای جز الله که فرمانروای حق آشکار است و محمد رسول خدا و صادق الوعد و امین است. خدایا من  
أَسْأَلُكَ كَمَا هَدَيْتَنِي لِلْإِسْلَامِ أَنْ لَا تُنَزِعَهُ مِنِّي حَتَّى تَتَوَقَّأَنِي عَلَيْهِ وَاَنَا مُسْلِمٌ.

از تو می خواهم همچنانکه مرا هدایت کردی به اسلام آن را جدا نکنی از من تا دم مرگم تا این که مسلمان بمیرم .

اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَفِي سَمْعِي نُورًا وَفِي بَصَرِي نُورًا. اللَّهُمَّ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي

خدایا قواربده در قلبم نوری و در گوشم نوری و در دیده ام نوری. خدایا پروردگارا بگشا سینه ام را  
وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ وَسَاوِسِ الصَّدْرِ وَشَتَاتِ الْأَمْرِ وَفِتْنَةِ الْقَبْرِ.

و آسان کن کارم را و پناه می برم به تو از شر وسوسه های درونی و پراکندگی کارم و سختی و عذاب قبر.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا يَلِجُ فِي اللَّيْلِ وَمِنْ شَرِّ مَا يَلِجُ فِي النَّهَارِ وَمِنْ شَرِّ مَا

خدایا من پناه می برم به تو از شری که روی آورد در شب و از شری که روی آورد در روز و از شری که بوزد

تَهَبُ بِهِ الرِّيحُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ سُبْحَانَكَ مَا عِبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ يَا اللَّهُ سُبْحَانَكَ

بسبب آن بادهای بلا ای مهربانترین مهربانان منزهی توبجا نیاوردیم عبادتت را آنچنان که حق عبادتت بود. خدایا منزهی

مَا ذَكَرْنَاكَ حَقَّ ذِكْرِكَ يَا اللَّهُ، رَبِّ اغْفِرْ وَاَرْحَمُ وَاَعْفُ وَاَتَكْرَّمُ وَتَجَاوِزْ عَمَّا

تو یاد تو نکردیم آنچنانکه حق یادکردنت بود ای خدا، پروردگارا بیامرز مرا و رحم کن و عفو فرما و کرامت نما و درگذر

تَعْلَمُ إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا لَا نَعْلَمُ إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ. إِنَّ الصِّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ

آنچه از من میدانی که تو می دانی آنچه ما نمی دانیم که توهستی خدای بسیار عزیز و بزرگوار. صفا و مروه از شعائر خداست  
فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتِ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ.

پس کسی که حج خانه را به جا می آورد یا عمره می گزارد گناهی نیست بر او اگر طواف کند بر آن دو پس هر که به

رغبت انجام دهد کار نیکی را بدانند که خدا شکرگزار داناست.

### دعای سعی - دور پنجم از صفا به مروه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ، سُبْحَانَكَ مَا شَكَرْنَاكَ حَقَّ شُكْرِكَ

خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است، و برای خداست حمد، منزهی تو بجا نیاوردیم شکر تو را آنچه آنچنان که

يَا اللَّهُ، سُبْحَانَكَ مَا أَعْلَى شَأْنِكَ يَا اللَّهُ اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيْنَا الْإِيمَانَ وَ زَيِّنْهُ فِي قُلُوبِنَا وَ

شایسته شکر توست ای خدا، منزهی تو چه بلند مرتبه است شأنت ای خدا، خدا یا محبوب گردان برای ما ایمان را و زینت ده آنرا

وَ كَرِّهِ إِلَيْنَا الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ وَ اجْعَلْنَا مِنَ الرَّاشِدِينَ، رَبِّ اغْفِرْ

در قلبهایمان و زشت گردان در نظر ما کفر و بدیها و نافرمانیها را و قرار بده ما را از هدایت پیشگان، خدایا مرا بیامرز و

وَ أَرْحَمْ وَ أَعْفُ وَ تَكْرَّمْ وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ، أَنْتَ تَعْلَمُ مَا لَا نَعْلَمُ أَنْتَ اللَّهُ الْأَعَزُّ

رحم و عفو کن و لطف فرما و بگذر از آنچه از اعمالم میدانی و به درستی که تو می دانی آنچه ما نمی دانیم به راستی که تو خدای بسیار

الْأَكْرَمُ. اللَّهُمَّ فَنِي عَذَابِكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ، اللَّهُمَّ اهْدِنِي بِالْهُدَى وَ نَقِّنِي بِالتَّقْوَى

عزیز و بزرگواری خدایا حفظ کن از عذابت روزی که مبعوث می کنی بندگانت را. خدایا هدایت فرما مرا به راه راست و پاک نما بوسیله

وَ اغْفِرْ لِي فِي الْآخِرَةِ وَ الْأُولَى. اللَّهُمَّ ابْسُطْ عَلَيْنَا مِنْ بَرَكَاتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ فَضْلِكَ وَ رِزْقِكَ

تقوی و ببخش مرا در آخرت و دنیا. خدایا بگستر بر ما از برکات رحمتت را و فضلت را و روزیت را.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ النِّعِيمَ الْمُقِيمَ الَّذِي لَا يَحُولُ وَ لَا يَزُولُ أَبَدًا. اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي

خدایا از تو می خواهم نعمت های جاویدان را که تغییر نکند و زایل نشود هرگز. خدایا قرار بده در قلبم

نُورًا وَ فِي سَمْعِي نُورًا وَ فِي بَصَرِي نُورًا وَ فِي لِسَانِي نُورًا وَ عَن يَمِينِي نُورًا وَ مِنْ

نوری و در گوشم نوری و در چشمم نوری و در زبانم نوری و در راستم نوری و از

فَوْقِي نُورًا وَ اجْعَلْ فِي نَفْسِي نُورًا وَ اعْظِمْ لِي نُورًا رَبِّ اشرحْ لِي صَدْرِي وَ يسِّرْ لِي أَمْرِي

بالای سرم نوری و قرار ده در نفسم نوری و بزرگ گردان بر من نورم را پروردگارا بگشا سینه ام را و آسان کن کارم را.

إِنَّ الصَّافَا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتِ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ

صفا و مروه از شعائر خداست پس کسی که حج خانه را بجا می آورد یا عمره می گزارد گناهی نیست بر او اگر

بِهِمَا وَ مَنْ تَطَّوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ.

طواف کند بر آن دو پس هر که به رغبت انجام دهد کار نیکی را بداند خدا شکرگزار داناست.

### دعای سعی - دور ششم از مروه به صفا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، وَلِلَّهِ الْحَمْدُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، صَدَقَ وَعْدُهُ  
خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است، و برای خداست حمد، نیست خدایی جز خدای یگانه، عمل کرد  
و نصر عبده و هزم الأحزاب وحده. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ  
و عده اش را و یاری کرد بنده اش را و نابود کرد سپاه کفر و نفاق را به تنهایی. نیست خدایی جز الله و نمی پرستیم مگر او را و  
و لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَالتَّقَى وَالعِفَافَ وَالعِنْيَ.

خالصانه پیرو دین اوئیم و هر چند خوش نیاید کافران را. بارالها می خواهم از توهیدیت و پرهیز کاری و پاکدامنی و بی نیازی.  
اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَالَّذِي تَقُولُ وَخَيْرًا مِمَّا نَقُولُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ رِضَاكَ وَالجَنَّةَ وَاعْوِذُ بِكَ  
خدایا برای توست حمد همچنانکه خود می گویی و بهتر است از آنچه ما می گوئیم. خدایا از تو می خواهم رضایت را  
مِنْ سَخَطِكَ وَ النَّارَ وَ مَا يَقْرُبُنِي إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ وَ فِعْلٍ أَوْ عَمَلٍ. اللَّهُمَّ بِنُورِكَ اهْتَدَيْنَا وَ  
و بهشتت را و پناه می برم به تو از خشم تو و از آتش تو و نیز از آنچه نزدیک کند به آن از هر سخن و فعل و عمل من. بارالها با  
وَ بِفَضْلِكَ اسْتَعْنَيْنَا وَ فِي كَنَفِكَ وَ انْعَامِكَ وَ عَطَائِكَ وَ احْسَانِكَ اصْبَحْنَا وَ امْسَيْنَا  
نور تو هدایت یافتیم و به فضل تو بی نیاز گشتیم و در سایه توجه تو و انعام تو و بخشش تو و نیکی تو صبح را به شام  
أَنْتَ الْاَوَّلُ فَلَا قَبْلَكَ شَيْءٌ وَ الْاٰخِرُ فَلَا بَعْدَكَ شَيْءٌ، وَ الظَّاهِرُ فَلَا شَيْءٌ فَوْقَكَ وَ الْبَاطِنُ  
رساندیم تو اولین هستی و نبود قبل از تو چیزی و آخرین هستی و نیست بعد از تو چیزی و تو ظاهری و نیست چیزی فوق تو  
فَلَا شَيْءٌ دُونَكَ. اللَّهُمَّ اِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفُلْسِ وَ الْكَسَلِ وَ عَذَابِ الْقَبْرِ وَ فِتْنَةِ الْغِنَى وَ  
و تو باطنی و نیست چیزی پنهانتر از تو. خدایا پناه می بریم بتو از ورشکستگی و تنبلی و عذاب قبر و امتحان کردنمان در  
نَسْأَلُكَ الْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ. رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَ اعْفُ وَ تَكْرَمْ وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ اَنَّكَ تَعْلَمُ  
بی نیازی و می خواهیم از تو رستگاری و بهشت را. خدایا مرا بیمارز و به من رحم کن و مرا عفو فرما و به من کرامت فرما و  
مَا لَا نَعْلَمُ اَنَّكَ اَنْتَ اللَّهُ الْاَعَزُّ الْاَكْرَمُ. اِنَّ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ  
بگذرد از آنچه درباره من می دانی به درستی که تومی دانی آنچه ما نمی دانیم که تو خدای عزیز و بزرگواری. صفا و مروه از  
الْبَيْتِ اَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ اَنْ يَطُوفَ بِهِمَا وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَاِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ.  
شعائر خداست پس کسی که حج بجا می آورد یا عمره می گزارد گناهی نیست براو اگر طواف کند بر آن دو پس هر که  
به رغبت انجام دهد کار نیکی را بدانند که خدا شکر گزار داناست.

### دعای سعی - دور هفتم از صفا به مروه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، كَبِيرًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا. اللَّهُمَّ حَبِّبْ

خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است به بزرگی خود و حمد مخصوص اوست حمدی فراوان. خدایا محبوب

الِيَّ الْإِيمَانَ وَزَيْنَهُ فِي قَلْبِي وَكَرَهُ إِلَيَّ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ وَأَجْعَلْنِي

من گردان ایمان را و بیاری آن را در قلبم و منفور نما در نزد کفر و بدیها و معاصی را و قرار بده من را

مِنَ الرَّاشِدِينَ. رَبُّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَعْفُ وَتَكَرَّمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمَ أَنْكَ تَعَلَّمَ مَا لَا

از هدایت یافتگان. پروردگارا مرا بیا مرز و به من رحم کن و عفو فرما و بگذر از آنچه دربارهٔ من میدانی که تو میدانی

نَعَلَّمَ أَنْكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ. اللَّهُمَّ اخْتِمِ بِالْخَيْرَاتِ آجَلَنَا وَحَقِّقْ بِفَضْلِكَ آمَانَنَا

آنچه ما نمی دانیم همانا تو خدای بسیار عزیز و بزرگواری. خدایا ختم به خیر کن پایان عمر ما را و محقق ساز با فضلت

وَسَهِّلْ لِبُلُوغِ رِضَاكَ سُبُلَنَا وَحَسِّنْ فِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ أَعْمَالَنَا يَا مُنْقِذَ

آرزوهای ما را و آسان کن رسیدن به راههای رضایت را و نیکوگردان در همه احوال کارهای ما را، ای نجات دهنده

الْغُرَقَى يَا مُنْجِي الْأَهْلَكِي يَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى يَا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى يَا قَدِيمَ

غریقان، ای نجات بخش هلاک شدگان ای شاهد همه سخنان درگوشی ای که منتهی شود همه شکایات بتو ای قدیم

الْإِحْسَانَ يَا دَائِمَ الْمَعْرُوفِ، يَا مَنْ لَا غَنَى بِشَيْءٍ عَنْهُ وَلَا بُدَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مِنْهُ، يَا مَنْ

الاحسان ای کسی که همیشه خوبی میکند ای کسی که بی نیاز نیست بدون او هیچ کس و ناگزیر هر چیزی از اوست، ای

رِزْقُ كُلِّ شَيْءٍ عَلَيْهِ وَمَصِيرُ كُلِّ شَيْءٍ إِلَيْهِ. اللَّهُمَّ أَنْتَ عَائِدُ بِكِ مِنْ شَرِّ مَا أُعْطِينَا

کسی که روزی همه از اوست و بازگشت هر چیزی بسوی اوست. خدایا من به تو پناه می برم از شر آنچه به ما عطا کردی

و مِنْ شَرِّ مَا مَنَعْتَنَا. اللَّهُمَّ تَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ وَالْحَقْنَا بِالصَّالِحِينَ غَيْرَ خَزَايَا وَلَا

و از شر آنچه از ما دریغ داشته ای، خدایا ما را مسلمان بمیران و ملحق نما به صالحانی که نه خوار و نه

مَفْتُونِينَ. رَبِّ يَسِّرْ وَلَا تَعَسِّرْ رَبِّ اْتَمِّمْ بِالْخَيْرِ. إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنَ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ

گمراهند. خدایا بر ما آسان گیر و سخت نگیر خدایا کارهایمان را باخیر به اتمام برسان. صفا و مروه از شعائر خداست پس کسی

حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ.

که حج خانه را به جا می آورد یا عمره می گزارد گناهی نیست بر او اگر طواف کند بر آن دو پس هر که به رغبت انجام دهد

کار نیکی را بداند که خدا شکر گزار داناست.

### دعای پایان سعی

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِنْدِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ<sup>۱</sup>

خداوند کسی است که جز او خدایی نیست، زنده پاینده است، نه چرت او را فرا گیرد و نه خواب، آنچه در آسمانها و در زمین است از اوست، کیست که در نزد او، جز به اذن او به شفاعت برخیزد، گذشته و آینده ایشان را می داند، و

بشئی من عِنْدِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ<sup>۱</sup>

به چیزی از علم او احاطه و آگاهی نیابد مگر آنچه خود بخوهد، کرسی (علم و قدرت) او آسمانها و زمین را فرا گرفته

حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ<sup>۱</sup>

است و نگاهداشت آنها بر او دشوار نیاید و او بزرگوار و بزرگ است.

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ<sup>۲</sup>

خدایا پس از آن که هدایتمان کردی، دلهای ما را مگردان و رحمتی از سوی خویش بما ارزانی دار که تو بخشنده ای.

رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَأَسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ<sup>۳</sup>

پروردگارا گناهان ما و گزافکاریمان را در کارمان بیامرز و گامهای ما را استوار بدار و ما را بر کافران پیروز گردان.

رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ<sup>۴</sup>

خدایا بر خویش ستم کرده ایم و اگر ما را نبخشایی و بر ما رحم نکنی هر آینه از زیانکاران خواهیم شد.

رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ<sup>۵</sup>

پروردگارا بر ما باران صبر فرو ریز و گامهای ما را استوار بدار و ما را بر کافران پیروز گردان.

۱- بقره / ۲۵۵.

۲- آل عمران / ۸.

۳- آل عمران / ۱۴۷.

۴- اعراف / ۲۳.

۵- بقره / ۲۵۰.

رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسْنَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ  
 خدایا اگر فرمائی را فراموش یا خطایی کردیم بر ما مگیر، پروردگارا بار گرانی برعهده ما مگذار، چنانکه آن را برعهده  
 عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا  
 پیشینان ما گذارده ای، خداوندا آنچه تاب و توان آن را نداریم بردوش ما مگذار، و ما را ببخش و بیامرز

وَأَرْحَمَنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ<sup>۱</sup>

و بر ما رحم کن، تو مولای ما می، پس ما را بر کافران پیروز گردان.

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ<sup>۲</sup>  
 خدایا ما را دستخوش ستمگران مگردان و ما را به رحمت خویش از کافران رهایی بخش.

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيهِمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا<sup>۳</sup>  
 خدایا مگردان ما را از کسانی که کوشش آنان در راه زندگانی دنیا نقش بر آب شده است و ایشان چنین می انگارند که  
 خود، نیکو کردارند.

رَبِّ اجْعَلْنَا مَقِيمِ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءَ رَبَّنَا تُقَبَّلْ مِنَّا وَعَافِنَا وَاعْفُ  
 خدایا، ما و ذریه ما را نمازگزار بگردان و دعای ما را بپذیر. خدایا از ما قبول فرما و سلامتمان بدار  
 عَنَّا وَ عَلَى طَاعَتِكَ وَ شُكْرِكَ أَعْنَا وَ عَلَى غَيْرِكَ لَا تَكِلْنَا وَ عَلَى الْإِيمَانِ وَالْإِسْلَامِ  
 و از ما درگذر و بر طاعت و سپاس نعمت یاریمان نما و لحظه ای ما را به دیگران وامگذار و بر ایمان و اسلام  
 الْكَامِلِ جَمِيعًا تَوَفَّنَا وَ أَنْتَ رَاضٍ عَنَّا ، اَللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِتَرْكِ الْمَعَاصِي أَبَدًا مَا  
 کامل بمیران در حالی که از ما راضی باشی. خدایا تا زنده هستم مرا از تمام گناهان و لغزشها نگه دار، و  
 أَبْقَيْتَنِي وَارْحَمْنِي أَنْ أَتَكَلَّفَ مَا لَا يَعْنِينِي وَارْزُقْنِي حَسَنَ النَّظَرِ فِيمَا يُرْضِيكَ عَنِّي  
 از مشغول شدن به چیزهای بیهوده بازدار و حسن نظر در آنچه خوشنودی تو را بدنبال دارد نصیبم گردان

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.

۱- بقره / ۲۸۶.

۲- یونس / ۸۵-۸۶.

۳- کهف / ۱۰۴.

## دعای عرفه

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ

نیست هیچ معبودی جز خدای یکتا که شریکی ندارد، فرمانروائی و سپاس سزاوار اوست زنده می گرداند و می میراند و او  
حیُّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ أَنْتَ وَقَفْتَنِي وَحَمَلْتَنِي

ذات همیشه جاویداست که نمی میرد، خوبیها در ید قدرت اوست و بر هر چیز قادر است. خدایا تو فایم دادی و مرا بر سواری

عَلَى مَا سَخَّرْتَ لِي حَتَّى بَلَغْتَنِي بِإِحْسَانِكَ إِلَى زِيَارَةِ بَيْتِكَ وَالْوُقُوفِ عِنْدَ هَذَا

که مسخرم نمودی حمل نمودی و با احسان خود رساندی به زیارت خانهات و وقوف در این

الْمَشْعَرِ الْعَظِيمِ، اقْتِدَاءً بِسُنَّةِ خَلِيلِكَ وَاقْتِنَاءً لِأَثَارِ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ (ص)

مشعر بزرگ، اقتداء به سنت دوست تو و پیروی از سیره بهترین بندگان حضرت محمد (ص)

اللَّهُمَّ أَنْ لِكُلِّ ضَيْفٍ قَرِيٍّ وَ لِكُلِّ وَفْدٍ جَائِزَةٍ وَ لِكُلِّ زَائِرٍ كَرَامَةٍ وَ لِكُلِّ سَائِلٍ عَطِيَّةٍ وَ

خدایا برای هر مهمانی پذیرائی و برای هر گروه پاداشی و برای هر زائری حرمتی و برای هر سائلی بخششی و برای هر

لِكُلِّ رَاجٍ ثَوَابًا وَ لِكُلِّ مُلْتَمِسٍ لِمَا عِنْدَكَ جَزَاءً وَ لِكُلِّ رَاغِبٍ إِلَيْكَ زُلْفَى وَ لِكُلِّ مُتَوَجِّهِ

امیدوار ثوابی و برای هر تقاضا کننده از تو پاداشی و برای هر متمایل به تو نزدیکی و برای هر متوجه

إِلَيْكَ إِحْسَانًا، وَ قَدْ وَفَّقْنَا بِهَذَا الْمَشْعَرِ الْعَظِيمِ رَجَاءً لِمَا عِنْدَكَ، فَلَا تُخَيِّبِ الْهَنَاءَ رَجَاءَنَا

به تو نیکی است در این مشعر بزرگ، قرار گرفته امیدوار به آنچه نزد توست، پس امید ما را قطع نکن

فِيكَ يَا سَيِّدَنَا يَا مَوْلَانَا يَا مَنْ خَضَعَتْ كُلُّ الْأَشْيَاءِ لِعِزَّتِهِ وَ عِنْتَ الْوُجُوهُ لِعَظَمَتِهِ.

ای سرور و مولای ما ای خدایی که تمام موجودات خاضع عزت توست و تمام چهرهها روبه عظمت تو آورده اند.

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ خَرَجْنَا وَ بِفَنَائِكَ أَنْخَنَا وَ إِيَّاكَ أَمَلْنَا وَ مَا عِنْدَكَ طَلَبْنَا وَ لِإِحْسَانِكَ

خدایا به امید تو بیرون شدیم و به امید ذوب شدن در تو نشستیم و فقط بتو امید داریم و از آنچه نزد توست می خواهیم

تَعَرَّضْنَا وَ لِرَحْمَتِكَ رَجَوْنَا وَ مِنْ عَذَابِكَ أَشْفَقْنَا وَ لِبَيْتِكَ الْحَرَامِ حَجَجْنَا يَا مَنْ

و بر احسان تو خود را عرضه کرده ایم و به رحمت تو امیدواریم و از عذاب تو ترسنایم و حج خانه تو به جا آوردیم

يَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِينَ، وَ يَعْلَمُ ضَمَائِرَ الصَّامِتِينَ، يَا مَنْ لَيْسَ مَعَهُ رَبٌّ يُدْعَى وَ لَا إِلَهُ

ای مالک نیاز نیازمندان و داننده نهمان سکوت کنندگان، ای ذاتی که مانند او پروردگاری نیست که خوانده شود و نه



يُرْجَى، وَلَا فَوْقَهُ خَالِقٌ يُخْشَى، وَلَا وَزِيرٌ يُؤْتَى وَلَا حَاجِبٌ يُرْشَى يَا مَنْ لَا  
 نه معبودی که به او امیدداشت، و برتر از او خالق نیست که از او ترسیده شود و نه وزیری دارد که بیخشد و نه درباری دارد  
 يَزِدَادُ عَلَى السُّؤَالِ إِلَّا كَرَمًا وَجُودًا وَعَلَى كَثْرَةِ الْحَوَائِجِ إِلَّا تَفَضُّلاً وَاحْسَانًا.  
 دارد که رشوه گیرد ای ذاتی که باسؤال کرم و جودش افزون میگردد و بادرخواست زیاد، تفضل و احسانش آشکار میگردد  
 اَللّٰهُمَّ اَنْتَ تَرَى مَكَانِي وَ تَسْمَعُ كَلَامِي وَ تَعْلَمُ سِرِّي وَ عَلَانِيَتِي وَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ شَيْءٌ  
 خدایا تو جایگاهم را می بینی و کلامم را می شنوی و پنهان و آشکارم را می دانی و هیچ چیز از امورم بر تو  
 مِنْ اَمْرِي، اَنَا الْمُعْتَرِفُ بِذَنْبِي وَ اَسْتُلِكُ مَسْأَلَةَ الْمُسْكِينِ، وَ اَبْتِهَلُ اِلَيْكَ اِبْتِهَالًا  
 پنهان نیست، من اعتراف به گناه خود دارم و از تو میخوام همانند خواستن مسکین و رجوع می کنم بتو رجوع کردن  
 الْمَذْنِبِ الذَّلِيلِ، وَ اَدْعُوكَ دُعَاءَ الْخَائِفِ الضَّرِيرِ، دُعَاءَ مَنْ خَضَعَ لَكَ عُنُقَهُ  
 گناهکار خوار، و می خوانم تو را همانند خواندن کسی که از تو بیمناک است و گردنش به خاطر تو پائین افتاده  
 وَ ذَلَّ لَكَ جَسَدُهُ وَ فَاضَتْ لَكَ عَيْنَاهُ. اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي رَبِّ شَقِيًّا وَ كُنْ بِي  
 و جسدش زمین گیر شده و چشمانش برای تو اشکبار شده. خدایا مرا نافرمان مگردان و به من  
 رَعُوْفًا رَحِيْمًا، يَا خَيْرَ الْمَسْئُوْلِيْنَ وَ يَا خَيْرَ الْمُعْطِيْنَ، رَبِّ اِهْدِنَا بِالْهُدَى وَ زَيِّنَّا بِالتَّقْوَى  
 رئوف و مهربان باش، ای بهترین مسئول و بهترین بخشنده، خدایا هدایتان کن و به تقوی زینت مان ده  
 وَ اَغْفِرْ لَنَا فِي الْاٰخِرَةِ وَ الْاَوَّلَى. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَ فِي سَمْعِي نُورًا وَ فِي بَصَرِي  
 و ما را در دنیا و آخرت ببخش. خدایا در دلم نوری و در گوشم نوری و در بالای سرم نوری  
 نُورًا وَ فِي لِسَانِي نُورًا وَ عَن يَمِيْنِي نُورًا وَ عَن يَسَارِي نُورًا وَ مِنْ فَوْقِي نُورًا  
 نوری و در زبانم نوری و در راست و چپم نوری و در بالای سرم نوری  
 وَ مِنْ تَحْتِي نُورًا وَ اجْعَلْ فِي نَفْسِي نُورًا وَ عَظْمِي لِی نُورًا، رَبِّ اَشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ،  
 و زیر پایم نوری و در وجودم نوری قرار ده و مرا مشمول نوری بزرگ گردان. خدایا شرح صدر نصیب کن و  
 يَسِّرْ لِي اَمْرِي اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْتُلِكُ الْهُدَى وَ التَّقِي وَ الْعَفَا وَ الْغِنَى، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ حَجَّامْبَرُورًا  
 امورم را آسان گردان، خدایا من از تو هدایت و پرهیزگاری، پاکدامنی و بی نیازی می خواهم خدایا بگردان این حج را  
 وَ ذَنْبًا مَغْفُوْرًا وَ عَمَلًا صَالِحًا مَقْبُوْلًا، اَللّٰهُمَّ اِنِّي قَدْ وَدَدْتُ اِلَيْكَ وَ وَقَفْتُ بَيْنَ  
 مقبول و گناه بخشیده و عمل شایسته مقبول، خدایا به سوی تو حرکت کردم و ایستادم جلوی شما

يَدِيكَ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ الشَّرِيفِ، رَجَاءً لِّمَا عِنْدَكَ فَلَا تَجْعَلِنِي الْيَوْمَ أُخِيْبَ وَفِدِكَ،  
 در این مکان مقدس، به امید آنچه نزد توست پس امروز مگردان مرا جزو ناامیدان سپاهت،  
 فَافْكُرْ مِنِّي بِالْجَنَّةِ وَمَنْ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ وَالْعَافِيَةِ، وَأَجْرِنِي مِنَ النَّارِ وَأَدْرَأْ عَنِّي شَرَّ خَلْقِكَ  
 پس با بهشت گرامی دار و با بخشش و عافیت بر من منت گذار، و از آتش جهنم نجاتم ده و بدیهای آفرینندگان را از  
 انْقَطِعَ الرَّجَاءُ الْأَمْنُكَ وَأَغْلَقْتَ الْأَبْوَابَ الْأَبَابِكَ، فَلَا تَكْلِنِي إِلَى أَحَدٍ سِوَاكَ فِي أُمُورِ دِينِي  
 من دور نما هیچ امیدی جز به تو نیست و همه درها جز در تو بسته شده، پس مرا در امور دین و دنیا به کسی جز خود  
 وَدُنْيَايَ طَرْفَةَ عَيْنٍ وَلَا أَقْلَ مَنْ ذَلِكَ وَانْقُلْنِي مِنْ ذُلِّ الْمَعْصِيَةِ إِلَى عِزِّ الطَّاعَةِ، وَأَكْفِنِي  
 وامگذار حتی یک لحظه و کمتر از لحظه هم، خدایا از خواری معصیت و نافرمانی به عزت طاعت توفیقم ده و کفایت  
 بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ، وَأَغْنِنِي بِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ وَنُورِ قَلْبِي وَقَبْرِي وَ  
 فرما مرا از آنچه حرام کردی باعطای حلالت و مرا به فضل و رحمت از غیر خودت بی نیاز گردان و روشنایی بخش قلب و قبرم  
 أَعِزَّنِي مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ، وَاجْمَعْ لِي الْخَيْرَ كُلَّهُ يَا أَكْرَمَ مَنْ سَأَلَ وَأَجُودَ مَنْ أَعْطَى،  
 را و از هر بدی پناهم ده، و خوبی را با تمام معنی فراهم کن ای بزرگترین سؤال شونده و ای سخی ترین بخشنده.  
 اللَّهُمَّ اجْعَلْ خَيْرَ عُمْرِي آخِرَهُ وَخَيْرَ عَمَلِي خَوَاتِمَهُ وَخَيْرَ أَيَّامِي يَوْمَ لِقَائِكَ،  
 خدایا بهترین بخش از عمرم را آخرش بگردان و بهترین عملم را آخرین فعالیتیم در زندگی و بهترین روز را، روز دیدارت بگردان.  
 اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِي بِأَمْرِكَ وَأَيِّدْنِي بِنَصْرِكَ وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَنَجِّنِي مِنْ عَذَابِكَ يَوْمَ  
 خدایا مرا بر فرمانت ثابت مدار و با یاریت تأییدم کن و از فضلت روزیم بخش و نجاتم ده از عذابت روزی که بندگانت جهت  
 تَبِعْتُ عِبَادَكَ، فَقَدْ أَتَيْتَكَ لِرَحْمَتِكَ رَاجِئاً وَعَنْ وَطَنِي نَائِباً وَلِنَسْكَيْ مُؤَدِّياً وَلِفِرَائِضِكَ  
 پاسخگویی دوباره زنده میگردند، به امید رحمت نزد تو آمدم و از وطنم دور شدم و برای ادای نسک و اداکننده فرائض  
 قَاضِياً وَكِتَابِكَ تَالِياً وَلَكَ دَاعِياً وَلِقَسْوَةِ قَلْبِي شَاكِئاً وَمِنْ ذَنْبِي خَاشِعاً وَلِنَفْسِي  
 و خواننده کتاب تو و از قسوت قلبم شاکیم و از گناهم نگرانم و بر نفسم  
 ظَالِماً وَبِجْرَمِي عَالِماً دُعَاءَ مِنْ جَمْعِ عَيْبِهِ وَكَثْرَتِ ذُنُوبِهِ وَتَصَرُّمَتْ أَمَالُهُ وَ  
 ستم روا داشته‌ام و به گناهم معترف تو را می‌خوانم مانند کسی که او را عیب در بر گرفته و گناهش زیاد شده و آرزوی او  
 بَقِيَتْ أَثَامُهُ وَأَنْسَكَبْتُ دَمْعَتَهُ وَانْقَطَعَتْ مَدَّتُهُ، دُعَاءَ مَنْ لَا يَجِدُ لِدُنْبِهِ غَافِراً غَيْرَكَ  
 قطع گشته و گناهش باقی مانده و اشک چشمانش خشکیده و مدت او به پایان رسیده، خواندن کسی که جز تو آمرزنده‌ای

وَلَا لِمَأْمُورِهِ مِنَ الْخَيْرَاتِ مُعْطِيًا سِوَاكَ، وَلَا لِكَسْرِهِ جَابِرًا إِلَّا أَنْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

برای گناهش نمی یابد و برای حاجات خویش جز تو بخشنده ای ندارد، و برای سرکوب نفسش قدرتی جز توندارد ای ارحم الراحمین  
 اللَّهُمَّ وَقَدْ دَعَوْتُكَ بِالْدُعَاءِ الَّذِي عَلَّمْتَنِيهِ، فَلَا تَحْرِمْنِي مِنَ الرَّجَاءِ الَّذِي عَرَفْتَنِيهِ، يَا مَنْ  
 خدایا تو را می خوانم آن گونه که مرا آموزش دادی پس از امیدی که به من شناساندی محروم مگردان ای ذاتی که  
 لَا تَنْفَعُهُ الطَّاعَةُ وَلَا تَضُرُّهُ الْمُعْصِيَةُ، وَمَا أَعْطَيْتَنِي مِمَّا أَحِبُّ فَأَجْعَلْهُ لِي

که فرمانبری، نفعی به او نمی بخشد و نافرمانی زبانی به او نمی رساند، و آنچه به من بخشیدی از آنچه دوست دارم پس آن را  
 عَوْنًا فِيمَا تُحِبُّ وَاجْعَلْهُ لِي خَيْرًا وَحِبِّ طَاعَتِكَ لِي وَالْعَمَلِ بِهَا، كَمَا حَبَبْتَهَا  
 یاورم کن در آنچه تو دوست داری و او را برای من خوب گردان و محبوب بگردان فرمانبریت را و عمل به آن همچنان که  
 إِلَى أَوْلِيَاءِكَ حَتَّى رَأَوْا ثَوَابَهَا، وَكَمَا هَدَيْتَنِي لِلْإِسْلَامِ فَلَا تَنْزِعْهُ مِنِّي حَتَّى تُقْبِضَنِي

آنرا محبوب اولیاء و دوستانت قرار دادی و پاداش آنرا دیدند، و همانگونه که هدایت کردی برای پذیرش اسلام پس او را از من  
 إِلَيْكَ وَأَنَا عَلَيْهِ. اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ الْإِيمَانَ وَزَيْنَهُ فِي قَلْبِي وَكَرِهْ إِلَيَّ الْكُفْرَ  
 مگیر تا جانم را بگیری و من مسلمان باشم. خدایا محبوب من گردان ایمان را و بیارای آن را در قلبم و منفر نما در نزد

وَالْفُسُوقَ وَالْعَصِيَانَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الرَّاشِدِينَ، اللَّهُمَّ اخْتِمْ لَنَا بِالْخَيْرَاتِ أَجَالَنَا وَحَقِّقْ بِفَضْلِكَ  
 کفر و بدیها و معاصی را و فرارده مرا از هدایت یافتگان. خدایا ختم کن به خیرات پایان عمر ما را و محقق ساز با فضلت

أَمَانًا وَسَهْلًا لِبُلُوغِ رِضَاكَ سُبُلَنَا وَحَسِّنْ فِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ أَعْمَالَنَا، يَا مُنْقِذَ الْغُرَقَى  
 آرزوهای ما را آسان کن رسیدن به راههای رضایت را و نیکو گردان در همه احوال کارهای ما را، ای نجات دهنده غریقان

وَيَا مُنْجِيَ الْهَلَكَى، يَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى، يَا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى، يَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ،  
 و ای نجات بخش هلاک شدگان، ای شاهد همه سخنان درگوشی، ای که منتهی شود همه شکایات بتو، ای قدیم الاحسان

يَا دَائِمَ الْمَعْرُوفِ، يَا مَنْ رَزَقُ كُلِّ شَيْءٍ عَلَيْهِ وَمَصِيرُ كُلِّ شَيْءٍ إِلَيْهِ، إِلَيْكَ رَفَعْتُ أَيْدِي  
 ای کسی که همیشه خوبی میکند، ای کسی که روزی همه از اوست و بازگشت هر چیزی بسوی اوست. بسوی تو بلند

السَّائِلِينَ، وَأَمْتَدَّتْ أَعْنَاقُ الْعَابِدِينَ، نَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنَا فِي كُنْفِكَ وَجُودِكَ وَحِرْزِكَ وَ  
 شده دست نیازمندان، و گردن عبادت کنندگان، از تو می خواهیم که قرار دهی ما را در سایه حمایت و سخاوت و

عِيَادِكَ وَسِتْرِكَ وَأَمَانِكَ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ وَدَرْكِ الشَّقَاءِ وَ  
 حفاظت و پناه خود. خدایا به تو پناه می برم از شر بلا و رنج و از عمق نگون بختی و از

سُوءِ الْقَضَاءِ وَ شَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ وَ سُوءِ الْمَنْظَرِ وَ الْمُنْقَلَبِ فِي الْمَالِ وَ الْأَهْلِ وَ الْوَلَدِ.  
 پیامدهای بد قضا و قدر و شادمانی دشمنان و نگاه بد و تباهی در اموال و زن و فرزند.  
 اللَّهُمَّ لَا تَدَعُ لَنَا فِي مَقَامِنَا هَذَا ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ، وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرَجْتَهُ، وَلَا غَائِبًا إِلَّا  
 خدایا در این مکان مقدس گناه بخشوده نشده برای ما مگذار و همه گناهان ما را ببخش و پریشانی‌های ما را دور کن و  
 رَدَدْتَهُ وَ لَا كَرْبًا إِلَّا كَشَفْتَهُ، وَ لَا دَيْنًا إِلَّا قَضَيْتَهُ وَ لَا عَدُوًّا إِلَّا كَفَيْتَهُ وَ لَا فَسَادًا إِلَّا  
 و مسافران را به سلامت به‌خانه‌شان برگردان و اندوه‌ها را دور گردان و بدهی‌های ما را بپرداز، و دشمنان را دفع فرما  
 مَحَيْتَهُ، وَ لَا مَرِيضًا إِلَّا عَافَيْتَهُ، وَ لَا حَاجَةَ مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ هِيَ لَكَ فِيهَا رِضَى  
 و فساد را محو فرما و مریضان را شفا بخش و نیازمندی‌های دنیوی و اخروی ما را که رضایت تو و صلاح ما  
 وَ لَنَا فِيهَا صَلَاحٌ إِلَّا قَضَيْتَهَا فَانْكَ تَهْدِي السَّبِيلَ وَ تَجْبِرُ الْكَسِيرَ وَ تُغْنِي الْفَقِيرَ  
 در آن است برآورده ساز، بدرستی که تو راهنمایی و شکستگان را تو مداوا می‌کنی و محتاجان را تویی نیاز می‌گردانی  
 اللَّهُمَّ لَا يَمْنَعُنِي مِنْكَ أَحَدٌ إِذَا أَرَدْتَنِي وَ لَا يُعْطِينِي أَحَدٌ إِذَا حَرَمْتَنِي فَلَا  
 خدایا باز نمی‌تواند بدارد از تو کسی مرا هنگامی که تو قصدم کنی و نمی‌تواند به من ببخشد کسی هنگامی که تو  
 تَحْرِمُنِي بِقِلَّةِ شُكْرِي وَ لَا تَخْذُلْنِي بِقِلَّةِ صَبْرِي، اللَّهُمَّ اجْعَلِ الْمَوْتَ خَيْرَ غَائِبٍ  
 محروم سازی، پس مرا به دلیل ناسپاسی محروم نساز و به کمی صبرم رسوا مساز. خدایا مرگ را بهترین پنهانی که  
 تَنْتَظِرُهُ وَ الْقَبْرَ خَيْرَ بَيْتِ نَعْمَرِهِ وَ اجْعَلْ مَا بَعْدَهُ خَيْرًا لَنَا مِنْهُ، يَا رَبِّ اغْفِرْ لِي  
 انتظارش را داریم بگردان و قبر را بهترین خانه‌ای بگردان که آبادش می‌سازیم و پس از مرگ را برای ما بهتر بگردان.  
 وَ كَوَالِدِي وَ لِابْنَائِي وَ لِأَخْوَانِي وَ لِأَهْلِ بَيْتِي وَ ذُرِّيَّتِي وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ  
 خدایا بیامرز مرا و والدین و فرزندان و برادران و اهل بیت و نوادگانم را و همچنین مردان و زنان مؤمن و مردان و زنان  
 وَ الْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا يُبَاشِرُ قَلْبِي وَ يَقِينًا صَادِقًا  
 مرده و زنده مسلمانان را. خدایا از تو ایمانی می‌خواهم که در قلبم جای گیرد و یقین درستی  
 حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّهُ لَا يُصِيبُنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي وَ أَرْضَنِي بِقَضَائِكَ وَ أَعِنِّي عَلَى الدُّنْيَا بِالْعَقَّةِ  
 تا باور کنم که هیچ مصیبتی به من نخواهد رسید مگر آنچه در تقدیرم نوشته‌ای و راضی به تقدیر شوم و یاریم ده بر دنیا  
 وَ التَّنَاعَةِ، وَ عَلَى الدِّينِ بِالطَّاعَةِ وَ طَهْرٍ لِسَانِي مِنَ الْكُذْبِ وَ قَلْبِي مِنَ النِّفَاقِ وَ عَمَلِي  
 با عفت و قناعت، و یاریم ده بر دیانت با طاعت و بندگی و زبانم را از دروغ پاک بگردان و دلم را از نفاق و عملم را از

مِنَ الرِّبَاءِ وَ بَصْرِيٍّ مِنَ الْخِيَانَةِ ، فَإِنَّكَ تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ  
 ریا و نگاهم را از خیانت مصون بدار ، همانا تو مطلعی بر نگاه خیانت آمیز و آنچه در دلها پنهان نگهداشته می شود.

اللَّهُمَّ ارْحَمْ غُرْبَتِي فِي الدُّنْيَا وَمَصْرَعِي عِنْدَ الْمَوْتِ وَ وَحْشَتِي فِي قَبْرِي وَمَقَامِي بَيْنَ  
 خدایا بر تنهاییم در دنیا رحم کن و هنگام جان کندن و وحشت در قبر و به هنگام ایستادن نزدت بر من رحم کن.

يَدِيكَ ، اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ  
 خدایا تو نگاهبان سلامتی هستی و هر سلامتی از توست ، به آن برکت و رفعت بخشیدی ای صاحب جلال و اکرام،

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ أَنَا عَبْدُكَ ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ اعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي فَاعْفُرْ لِي  
 خدایا تو پادشاهی، هیچ معبودی جز تو نیست و من بنده تو هستم که بر نفسم ظلم روا داشته ام و به گناهم اعتراف دارم پس

ذُنُوبِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ وَ اهْدِنِي لِحَسَنِ الْأَخْلَاقِ فَلَا يَهْدِي لِأَحْسَنِهَا  
 گناهانم را بیامرز، همانا جز تو نمی تواند گناهان را بیامرزد، و مرا به بهترین اخلاق هدایت کن چون که به بهترین اخلاق

إِلَّا أَنْتَ وَ اصْرِفْ عَنِّي سَيِّئَهَا فَإِنَّهُ لَا يَصْرِفُ سَيِّئَهَا إِلَّا أَنْتَ ، لَبِيْكَ وَ سَعْدِيْكَ  
 جز تو کسی نمی تواند هدایت کند، صفات بد را از من دور ساز چرا که بدیها را جز تو نمی تواند کسی دور سازد. خدایا حاضرم

وَ الْخَيْرُ كُلُّهُ بِيَدِيكَ ، اسْتَغْفِرُكَ وَ اتُوبُ إِلَيْكَ ، اللَّهُمَّ أَحِينِي مَا عَلِمْتَ  
 و خوبی تمام آن بدست توست ، از تو آموزش می خواهم و بسوی تو باز میگردم، خدایا زنده ام بدار تا زمانی که می دانی

الْحَيَاةَ خَيْرًا لِي ، وَ تَوَفَّنِي إِذَا عَلِمْتَ الْوَفَاةَ خَيْرًا لِي وَ اهْدِنِي لَارْشَادِ أَمْرِي وَ اجْرُنِي مِنْ  
 زندگانی برای من خوبست، و بمیران هنگامی که میدانی مرگ برای من بهتر است و به بهترین تصمیمات هدایت کن و از بدی

شَرِّ نَفْسِي ، اللَّهُمَّ أَحْسِنْ عَاقِبَتَنَا فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا وَ اجْرُنَا مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَ عَذَابِ الْآخِرَةِ  
 وجودم مصونم دار. خدایا عاقبت تمام امور ما را خوب بگردان و از رسوایی دنیا و عذاب آخرت مصونمان دار

وَ ارْحَمْ غُرْبَتِي فِي الدُّنْيَا وَ تَضَرَّعِي عِنْدَ الْمَوْتِ وَ وَحْدَتِي فِي الْقَبْرِ وَمَقَامِي بَيْنَ يَدَيْكَ  
 و بر تنهاییم در دنیا و جزع و فزع در هنگام مرگ و تنهاییم در قبر و ایستادنم در محضرت رحم نما.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الطَّيِّبِ الطَّاهِرِ الْمُبَارَكِ الْأَحَبِّ إِلَيْكَ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ  
 خدایا تو را می خوانم به نام پاک و مبارکت که دوستش داری و اگر بخوانند تو را با آن ، اجابت می نمائی و هنگامی

أَجَبْتَ وَ إِذَا اسْتَرْحِمْتَ بِهِ رَحِمْتَ ، وَ إِذَا اسْتَفْرَجْتَ بِهِ فَرَجْتَ ، أَنْ تُعِيدَنِي مِنْ  
 که از تو درخواست ترحم شود رحم می کنی و هنگامی که با آن از تو درخواست گشایش شود، گشایش ایجاد می کنی،

الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ وَالْقَلَّةِ وَالْعِلَّةِ وَكَافَّةِ الْأَمْرَاضِ وَالْأَعْرَاضِ وَسَائِرِ الْأَسْقَامِ وَالْأَلَامِ،

پس مرانجات ده از کفر و فقر و کاستی و بیماری و تمام امراض و اعراض و سایر بیماریها و دردها،  
وَأَسْأَلُكَ فَوَاتِحَ الْخَيْرِ وَخَوَاتِمَهُ وَجَوَامِعَهُ وَأَوَّلَهُ وَآخِرَهُ وَظَاهِرَهُ وَبَاطِنَهُ  
و از تو می خواهم کلیدهای خوبی و پایان خوب و همه خوبیها را، ابتدا و آخر و آشکار و پنهان و

وَالدَّرَجَاتِ الْعُلَى، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فَرَجًا قَرِيبًا وَنَصْرًا عَزِيزًا وَصَبْرًا جَمِيلًا وَفَتْحًا

درجات بلند مرتبه را، خدایا از تو می خواهم گشایشی نزدیک و پیروزی عزتمند و صبر زیبا و فتح

مُبِينًا وَعِلْمًا كَثِيرًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا مُبَارَكًا فِي عَافِيَةِ بِلَا بَلَاءٍ، وَأَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ مِنْ

آشکار و دانش زیاد سودمند و روزی وسیع مبارک در سلامتی بدور از مصیبت، و از تو می خواهم سلامتی

كُلِّ بَلِيَّةٍ، وَأَسْأَلُكَ تَمَامَ الْعَافِيَةِ وَالشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ، اللَّهُمَّ أَقْسَمُ لِي مِنْ خَشْيَتِكَ مَا

از هر بلیه ای را، و از تو می خواهم سلامتی کامل و توفیق شکر بر سلامتی را، خدایا آن مقدار از خشیت و خوف خود

تَحُولُ بِهِ بَيْنِي وَبَيْنَ مَعْاصِيكَ، وَمِنْ طَاعَتِكَ مَا تُبَلِّغُنِي بِهِ جَنَّتِكَ، وَمِنَ الْيَقِينِ

نصیبم کن که بین من و سرپیچی از فرمانهایت حایل شود، و طاعتی عنایتم کن که مرا به بهشت تو برساند، و یقینی

مَا تُهَوِّنُ بِهِ عَلَيَّ مَصَائِبَ الدُّنْيَا، وَمَتَّعْنِي بِسَمْعِي وَبَبَصَرِي وَاجْعَلْهُ الْوَارِثَ

عطا کن که مصیبتهای دنیوی را بر من آسان گرداند و بهره مند ساز به گوش و دیده ام و آن را میراث بر من قرار ده

مِنِّي وَاجْعَلْ ثَأْرِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي وَأَنْصُرْنِي عَلَى مَنْ عَادَانِي، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ

و انتقام من را بر عهده آن قرار ده که بر من ستم روا داشته و بر دشمنم پیروز گردان. خدایا مصیبتم را در دینم

مُصِيبَتِي فِي دِينِي وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّي وَلَا مَبْلَغَ عِلْمِي وَلَا إِلِي النَّاسِ مَصِيرِي

قرار مده و دنیا را بزرگترین اندیشه و نهایت دانشم مگردان و بازگشتم را به مردم مگردان،

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِنُورِكَ وَنُورِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَسُلْطَانِكَ الْعَظِيمِ تَوْبَةً صَادِقَةً

خدایا تو را به روشنایی نور چهره کریمت و پادشاهی بزرگت می خوانم که به من توبه درست

وَأَوْبَةً خَالِصَةً وَأَنَا بَتَّةً كَامِلَةً وَمَحَبَّةً غَالِيَةً وَفَرَجًا عَاجِلًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَلِسَانًا رَطْبًا

و بازگشت خالص و رجوع کامل و محبت گرانقیمت و گشایش سریع و روزی گشاده و زبان تازه به ذکرت

بِذِكْرِكَ وَقَلْبًا مُنْعَمًا بِشُكْرِكَ وَبَدَنًا هِينًا لِيْنَا بِطَاعَتِكَ وَأَعْطِنَا مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَلَا

و دل گوارا به شکر تو و بدنی آماده و نرم به طاعت خود بخشی و ببخش به ما چیزی را که چشم ندیده

أَذْنُ سَمِعَتْ وَ لَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ إِلَّا إِلَيْكَ وَ مِنَ الدُّلِّ  
و گوش نشنیده و بردل بشری نیز خطور نکرده باشد. خدایا به تو پناه می‌برم از فقر به تو و از ذلت و خوار بودن  
إِلَّا لَكَ وَ مِنَ الْخَوْفِ إِلَّا مِنْكَ وَ أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَقُولَ زُورًا أَوْ أَغْشَى فُجُورًا ، أَوْ أَكُونَ بِكَ  
مگر برای تو و از ترسیدن مگر از تو و پناه می‌بریم به تو از این که دروغ بگویم یا گناهی مرتکب شوم و یا به کرم تو  
مَغْرُورًا وَ نَعُوذُ بِكَ مِنْ شِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ وَ عَضَالِ الدَّاءِ وَ خِيْبَةِ الرَّجَاءِ وَ زَوَالِ النِّعَمِ وَ فَجَاءَةِ  
مغرور شوم و پناه می‌بریم به تو از خوشی دشمنان و درد سخت و از بین رفتن امیدها و زوال نعمتها و ناگاه رسیدن  
النِّقَمِ ، وَ أَرْزُقْنَا حَلَاوَةَ مَنَاجَاتِكَ وَ أَسْأَلُكَ بِنَا سَبِيلِ مَرْضَاتِكَ وَ أَقْطَعُ عَنَّا كُلَّ مَا  
عقوبت، و شیرینی مناجات را نصیبمان گردان و بنما به ما راه خشنودیت را و دور کن از ما هر آنچه  
يُبْعِدُنَا عَنْ خِدْمَتِكَ وَ طَاعَتِكَ وَ أَنْقِذْنَا مِنْ دُرُكَاتِنَا وَ غَفَلَاتِنَا وَ الْهَمْنَا رُشْدَنَا وَ حَقِّقْ  
ما را از طاعت و بندگی باز می‌دارد و نجاتمان ده از افتادن در مسیر قهقراء و غفلتهای ما و راه رشدمان را بر ما الهام نما و توجه  
فِيكَ قَصْدَنَا ، وَ أَسْتُرْنَا فِي دُنْيَانَا وَ آخِرَتِنَا وَ أَحْشِرْنَا فِي زُمْرَةِ الْمُتَّقِينَ وَ الْحَقِّنَا بِعِبَادِكَ  
ما را به خود ثابت گردان، و در دنیا و آخرت عیوب ما را بپوشان و ما را در زمره پرهیزگاران حشر نما، و ما را به بندگان  
الصَّالِحِينَ ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنَ الْأَتَمَّةِ الْأَبْرَارِ وَ أَسْكِنْنَا مَعَهُمْ فِي دَارِ الْقَرَارِ وَ لَا تَجْعَلْنَا  
صالحت ملحق نما. خدایا ما را پیشوای نیکان بگردان و ما و ایشان را در خانه همیشه جاوید سکنی بده و ما را  
مِنَ الْمُخَالِفِينَ الْفُجَّارِ وَ وَفَّقْنَا لِحُسْنِ الْأَقْبَالِ عَلَيْكَ ، وَ الْأَصْغَاءِ إِلَيْكَ وَ الْمُبَادَرَةِ إِلَى  
از گناهکاران قرار مده ، و توفیق توجه به خود عنایت کن ، و همچنین گوش به فرمان بودن و تلاش در  
خِدْمَتِكَ ، وَ حُسْنِ الْأَدَبِ فِي مُعَامَلَتِكَ وَ التَّسْلِيمِ لِأَمْرِكَ وَ الرِّضَاءِ بِقَضَائِكَ وَ  
خدمت‌گزاری تو و حسن ادب در ارتباط با تو و تسلیم فرمانت و راضی به قضایت  
الصَّبْرِ عَلَى بِلَاتِكَ ، وَ الشُّكْرِ لِنِعْمَاتِكَ وَ أَعِزَّنَا مِنْ أَحْوَالِ الشَّقَاءِ ، وَ وَفَّقْنَا  
و صبر بر بلایت و شکر نعمتهایت را توفیق ده و پناه ده ما را از بدبختی، و توفیق عمل  
لِأَعْمَالِ أَهْلِ التَّقَى وَ أَرْزُقْنَا الْأَسْتِعْدَادَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ ، يَا مَنْ عَلَيْكَ الْأَعْتِمَادُ وَ الْمُتَكَلُّفُ .  
اهل تقوی را به ما ده و به ما توانمندی روز دیدارت بخش ای ذاتی که باید بر تو اعتماد و توکل نمود.  
اللَّهُمَّ أَنْهَجْ بِنَا مَنَاهِجَ الْمُفْلِحِينَ وَ الْبَسْنَا خَلَعَ الْإِيمَانِ وَ الْيَقِينِ ، وَ وَفَّقْنَا لِقَوْلِ الْحَقِّ  
خدایا بر روش و سلوک رستگاران توفیقمان ده و لباس ایمان و یقین را بر ما بپوشان ، و به گفتن حق و

وَاتَّبَاعِهِ، وَخَلَصْنَا مِنَ الْبَاطِلِ وَأَبْتَدَاعِهِ وَكُنْ لَنَا مُؤَيِّدًا وَلَا تَجْعَلِ الْفَاجِرَ عَلَيْنَا يَدًا  
دنباله روی آن توفیق‌مان ده، و از باطل و بدعت نجاتمان ده و تو یاورمان باش و فاجر را بر ما مسلط مگردان،  
وَاجْعَلْ لَنَا عَيْشًا رَغَدًا، وَلَا تُثْمِتْ بِنَا عَدُوًّا وَلَا حَاسِدًا، وَارْزُقْنَا عِلْمًا نَافِعًا،

و زندگی راحتی را برای ما مقدر فرما و دشمن و حسود را بر ما خوشحال مگردان و به ما دانش سودمند بخش.

اللَّهُمَّ عَامِلْنَا بِغُفْرَانِكَ وَأَمِنُنْ عَلَيْنَا بِفَضْلِكَ وَأِحْسَانِكَ، وَنَجِّنَا مِنَ النَّارِ وَعَافِنَا مِنْ دَارِ  
خدایا امید به آمرزش تو داریم، با فضل و آمرزش خود بر ما منت گذار و از آتش جهنم نجاتمان ده و از  
الْخِزْيِ وَالْبُؤَارِ، وَأَدْخِلْنَا بِفَضْلِكَ الْجَنَّةَ دَارَ الْقَرَارِ، وَاجْعَلْنَا مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ

رسوایی آخرت ما را بسلامت دار، و با فضل خود به بهشت جاویدان داخل گردان، و ما را همراه کسانی که در بهشت

فِي دَارِ رِضْوَانِكَ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ هَذَا آخِرَ عَهْدِي مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ الْعَظِيمِ وَارْزُقْنِي الرُّجُوعَ

رضوانت بر آنها انعام می‌نمائی بگردان، خدایا این را آخرین دیدار از این جایگاه مقدس مگردان و با لطف همیشگی و

إِلَيْهِ مَرَّاتٍ كَثِيرَةٍ بِلُطْفِكَ الْعَظِيمِ، وَاجْعَلْنِي مُفْلِحًا مَرَحُومًا مُسْتَجَابَ الدُّعَاءِ

گسترده‌ات توفیق بازگشت مجدد را بده، و مرا رستگار مستجاب الدعوه بگردان.

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ وَتَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَى جَدُّكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ.<sup>۱</sup>

خدایا تو را با ستایش تو به پاکی یاد میکنم و نامت خجسته است و شأن و شکوهت بس بلند است و معبود راستینی جز توییست.

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. أَنْتَ رَبِّي وَأَنَا عَبْدُكَ، ظَلَمْتُ نَفْسِي وَاعْتَرَفْتُ

خدایا تو فرمانروایی، معبود راستینی جز تو نیست تو پروردگار منی، و من بنده توام. من به خود ستم روا داشته‌ام و به گناهانم

بِذُنُوبِي فَأَغْفِرْ لِي ذُنُوبِي جَمِيعًا إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ وَاهْدِنِي لِأَحْسَنِ الْأَخْلَاقِ

اعتراف نموده‌ام حال همه گناهان مرا بیامرز، بی گمان جز تو کسی گناهان را نمی‌آمرزد. مرا به نیکوترین اخلاق ره نما،

لَا يَهْدِي لِأَحْسَنِهَا إِلَّا أَنْتَ وَأَصْرِفْ عَنِّي سَيِّئَهَا لَا يَصْرِفُ عَنِّي سَيِّئَهَا إِلَّا أَنْتَ،

چراکه جز تو کسی نمی‌تواند به نیکوترین اخلاق رهنمون کند. و مرا از کارهای بد بگردان، چراکه جز تو کسی نمی‌تواند

لَبِّيكَ وَ سَعَدِيكَ وَ الْخَيْرُ كُلُّهُ بِيَدِيكَ وَ الشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ وَ

(دیگران را) از کاربرد بگرداند. لبیک و سعیدیک (فرمانت را گردن می‌نهم) و همه نیکیه‌ها به دست توست و بدی تو را نسزد



أَنَا بَكَ وَ أَلَيْكَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ ، أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ.<sup>۱</sup>

تو مرا آفریده‌ای و من سر به آستانه تو نهاده‌ام (خدایا) تو خجسته و بزرگواری از تو آمرزش می‌خواهم و به سویت بازمی‌گردم.

اللَّهُمَّ بَاعِدْبَيْنِي وَ بَيْنَ خَطَايَايَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ ، اللَّهُمَّ نَقِّنِي مِنْ خَطَايَايَ

خداوند! میان من و گناهانم فاصله بینداز چنان که میان مشرق و مغرب فاصله گذارده‌ای. خدایا مرا از گناهانم پاک بدار

كَمَا يَنْقِي الثَّوْبَ الْأَبْيَضُ مِنَ الدَّنَسِ اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي مِنْ خَطَايَايَ بِالْثَّلَجِ وَ الْمَاءِ وَ الْبَرَدِ.<sup>۲</sup>

چنانکه جامه سپید را از چرک بزاید. خدایا گناهانم را با آب و برف و تگرگ پاک بشوی (و اثری از آنرا بر جای نگذار)

اللَّهُمَّ أَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ قَدْ اجْتَمَعَتْ عَلَيَّ مَحَبَّتِكَ وَ اتَّقَتْ عَلَيَّ طَاعَتِكَ

خدایا تو می‌دانی که این دلها بر محبت تو جمع شده‌اند و بر اطاعت تو با هم برخورد کرده و

وَ تَوَحَّدَتْ عَلَيَّ دَعْوَتِكَ وَ تَعَاهَدَتْ عَلَيَّ نَصْرَةَ شَرِيعَتِكَ فَوَثَّقْ اللَّهُمَّ رَابِطَتَهَا وَ آدَمَ وَ دَهَّأَ

هم بر دعوت تو متحدند و برای یاری دین تو با یکدیگر پیمان بسته‌اند، پس خدایا رابطه هاشان را محکم گردان و

وَ أَهْدِهَا سُبُلَهَا وَ أَمْلَأْهَا بِنُورِكَ الَّذِي لَا يَخْبُو وَ أَشْرَحْ صُدُورَهَا

دوستیها را تداوم بخش و راهایشان را به آنها بنما و دلشان را بانورت که خاموش نمی‌شود پر کن و با لبریز شدن ایمان به خود

بِفَيْضِ الْإِيمَانِ بِكَ وَ جَمِيلِ التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ وَ أَحْيَاهَا بِمَعْرِفَتِكَ وَ أَمْتَهَا عَلَيَّ الشَّهَادَةَ

و توکل کامل بر خودت دلها را در سینه‌ها گشاده گردان و آنها را با شناخت خودت زنده کن و با شهادت در راهت

فِي سَبِيلِكَ أَنْتَ نِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ ، اللَّهُمَّ آمِينَ وَ صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَيَّ سَيِّدِنَا

آنها را بمیران، همانا که تو بهترین سرور و بهترین یاری‌کننده هستی، خدایا آمین و خدایا بر سرور ما محمد

مُحَمَّدٍ وَ عَلَيَّ آلِهِ وَ صَحْبِهِ وَسَلَّمَ. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حُدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، لَهُ الْمُلْكُ

و برآل و اصحابش رحمت و سلام فرست. هیچ معبود راستینی جز خداوند یگانه نیست. بی‌همتاست او را هیچ انبازی نیست.

وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ هُوَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا

فرمانروایی و حمد از آن اوست و او بر هر کاری تواناست. منزه است خدا و ستایش خدای راست و خدایی جز خدای یگانه

اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ . رَبِّ اغْفِرْ لِي.<sup>۳</sup>

نیست و خدا بزرگ است و هیچ نیرویی جز به خواست و اراده خدای بلند مرتبه بزرگ (قدر) نیست، پروردگارا مرا ببخش.

۱- صحیح مسلم ، ۵۳۴/۱ ، جامع ترمذی ۵۴۱ ، حدیث ۳۴۲۲ .

۲- صحیح مسلم ، ۴۱۹/۱ ، صحیح بخاری ، ۱۸۱/۱ .

۳- مسلم ، ۲۰۸۳/۴ .

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَ اغْفِرْ لَنَا وَ لِوَالِدِنَا  
 خدایا به ما در دنیا و آخرت خوبی بخش و از عذاب آتش جهنم نجاتمان ده و ما را و والدین  
 وَ ذُرِّيَّتِنَا وَ اِخْوَانِنَا وَ اَهْلِيْنَا وَ الْحَاضِرِينَ وَ الْغَائِبِينَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ اَجْمَعِينَ بِرَحْمَتِكَ  
 و نوادگان و برادران حاضر و غائب ما را از تمام مسلمانان را با رحمت خود ببخش و پیامرز  
 يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. وَ صَلَّى اللهُ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ عَلٰى آلِهِ وَ صَحْبِهِ اَجْمَعِينَ  
 ای رحم کننده ترین رحم کنندگان. درود خدا بر سرور ما محمد(ص) و آل و اصحابش باد.

### دعای مزدلفه (مشعر الحرام)

اَللّٰهُمَّ كَمَا اَوْقَفْتَنَا فِيْهِ وَ اَرَيْتَنَا اِيَّاهُ فَوْقْنَا لِذِكْرِكَ كَمَا هَدَيْتَنَا  
 بارالها آن چنان که ما را در مشعر ایستانده و آن را به ما نشان دادی، ما را توفیق ده برای ذکر نام پاکت آن چنان که  
 وَ اغْفِرْ لَنَا وَ اَرْحَمْنَا كَمَا وَعَدْتَنَا بِقَوْلِكَ وَ قَوْلِكَ الْحَقُّ: «فَاِذَا  
 راهنمایی مان کرده‌ای و ما را ببخش و بر ما رحم کن همچنان که در گفتارت به ما وعده داده‌ای که قول تو درست است:  
 اَفْضَتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللّٰهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَ اذْكُرُوْهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَ اِنْ كُنْتُمْ  
 پس وقتی که از عرفات بازگشتید خدا را در مشعر الحرام یاد کنید و به شکرانه آن که شما را هدایت کرد، یادش کنید  
 مِنْ قَبْلِهِ لِمَنِ الضَّالِّينَ ثُمَّ اَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ اَفَاضَ النَّاسُ وَ اسْتَغْفِرُوا اللّٰهَ، اِنْ  
 به راستی پیش از این از گمراهان بودید، سپس از آنجا که مردم باز می‌گردند، باز گردید و از خداوند آموزش بخواهید  
 اللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ»، اللّٰهُمَّ اِنَّا نَسْئَلُكَ يَا غَفُوْرٌ يَا رَحِيْمٌ اَنْ تَفْتَحَ لَادْعِيَّتِنَا اَبْوَابَ الْاِجَابَةِ  
 به راستی خداوند آمرزنده مهربان است، ای خدای بخشنده مهربان از تومی خواهیم که دروازه اجابت و قبولی را بردعای ما  
 يَا مَنْ اِذَا سَاَلَهُ الْمُضْطَرُّ اَجَابَهُ، يَا مَنْ يَقُوْلُ لِلشَّيْءِ «كُنْ فَيَكُوْنُ»  
 بگشائی، ای ذاتی که آن هنگام که مضطر او را بخواند جواب می‌دهد، و ای ذاتی که می‌گویی به اشیاء: شو پس  
 اَللّٰهُمَّ اِنَّا جِنَاكَ بِجَمْعِنَا مُتَشَفِّعِيْنَ اِلَيْكَ فِيْ غُفْرَانِ ذُّوْبِنَا فَلَا تَرُدَّنَا خَائِبِيْنَ وَ اَتْنَا اَفْضَلَ  
 می شود خدایا همه آمده‌ایم جهت شفاعت و بخشش گناهانمان پس ما را نا امید بر مگردان، و ببخش به ما بهتر از  
 مَا تُؤْتِيْ عِبَادَكَ الصَّالِحِيْنَ وَلَا تَصْرِفْنَا مِنْ هَذَا الْمَشْعَرِ الْعَظِيْمِ اِلَّا فَائِزِيْنَ مُفْلِحِيْنَ غَيْرِ  
 آنچه به بندگان نیکت می‌بخشی، و باز مگردان از این مکان بزرگ ما را مگر پیروز رستگار

خَزَايَا وَلَا نَادِمِينَ وَلَا ضَالِّينَ وَلَا مُضِلِّينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ، اَللّٰهُمَّ وَقِنَا لِهٰدِيْ  
 نه خوار شده و نه پشیمان و نه گمراه و نه گمراه کننده ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ، خدایا ما را بر هدایت توفیق  
 وَاَعْصِمْنَا مِنْ اَسْبَابِ الْجَهْلِ وَالرَّدَىٰ وَ سَلِّمْنَا مِنْ آفَاتِ النَّفُوْسِ فَاِنَّهَا شَرُّ الْعَدُوِّ  
 ده و از اسباب گمراهی و پستی محافظت فرما و از آفتهای نفسانی سالم گردان بدان علت که بدترین دشمن اند، و  
 وَاَجْعَلْنَا مِمَّنْ اَقْبَلَتْ عَلَيْهِ فَاَعْرَضَ عَمَّنْ سِوَاكَ وَ خُذْ بِاَيْدِيْنَا اِلَيْكَ وَ اَرْحَمَ  
 ما را بگردان از آن جماعتی که به آن توجه نمودی و از غیر خودت دور گردان ، و دست ما را بگیر و رحم کن  
 تَضَرُّعُنَا بَيْنَ يَدَيْكَ ، اَلِهِنَا قَوْمَنَا اِذَا اَعْوَجَجْنَا ، وَ اَعِنَّا اِذَا اسْتَقَمْنَا  
 در پیش تو دست تضرع بلند کرده ایم ، خدایا کجی های ما را راست کن ، و استقامت ما را تقویت کن  
 وَ كُنْ لَنَا وَ لَا تَكُنْ عَلَيْنَا وَ اَحِنَا فِي الدُّنْيَا مُؤْمِنِيْنَ طَائِعِيْنَ وَ تَوْفِنَا مُسْلِمِيْنَ تَائِبِيْنَ  
 و یاور ما باش و نه بر ضرر ما ، و ما را در دنیا مؤمن فرمانبردار زنده بدار و مسلمان تائب بمیران  
 وَاَجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ كِتَابَهُ بِالْيَمِيْنِ ، وَاَجْعَلْنَا يَوْمَ الْفُرْعِ الْاَكْبَرِ مِنَ الْاٰمِنِيْنَ ، اَللّٰهُمَّ اِهْدِنِيْ  
 و بگردان ما را از کسانی که نامه اعمال به دست راستشان داده ای و روز قیامت ما را در امن نگاه دار . خداوندا مراد  
 فِيمَنْ هَدَيْتَ وَ عَافِنِيْ فِيمَنْ عَافَيْتَ وَ تَوَلَّنِيْ فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ وَ بَارِكْ لِيْ فِيمَا  
 زمره راه یافتگان هدایت کن و با آنانکه سلامتشان داشته ای، سلامت بدار و در زمره آنانکه بدوستی برگزیده ای، دوست بدار.  
 اَعْطَيْتَ ، وَ قِنِيْ شَرَّ مَا قَضَيْتَ فَاِنَّكَ تَقْضِيْ وَ لَا يَقْضِيْ عَلَيْكَ  
 و در آنچه بمن بخشیده ای، برکت قرار ده. و از شر قضای حق خویش مصونم بدار که تنها تو داوری می کنی و هرگز  
 وَاِنَّهُ لَا يَازِلُ مَنْ وَاَلَيْتَ ، وَ لَا يَعْزُزُّ مَنْ عَادَيْتَ تَبَارَكَتَ رَبَّنَا  
 بر تو داوری نمی شود. یقیناً خوار نمی شود هر کسی که دوستش بداری و عزت نمی یابد هر آن که با وی دشمنی ورزی  
 وَ تَعَالَيْتَ . اَللّٰهُمَّ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ لَكَ نُصَلِّيْ وَ نَسْجُدُ وَ اِلَيْكَ  
 پروردگارا تویی که خجسته و برتری. خدایا تنها تو را بندگی میکنیم و برای (خشنودی) تو نماز می گزاریم و به آستانت سر  
 نَسْعِيْ وَ نَحْفِدُ وَ نَرْجُو رَحْمَتَكَ وَ نَخْشِيْ عَذَابَكَ اِنَّ  
 به سجده می نهیم و به تو روی می آوریم و اخلاص می ورزیم، به بخشایش تو امیدواریم و از عذابت بیمناکیم، بی گمان  
 عَذَابَكَ بِالْكَافِرِيْنَ مُلْحَقٌ . اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَسْتَعِيْنُكَ وَ نَسْتَغْفِرُكَ وَ نُؤْمِنُ  
 عذابت کافران را فرو می گیرد. خدایا، تنها از تو یاری می جوئیم و از تو آمرزش می خواهیم و به تو ایمان می آوریم

بِكَ وَتَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ وَ تُثْنِي عَلَيْكَ الْخَيْرَ وَ تَشْكُرُكَ وَ لَا تَكْفُرُكَ وَ نَخْلَعُ  
و بر تو توکل میکنیم و تو را ثنای نیک می گوئیم خدایا تو را شکر می کنیم و ناسپاسی نمی کنیم و هر کس تو را  
و نَتْرُكَ مَنْ يَفْجُرُكَ . اَللّٰهُمَّ بَعْلِمِكَ الْغَيْبِ وَ قُدْرَتِكَ عَلٰى الْخَلْقِ اَحْيِنِي  
ناسپاسی کند، او را وامی گذاریم. خداوندا به آن دانشی که به غیب و توانی که بر آفرینش داری، تو را سوگند می دهم که  
مَا عَلِمْتَ الْحَيَاةَ خَيْرًا لِّيْ وَ تَوَفَّنِيْ اِذَا عَلِمْتَ الْوَفَاةَ خَيْرًا لِّيْ . اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ خَشِيَّتِكَ  
اگر زندگانی را برایم بهتر می دانی زنده ام بدار و اگر مرگ را برایم بهتر می بینی مرا بمیران. خداوندا بيم تو را در نهان  
فِي الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ وَ اَسْأَلُكَ كَلِمَةَ الْحَقِّ فِي الرِّضَا وَ الْغَضَبِ وَ اَسْأَلُكَ الْقَصْدَ فِي الْغِنَى  
و آشکارا از تومی خواهم و آنکه در حال خشنودی و خشم سخن به حق بگویم و از تومی خواهم که چنانم گردانی که در بی نیازی  
وَ الْفَقْرِ ، وَ اَسْأَلُكَ نَعِيْمًا لَا يَنْفَدُ وَ اَسْأَلُكَ قُرَّةَ عَيْنٍ لَا تَنْقَطِعُ وَ اَسْأَلُكَ الرِّضَا  
و نیازمندی راه میانه جویم. و از تو نعمتی زایل ناشدنی و چشم روشنی گسست ناپذیر می خواهم. و آنکه پس از قضای تو  
بَعْدَ الْقَضَاءِ وَ اَسْأَلُكَ بَرْدَ الْعَيْشِ بَعْدَ الْمَوْتِ وَ اَسْأَلُكَ لَذَّةَ النَّظَرِ اِلَى وَجْهِكَ  
فقط خشنود باشم و بس. و از تو می خواهم که پس از مرگ، زندگی خوشی را به من ارزانی داری و لذت نگریستن به  
وَ الشُّوْقَ اِلَى لِقَائِكَ فِي غَيْرِ ضَرَاءٍ مُّضِرَّةٍ وَ لَا فِتْنَةٍ مُّضِلَّةٍ ، اَللّٰهُمَّ زَيْنًا بَزِينَةِ الْاِيْمَانِ  
رویت و نیز شوق دیدارت را به من عطا کنی. البته نه با مشکلاتی زیان آور و فتنه ای گمراه کننده. خداوندا ما را به زیور  
وَ اجْعَلْنَا هُدَاةً مُّهْتَدِيْنَ .<sup>۱</sup> لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَ حُدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، لَهُ الْمُلْكُ  
ایمان بیارای و ما را هدایتگران راه یافته بگردان. معبود راستینی جز خداوند نیست که یگانه است و هیچ انبازی ندارد.  
وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ هُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ . اَللّٰهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا اَعْطَيْتَ وَ لَا مُعْطٰى  
فرمانروایی و سپاس از آن اوست. و او بر هر کاری تواناست. خداوندا آنچه را که تو ببخشی بازدارنده ای ندارد و آنچه از  
لِمَا مَنَعْتَ وَ لَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ.<sup>۲</sup>

کسی باز داری دیگری نخواهد توانست ارزانی دارد. دارایی هیچ ثروتمندی او را از عذاب تو رهایی نمی بخشد.  
رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ .  
پروردگارا در دنیا بما خیر و نیکی عطا فرما و در آخرت نیز نیکی به ما عطا فرما و ما را از عذاب آتش دوزخ مصون بدار.

۱- مناجات با خدا ص ۷۶ به نقل از مسند احمد ۴/۳۶۴ .

۲- مناجات با خدا ، ص ۷۸ ، به نقل از صحیح بخاری ۱/۲۵۵ .

اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ.

خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است و خدا بزرگتر است و ستایش سزاوار اوست.

### دعای ورود به منی

اللَّهُمَّ هَذِهِ مِنِّي فَأَمْنٌ عَلَيَّ بِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ أَوْلِيَائِكَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ، سُبْحَانَ الَّذِي

خدایا این جا مناست پس بر من منت گذار همان گونه که بر اولیاء و اهل طاعت خود منت گذاشته‌ای، سپاس خدایی

فِي السَّمَاءِ عَرْشُهُ، سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْأَرْضِ سَطَوْتُهُ، سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْبَحْرِ سَبِيلُهُ

راکه عرش او در آسمان است، سپاس خدایی را که سیطره او بر زمین است، سپاس خدایی را که در دریانیز راهش هست

سُبْحَانَ الَّذِي فِي النَّارِ سُلْطَانُهُ، سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْجَنَّةِ رَحْمَتُهُ، سُبْحَانَ الَّذِي رَفَعَ

سپاس خدایی را که بر آتش حکم فرماست، سپاس خدایی را که رحمتش در بهشت است، سپاس خدایی را که

السَّمَاءِ وَ وَضَعَ الْأَرْضَ بِقُدْرَتِهِ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا مَنجَا وَ لَا مَلْجَأَ مِنْهُ إِلَّا إِلَيْهِ.

را که آسمان را برافراشت و زمین را با قدرتش گستراند، سپاس ذاتی را که نه از او رهائی است و نه به جز او پناهی.

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْكَرِيمُ الْعَظِيمُ سُبْحَانَهُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ

هیچ معبود قابل پرستشی جز الله نیست و او کریم و عظیم است. او از هر عیب و نقصی منزه است کارهایش مبارک است

الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي

و او صاحب عرش عظیم است، حمد و سپاس اختصاص به خدا دارد من به او توکل کردم، به زنده و پایداری که

لَا يَمُوتُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ

که فنا نیستی بر او راه ندارد، شکر و سپاس برای خدایی است که فرزندی اختیار نکرده است و شریکی در سلطنت و

شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبَّرَهُ تَكْبِيرًا،

پادشاهی ندارد و ولی و سرپرستی هم از ناچاری قبول نکرده است، بزرگش دار [بزرگی که در خور جلال و عظمتش باشد]

اللَّهُمَّ رَحْمَتِكَ أَرْجُو فَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ وَ اصْلِحْ لِي

خدایا امید به رحمتت دارم، خدایا مرا به خودم وانگذار اگر چه به اندازه یک چشم برهم زدن باشد، همه کارهای مرا

شَأْنِي كُلَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ

اصلاح فرما، هیچ معبودی غیر از تو وجود ندارد ای زنده پایدار، من از رحمت تو استعانت و کمک می جویم، معبودی

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، اللَّهُمَّ  
 غیراز تو در سرتاسر گیتی و سرتاسر کائنات وجود ندارد، تو منزهی من از جمله ظالمان و معصیت کاران و نافرمانان بودم،  
 إِنِّي عَبْدُكَ وَبْنُ عَبْدِكَ وَبْنُ أُمَّتِكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، مَا ضِيقَ فِيَّ  
 پروردگارا من بنده توام و فرزند بنده تو و فرزند کنیزت (اشاره به مادر خودش است که امة مؤنث عبداست) سرنوشتم بدست  
 حُكْمِكَ عَدْلٌ فِي قَضَائِكَ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ سَمِيَتْ بِهِ  
 توست، حکم تو درباره من اجراء شدنی است و فرمانت نسبت بمن عدل است، من به واسطه همه اسما و صفاتی که بر خود  
 نَفْسِكَ أَوْ أُنزِلْتَهُ فِي كِتَابِكَ أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ أَوْ اسْتَأْثَرْتُ  
 می پسندی و نیز به همه آن صفاتی که در کتاب آسمانی نازل فرمودی و یابه آن اسماء و صفاتی که هر یک از مخلوقات  
 بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رِيْعَ قَلْبِي وَنُورَ بَصَرِي وَجَلَاءَ  
 به آن آگاهی دارند و از علم غیب به آنها اطلاع داده ای مسئلت دارم که قرآن را بهار دل، روشنایی دیدگان و برطرف  
 حُزْنِي وَ ذَهَابَ هَمِّي لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.<sup>۱</sup>

کننده حزن و اندوه من قراردمی، که هیچ گردشی در کارها و هیچ نیرویی وجود ندارد مگر آن اندازه که الله حکم و قضا کند.  
 اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ قِيَمُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ. وَ لَكَ الْحَمْدُ لَكَ  
 پروردگارا شکر و سپاس برای توست، تو برپاکننده و نگهدارنده آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست می باشی و شکر و سپاس  
 مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ وَ لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ نُورُ السَّمَوَاتِ  
 برای توست، که سلطنت آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست بتو تعلق دارد و شکر و سپاس تو را سزااست که نور آسمانها  
 وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ وَ لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ الْحَقُّ وَعَدُّكَ الْحَقُّ وَ لِقَائِكَ حَقٌّ  
 و زمین و آنچه در آنهاست می باشی، و شکر و سپاس خاص تو است، تو حق، و عده تو حق است و لقاء تو (حاضر شدن  
 وَ قَوْلِكَ حَقٌّ وَ الْجَنَّةُ حَقٌّ وَ النَّارُ حَقٌّ وَ النَّبِيُّونَ حَقٌّ وَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
 به پیشگاه تو) حق است و قولت حق است، بهشت حق است، جهنم حق است، پیامبران حق اند، و محمد صلی الله علیه و سلم  
 حَقٌّ وَ السَّاعَةُ حَقٌّ. اللَّهُمَّ لَكَ أَسْلَمْتُ وَ بِكَ آمَنْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْكَ  
 حق است، و قیامت حق است. پروردگارا، تسلیم تو هستم، و به تو ایمان دارم، و بر تو توکل می کنم و به سوی تو

أَنْبَتْ وَ بِكَ خَاصَمْتُ وَإِلَيْكَ حَاكَمْتُ فَأَغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ وَمَا  
 بازگشت می نمایم و به خاطر تو مبارزه می کنم و داوری را به تو واگذار می کنم، پس گناهان گذشته و آینده مرا بیامرزد و  
 أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي أَنْتَ الْمَقْدَمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخَّرُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ  
 از پنهان و آشکار و گناهانی که تو بهتر از من میدانم، تو جلو آورنده و به تأخیر اندازنده ای، هیچ معبود به حقی جز تو نیست و  
 وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ ،  
 هیچ گردشی در کارها و هیچ قدرتی نیست مگر از طرف تو. هیچ معبود بر حقی جز خدای حلیم و کریم در کائنات وجود ندارد  
 سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، أَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ وَ  
 پاک و منزّه است خدا که پروردگار عرش عظیم است، حمد مخصوص پروردگار جهانیان است، از تو وسائل رحمت و  
 عَزَائِمِ مَغْفِرَتِكَ وَالْعِصْمَةِ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بَرٍّ  
 تصمیمات منجر به آموزش را مسئلت دارم و میخواهم که مرا از ارتکاب گناه محفوظ داری به طوری که جزئیکی برایم  
 اللَّهُمَّ لَا تَدْعَ لِي ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ وَلَا هَمًّا إِلَّا  
 نباشد و از گناه برکنار بمانم. خدایا هیچ گناهی انجام نداده باشم که تو آن را مورد عفو قرار نداده باشی و هیچ مشکلی در  
 فَرَجَتْهُ وَلَا حَاجَةَ هِيَ لَكَ رِضًا إِلَّا قَضَيْتَهَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .  
 کارم نباشد جز آن که تو و سایل فرج و موفقیتم را آماده فرموده باشی و هیچ حاجتی نداشته باشم که مورد رضای تو  
 بوده جز آنچه آن را بر آورده کرده باشی ای رحیم تر از کلیه رحم کنندگان.

### دعای ورود به جمره عقبه

اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ وَاتِّبَاعًا لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. خدایا کتابت را پذیرفتم و از سنت پیامبرت سرور ما محمد(ص) پیروی کردم.

اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ. خدا بزرگ است و حمدز یاد برای خداست صبح و شام سپاس مر خدا را که هیچ معبودی جز او نیست، یگانه است و شریکی ندارد خدایا این حج را مقبول و کوشش درخور تقدیر بگردان و گناهی آمرزیده و کار نیک پذیرفته شده و

و تَجَارَةً لَنْ تَبُورَ.

تجارتی بی زیان قرار بده.

### دعای رمی جمرات

الْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ اللَّهُمَّ لَا أُحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ، أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ حمد و سپاس مبارک و پاک و فراوان برای خداست خدایا زبانم هرگز نمی تواند ستایش تو را چنان که خود، خویشتن را

نَفْسِكَ. اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَفْضْتُ وَمِنْ عَذَابِكَ أَشْفَقْتُ وَإِلَيْكَ رَعِبْتُ وَمِنْكَ ستوده ای بر شمارد و ستایش تو را باز گوید. خدایا به سوی تو آمدم و از عذاب تو نگرانم و به سوی تو تمایل دارم

رَهَبْتُ فَأَقْبِلْ نُسُكِي وَاعْظِمْ أَجْرِي وَارْحَمْ تَضَرُّعِي وَأَقْبِلْ تَوْبَتِي وَأَقِلْ عَثْرَتِي و از تو ترسیدم پس مناسکم را بپذیر و پاداشم را بزرگ گردان و بر تضرعم رحم کن و توبه ام را بپذیر و لغزشهایم را کم

وَأَسْتَجِبْ دَعْوَتِي وَاعْظِنِي سُوْلِي. اللَّهُمَّ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْمُجْرِمِينَ وَ کن و دعایم را قبول فرما و سؤالم را پاسخ ده. خدایا از ما بپذیر و ما را از گناهکاران مگردان

أَدْخَلْنَا فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و ما را در زمره بندگان نیکوکار ت بگردان ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.



## دعای طواف وداع

اِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ اِلَى مَعَادٍ، يَا مُعِيْدُ اَعْدِنِي وَيَا سَمِيْعُ اَسْمِعْنِي  
 همانا ذاتی که قرآن را بر تو نازل کرد تو را بسوی آخرت برمی گرداند، ای برگرداننده برگردان مرا و ای شنونده بشنوان مرا  
 يَا جِبَّارُ اجْبِرْنِي، يَا سِتَّارُ اُسْتَرْنِي يَا رَحْمَنُ اِرْحَمْنِي، يَا رَدَادُ اُرْدُدْنِي اِلَى  
 ای جبار به من قوت بده، ای پوشاننده عیوب بیوشان عیبهای مرا، ای رحم کننده بر من رحم کن، ای برگرداننده  
 بَيْتِكَ هَذَا وَاَرْزُقْنِي الْعَوْدَ ثُمَّ الْعَوْدَ كَرَّاتٍ بَعْدَ مَرَّاتٍ  
 مرا به سوی خانهات برای بار دیگر برگردان و به من روزی بازگشت چند مرتبه به خانهات را عنایت فرما  
 تَائِبِينَ، عَابِدِينَ، سَائِحِينَ لِرَبِّنَا حَامِدِينَ، صَدَقَ اللهُ وَعْدَهُ وَنَصَرَ  
 توبه کنندگان، عبادت کنندگان، مسجد نشینان، برای پروردگار خویش ستایش کننده، خدا وعده درست داد و بنده اش  
 عَبْدَهُ وَهَزَمَ الْاَحْزَابَ وَحَدَّهُ. اَللّٰهُمَّ اَكْتُبِ السَّلَامَةَ وَالْعَافِيَةَ وَالْغَنِيْمَةَ لَنَا وَلِعَبِيْدِكَ  
 را یاری نمود و احزاب را به تنهایی شکست داد. خدایا سلامت، عافیت، غنیمت را برای ما مقدر کن و نیز برای بندگان  
 الْحُجَّاجِ وَالزُّوَّارِ وَالْغُرَّازَةِ وَالْمُسَافِرِيْنَ وَالْمُقِيْمِيْنَ فِي بَرِّكَ وَبَحْرِكَ مِنْ اُمَّةٍ مُحَمَّدٍ  
 حاجت و زائران و مجاهدان و مسافران و ساکنان در خشکی و دریا از امت محمد(ص).  
 اَجْمَعِيْنَ. اَللّٰهُمَّ احْفَظْنِيْ عَنِ يَمِيْنِيْ وَعَنْ يَسَارِيْ وَ مِنْ قُدَامِيْ وَ مِنْ وَّرَآءِ ظَهْرِيْ وَ مِنْ  
 خدایا محافظتم کن از راست و چپ و از جلو و عقب و از  
 فَوْقِيْ وَ مِنْ تَحْتِيْ حَتَّى تُوَصِّلَنِيْ اِلَى اَهْلِيْ وَ بَلَدِيْ فَاِذَا اَوْصَلْتَنِيْ اِلَى اَهْلِيْ وَ بَلَدِيْ  
 بالا و پایین تا به اهل و شهرم برسم و وقتی به اهل و شهرم رساندی  
 اَسْأَلُكَ اَنْ لَا تُخَيِّبَنِيْ مِنْ رَحْمَتِكَ طَرْفَةَ عَيْنٍ وَلَا اَقْلَّ مِنْ ذَلِكَ. اَللّٰهُمَّ كُنْ لَنَا صَاحِبًا  
 از تو می خواهم مرا از رحمت خود یک لحظه و حتی کمتر از آن بی نصیب نگردانی. خدایا در سفر همراه ما باش  
 فِي سَفَرِنَا، وَ خَلِيْفَةً فِيْ اَهْلِنَا، وَاَطْمِسْ عَلَيَّ وَجُوْهِ اَعْدَائِنَا، وَاَمْسُخْهُمْ عَلَيَّ مَكَاتَتِهِمْ فَلَا  
 و جانشین در اهل ما، و چهره دشمنان ما را صاف کن و آنها را بر جایگاه شان مسخ کن که توانائی حرکت  
 يَسْتَطِيْعُوْنَ الْمَضِيَّ وَلَا الْمَجِيْءَ اِلَيْنَا. اَللّٰهُمَّ اَرْحَمْنِيْ بِتَرْكِ الْمَعَاصِيْ اَبَدًا مَا اَبْقَيْتَنِيْ  
 به سوی ما را نداشته باشند. خدایا بر من رحم کن که معصیت را کنار بگذارم تا زمانی که زنده می داری مرا

وَارْحَمْنِي أَنْ أَتَكَلَّفَ مَا لَا يَعْينِي وَاَرْزُقْنِي حُسْنَ النَّظَرِ فَمَا يُرْضِيكَ عَنِّي. اَللّٰهُمَّ مَتَّعْنِي

و از مشغول شدن به چیزهای بیهوده بازدار و حسن نظر در آنچه خشنودیت را به دنبال دارد نصیب گردان، خدایا مرا به بَصْرِي و اجعله الْوَارِثِ مِنِّي و اَرْنِي مِنَ الْعَدُوِّ ثَارِي و اَنْصُرْنِي عَلٰی مَنْ ظَلَمْنِي.

چشم بهره مند ساز و آن را وارثم بگردان و بنما به من انتقام را از دشمن و یاریم ده بر کسی که به من ظلم کرده

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ و الْحُزْنِ و اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ و الْكَسَلِ و اَعُوْذُ بِكَ

خدایا به تو پناه می‌برم از غم و اندوه و به تو پناه می‌برم از ناتوانی و تبلی و به تو پناه می‌برم

مِنَ الْجُبْنِ و الْبُخْلِ و اَعُوْذُ بِكَ مِنَ غَلْبَةِ الدِّينِ و قَهْرِ الرِّجَالِ. اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَسْأَلُكَ فِي سَفَرِنَا

از ترس و بخل و به تو پناه می‌برم از غلبه قرض و خشم مردم. خدایا از تو در این سفر توفیق نیکی و

هَذَا الْبِرِّ و التَّقْوٰی و مِنْ الْعَمَلِ مَا تَرْضٰی. اَللّٰهُمَّ هُوْنٌ عَلَيْنَا سَفَرِنَا هَذَا وَاَطْوِ عَنَّا بَعْدَهُ.

تقوی می‌خواهیم و توفیق برکاری که خشنودیت در اوست. خدایا این سفر را بر ما آسان گردان و دوریش را بر ما کوتاه نما

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الصّٰحِبُ فِي السَّفَرِ و الْخَلِيْفَةُ فِي الْاَهْلِ. اَللّٰهُمَّ احْفَظْنَا و اِيَّاهُمْ مِنْ كُلِّ آفَةٍ.

خدایا تو در سفر صاحب مائی و جانشین ما در اهل باش. خدایا ما و ایشان را از هر آسیبی حفظ کن.

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ وَعَثَاءِ السَّفَرِ و كَاَبَةِ الْمَنْظَرِ و سُوءِ الْمُنْقَلَبِ فِي الْمَالِ و الْاَهْلِ و

خدایا به تو پناه می‌برم از مشقت سفر و از دیدن منظره‌های زشت و بی آبرویی در میان خانواده، مال و فرزند.

الْوَلَدِ. اَللّٰهُمَّ اطْوِلْنَا الْاَرْضَ و هُوْنٌ عَلَيْنَا السَّفَرَ. اَللّٰهُمَّ بِلَاغًا يَّبْلُغُ خَيْرًا و سِتْرًا مِنْكَ و

خدایا زمین را برای ما جمع کن و سفر را بر ما آسان گردان. خدایا از تو منزلی می‌خواهم که در آن خوبی باشد و پرده پوشی

رِضْوَانًا بِيَدِكَ الْخَيْرِ اِنَّكَ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ. اَللّٰهُمَّ اصْحَبْنَا فِي سَفَرِنَا وَاخْلُفْنَا فِي اَهْلِنَا

و رضایت را می‌طلبم، خوبی به یقدرت توست همانا تو بر هر چیز قادری. خدایا در سفر ما راهمراهی کن و اهل ما را محافظت

اَللّٰهُمَّ احْفَظْنِيْ مِنْ بَيْنِ يَدَيِّ و مِنْ خَلْفِيْ و عَنْ يَمِيْنِيْ و عَنْ شِمَالِيْ و مِنْ فَوْقِيْ

فرما. خدایا مرا از پیش رو و پشت سر و از راست و چپ و از سمت بالا و پایین حفظ

و مِنْ تَحْتِيْ اَعُوْذُ بِعَظَمَتِكَ اَنْ اُغْتَالَ مِنْ تَحْتِيْ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ يَا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ.

فرما و پناه می‌برم به عظمت تو از ناگهان هلاک شدن، ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای پروردگار جهانیان.

## دعای ورود به مدینه منوره

اللَّهُمَّ هَذَا حَرَمٌ نَبِيكَ فَاجْعَلْهُ وَقَايَةً لِي مِنَ النَّارِ وَ أَمَانًا مِنَ الْعَذَابِ وَ سُوءِ الْحِسَابِ.

ای خداوند، این حرم نبی تو می‌باشد او را برای من امان از جهنم و عذاب و محاسبه قرار بده.

رَبِّ ادْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَاَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاَجْعَلْ لِيْ مِنْ لَّدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا

پروردگارا مرا صادقانه وارد کن و صادقانه خارج کن و از جانب خود قدرتی به من عطا کن که یار و مددکار باشد.

اللَّهُمَّ افْتَحْ لِيْ اَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاَرْزُقْنِيْ مِنْ زِيَارَةِ رَسُوْلِكَ (ص) مَا رَزَقْتَ اَوْلِيَاءَكَ

خداوندا درهای رحمت را به رویم بگشا و از زیارت پیامبر (ص) آنچه را که روزی اولیاء خویش و اهل طاعت

وَ اَهْلَ طَاعَتِكَ وَاغْفِرْ لِيْ وَاَرْحَمْنِيْ يَا خَيْرَ مَسْئُوْلٍ. اللَّهُمَّ اغْنِنِيْ بِحَلَالِكَ عَنْ

خود گردانده‌ای روزیم گردان و مرا بیا مرزوبه من رحم کن ای کسی که بهترین مورد درخواست منی. خدایا مرا بوسیله حلالیت

حَرَامِكَ وَ بَطَاعَتِكَ عَنْ مَعْصِيَتِكَ وَ بِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ وَ نَوِّرْ قَلْبِيْ وَ قَبْرِيْ .

از حرام بی‌نیاز کن و با فرمانبرداریت از معصیت‌ها حفظ کن و به فضل خود از غیر مستغنیم ساز، قلب و قبرم را نورانی گردان

اللَّهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ الْخَيْرَ كُلَّهُ عَاجِلُهُ وَاَجَلُهُ ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَا مَا لَمْ اَعْلَمْ وَاَعُوْذُ بِكَ

خدایا خیر حال و آینده را از تو می‌خواهم ، آن چه را می‌دانم و یا نمی‌دانم، و از هر شر و بدی

مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَا مَا لَمْ اَعْلَمْ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ اَوْسَعَ رِزْقِكَ عَلَيَّ

به تو پناه می‌جویم هر چه را می‌دانم و یا نمی‌دانم . خدایا در ایام کهن‌سالی روزیت را بر من فراوان کن

عِنْدَ كِبَرِ سِنِّيْ وَ اَنْقِطَاعِ عُمْرِيْ وَ اجْعَلْ خَيْرَ عُمْرِيْ آخِرُهُ وَ خَيْرَ عَمَلِيْ خَوَاتِمَهُ وَ خَيْرَ

و آخر عمرم را از اول عمرم بهتر کن و آخرین اعمالم را از قبل بهتر بفرما و بهترین روزهایم را روزی قرار ده که

اَيَّامِيْ يَوْمَ الْفَاكِ

تو را زیارت می‌کنم.

### دعای زیارت قبر حضرت رسول (ص)

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَيْرَ خَلْقِ اللَّهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ  
 سلام بر تو ای رسول خدا (ص)، سلام بر تو ای بهترین مخلوق خدا سلام بر تو ای برگزیده خدا  
 اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَيِّدَ وُلْدِ اَدَمَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةٌ  
 سلام بر تو ای دوست خدا سلام بر تو ای سردار اولاد آدم، سلام بر تو ای نبی (ص) و رحمت و  
 اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ. اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَاتَمَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا شَفِيعَ الْأُمَّةِ  
 برکت خدا بر تو باد. سلام بر تو ای خاتم پیامبران (ص)، سلام بر تو ای شفاعت کننده برای امت  
 اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مُزْمَلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ، اِنِّي اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ  
 سلام بر تو ای مزمل ای رسول الله (ص). گواهی می دهم نیست خدایی به جز خدای یکتا و گواهی  
 وَ اَشْهَدُ اَنَّكَ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ الرِّسَالَةَ وَاَدَيْتَ الْاَمَانَةَ وَ نَصَحْتَ  
 می دهم تو بنده و رسول (ص) خدایی و گواهی می دهم رسالت را ابلاغ فرمودی و امانت را ادا نمودی و امت را  
 الْأُمَّةَ وَ كَشَفْتَ الْغُمَّةَ وَ جَزَاكَ اللَّهُ خَيْرًا جَزَاكَ اللَّهُ عَنَّا اَفْضَلَ مَا جَاوَزَى نَبِيًّا عَن اُمَّتِهِ  
 نصیحت و نعمت را ظاهر فرمودی، خدا تو را جزای خیر دهد. الله تو را از طرف ما همان بهترین جزایی بدهد که پیامبری  
 اَللَّهُمَّ اَعْطِ سَيِّدِنَا عَبْدُكَ وَ رَسُولَكَ مُحَمَّدًا الْوَسِيْلَةَ وَالْفَضِيْلَةَ وَالْدَّرَجَةَ الرَّفِيْعَةَ  
 از طرف امتش داده است. ای الله بده سرور ما را بنده و رسولت محمد (ص) را وسیله و بزرگی و مرتبه بلند و برسان او  
 وَ اَبْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِي وَعَدْتَهُ اِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيْعَادَ وَاَنْزِلْهُ الْمَنْزِلَ الْمُقْرَبَ  
 رابه مقام ستوده ای که او را وعده داده ای، و تو خلاف وعده نمی کنی و به درجه قربت برسان بی شک  
 عِنْدَكَ، اِنَّكَ سُبْحَانَكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيْمِ. اَللَّهُمَّ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ وَاكْرِمْ مَقَامَهُ وَ ثَقِّلْ مِيزَانَهُ  
 تو پاک و صاحب فضل و بزرگی هستی. خدایا مرتبه او را بلند گردان و بزرگ گردان مقامش را و گران گردان ترازوی عملش را  
 اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلٰی سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَاِمَامِ الْمُتَّقِيْنَ وَ رَسُولِ الْعَالَمِيْنَ لَا نَبِيَّ بَعْدَهُ  
 خدایا درود بفرست بر سرور ما محمد (ص) پیامبر رحمت و پیشوای پرهیزگاران و فرستاده جهانیان که پیامبری بعد از او  
 كَمَا بَلَغَ رِسَالَتَكَ وَ نَصَحَ لِعِبَادِكَ وَ تَلَا آيَاتِكَ وَ اَقَامَ حُدُودَكَ وَ وَفَّى بِعَهْدِكَ  
 نیست همانگونه که رسانید پیغام احکام ترا و پند داد بندگانت را و خواند آیات ترا و برپا گردانید احکامات را و تمام کرد  
 وَ اَمَرَ بِطَاعَتِكَ وَ نَهَى عَنِ مَعْصِيَتِكَ اَللَّهُمَّ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ فِي اُمَّتِهِ وَ اسْتَعْمَلْنَا  
 پیمان ترا و حکم کرد به فرمانبرداری تو و منع کرد از نافرمانیت. خدایا قبول فرما شفاعتش را در حق امتش و ما را عامل

بِسُنَّتِهِ وَ تَوَقَّفْنَا عَلَى مِلَّتِهِ وَ أَحْشَرْنَا فِي زُمْرَتِهِ وَ تَحْتَ لَوَائِهِ وَ أَوْرَدْنَا حَوْضَهُ  
 بر سنت او گردان و بردین او مارا بمیران و در روز قیامت مارا با وی حشر کن و زیر پرچمش و مارا برحوض او وارد کن  
 وَ أَسْقِنَا بِكَأْسِهِ وَ أَنْفَعْنَا بِمَحَبَّتِهِ.  
 و بنوشان مارا به جام وی و بهره مند گردان ما را به دوستی او.

چنانچه از طرف کسی می خواهد عرض سلام کند ، بگوید :

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ يَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَى رَبِّكَ.  
 سلام بر تو باد ای رسول خدا از طرف فلان پسر فلان از تو امید شفاعت به درگاه خداوند دارد.

بعد رو به قبله ایستاده ، پس از حمد و ذکر خدا گوید:

اللَّهُمَّ أَنْتَ قُلْتَ: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ  
 خدایا تو در قرآن فرمودی (وسخت حق است): اگر این مردم که بر خود ستم کردند نزد تو می آمدند و نزد خدا استغفار  
 وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا».

می کردند و پیامبر (ص) هم برای آنها استغفار می کرد حتماً می دیدند خدا توبه آنها را می پذیرد و بر آنان ترحم می کند.

اللَّهُمَّ إِنَّا قَدْ سَمِعْنَا قَوْلَكَ وَ أَطَعْنَا أَمْرَكَ وَ قَصَدْنَا نَبِيَّكَ مُسْتَشْفِعِينَ بِهِ  
 خدایا ما سخت را شنیدیم و دستورت را اطاعت کردیم و نزد پیامبرت آمدم تا او را شفیع  
 إِلَيْكَ فِي ذُنُوبِنَا وَمَا أَثْقَلَ ظُهُورَنَا مِنْ أَوْزَارِنَا، تَائِبِينَ مِنْ زَلَلِنَا، مُعْتَرِفِينَ بِخَطَايَانَا  
 نزد تو قرار دهیم. خدایا بار گناهان بر پشت ما سنگینی می کند و ما به خطاها و لغزشها معترفیم. خدایا پیامبرت را  
 وَتَقْصِيرِنَا، فَتُبْ عَلَيْنَا وَ شَفِّعْ نَبِيَّكَ هَذَا فِينَا وَ ارْفَعْْنَا بِمَنْزِلَتِهِ  
 شفیع ما قرارده و شفاعت وی و توبه ما را بپذیر خدایا تو را به مقام و منزلت این پیامبر و حقی که در نزد تو دارد سوگند  
 عِنْدَكَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَأَغْفِرْ لَنَا وَ لِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ.  
 می دهیم شفاعتش را نسبت به ما قبول فرما. خدایا مهاجرین و انصار و ما و برادران مؤمن قبل از ما را ببخش.  
 اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَ لَا مِنْ حَرَمِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ  
 خدایا این زیارت را آخرین زیارت پیامبرت و حرمت قرار مده ای بخشنده ترین بخشندگان.

اللَّهُمَّ شَفِّعْ فِينَا نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ، اللَّهُمَّ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ  
 خدایا پیامبرت حضرت محمد<sup>(ص)</sup> را شفیع ما گردان، خدایا ای صاحب جلالت و کرامت  
 لَا تَحْرِمْنَا شَفَاعَةَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَاجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ  
 ما را از شفاعت خاتم پیامبران محروم نگردان و از بندگان صالحی بگردان که هیچ ترس  
 عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. اللَّهُمَّ أَقْسِمُ لَنَا مِنْ خَشْيَتِكَ مَا يَحُولُ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَعْصِيَتِكَ  
 و اندوهی ندارند. خدایا آن مقدار از خشیت خود را نصیب ما کن که بین ما و سرپیچی از فرمانهایت حایل شود  
 وَمِنْ طَاعَتِكَ مَا تَبْلُغْنَا بِهِ جَنَّتِكَ وَمِنَ الْيَقِينِ مَا تَهَوَّنُ بِهِ عَلَيْنَا مَصَائِبَ الدُّنْيَا،  
 و طاعتی به ما عنایت کن که ما را به بهشت تو برساند و یقینی عطا کن که مصیبتهای دنیوی را بر ما آسان گرداند،  
 وَمَتَعْنَا بِأَسْمَاعِنَا وَ أَبْصَارِنَا وَ أَنْصُرْنَا عَلَى مَنْ عَادَانَا. اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ مُصِيبَتَنَا  
 و ما را از گوشها و دیدگانمان بهره مند ساز و ما را بر دشمنان پیروز گردان. خدایا مصیبت ما را در دینمان قرار مده  
 فِي دِينِنَا وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّنَا وَلَا مَبْلَغَ عِلْمِنَا وَلَا تَسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ  
 و دنیا را بزرگترین اندیشه و نهایت دانش ما مگردان و مسلط مگردان کسی که بر ما  
 لَا يَرْحَمُنَا اللَّهُمَّ أَنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّقَاقِ وَالنَّفَاقِ وَسَوْءِ الْأَخْلَاقِ.

رحم نکند خدایا از اختلاف و دو رویی و بد خلقی به تو پناه می‌برم.

اللَّهُمَّ طَهِّرْ قُلُوبَنَا مِنَ النِّفَاقِ وَ أَعْمَالِنَا مِنَ الرِّيَا وَ فُرُوجِنَا مِنَ الزِّنَا وَ أَسْنَتِنَا مِنَ  
 خدایا دل‌های ما را از نفاق و اعمال ما را از ریا و اعضای تناسلی ما را از زنا و زبانه‌های ما را از دروغ  
 الْكُذْبِ وَ الْغِيْبَةِ وَ أَعْيُنَنَا مِنَ الْخِيَانَةِ فَإِنَّكَ تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ.  
 و غیبت و دیدگانمان را از نگاه خیانت آمیز (حرام) حفظ کن که تو به خیانت دیدگان و انگیزه‌های پنهان در سینه‌ها آگاهی  
 اللَّهُمَّ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ تَوَرُّ قُلُوبِنَا بِنُورِ مَعْرِفَتِكَ يَا عَزِيزُ يَا غَفَّارُ  
 خدایا ای گرداننده دل‌ها و چشمها، دل‌های ما را به روشنایی معرفت خود روشنایی بخش ای عزیز و ای بخشنده  
 يَا كَرِيمُ يَا سَتَّارُ يَا جَلِيلُ يَا جَبَّارُ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ. اللَّهُمَّ أَلْفُ  
 و ای کریم و ای پوشاننده عیوب و ای جلیل و ای جبّار و ای رحیم و ای رحمن و ای الله. خدایا دل‌های ما را مأنوس  
 بَيْنَ قُلُوبِنَا وَأَصْلَحْ ذَاتَ بَيْنِنَا وَاهْدِنَا سَبِيلَ السَّلَامِ وَ نَجِّنَا مِنَ الظُّلْمَاتِ إِلَى النُّورِ  
 همدیگر کن و بین ما صلح برقرار نما و ما را به راه‌های درست هدایت کن و از تاریکیهای رهایی بخش و بسوی نور ره‌نما

و جَنَّبْنَا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ. اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَعُوْذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَ مِنْ اُذُنٍ لَا تَسْمَعُ وَ مِنْ عَيْنٍ لَا تُبْصِرُ وَ مِنْ صَلَاةٍ لَا تَرْفَعُ خَاشِعٌ نَبَاشِدٌ وَ اِزْ نَفْسِيْ كِه اَز دُنْيَا سِيْرِيْ نَدَارِدُ وَ اِزْ كُوْشِيْ كِه نَشْتُوْدُ وَ اِزْ چَشْمِيْ كِه نَبِيْنِدُ وَ اِزْ نِمَازِيْ كِه بَالَا نِرُوْدُ وَ مِنْ دَعْوَةٍ لَا يَسْتَجَابُ لَهَا. اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَسْئَلُكَ الْهُدٰى وَ التَّقٰى وَ الْعِفاةَ وَ الْغِنٰى. اَللّٰهُمَّ اِنَّا وَ اِزْ دَعَايِيْ كِه بِه اِجَابَتِ نِرَسِدُ. خُدَايَا مَا اِزْ تُوْهُدَايَتِ وَ پَرِهِيْزْ كَاْرِيْ، پَا كَدَاْمِنِيْ وَ بِيْ نِيَازِيْ رَا مِيْ خُوَاْهِمِ. خُدَايَا مَا اِزْ تُوْ نَسْئَلُكَ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ تَرَكَ الْمُنْكَرَاتِ وَ حُبَّ الْمَسَاكِيْنِ، اَللّٰهُمَّ اَكْفِنَا بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ تُوْفِيْقِ اِنْجَامِ كَاْرهَآيْ نِيْكَ وَ تَرَكَ مَنْكَرَاتِ وَ نَاشَايَسْتِكِيْهَا وَ عَشْقِ بِهِيْنُوَايَانِ رَا مِيْ خُوَاْهِمِ. خُدَايَا مَارَا بِه حَلَالَتِ اِزْ حَرَامَتِ وَ بَطَاعَتِكَ عَنْ مَعْصِيَّتِكَ وَ بِنَفْضِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ. اَللّٰهُمَّ اَنْكَ عَفُوٌّ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاَعْفُ عَنَّا يَا عَفُوٌّ كِفَايَتِ كُنْ وَ بِه طَاعَتِ اِزْ نَاْفَرْمَانِيْ خُوْدِ وَ بِه فَضْلِ خُوْيِشِ اِزْ غَيْرِ خُوْدَتِ بِيْ نِيَازِ كِرْدَانِ. خُدَايَا تُوْبِخْشَايِنْدِه اِيْ وَ كِذْشَتِ رَا دُوْستِ دَاْرِيْ پَسِ اِزْ مَا دِرْ كِذْر اِيْ بَخْشَايِنْدِه.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اِبْرَاهِيْمَ وَ عَلٰى اٰلِ اِبْرَاهِيْمَ اِنَّكَ خُدَايَا دِرُوْدِ فِرْسْتِ بَرِ مُحَمَّدٍ وَ خَانْدَانَشِ، بَهْتَرِيْنِ دِرُوْدِيْ كِه بَرِ اِبْرَاهِيْمِ وَ خَانْدَانَشِ فِرْسْتَاْدِيْ بِه دِرَسْتِيْ كِه تُوْ حَمِيْدٌ مَجِيْدٌ. رَبَّنَا اٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ. سْتُوْدِه شُدِه بَزْرْ كُوَاْرِيْ. پِرُوْرِدْ كَاْرَا دِرْ دُنْيَا وَ آخِرَتِ بِه مَا نِيْكَيْ عَطَا كُنْ وَ اِزْ عَذَابِ آتَشِ جِهَنَمِ مَحْفُوْظْمَانِ بَدَارِ.

### زیارت ابوبکر صدیق (رض)

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيْفَةَ رَسُولِ اللَّهِ (ص)، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فِي سَلَامٍ بَرِ تُوْ اِيْ خَلِيْفَةُ رَسُولِ خُدَا (ص)، سَلَامٍ بَرِ تُوْ اِيْ هَمَنْشِيْنِ وَ هَمْرَاهِ رَسُولِ خُدَا (ص) دِرْ الْغَارِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَفِيْقَهُ فِي الْاَسْفَارِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِيْنَهُ عَلٰى الْاَسْرَارِ غَاْرٍ، سَلَامٍ بَرِ تُوْ اِيْ دُوْستِ رَسُولِ خُدَا دِرْ سَفْرَهَا، سَلَامٍ بَرِ تُوْ اِيْ اَمِيْنِ رَسُولِ خُدَا بَرِ اَسْرَارِ جَزَاكَ اللهُ خَيْرَ الْجَزَاءِ. اَللّٰهُمَّ اَرْضْ عَنْهُ وَ اَرْفَعْ دَرَجَتَهُ وَ اَكْرِمْ مَقَامَهُ وَ اَجْزِلْ خُدَاوْنِدِ جَزَايْ خَيْرِ بِه تُوْ دِهْدِ. خُدَايَا اِزْ اُوْ هَمِيْشِه رَا ضِيْ بَاشِ وَ دِرْجِه اَشِ رَا رَفِيْعِ كِرْدَانِ، مَقَامِ وَ مَنَزَلَتَشِ رَا كِرَاْمِيْ ثَوَابَهُ بِفَضْلِكَ وَ كَرَمِكَ وَ اِحْسَانِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ. بَدَارِ وَ ثَوَابَشِ رَا بِه فَضْلِ وَ كَرَمِ وَ اِحْسَانَتِ زِيَادِ بَكِرْدَانِ، اِيْ رَحْمِ كَنْنِدِه تَرِيْنِ رَحْمِ كَنْنِدِ كَاْنِ.

### زیارت عمر فاروق (رض)

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُظْهَرَ الْإِسْلَامِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا كَاسِرَ  
 سَلامِ بَرْتَوِ اِی یَاوَرِ اسَلامِ، سَلامِ بَر تَوِ اِی اَمیرِ مَؤمِنانِ سَلامِ بَر تَوِ اِی شَکَندهٔ بَتهَا،  
 الاَصْنَامِ، جَزَاكَ اللهُ عَنَّا أَفْضَلَ الْجَزَاءِ فَلَقَدْ نَصَرْتَ الْإِسْلَامَ وَالْمُسْلِمِينَ حَيًّا وَمَيِّتًا وَكَفَلْتَ  
 خَداوندِ جَزایِ خَیرِ خَدمتِ بَهِ اَمتِ مَحمد(ص) را بَهِ تَوِ دَهد. بَهِ حَقِّ، اسَلامِ وِ مَسلَمینِ را دَر حَیاتِ وِ مَعاتِ یاریِ کَرَدیِ وِ  
 الْإِیْتَامِ وَ وَصَلْتَ الْأَرْحَامَ وَ قَوَّيَ بِكَ الْإِسْلَامَ، وَ كُنْتَ لِلْإِسْلَامِ إِمَامًا مَرَضِيًّا وَ  
 یَتمِمانِ را سَربَرسَتیِ نَمودیِ وِ صَلهٔ رَحمِ بَجایِ آوَرَدیِ وِ اسَلامِ بَهِ تَوِ قوتِ گَرفتِ، وِ بَرایِ اسَلامِ فَوامَنروایِ هَدايتِ گَر  
 هَادِيًّا مَهْدِيًّا جَمَعْتَ شَمْلَهُمْ وَ أَعْنَيْتَ فَقْرَهُمْ وَ جَبَرْتَ كَسْرَهُمْ، فَالسَّلَامُ عَلَيْكَ  
 وِ هَدايتِ یافَتهٔ خَوبیِ بودیِ، گَروهِهايشانِ را سَامانِ دادیِ وِ فَقیرشانِ را ثَروتمندِ نَمودیِ وِ شَکستِها را جِبرانِ نَمودیِ پسِ  
 وَ رَحْمَةَ اللهِ وَ بَرَكَاتِهِ.  
 سَلامِ وِ رَحمَتِ وِ دَرودِ خَدا بَر تَوِ باد.

### زیارت بقیع

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ دَارَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ، أَنْتُمْ سَابِقُونَ وَ أَنَا أَنْ شَاءَ اللهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ، اَللَّهُمَّ  
 سَلامِ بَر شَما اِی خانَهِ قَومِ مَؤمِنانِ، شَما پَيشگامِ شَديدِ وِ اَگر خَدا بَخواهدِ ما بَهِ شَما مَلاحقِ می‌شویمِ، خَدا یا ساکنانِ  
 اغْفِرْ لِأَهْلِ بَقِيعِ الْغَرَقِدِ وَ لَا تَحْرِمْنَا أَجْرَهُمْ وَ لَا تَفْتِنَّا بَعْدَهُمْ، اَللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَ لَهُمْ.  
 گَورِستانِ بَقیعِ غَرقِدرِا بَیامَرزِ وِ از پاداشِ آن‌ها ما را مَحرُومِ مَگَرَدانِ وِ بَعدِ از ایشانِ ما را آَزمایشِ مَکنِ، خَدا یا ما وِ آن‌ها را بَیامَرزِ.



## وداع با رسول خدا

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ هَذَا آخِرَ الْعَهْدِ بِنَبِيِّكَ وَمَسْجِدِهِ وَحَرَمِهِ، وَيسِّرْ لِي الْعُودَ إِلَيْهِ  
 خدا یا این زیارت را آخرین زیارت و دیدار از نبی اکرم (ص) و مسجد و حرم حضرت مگردان و بر ایم باز گشت به این بارگاه

وَالْعُكُوفَ لِدَيْهِ، وَارْزُقْنِي الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرُدَّنَا  
 و مانند در این آستانه را میسر و آسان بگردان، و عفو و عافیت را در دنیا و آخرت نصیب من بفرما، و ما را از فضل و

إِلَى أَهْلِنَا سَالِمِينَ غَانِمِينَ آمِنِينَ بِفَضْلِكَ وَكَرَمِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ بِرَحْمَتِكَ  
 کرمت به سلامتی و با بهره‌مندی و امن و امان پیش اهل و عیالمان برگردان، ای پروردگار جهانیان به رحمت خود دعایم

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

را اجابت کن ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان.

## فرهنگ لغات و اصطلاحات حج

### احرام

اولین عمل حج و عمره است که با پوشیدن لباس احرام همراه با لبیک گفتن و نیت کردن انجام می گیرد.

### استلام حجرالاسود

دست کشیدن به حجرالاسود و بوسیدن آن و در صورت عدم امکان، از دور در مقابل حجرالاسود ایستاده و دستها را بلند نموده به صورتی که کف دست ها به سوی حجرالاسود باشد. و «بسم الله و الله اکبر و لله الحمد» بگوید و دستهایش را ببوسد. این را «استلام حجرالاسود» می گویند.

### اشعار و تقلید

اشعار آن است که حاجی، جانب راست کوهان شتری را که به جهت قربانی کردن در منا با خود می برد، زخم زند. تقلید آن است که نعلینی را که قبلا با آن نماز گزارده به گردن حیوانی که با خود جهت شکرانه حج می برد، می آویزد.

اشعار و تقلید جایگزین تلبیه برای زائر می گردد.

### اشهر حج

ماه های حج ؛ عبارت است از: شوال ، ذوالقعدة، و ذی الحججه

### اشهر حرم

ماه های حرام عبارت است از: ذی القعدة ، ذی الحججه، محرم و رجب

### اضطباع

برهنه کردن و بیرون آوردن بازوی راست از زیر احرام به هنگام طواف (لباس احرام را از زیر بغل راست عبور داده

بر شانه چپ انداخته شود. یعنی هر دو سر احرام را بر روی شانه چپ انداختن به صورتی که شانه راست از زیر احرام بیرون باشد)

به کسانی گفته می شود که داخل محدوده حرم (مکه) زندگی می کنند.

## اهل حرم

به کسانی اطلاق می شود که داخل مواقیت پنجگانه سکونت دارند. آفاقی به کسانی گفته می شود که در خارج از میقات های پنجگانه سکونت دارند.

## اهل حل

## آفاقی

افاضه به کوچ کردن دسته جمعی از مکانی، پس از تجمع در آنجا گفته می شود و افاضه از عرفات به سوی مشعرالحرام و از مشعر به سوی منا نیز به همین معنی است. وقت افاضه از عرفات، پس از غروب روز عرفه و وقت افاضه از مشعر، پس از طلوع فجر روز دهم ذی حجه است.

## افاضه

از روز هشتم ذی حجه آغاز می شود و با پایان اعمال حج پایان می یابد و هریک از ایام آن دارای نام خاصی است. روز هشتم: روز ترویبه - روز نهم: روز عرفه - روز دهم: یوم النحر و یوم الاضحی - روز یازدهم: یوم القَرّ - روز دوازدهم: یوم النَّفَرِ الاوَّل - روز سیزدهم: یوم النَّفَرِ الثانی

## ایام حج

سه روز پس از عید قربان (۱۱، ۱۲ و ۱۳ ذیحجه) را گویند که زائران تکبیرات تشریق را (الله اکبر، الله اکبر، لا اله الا الله، الله اکبر، الله اکبر والله الحمد) بعد از نماز به آواز بلند می خوانند.

## ایام تشریق

تشریق در لغت به معنای «خشکانیدن» است و چون در قدیم عرب ها، گوشت های قربانی را در این روزها خشک می کردند، و گوشت های (خون) قربانی بر اثرتابش خورشید انعکاس نور داشتند این سه روز را «ایام تشریق» نام نهادند و یا به دلیل این است که شب های این ایام روشن است.

روزهایی که در آن قربانی می نمایند (۱۰، ۱۱ و ۱۲ ذیحجه) یعنی روز عید و دو روز بعد از آن

### ایام نحر

نام دروازه ای از دروازه های مسجدالحرام است که از داخل صفا و مروه باز می شود و امروزه به «باب الفتح» معروف است. افضل این است که حجاج از همین در وارد حرم شوند زیرا روبروی درب خانه کعبه واقع می شود.

### باب السلام

برای نخستین بار حضرت اسماعیل پرده ای روی کعبه کشید. رسول خدا(ص) پس از فتح کعبه، پرده آن را عوض کرد. اکنون برای پرده کعبه و بافت آن مرکز ویژه ای وجود دارد.

### پرده کعبه

گفتن «سبحان الله والحمد لله و الله اکبر»

### تسبیح

کوتاه کردن قدری از مو یا ناخن.

### تقصیر

عبارت از آن ورد و ذکر است که در وقت احرام عمره یا حج، حجاج بر زبان جاری می کنند: «لبيك اللهم لبيك، لبيك لا شريك لك لبيك، ان الحمد والتعمه لك والملك، لا شريك لك»

### تلبیه

یکی از میقات های عمره مفرده که در حدود ۱۱ کیلومتری

### تنعیم

مسجدالحرام قرار دارد و هم اکنون مسجدی بزرگ به نام ام‌المؤمنین حضرت عایشه(رض) در آنجا بنا شده که حجاج برای عمره های مستحبی به آنجا می روند و احرام می بندند.

گفتن «لا اله الا الله» را تهلیل گویند.

## تهلیل

### جبل رحمت

کوهی که در وسط صحرای عرفات قرار دارد و در دامنه آن پیامبر اسلام(ص) خطبه معروف حجة الوداع را در روز نهم ذی الحجه ایراد فرمودند و در همانجا آیه «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْاِسْلَامَ دِينًا» نازل شد.

### جحفة

به طرف سوریه به فاصله تقریباً ۱۲۰ کیلومتری مکه قرار دارد که به جاده قدیم مکه - مدینه نزدیک بوده اما اکنون با جاده فعلی مکه- مدینه (طريق الهجرة) که مسیر هجرت رسول الله(ص) است فاصله زیادی دارد. اکنون این میقات به نام رابع معروف است و این میقات اهل سوریه و کسانی است که از آن طرف به زیارت می آیند.

### جمره

در لغت به معنای سنگریزه است و در این کتاب به معنای محل رمی سه جمره در منا است. ۱- جمره عقبه یا جمره کبری که در آخر منا از طرف مکه قرار دارد. ۲- جمره وسطی که در وسط قرار گرفته ۳- جمره اولی یا صغری (کوچک)

**جنایت**

جنایت در لغت به معنای خطا و جرم است. اما در بحث احکام حج، جنایت هر عملی را می‌گویند که انجام آن در حال احرام یا در زمین حرم ممنوع است. جزای جنایت گاهی صدقه و گاهی دم (ذبح گوسفند) و گاهی بدنه (ذبح شتر) می‌باشد.

**حج**

در لغت به معنای قصد و اراده و در اصطلاح اراده رفتن به سوی بیت الله الحرام و انجام مناسک آن در زمان و مکان معین خودش را گویند.

**حج اصغر**

به عمره مفرده حج اصغر گویند.

**حج اکبر**

عده ای «یوم الحج الاکبر» را که در سوره توبه به آن اشاره شده را تمامی ایام حج می‌دانند، چنانکه روزهای جنگ جمل یا صفین را به روز جمل یا صفین تعبیر می‌کنند و در واقع حج واجب را حج اکبر می‌نامند. عده ای دیگر روز عرفه را روز حج اکبر می‌دانند.

**حجة الاسلام**

حجی است که به حکم شرع بر انسان مستطیع واجب می‌شود و یکی از ارکان پنجگانه دین اسلام است.

**حجة الوداع**

حجی است که پیامبر(ص) در سال ده هجری با حضور گسترده مسلمانان گزارد و از این رو حجة الوداع نامیده شده که پیامبر(ص) در آن سفر با مردم وداع گفت و آخرین حج ایشان بود.

**حج افراد**

افراد و مفرد یعنی تنها و در اصطلاح حج افراد آن است که

زائر وقت بستن احرام فقط نیت حج را کند و بس. و با آن احرام، اعمال حج را انجام دهد.

### حج تمتع

تمتع در لغت به معنای فایده گرفتن و در اصطلاح حج آن است که زائر وقت بستن احرام، فقط نیت عمره را کند و بعد از ادای عمره، از احرام خارج شده و دوباره در روز هشتم ذی الحجه احرام ببندد و مناسک حج را انجام دهد.

### حج قران

قران در لغت به معنای پیوست و در اصطلاح حج قران آن است که زائر در وقت بستن احرام نیت عمره و حج هر دو را در یک احرام نماید و بعد از سعی بین صفا و مروءه عمره، احرام خود را باز نکند بلکه با همان احرام حج را هم انجام دهد.

### حجر اسماعیل

در قسمت شمالی کعبه، دیواری با ارتفاع  $\frac{۱}{۳}$  متر وجود دارد که قوسی شکل است و قدمت آن به زمان بنای کعبه می رسد. حضرت اسماعیل (ع) در همین قسمت، پیش از تعمیر کعبه زندگی می کرده است. ناودان رحمت (ناودان طلا) نیز که برپام کعبه نصب شده به سمت حجر اسماعیل قرار دارد که محل نزول رحمت و جای تضرع و استغفار است.

### حجر الاسود

یعنی سنگ سیاه، از اجزای بسیار مقدس مسجدالحرام است که در کنار کعبه قرار گرفته، بر اساس روایات، حجرالاسود از سنگ های بهشتی است و در روایتی از رسول خدا (ص) حجرالاسود به منزله دست راست خداوند خوانده شده که در روی زمین قرار گرفته است و مردم با دست کشیدن روی

آن و بوسیدنش با خداوند بیعت و اطاعت خود را از او اعلام می کنند.

یکی از میقات های عمره مفرده که به مسجدالحرام نزدیک است به گونه ای که نصف آن در حرم و نصف آن در حل قرار دارد، در همین مکان واقعه تاریخی صلح حدیبیه بین پیامبر(ص) و سران مکه منعقد شد.

### حدیبیه

دو حرم داریم که هر یک حدود شناخته شده ای دارند:

### حرم

۱- حرم مکه: اطراف مکه مکرمه تا فاصله محدودی که زمین حرم را مشخص نموده (به خاطر حرمت و قداستی که آن سرزمین دارد) را حرم می گویند. در محدوده حرم علامت هایی نصب کرده اند که حدود حرم را مشخص می سازد. در این محدوده شکار کردن و قطع درختان یا گیاهان خودرو جایز نیست. هرکس داخل این حدود زندگی می کند را «اهل حرم» می گویند. ۲- حرم مدینه: که پیامبر(ص) حدود آن را مشخص نمود از کوه عیر نزدیک ذوالحلیفه در غرب مدینه تا کوه ثور پشت کوه احد.

### حطیم

قسمتی است که از حجرالاسود آغاز شده و به سمت زمزم و از آنجا تا مقام ابراهیم و پس از آن تا حجر اسماعیل ادامه می یابد. این محدوده را تا دیوار کعبه حطیم می نامند و برخی فقط محدوده حجر اسماعیل را حطیم می نامند.

زمین خارج از محدوده حرم تا میقات را حل می گویند. در

### حل



زمین حل چیزهایی که در حرم ممنوع بود حلال می‌باشد. کسانی که در این محدوده زندگی می‌کنند را «حلی» می‌گویند. حلال شدن، از احرام و از حرم بیرون آمدن را حل گویند. تراشیدن موهای سر برای بیرون آمدن از احرام را «حلق» و کوتاه کردن آنها را تقصیر یا «قصر» گویند.

## حَلِّ

### حلق و تقصیر

یعنی کوی شهدا که در مکه، در وادی «فخ» نزدیک میقات تنعیم قرار دارد و به نام شهدای فخ نام‌گذاری شده است و در مدینه در دامنه جنوبی کوه احد قرار دارد که قبر حضرت حمزه (رض) و جمعی از شهدای غزوه احد در آنجا واقع است. ترکیبی از مواد خوشبو کننده که بخش عمده آن از زعفران است و کعبه را با آن خوشبو می‌کنند.

### حی الشهداء

در مکه قرار داشت و خانه ای بود که در آنجا برای مشورت و رایزنی گردهم می‌آمدند. این مشورت خانه را قصی بن کلاب بنا کرده بود. ندوه مأخوذ از «ندی» است و ندی و نادای و منتدی به معنای انجمن و باشگاه می‌باشد.

### خلوق کعبه

### دار الندوه

میقات کسانی است که از طرف عراق می‌آیند و ۹۴ کیلومتر با مکه مکرمه فاصله دارد.

### ذات عرق

سر بریدن حیوانات را ذبح گویند.

### ذبح

میقات اهل مدینه است که تقریباً ده کیلومتر از مدینه به سمت مکه فاصله دارد و مسجد شجره در آنجا قرار دارد.

### ذوالحلیفه

پایه و اساس شیء را می‌گویند. اساسی ترین جزء هر

### رکن

عبادت که ترک عمدی یا سهوی آن سبب باطل شدن عبادت می شود. اما راجع به خانه کعبه، رکن بر گوشه های خانه اطلاق می گردد و ارکان کعبه چهار تا است.

### رکن حجرالاسود

در جانب جنوب شرقی خانه واقع است، گوشه ای که درب خانه و مقام ملتزم قرار دارد.

### رکن شامی

جانب شمال غربی خانه، بعد از حجر اسماعیل قرار دارد و چون در سمت شام قرار دارد رکن شامی نام گرفته است.

### رکن عراقی

در جانب شمال شرقی خانه بعد از درب کعبه واقع است که به سوی عراق قرار دارد.

### رکن یمانی

در جانب جنوب غربی خانه واقع است که پیش از حجرالاسود قرار گرفته است و به سمت یمن می باشد.

### رمل

یعنی پهلوانانه و قدری تند رفتن در سه شوط اول، در طواف هایی که با احرام انجام می دهند به طوری که قدم ها را نزدیک به نزدیک گذاشته، مقدار تندتر راه برود و شانه ها را به طرف بالا حرکت دهد.

### رمی

عبارت است از پرتاب ریگ هایی که روز دهم و یازدهم و دوازدهم و احیاناً سیزدهم ذی حجه به شیطان فرضی نشانه می گیرند و آن را «جمره» نیز می گویند.

### رَوْضَه

به سرزمین سبز، خرّم و زیبا گفته می شود. این سخن پیامبر (ص) که فرمود: «مَا بَيْنَ قَبْرِی وَ مِنْبَرِی رَوْضَةٌ مِنْ رِیاضِ الْجَنَّةِ» میان قبر و منبر من باغی از باغ های بهشت است به

این معناست که نماز و ذکر الهی در آنجا، موجب رفتن انسان به بهشت می شود و احتمال می رود که در حقیقت این محل از روضه های بهشت باشد، گرچه در دنیا به آن صورت واقعی برای ما نمودار نیست.

## زمزم

نام چاه و حفره ای است در جانب شرق خانه در داخل صحن، روبروی درب خانه کعبه که نوشیدن آب آن ثواب و برای هر بیماری سبب شفاست. (اکنون به علت تنگی مطاف روی آن را پوشیده اند و در روبروی آن شیرهای خودکار برای استفاده مردم گذاشته اند.)

## ساختمان کعبه

آن را خداوند بیت الحرام «جعل الله الکعبة البیت الحرام» و خانه خود و بیت عتیق می نامد.

## سدانة البیت

قصی بن کلاب جد چهارم پیامبر (ص) نخستین شخص از قریش، پس از ابراهیم (ع) بود که ساختمان کعبه را بنا کرد اگر چه پیش از آن بعد از ابراهیم (ع) به دست قبایل جرهمیان و عمالقه نیز بازسازی شده است.

قصی بن کلاب در هنگام پیری مناصب کعبه را بین دو فرزندش «عبدالدار» و «عبد مناف» تقسیم نمود و سدانته (پرده داری کعبه)، دارالندوه (مجلس مشورتی مکه) و لواء (پرچم داری سپاه) را به عبدالدار واگذار نمود و سقایته (آب دادن به حاجیان)، رفادت (میهمان داری و پذیرایی از زائران کعبه) و قیادت (سرپرستی و سرداری مکه) را به عبدمناف واگذار نمود. پیامبر (ص) بعد از فتح مکه با وجود

درخواست عمویشان عباس که منصب سقایت را بر عهده داشت و می خواست کلیددار کعبه نیز شود، کلید کعبه را به عثمان بن طلحه از طایفه بنی عبدالدار که پیش از آن مسئولیت را بر عهده داشت واگذار نمودند.

### سعی

هفت مرتبه رفتن از کوه صفا به مروه و از مروه به صفا را سعی گویند، به این صورت که از صفا تا مروه یک بار و از مروه تا صفا دو بار، باز از صفا به مروه، سه بار و از مروه به صفا چهاربار تا آخر، از صفا شروع و به مروه ختم می شود.

### سقیفه بنی ساعده

سایبانی بوده در مدینه منوره که زیر آن می نشستند و به مشورت می پرداختند از انصار بودند. در همین سقیفه بود که با حضرت ابوبکر(رض) بیعت شد. سقیفه بنی ساعده در شمال غربی مسجدالنبی است و امروزه در آنجا باغ دلگشایی وجود دارد.

### شاذروان

جزئی از دیوار خانه کعبه که در قسمت تحتانی آن به صورت شیب دار و برآمده قرار دارد و بخشی از کعبه است.

### شوط

یک بار گردش و حرکت از محلی تا محل دیگر. هر بار گردیدن به دور خانه کعبه و رفتن از صفا تا مروه (و بر عکس) را یک «شوط» گویند. جمع آن «اشواط» است و در حدیث آمده که: «طَافَ بِالْبَيْتِ سَبْعَةَ اشْوَاطٍ» پیامبر(ص) هفت بار خانه کعبه را طواف کرد.

**شعائر حج**

جمع شعار است که به معنای مناسک و اعمال حج می باشد مانند وقوف در عرفات، طواف کعبه، سعی میان صفا و مروه، رمی جمرات، قربانی و دیگر اعمال حج. در آیه دو سوره مبارکه مائده می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ» ای کسانی که ایمان آورده اید شعائر الهی را محترم شمارید و مخالفت با آنها را حلال ندانید.

**صفا**

نزدیک خانه کعبه در جانب جنوب، کوه سنگی کوچکی است به ارتفاع حدود ۱۵ متر که سعی از آنجا آغاز می شود.

**طائف**

شهری است خوش آب و هوا در شرق مکه به فاصله ۷۲ کیلومتری آن

**طواف**

در لغت یعنی دور زدن و گرد چیزی گشتن که مراد در اینجا، گشتن دور خانه کعبه است لذا هر هفت دور در اطراف خانه کعبه را طواف می گویند و یک دور را «شوط» می نامند و محدوده ای که طواف در آنجا انجام می شود را «مطاف» گویند. طواف ۷ قسم است: طواف قدوم، طواف عمره، طواف زیارت، طواف وداع، طواف نذر، طواف تحیه و طواف نفل

**طواف تحیه**

طوافی است که به عوض نماز تحیه المسجد در وقت ورود به مسجد الحرام انجام می گیرد.

**طواف زیارت**

طوافی است که حاجی از طلوع صبح صادق روز دهم ذی حجه تا غروب روز دوازدهم نزد احناف و تا پایان ذی الحجه نزد سایر مذاهب اسلامی می تواند انجام دهد لیکن

روز دهم فضیلت بیشتری دارد. این طواف رکن حج است که بعد از وقوف عرفه انجام می شود.

طوافی است که هرکس نیت عمره داشته باشد باید انجام دهد. اولین طوافی است که حاجی مفرد یا حاجی قران به مجرد داخل شدن به مسجد الحرام انجام می دهد، این طواف مسنون است.

طوافی است که شخص انجام آن را بر خود لازم و واجب می داند.

یعنی طواف زنان، یکی از اعمالی که زایران شیعه پس از طواف زیارت درحج تمتع انجام می دهند، و در عمره مفرده پس از تقصیر، تا همسرشان بر آنها حلال گردد را گویند.

طوافی است که در هر موقعیت مناسب انجام می گیرد. این طوافی است که بر هر آفاقی وقت خداحافظی و خروج از مکه واجب است.

در اینجا به معنای «معتوق» (آزاد شده) است و مراد بیت الله الحرام می باشد. وجه تسمیه آن به عتیق آن است که از قید و سلطه سلاطین و جباران آزاد شده است و هیچ جبار و سلطانی نمی تواند مدعی مالکیت این خانه شود و یا به آن آسیب و گزند برساند. خداوند در قرآن از کعبه با وصف «عتیق» یاد کرده است «... وَلَيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ»

صحرايي است وسيع در نزديكي مکه که در روز عرفه (نهم

**طواف عمره****طواف قدوم****طواف نذر****طواف نساء****طواف نفل****طواف وداع****عتیق****عرفات**

ذیحجه) موقف حاجیان است.

### عقبه

در لغت به معنای کوه بلندی است که بر سر راه قرار دارد و راه از آن می گذرد (گذرگاه دشوار کوهستانی، گردنه کوه) عقبه ای که در آنجا با پیامبر(ص) بیعت شد و در سیره از آن یاد می شود، عقبه مناست که جمرات در آن رمی می شود. وقتی می گویند: بیعت عقبه اولی و بیعت عقبه ثانی، کلمات اولی و ثانی صفت بیعت هستند نه عقبه. یعنی بیعت اولی و دومی در عقبه منی صورت پذیرفت.

### عمره

عبارت است از احرام بستن از میقات یا زمین حل (یعنی خارج از حرم) و انجام دادن طواف و سعی بین صفا و مروه و سپس تراشیدن یا کوتاه نمودن موهای سر.

### عمره تمتع

بخش اول حج تمتع که عبارت است از احرام، طواف، نماز طواف، سعی و حلق یا تقصیر.

### عمره مفرده

در طول سال و غیر از ایام حج و در ایام حج پس از انجام حج به جا آورده می شود و عبارت است از: احرام، طواف، نماز طواف، سعی، حلق یا تقصیر. تفاوتی با عمره تمتع ندارد مگر نزد زائران شیعی که در عمره مفرده طواف نساء نیز دارند.

### قربانی

(هدی شکرانه)

گوسفند یا شتری که زائران تمتع و قران، در روز دهم در منا ذبح می کنند.

### قرن المنازل

به سمت نجد و طائف به فاصله تقریباً ۷۵ کیلومتری شرق مکه مکرمه قرار دارد و میقات اهل نجد است.

خانه خدا خانه‌ای چهارگوش به شکل مکعب غیرمنظم که در وسط «مسجدالحرام» واقع شده است و حجاج دور آن طواف می‌کنند.

**کعبه**

جریمه جبران انجام برخی از چیزهایی که در حال احرام حرام است.

**کفّارات احرام**

عبارت از دو تکه جامه یا پارچه نادرخته و تمیزی است که مردان یکی را به کمر می‌بندند و دیگری را به دوش می‌اندازند.

**لباس احرام**

شب را در جایی گذراندن، بیتوته کردن

**مبیت**

مقابل چیزی قرار گرفتن، برابر هم قرار گرفتن (محاذی: مقابل، روبرو، برابر)

**مُحاذات**

محرم بر شخصی اطلاق می‌گردد که بعد از پوشیدن لباس احرام (یا بعد از نیت احرام) و خواندن دو رکعت نماز، نیت حج یا عمره یا هر دو را کرده، سپس تلبیه بر زبان جاری کرده باشد.

**مُحَرِّم**

از احرام بیرون آمده (مقابل احرام و مُحَرِّم)

**مُحِلّ**

چیزهای حرام شده در زمان احرام

**محرّمات احرام**

حصار کرده، بازداشته، کسی که به سبب بیماری یا دشمن از عمره یا حج باز ماند.

**مَحْصُور**

دومین شهر مقدس اسلامی واقع در شمال شرقی مکه است که آرامگاه رسول اکرم(ص) و عده ای از یاران و اهل بیت

**مدینه**



در این شهر است که پس از ورود پیامبر(ص) مدینه منوره و مدینه النبی خوانده شد. نام سابق آن یثرب بود.

در شمال شرقی کعبه ، کوه سنگی است به ارتفاع حدود ۸ متر که تا حدی آن را هموار کرده اند و در آنجا سعی به پایان می رسد.

### مروه

سرزمین پهناوری است میان عرفات و منا. شب عید قربان را بعد از وقوف به عرفه در آنجا می گذرانند و مشعرالحرام نیز در همین جا (نزد جبل قزح) قرار دارد.

### مزدلفه

مسجدی مقدس و با شکوه در منا.

### مسجد خیف

میقات کسانی است که از مدینه به مکه می آیند، (ذوالحلیفه) مسجد مقدس و با شکوه مکه که کعبه ، مقام ابراهیم، و چاه زمزم درون آن قرار دارد.

### مسجد شجره

### مسجدالحرام

مسجد پیامبر(ص) واقع در مدینه. بزرگترین و مقدس ترین مسجد پس از مسجدالحرام است و مرقد مطهر پیامبر در جنوب شرقی این مسجد قرار دارد.

### مسجدالنبی

مسافت ۴۲۰ متری میان دو کوه صفا و مروه که اکنون به صورت یک خیابان سرپوشیده در سه طبقه درآمده و متصل به مسجدالحرام است را گویند که عمل سعی بین صفا و مروه در آنجا انجام می شود.

### مسعی

کشتارگاه و قربانگاه

### مسلخ

مکانی که ابراهیم(ع) سنگ ها را از دست اسماعیل می گرفت

### مقام ابراهیم

و دیوار کعبه را بالا می برد. در روایات دیگر آمده است که ابراهیم(ع) بر روی این سنگ ایستاد و مردم را به حج فرا خواند. بر روی این سنگ اثری از کف پای ابراهیم نیز دیده می شود. این سنگ تقریباً مربع شکل است با طول و عرض ۴۰ سانتی متر و ارتفاع ۵۰ سانتی متر و رنگ آن بین سیاه و سفید و متمایل به زرد است. از زمان مهدی عباسی این سنگ با طلا پوشانده شده و در محوطه ای قرار گرفته است تا صدمه نبیند.

### ملتزم

قسمتی از دیوار کعبه است که میان حجرالاسود و در خانه کعبه واقع است و چون مردم در آن قسمت به دیوار ملتزم می شوند (می چسبند) و دعا می خوانند به این اسم نامیده شده است. پیامبر(ص) فرموده: ملتزم محلی است که دعا در آنجا به استجابت می رسد و هیچ بنده ای نیست که در آنجا خدا را بخواند و خداوند دعایش را مستجاب نکند.

### مناسک

جمع «منسک» = (جای عبادت) راه و روش عبادت. اعمال حج را مناسک حج خوانند.

### میزاب(ناودان)

#### رحمت

در سمت غربی خانه، برای دفع آب باران از سقف بیت الله الحرام یک ناودان طلایی منقش نصب شده که از آن آب باران به داخل حجر اسماعیل می ریزد. آن را ناودان رحمت یا میزاب رحمت گویند. در زیر آن دعا قبول می شود.

### میقات

زمان و مکان بستن احرام را میقات گویند.

**میقات زمانی حج**

شوال ، ذیقعدہ و دہہ اول ذیحجہ

**میقات مکانی حج**

به جایی می گویند که در آن احرام باید بست که میقات  
آفاقی ها عبارت است از: ذوالحلیفه، ذات عرق، یلملم،  
جحفه و قرن المنازل

**میقاتی**

بر کسانی اطلاق می گردد که در داخل محدوده های  
مواقیت قرار دارند.

**میلین اخضرین**

نام دو ستون سبز است که در بین صفا و مروه قرار دارد که  
اکنون با چراغ های سبز رنگی مشخص شده و در وقت  
سعی ، حجاج مرد سنت است بین آن دو ستون بدونند.

**نایب**

کسی که به جای دیگری کاری انجام می دهد. مراد از  
«نایب» در اینجا کسی است که به نیابت از دیگری اعمال  
حج را به جا می آورد.

**وادی محسر**

سرزمینی بین مشعر و منی که زائران با سرعت از آنجا عبور  
می کنند. مکان نابودی سپاه ابرهه است. کلمه وادی به  
معنای رودخانه و مسیر سیل است.

**هدی**

بر حیوانی اطلاق می شود که حاجی برای ذبح روز دهم یا  
بعد از آن (تا ۳روز) به همراه می برد و در آنجا قربانی می کند.

**یللم**

نام کوهی است در جنوب مکه مکرمه که تقریباً ۸۰ کیلومتر  
از مکه فاصله دارد و این میقات اهل تهامه و یمن و... است  
و اکنون به نام سعدیه معروف است.

**یوم الترویہ**

روزی که اعمال حج شروع می شود یعنی روز هشتم ذی

حجه. و از آن جهت ترویج می خوانند که در این روز برای عرفات و منی آب تدارک می دیدند.

روز دهم ذی حجه است که در آن روز بعد از زدن جمره ی عقبه، حجاج می توانند قربانی (دم شکرانه ی) خود را ذبح کنند که به یومُ الأضحی نیز معروف است.

### یوم النحر

روز نهم ذی حجه است که حجاج از ظهر آن روز تا غروب خورشید باید در عرفات حضور یابند که به آن «یوم جمع» و «یوم المشهود» نیز می گویند چون مردم در عرفات اجتماع می کنند و حضور به هم می رسانند.

### یوم عرفه



## فهرست منابع

- ۱- احیاء علوم الدین، ابو حامد محمد غزالی، ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. ۱۳۷۵ ه.ش
- ۲- احکام و مناسک حج و عمره، عبدالرحیم فیروز، تربت جام: انتشارات شیخ الاسلام، ۱۳۸۳ ش
- ۳- احکام و مناسک حج، ابوبکر محمد کریمی. تهران: نشر احسان، ۱۳۸۴ ه.ش
- ۴- آثار اسلامی مکه و مدینه، رسول جعفریان. تهران: نشر مشعر، ۱۳۷۳ ه.ش
- ۵- آموزش حج و عمره، طلال بن احمد العقیل، ترجمه: اسحاق بن عبدالله عوضی، سایت عقیده
- ۶- ارشاد الساری الی مناسک ملا علی قاری، علی لباب المناسک ملا رحمة الله سندی، حسین بن محمد سعید عبدالغنی حنفی، مکه: المكتبة الامدادیه ، ۱۴۳۰ هـ ق
- ۷- اذکار و ادعیه حج، محمد برفی. تهران: انتشارات محراب فکر، ۱۳۸۶ ه.ش
- ۸- الفقه الاسلامی و ادلته، وهبة الزحیلی. بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۵ ه.ق
- ۹- الفقه علی المذاهب الاربعة، عبدالرحمن الجزیزی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ ه.ق
- ۱۰- الفقه علی المذاهب الاربعة جزیری و مذهب اهل البیت، سید محمد غروی و... بیروت: دارالثقلین، ۱۴۱۹ ه.ق
- ۱۱- المدينة المنورة تاریخ و معالم، مرکز بحوث و دراسات المدینة المنورة، ۱۴۲۶ ه.ق
- ۱۲- الهدایة شرح بدایة المبتدی، شیخ الاسلام علی بن ابی بکر المرغینانی (م ۵۹۳ هـ ق) بیروت: دارالکتب العلمیه
- ۱۳- الام، محمد بن ادريس شافعی (۲۰۴-۱۵۰ ه.ق)، ریاض: بیت الافکار الدولیه.
- ۱۴- الحج معطياته، احكامه و الروایات المشتركة فيه، محمد علی تسخیری. تهران: المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلاميه، ۱۴۲۴ ه.ق
- ۱۵- احکام و مناسک حج، شیخ محمد عقیل سلطان العلماء. تهران: نشر احسان. ۱۳۸۴ ه.ش
- ۱۶- آینه احکام در فقه امام شافعی، عبدالرحمن علوانی، ترجمه جلال جلالی زاده و مسعود انصاری. تهران: نشر احسان. ۱۳۸۲ ه.ش
- ۱۷- اطلس اماکن مکه مکرمه و مدینه منوره، معاونت آموزش بعثه، تهران: نشر مشعر ۱۳۸۵ ه.ش

- ۱۸- بازنگری جدید فقه حنفی (الفقه الحنفی فی ثوبه الجدید)، عبدالحمید محمد طهماز، مترجم سعدی بهبودی. تربت جام: نشر شیخ الاسلام احمد جام، ۱۳۹۴.
- ۱۹- باقیات صالحات، محمد ربیعی. سنندج: انتشارات پرتو بیان. ۱۳۸۴ ه.ش
- ۲۰- بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع امام علاء الدین ابی بکر بن مسعود کاشانی (متوفی ۵۸۷ه.ق). بیروت: دارالفکر.
- ۲۱- تاریخ و آثار اسلامی مکه و مدینه، اصغر قائدان. تهران: نشر مشعر. ۱۳۸۴ ه.ش
- ۲۲- تفسیر کبیرمفاتیح الغیب، امام فخررازی، ترجمه: علی اصغر حلبی، تهران: انتشارات اساطیر ۱۳۸۶ ه.ش
- ۲۳- جامع ترمذی، ابی عیسی محمد بن عیسی ترمذی، ریاض: بیت الافکار الدولیه، ۲۰۰۴ م.
- ۲۴- حج راهنمای راهیان خانه خدا، محمد متولی شعراوی. ترجمه: مجید احمدی، شیراز: انتشارات ایلاف. ۱۳۸۳ ه.ش
- ۲۵- حج و عمره در آینه فقه مقارن، محمد علی مقدادی. تهران: نشر مشعر. ۱۳۸۴ ه.ش
- ۲۶- حج عارفان، رحیم کارگر. تهران: نشر مشعر. ۱۳۸۴ ه.ش
- ۲۷- حجة النبی(ص)، محمد ناصرالدین الالبانی. بیروت: المكتب الاسلامی. ۱۴۰۵ ق
- ۲۸- حجة الله البالغه، شاه ولی الله محدث دهلوی، ترجمه: محمد یوسف حسین پور، تربت جام: انتشارات شیخ الاسلام، ۱۳۸۱ ه.ش
- ۲۹- خلاصة المناسک، مولانا محمد شهادت. سراوان: مدرسه مجمع العلوم سرجو. ۱۳۹۵ ه.ق
- ۳۰- درسنامه، پیش درآمدی بر فرهنگ نامه اسرار و معارف حج، معاونت امور روحانیون بعثه، تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۹ ه.ش
- ۳۱- درسنامه تفسیر آیات حج، معاونت امور روحانیون بعثه، تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۷ ه.ش
- ۳۲- درسنامه، با قرآن در مکه و مدینه، اکبر دهقان، تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۸ ه.ش
- ۳۳- درسنامه اسرار حج، محمدتقی فعالی، تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۹ ه.ش
- ۳۴- درآمدی بر فقه مقارن، مصطفی جعفر پیشه فرد، تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۹ ه.ش
- ۳۵- ره توشه حج، جمعی از نویسندگان. تهران: نشر مشعر. ۱۳۸۵ ه.ش
- ۳۶- راهنمای حج و عمره، عبدالرزاق بن عبدالمحسن البدر. ترجمه: محمد صالح سعیدی. سنندج: انتشارات کردستان. ۱۳۸۴ ه.ش
- ۳۷- سنن نسائی، احمد بن شعیب بن علی نسائی، ریاض: بیت الافکار الدولیه.

- ۳۸- سنن ابی داود، ابی داود سلیمان بن الأشعث السجستانی، ریاض: بیت الافکارالدولیه، ۲۰۰۴م
- ۳۹- سنن ابن ماجه، محمد بن یزید ابن ماجه قزوینی، ریاض: بیت الافکار الدولیه.
- ۴۰- شرح فتح القدير على الهداية مرغینانی، محمد بن عبدالواحد معروف به ابن همام حنفی، بیروت: دارالفکر
- ۴۱- صحیح بخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، بیروت: دارالجلیل.
- ۴۲- صحیح مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، ریاض: بیت الافکار الدولیه، ۲۰۰۴م.
- ۴۳- فقه السنه، السيد سابق، بیروت: دار الکتب العربی. ۱۴۰۷ ه. ق
- ۴۴- فقه تطبیقی، مصطفی ذوالفقار طلب، تهران: نشر احسان. ۱۳۷۹ ه. ش
- ۴۵- فقه منهجی در مذهب امام شافعی، مصطفی الخن و مصطفی البغا و... ترجمه: محمد عزیز حسامی و فرزاد پارسا، سندج: انتشارات کردستان، ۱۳۸۸ ه. ش
- ۴۶- فضایل صدقات و حج، محمد زکریا. ترجمه: عبدالرحمن محبی. تهران: انتشارات شمیم. ۱۳۷۶ ش
- ۴۷- فضایل و احکام مکة مکرمه، ترجمه: اسحاق دبیری. مکة: معاونت مطبوعات و زارت اوقاف سعودی. ۱۴۲۶ ه. ق
- ۴۸- کتاب الايضاح فی مناسک الحج و العمرة، امام یحیی بن شرف نووی، و علیه الافصاح علی مسائل الايضاح علی مذاهب الائمة الاربعة و غیرهم تالیف عبدالفتاح حسین مکی، مکة: مکتبة الامدادیة، ۱۴۳۱ ه. ق
- ۴۹- مسایل و رهنمای حج، مفتی محمد شفیع. ترجمه: محمد حسن بیجارزهی. سراوان: حوزه علمیه سبیل سوران. ۱۳۶۴ ه. ش
- ۵۰- مسجد شریف نبوی، ناجی محمد حسن عبدالقادر انصاری، ترجمه: عبدالحمید آیتی. تهران: نشر مشعر ۱۳۸۱ ه. ش
- ۵۱- مناسک الحج علی المذاهب الخمسة، شیخ حسان عبدالله، تجمع العلماء المسلمین فی لبنان، ۱۴۲۶ ق
- ۵۲- مناسک مصور حج، محمد حسین فلاح زاده. تهران: نشر مشعر. ۱۳۸۴ ه. ش
- ۵۳- مناسک مصور حج، مولوی اسحق مدنی، ماموستا محمد شیخ الاسلام و ... تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی. ۱۳۸۲ ه. ش
- ۵۴- مثنوی معنوی، مولانا جلال الدین محمد بلخی رومی، تهران: انتشارات ناهید، ۱۳۷۵ ه. ش.
- ۵۵- میناگر عشق (شرح موضوعی مثنوی معنوی)، کریم زمانی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۶ ه. ش.
- ۵۶- مناجات با خدا، سعید بن علی قحطانی، ترجمه عباس تقوی گله داری، تهران: نشر احسان، ۱۳۸۳ ش.

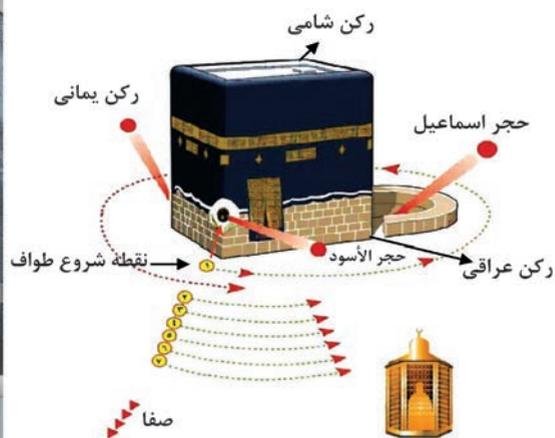


- ۵۷- مناجات خواجه عبدالله انصاری، بکوشش حامدربانی، تهران: انتشارات گنجینه، ۱۳۶۱ هـ.ش .
- ۵۸- مناسک حج، مرکز تحقیقات حج، تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۵ هـ.ش .
- ۵۹- المسائل العبادية و بناء الذات، دکتر عبدالکریم بی آزار شیرازی، تهران: مجمع تقریب مذاهب اسلامی، ۱۴۲۹ هـ.ق
- ۶۰- موسوعة الفقه المقارن، هاشمی شاهرودی، قم: موسسه دائرة معارف الفقه الاسلامی، ۱۴۳۲ هـ.ق
- ۶۱- نهج البلاغة، ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات پارسایان، ۱۳۷۹ هـ.ش
- ۶۲- همراه با کاروان عمره، عبدالرشید تریز، تهران: نشر احسان، ۱۳۸۶ هـ.ش.
- ۶۳- هدیه الحجاج، عبدالواحد احراری، تهران: محراب فکر، ۱۳۸۵ هـ.ش.
- ۶۴- يسألونک فی الدين والحياة، دکتر احمد شریاصی، بیروت: دارالجيل
- ۶۵- ينبوع الاسرار فی النصائح الابرار. کمال الدين حسين خوارزمی. تهران: بی تا، انتشارات انجمن استاد زبان و ادبیات فارسی.
- ۶۶ - البحر العمیق فی مناسک المعتمر و الحاج الی البيت العتیق، امام ابی البقاء محمد بن احمد الضیاء المکی الحنفی (متوفی ۸۵۴) تحقیق: عبدالله نذیر احمد، مکه: المكتبة المکیه ۱۴۳۲ هـ - ق
- ۶۷ - المسالك فی المناسک امام ابی منصور محمد ابن مکرم ابن شعبان کرمانی ( متوفی ۵۹۷) تحقیق : دکتر سعود شریم بیروت : شرکه دارالبشائر الاسلامیه ۱۴۲۴

# راهنمای حج تمتع



### نمایی از کعبه و حجرالاسود



### جمرات



خیمه‌های منی



جبل الرحمه در عرفات

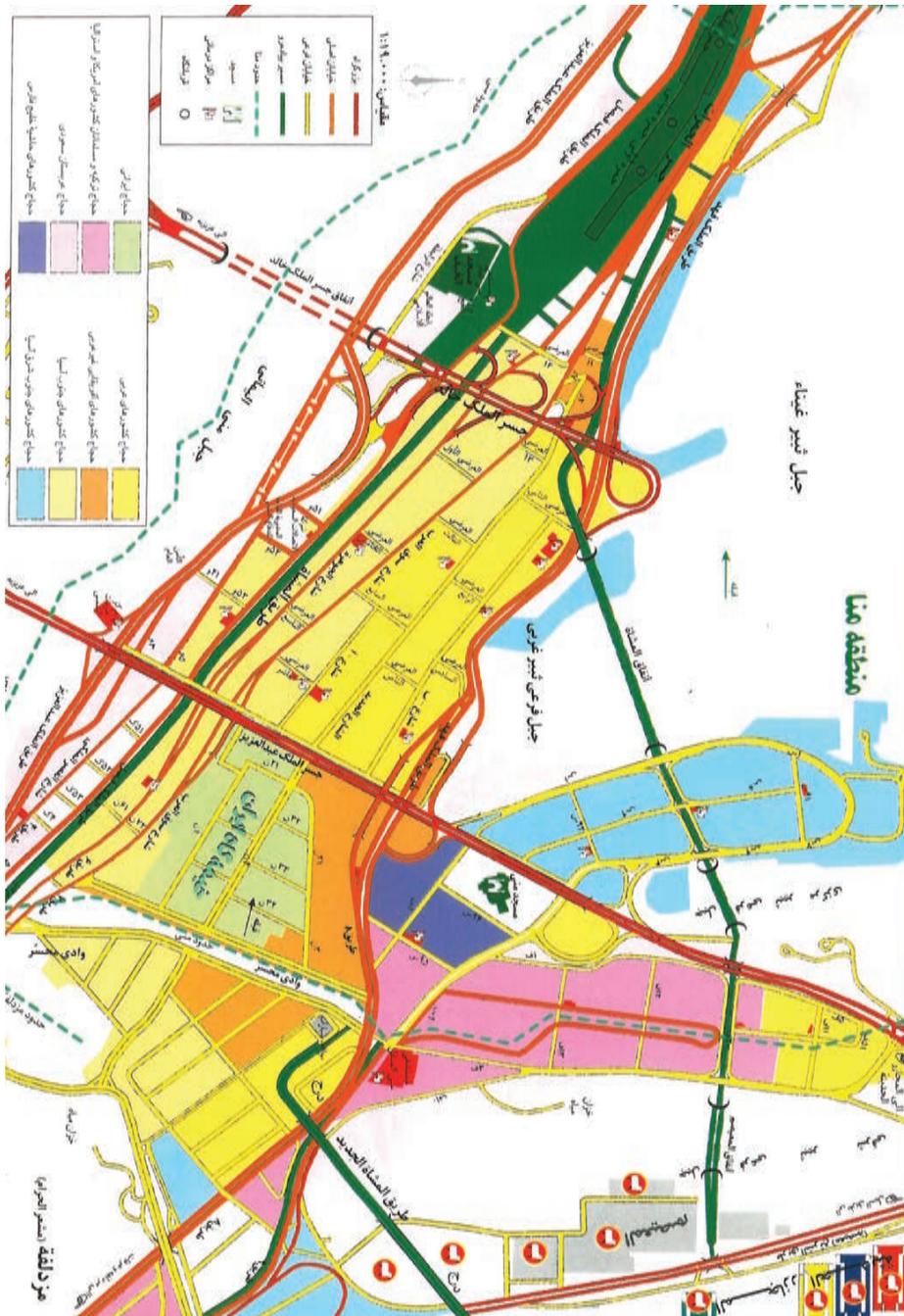


نمایی از صحرای عرفات





نقشه منی و مزدلفه







نقشه مکه



## قبرستان جنة المعلى



مسجد النبی بعد از طرح توسعه جدید



## محراب و منبر پیامبر در روضه رضوان



## ضریح مطهر پیامبر (ص) و دو یارش



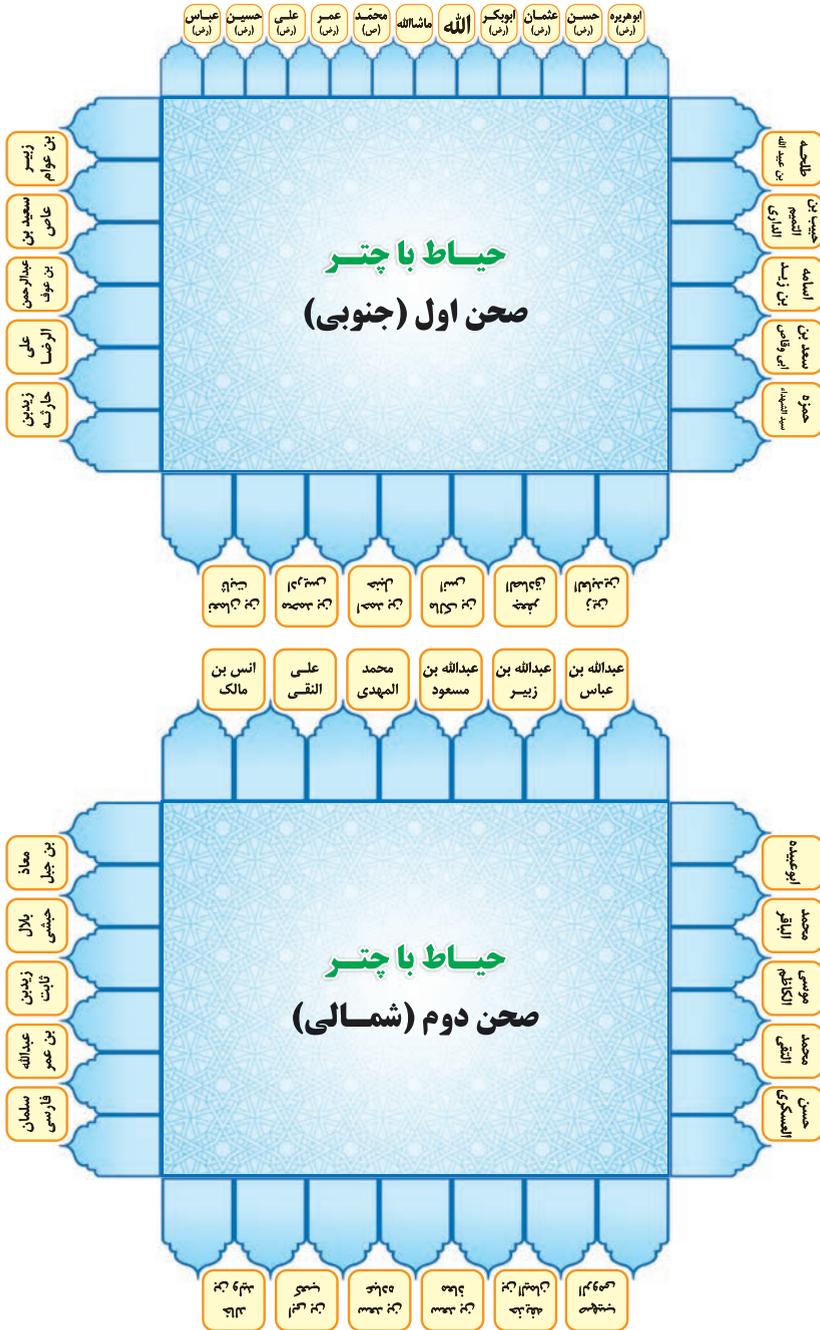
ستون های تاریخی مسجد النبی



قبرستان بقیع و طرح توسعه جدید مسجد النبی



اسامی نوشته شده در اطراف دو صحن مسجد النبوی (ص)



مسجد قبا



مسجد قبلتین



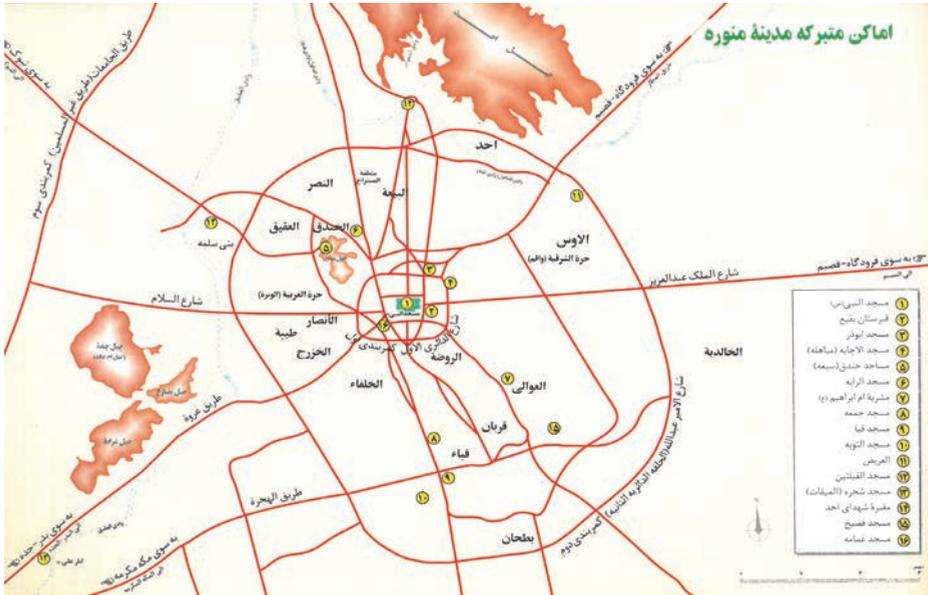
مسجد فتح



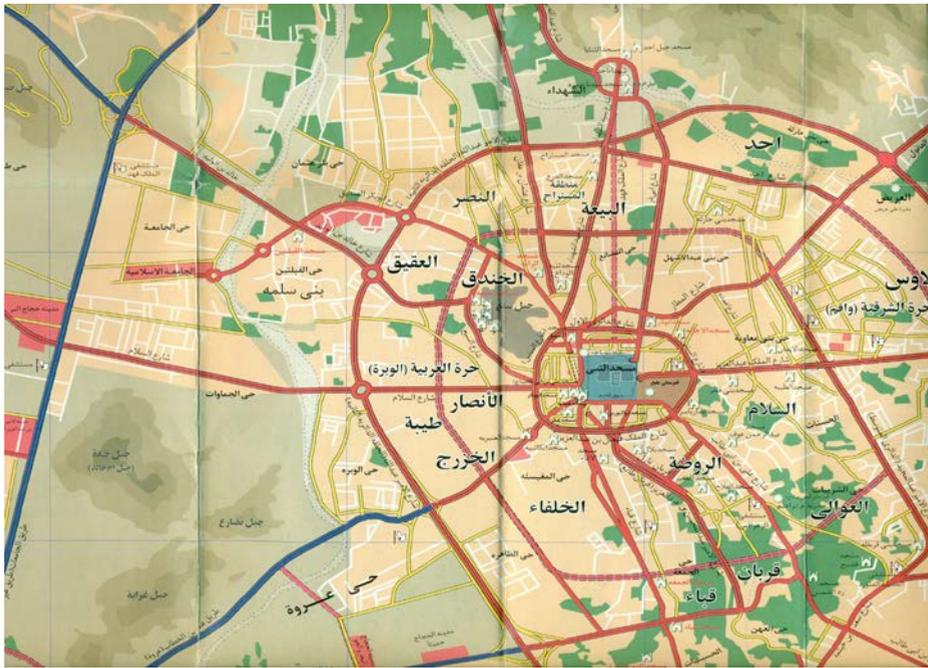
کوه و مزار شهدای احد



نقشه مشاعر و اماکن متبرکه مدینه منوره



نقشه مدینه







نویسنده کتاب، استاد محمد برفی در سال ۱۳۴۷ هـ.ش در طبس مسینا، یکی از شهرهای کهن خراسان جنوبی در خانواده‌ای روحانی چشم به جهان گشود. پدرش ملا شاه محمد فرزند ملاحاجی محمد فرزند ملا عبدالله شهب بجدی است که از اجداد گذشته ایشان ملا محمد ابن ملا شاه محمد ابن ملا محمد در هنگام مهاجرت به هرات و منطقه در میان، یک نسخه خطی قرآن در مسجد سفلی بجد (مسجد جامع فعلی) به تاریخ ۱۱۰۱ هـ ق به یادگار مانده است، جد اعلای خاندان ملاعمادالملک والدین شیخ محمود بجدی می‌باشد که مزار و

خانقاهش از قرن نهم هجری تا به امروز در طبس مسینا موجود است و جد پدری ایشان نیز از نسل عارف بزرگ خواجه احمد بسوی رحمة الله علیه می‌باشد که مدفن چند نسل متأخر آنان در شهر گزیک است و نسب مادر بزرگوار ایشان مرحومه هاجر خالقی فرزند ملا احمد (آخوند مظلوم) فرزند ملا عبدالخالق فرزند ملا عبدالغفور فرزند ملا صفر نیز به دو خانواده سلطان ابراهیم تیمور بخاری و آخوند ملا احمد کله لق رحمة الله علیهم منتهی می‌شود که مزار هر دو بزرگوار و فرزندانشان در در میان می‌باشد.

استاد تحصیلات دانشگاهی خود را تا مرحله کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی در دانشگاه علامه طباطبائی و دانشگاه آزاد واحد مرکز تهران گذرانده و همچنین تحصیلات حوزوی خود را تا خارج فقه و اصول در حوزه علمیه عین العلوم گشت سراوان، جامعه فاروقیه و دارالعلوم کراچی و حوزه علمیه اهل سنت زاهدان گذرانده است.

تا به حال در کنار تدریس، ده‌ها مقاله در مجلات، کنگره‌ها و روزنامه‌ها از ایشان چاپ شده است.

کتاب‌هایی که توسط ایشان به رشته تحریر در آمده عبارتند از:

- ۱- سیمای علی (رض) از منظر اهل سنت؛
- ۲- سیمای شیخین (رض) در آینه شعر فارسی؛
- ۳- سیمای علی (رض) در آینه شعر فارسی؛
- ۴- سیمای حسنین (رض) از منظر اهل سنت؛
- ۵- از میکده تا ماتمکده اعتیاد؛
- ۶- مجموعه مقالات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی؛
- ۷- فلسفه و احکام حج و عمره؛
- ۸- اذکار و ادعیه حج؛
- ۹- احکام و ادعیه عمره.